

بسم ارحم الراحمين

خداوند بزرگوارم و بزرگواران را در حق تعالی دست نازد

پسرانم و در روز رزقیت این را بر من فرستید و فرمودید بایستد نام خداوند را در روز رزقیت
روزه میباید رسید روز خداوند را در روز رزقیت اندر کاران شکر کنیم ۱۰ ساله قول من
به فرزندان انعام بفرمایید که تند در رعایت خود ندارد اگر آنان جذب
حضرات آئین ما بگویم در زمین نشوند در آینده گرفتار کسی خواهند شد که روح
اسم هر کس باشد من باز گویم اگر طلب انقباض در زمین طندار انقباضها کند
کارگزار در گذشته اند باید تمام قدر را نبرد که با این نقطه هم رسید آئین
بروشی دیدند که در این از غلط صفت چه فرزند ابراهیم در رعایت زد روشن از یک

سرمایه دوباره بنایید لازم شود و بگویم در حق تعالی دست نازد
۱۳۲۱/۷

نور علم

نشریه جامعه مدرسین

حوزه علمیه قم

شماره هفتم دوره سوم

شماره مسلسل - ۳۱

تیر - ۱۳۶۸

ذی‌قعدة - ۱۴۰۹

جولای - ۱۹۸۹

• مدیر مسئول: محمد یزدی

• درج مقالات:

تحت نظر هیأت تحریریه

• نشانی: قم میدان شهداء

خیابان بیمارستان نیش کوی

ادیب کد پستی: ۳۷۱۵۶

• صندوق پستی: ۵۹۶ -

۳۷۱۸۵

• تلفن: ۳۳۰۹۵

• حساب جاری: شماره

۸۰۰ بانک استان مرکزی

شعبه میدان شهدای قم

فهرست مطالب

۱- سرمقاله ۲

۲- وصیت‌نامه حضرت امام (قدس) ۱۰

۳- فهرستی از مطالب وصیت‌نامه حضرت امام (قدس) ۶۸

۴- غروب آفتاب ۷۴

سید مرتضی نجومی

۵- نجوم امت (زندگانی حضرت آیه‌الله العظمی حاج آقا روح‌الله

خمینی (ره) ۸۱

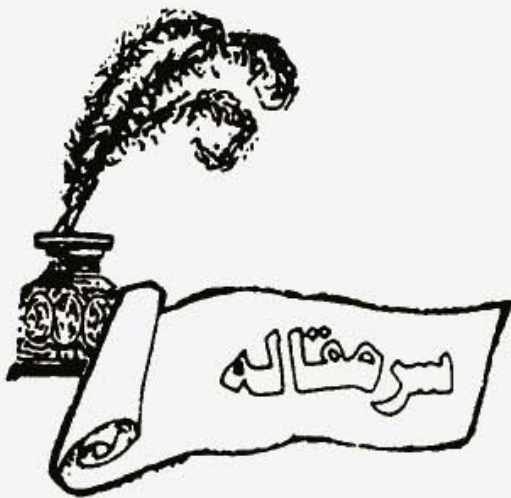
ناصر باقری بیخندی

۶- ابعاد گوناگون شخصیت امام ۱۴۲

دفتر مجله

نقل و اقتباس از این مجله با ذکر مأخذ آزاد است .

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



□ رحلت نائب امام زمان

عقربه ساعت ده و بیست و پنج دقیقه شب یکشنبه سیزده خرداد را نشان می داد که ضربان قلب انسانی که قلبهای میلیونها انسان به خاطر او می نپید به خاموشی گرائیده و بعد از هشتاد و نه سال و چهارماه حرکت نوظفنده و انقلاب آفرین از فعالیت ایستاد... روح خدا چون ندای ملکوتی بآیتها النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ شنید به ملکوت اعلی برکشید و در رضوان قرب الهی و حضرت سحانی

و بر سر بر صدق و عند ملیک مقتدر برخوان ابدیت نشست و در کنار کوثر مصطفی از زلال ظهور ولایت، متعم شد و همراه فرشتگان به نسیح ذات مقدس لایزالی مشغول گشت.

أَشْهَدُ أَنْكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَأَتَيْتَ الزَّكَاةَ وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ حَتَّىٰ أَتَيْكَ الْبَقِيْنَ.

درست است که او یک نفر بود اما چونان ابراهیم، یک امت بود و گوئی این روح از کالبد امت بیرون رفته و ضربان قلب امت باز ایستاده است، امت هستی خود را از دست داده بود و کسی که

هستی خود را از دست بدهد چه خواهد کرد؟

شیون مردم بلند شد لرزه به اندام آنان افتاد، اندوه تمام وجودشان را فرا گرفت چه شده است آیا زلزله‌ای خانه‌هایشان را خراب کرده، فرزندان دلبندهشان را از آغوش آنان گرفته و با زخمی بر بدنشان وارد کرده؟

نه، نه هیچکدام اینها نیست، آنان خورشید هدایت، امام، پیشوا و در یک کلمه دار و ندار و هستی خود را از دست رفته دیدند.

بیاد داریم که چه بکشنه‌ای به سرما گذشت، چه هراسی وجودمان را فرا گرفته بود چگونه به سروصورت می‌گوییدیم و احساس غربت و یتیمی می‌کردیم آرزو می‌نمودیم که ای کاش می‌مردیم و چنین روزی را نمی‌دیدیم فکر هر اتفاقی را می‌کردیم ولی چنین روزی را نمی‌توانستیم تصور کنیم.

او در حالی به بهشت رضوان پرکشید که اسلام را دوباره به عنوان یک فرهنگ انسانی قابل اتکا در تمام دوران تاریخ معرفی نمود و اسلام ناب را آنگونه که

در صدر اسلام بود به جهانیان نمایاند و این قرن را، قرن غلبه مستضعفان بر مستکبران و حق بر باطل نامید.

واقعیت این است که هراس و اندوه امت قابل اندازه‌گیری نبود فقط می‌توان گفت که این مردم هرگز در غم سوگ از دست دادن کسی این چنین نگریستند و این چنین در تب و تاب از دست رفتن فردی، بر سر روی خویش نکوبیدند.

مردم عاشق بودند، عارف امامشان بودند کسی که به آنان عزت بخشید و سربلندی برایشان به ارمغان آورد، آنها را از تاریکی به نور حقیقت هدایت کرد، از طاغوتشان رهانید، از زنجیرهای بردگی ذلت‌آزادشان ساخت، دنیای معنویت را به رویشان گشود، القبا و مفهوم انسابت را به آنان تعلیم داده و خوب بودن و خوب زیستن و روی عقیده زندگی کردن را بخوبی تفسیر کرد.

□ حضور مردم بشتوانه پیروزی و تداوم انقلاب

آنانی که امید داشتند روزی را ببینند که مردم خسته و کوفته، به کنجی

خزیده و با از دست دادن امام و مقتدای خود، از صحنه خارج شده و میدان را برای غارتگران غربی و یا شرقی خالی کنند، با دیدن آن دریای خروشان و جوشان چندین میلیونی مردم عزادار و مؤمن، بکبار دیگر بر باطل بودن افکار و تحلیل‌های سخیف خود پی برده و بر عظمت وجود ارزش‌های اسلام و انقلاب در قلوب مردم اقرار نمودند.

ابنها مردم را چه دیده‌اند آیا فراموش کرده‌اند که چگونه در دفاع از نظامشان در اوج فشارهای سیاسی و اقتصادی و با آن هجوم تبلیغاتی استکبار جهانی، چگونه روزهای قدس با زبان روزه خبیانانها را پرمی‌کردند اگر آن روزها را فراموش کردند، اینک در رحلت امامشان دیدند زیرا تشییع پیکر مطهر امام همچون استقبال از حضرتش در روز پنج‌شنبه ۱۲ بهمن ۵۷ مشخصه خاص خود را داشت و آن شرکت چندین میلیونی مردم از سراسر ایران و حتی از دیگر ممالک در آن بود.

□ انتخاب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای

یکی از مهمترین وزیربنائی‌ترین

رهنمودهای امام (رضوان‌الله‌علیه) از آغاز نهضت اسلامی و در طول دوران پرشور انقلاب و تا آخرین لحظات عمر مبارکشان وحدت کلمه بود و با جرأت می‌توان گفت که از شاخص‌ترین خصوصیات معظم له توصیه به وحدت تمام افشار این ملت الهی بود، امام (فدیه) در تمام این سالها در عین توجه داشتن به اختلاف سلیقه‌ها همیشه نصیحت می‌کردند که همه باید کینه و خط بازی و فرصت‌طلبی سیاسی را کنار گذاشته و در راه حفظ اسلام و نظام مقدس جمهوری اسلامی تلاش نمایند گرچه اختلاف فکری هم وجود داشته باشد.

و این رهنمود و توصیه مبارک امام نسبت به وحدت کلمه اکنون بیش از هر چیز، ستون عمده موفقیت و کامیابی نظام جمهوری اسلامی محسوب می‌شود و بحمدالله نمود عینی آن را در انتخاب رهبر جدید و سپس در بیعت کامل و صادقانه با معظم له متجلی دیدیم که مقامات و مسئولین مملکتی طی نمایش واقعی از وحدت کلمه، بیعت و اطاعت خود را با رهبری جدید نظام اعلام

داشتند.

البته در کنار این انتخاب میمون و مبارک که حاکی از صفا و صمیمیت تمام دست اندرکاران نظام مقدس است سرعت عمل خیرگان، این برگزیدگان مردم - که نور اجتهاد و ایمان و انسجام و دل سوختگی بر نازکشان می درخشد - را باید به آنان تبریک گفت که با انتخاب چهره‌ای درخشان در کونا‌هترین زمان، مرحمی به دل داغ‌دیده امت اسلامی گذاشتند و با این سرعت و دقت خود، علاوه بر آرامش عمومی داخلی، موجب تثبیت پایه‌های محکم نظام در سطح بین‌المللی نیز گردیدند و اینک حضرت آیت‌الله خامنه‌ای که سالهای متمادی از شایسته‌ترین شاگردان امام بوده و در فقه و فقه‌هاست به مرتبه عالی رسیده و بیش از انقلاب نیز با روحیه ظلم‌سنیزی خود با طاغوت درافتاده و چهره مردمی بودن را با تمام وجود تجربه کرده، رهبری این نظام و انقلاب را بدست گرفته است او چهره‌ای است متدین، محبوب، مجتهد، مدبر و مدبر، دلسوز اسلام و انقلاب و مردم، فداکار و ایثارگر، جانباز انقلاب و

در یک کلام خار چشم منافقان کوردل

و مستکبران و فرصت‌طلبان و مخالفان انقلاب اسلامی، انتخاب چنین شخصیتی با آن سرعت و دقت وزمانی که ضد انقلاب آن را برای خود فرصت‌طلایی می‌شمرد از شایسته‌ترین کارهای خیرگان است که مردم باید آن را ارج نهاده و به داشتن چنین نمایندگان خیره‌ای بر خود ببالند. البته این همه برکت و خیر از آنجا سرچشمه می‌گیرد که ما در انتخاب خیرگانی چنین شایسته که نقش اساسی در تحکیم نظام به عهده آنان است، دقت نمودیم و افرادی متمهد و عالم به امور زمان را انتخاب کردیم. امید است که در دوره‌های بعدی انتخابات خیرگان نیز چنین دقت و حساسیتی را مدنظر داشته باشیم.

□ دومین امتحان

اولین انتخابات بعد از امام عزیزمان را در پیش رو داریم و این دومین امتحان است برای مردم شریف و با فرهنگ ایران اسلامی. در اولین امتحان که انتخاب

رهبری نظام بود. بیروزمندانانه موانع را پشت سر گذاشته و ورق‌های زرین بر تاریخ انقلاب اسلامی افزودیم و اینک باید خود را برای دومین آزمایش آماده کنیم. با شرکت گسترده و همه‌جانبه در انتخابات ریاست جمهوری و متمم قانون اساسی، این نکته را به همه جهانیان بفهمانیم که الگوهائی ماورای تمام الگوها در ایران اسلامی حاکم است و از دست دادن شخصیت والائی و لو در مقام رهبریت، این ملت را از مسیر خود خارج نمی‌کند و مردم طبق این روشها قدم به صراط مستقیم الهی و تکامل معنوی و ترقی دنیوی گذاشته‌اند، اینها ببینند که این امت اسلامی چگونه در فقدان رهبر کبیر انقلاب، عظمت خود را حفظ کرده و برخلاف دیگر ممالک که در چنین دورانی اغتشاشات و کودتاها می‌در پی، نظام حکومتی آنان را فلج می‌کند، ارتحال رهبری نظیری را با تحملی بس قابل تقدیر، پشت سر گذاشت و بدون تزلزل و اضطراب بسوی آینده روشن و امیدبخش خود که همانا بیداری ملتها از خواب غفلت و فرار

دادن آنان در برابر استکبار جهانی است، بیش می‌رود به امید روزی که تمام ارزشهای قرآنی در سایه فرهنگ و ولایت اهل بیت عصمت و حکومت برحق در جامعه پیاده شده و افتخاری بر افتخارات امت اسلامی در پیشگاه خداوند متعال بیفزائیم.

□ نامزد جامعه مدرسین در انتخابات ریاست جمهوری

جامعه مدرسین حوزه علمیه قم با توجه به اینکه حضرت حجة الاسلام جناب آقای هاشمی رفسنجانی از یاران صدیق حضرت امام (قده) و رهبری معظم بوده و همیشه از خط فقاقت و ولایت پشتیبانی نموده و در دوران برحادثه انقلاب، شایستگی و فداکاری خود را به انحاء مختلف ثابت کرده و توان خود را در راه تثبیت آرمانهای نظام مقدس جمهوری اسلامی به اثبات رسانده است، از انتخاب ایشان برای پنجمین دوره ریاست جمهوری دفاع کرده و پشتیبانی خود را از این امر مبارک اعلام میدارد.

□ نماینده مردم یا گزیده دشمن

در وضعیتی که نظام جمهوری اسلامی بعد از رحلت بنیانگذار خود، یکی از حساس ترین لحظات خود را سپری می کند و در لحظاتی که بیشتر از هر موقع دیگر تمام اقشار مردم باید در تحکیم بنیانهای حکومت اسلامی در برابر ضدانقلاب و استکبار جهانی، کوشا باشند و هیچ قلم و قدم و دهنی، بدون در نظر گرفتن مصالح نظام، به حرکت در نیامده و سخنی نگوید، سخنان قبل از دستور نماینده مستعفی کرج با چنان منطقی کور و برداشتی غلط و توهینی آشکار، تعجب همه را برانگیخت، راستی او نماینده مردم بود یا نفوذی اجانب؟

آیا در این مملکت، حزب الله زمینه و امنیت برای فعالیت ندارد که ایشان مدعی آن بودند و یا دشمنان این نظام چنین زمینه و امنیت ندارند؟

آیا استکبار جهانی و دست پرورده های چپ و راست آنها از آینده سیاسی کشور، نگرانی شدید دارند و از برخی از تفسیرات قانون اساسی

واهمه دارند با مردم در صحنه و انقلابی ایران؟

آیا براستی چه کسی در مورد حاکمیت انهام دارد؟ مردم یا ضد انقلاب، حزب الله یا منافقین؟ و در یک کلمه مردم حاضر در صحنه و با دشمنان انقلاب؟

آیا از یک نماینده مجلس این توقع هست که بگوید انگیزه ای برای خدمت به مردم ندارد؟ البته از آقای شرع پسند ممکن است زیرا ما این احتمال را فویاً تقویت می کنیم که این شخص از اول از گروهکهای نفوذی اجانب و گرگی بود که به لباس میش درآمده و الآن هم برای برهم زدن الفت اجتماعی موجود این گونه عمل می کند.

بدین جهت از شورای عالی قضائی و برادران و خواهران عزیز نماینده مصرأ خواستاریم که به قبول استعفا ی این عنصر ناپاک قناعت نکرده و این عنصر مرموز را که قاعده وابسته به خط و خطوطی است، بسه خاطر افتراء به مردم و توهین به نظام مقدس جمهوری اسلامی به پشت میز محاکمه بکشانند.

تذکر:

وصیت نامه امام خمینی (اعلی الله کلمته) دیگر بار سندی زنده و برگزی زین بر اوراق
پر افتخار تاریخ شیعه افزود ، وصیت نامه حاصل حیات و عماره اندیشه را دمــــسرد
وارستهای استکه در نزدیک به یک قرن زندگی درخشان خویش ، جز رضای خدا و احیای
دین محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله) مقصد و مقصودی نداشت .

این تتمه التحریر و تکملة العروة لقیه فرزانه‌ای است که با تدریس و تحقیق و تحریر
خویش ، لحظه‌ای در احیاء و گسترش فقه جعفری (ع) و اسلام ناب محمدی (ص) در ابعاد
فردی و اجتماعی آن درنگ ننمود .

این سعادت نامه و مصباح الهادی پیر و مرادی است که در طول حیات ، شمع وجود
خویش را فرا راه سعادت بشریت افروخت و برای آیندگان نیز صحنه ای پراز نور و هدایت
به ودیعت نهاد .

اگر چه این وصیت نامه در همین مدت کوتاه بارها به چاپ رسیده و احیاناً تا انتشار
این مجله نیز مکرراً تجدید چاپ خواهد شد ، ولی جا دارد که این وصایای گرانقدر باز
هم به اشکال گوناگون و زمانهای مختلف عرضه گردد تا هرچه بهتر و بیشتر در دسترس
ارادتمندان و رهجویان معظم له قرار گیرد . از آنجا که این نشریه همیشه بر آن بوده
تا بهر روی راستین و رهروی صادق در مسیر اهداف بلند آن امام بزرگوار (قدس سره العزیز)
باشد ، به نشانه وفاداری به آرمانهای معظم له و تأکید دوباره بر پیگیری بیش از پیش
آن اهداف اقدام به نشر آن می‌نماید .

علاوه بر آنکه این مجموعه بر ارزش به دلایل شمول و گستردگی خاص آن بسان دریا پستی
است که بر گرفتن گوهرهای ناب آن نیاز به نقشه و راهنمای دقیق دارد از این رو بر آن
شعیم که فهرستی از رؤس مطالب آن تهیه نمائیم تا بهره گیری هرچه بیشتر از مضامین
آن را سرعت بخشد لازم به ذکر است که در انتخاب عناوین و فهرستها سعی ما بر آن
بوده است که تا حد امکان عین جملات معظم له برگزیده شود و در مواردی نیز بنا به
ضرورت عباراتی ذکر شده که دقیقاً منتقل کنند همان نقطه نظرات ایشان است .

ضمناً در نسخه های چاپ شده از وصیت نامه بعضاً اشتباهاتی به چشم می‌خورد که
دست اندرکاران مجله با دقت و حوصله بسیار به مقابله متن با دست خط مبارک ایشان
پرداخته تا نسخه ای هرچه صحیح تر و دقیق تر را خدمت شما عزیزان عرضه بدارند .

وصیت نامه

سیاسی الهی

حضرت امام (ره)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: أتى تارك فيكم الثقلين كتاب
الله وعترتي أهل بيتي فأئهما لن يفترقا حتى يردا عليّ الحوض.
الحمد لله وسبحانك اللهم صلّ على محمد وآله مظاهر جمالك وجلالك
وخزائن أسرار كتابك الذي تجلّى فيه الاحدية بجميع أسمائك حتى المستأثر
منها الذي لا يعلمه غيرك واللن على ظالميهم أصل الشجرة الخبيثة.

[شتمه ای کوتاه در باب ثقلین]

وبعد اینجانب مناسب می دانم که شتمه ای کوتاه و فاصر در باب ثقلین تذکر دهم، نه از
حیث مقامات غیبی و معنوی و عرفانی که قلم مثل منی عاجز است از جسارت در
مرتبه ای که عرفان آن بر تمام دایره وجود از ملک تا ملکوت اعلی و از آنجا تا لاهوت و
آنچه در فهم من و توانید سنگین و تحمل آن فوق طاقت، اگر نگویم تمتع است. و نه
از آنچه بر بشریت گذشته است از مهجور بودن از حقایق مقام والای ثقل اکبر و ثقل کبیر
که از هر چیز اکبر است جز ثقل اکبر که اکبر مطلق است و نه از آنچه گذشته است بر
این دو ثقل از دشمنان خدا و طاغوتیان بازگر که شمارش آن برای مثل منی میسر نیست
با قصور اطلاع و وقت محدود، بلکه مناسب دیدم اشاره ای گذرا و بسیار کوتاه از آنچه بر
این دو ثقل گذشته است بنمایم.

شاید جمله لن يفترقا حتى يردا عليّ الحوض اشاره باشد بر اینکه بعد از وجود مقدس
رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم هر چه بر یکی از این دو گذشته است بر دیگری گذشته

معنای لن يفترقا ... در حدیث
ثقلین

است و مهجوریت هر يك مهجوریت دیگری است تا آنگاه که این دو مهجور بر رسول خدا در حوض وارد شوند. و آیا این حوض مقام اتصال کثرت به وحدت است و اضمحلال فطرات در دریا است یا چیز دیگر که به عقل و عرفان بشر راهی ندارد! و باید گفت آن ستمی که از طاغوتیان بر این دو ودیعه رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم گذشته بر امت مسلمان بلکه بر بشریت گذشته است که قلم از آن عاجز است.

حدیث نقلین حجت قاطع بر
جمع بشر

و ذکر این نکته لازم است که حدیث نقلین متواتر بین جمیع مسلمین است و کتب اهل سنت از صحاح ششگانه تا کتب دیگر آنان با الفاظ مختلفه و موارد مکرره از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به طور متواتر نقل شده است و این حدیث شریف حجت قاطع است بر جمیع بشر بویژه مسلمانان مذاهب مختلف و باید همه مسلمانان که حجت بر آنان تمام است جوابگوی آن باشند و اگر عذری برای جاهلان بی خبر باشد برای علمای مذاهب نیست.

اکنون ببینیم چه گذشته است بر کتاب خدا این ودیعه الهی و ماترک پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم.

مسائل اُسف انگیزی
شهادت علی (ع)

مسائل اُسف انگیزی که باید برای آن خون گریه کرد، پس از شهادت حضرت علی (ع) شروع شد. خودخواهان و طاغوتیان، قرآن کریم را وسیله ای کردند برای حکومتهای ضدقرآنی و مفسران حقیقی قرآن و آشنایان به حقایق را که سراسر قرآن را از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دریافت کرده بودند و ندای اُئی تارک فیکم الثقلان در گوششان بود با بهانه های مختلف و توطئه های از پیش تهیه شده آنان را عقب زده و با قرآن، درحقیقت قرآن را که برای بشریت تا ورود به حوض، بزرگترین دستور زندگی مادی و معنوی بود و هست از صحنه خارج کردند و بر حکومت عدل الهی که یکی از آرمانهای این کتاب مقدس بوده و هست خط بطلان کشیدند و انحراف از دین خدا و کتاب و سنت الهی را پایه گذاری کردند تا کار به جایی رسید که قلم از شرح آن شرمسار است.

خارج نمودن قرآن از صحنه
سیاست و زندگی مسلمین

و هر چه این بنیان کج به جلو آمد کجی ها و انحرافها افزون شد تا آنجا که قرآن کریم را که برای رشد جهانیان و نقطه جمع همه مسلمانان بلکه عاتله بشری از مقام شامخ احدیت به کشف تام محمدی (ص) تنزل کرد که بشریت را به آنچه باید برسند، برساند و این ولیده علم الأسماء را از شر شیاطین و طاغوتها رها سازد و جهان را به قسط و عدل برساند و حکومت را به دست اولیاء الله، محصومین علیهم صلوات الأولین و الآخین، بسپارد تا آنان به هر که صلاح بشریت است بسپارند، چنان از صحنه خارج نمودند که گوئی نقشی برای هدایت ندارد و کار به جایی رسید که نقش قرآن به دست حکومتهای جانر و آخوندیهای خبیث بدتر از طاغوتیان وسیله ای برای اقامه جور و فساد و توجیه ستمگران و معاندان حق تعالی شد و مع الأسف به دست دشمنان نوطنه گر و دوستان

جاهل، قرآن این کتاب سرنوشت‌ساز، نقشی جز در گورستانها و مجالس مُردگان نداشت و ندارد و آنکه باید وسیله جمع مسلمانان و بشریت و کتاب زندگی آنان باشد، وسیله تفرقه و اختلاف گردید و یا به کلی از صحنه خارج شد، که دیدیم اگر کسی دم از حکومت اسلامی برمی آورد و از سیاست که نقش بزرگ اسلام و رسول بزرگوار صلی الله علیه و آله و سلم و قرآن و سنت مشحون آن است سخن می گفت گوئی بزرگترین معصیت را مرتکب شده و کلمه آخوند سیاسی موازن با آخوند بی دین شده بود و اکنون نیز هست.

و اخیراً قدرتهای شیطانی بزرگ به وسیله حکومتهای منحرف خارج از تعلیمات اسلامی که خود را به دروغ به اسلام بسته اند برای محو قرآن و تثبیت مقاصد شیطانی ابرقدرتها، قرآن را باخط زیباطبع می کنند و به اطراف می فرستند و با این حيله شیطانی قرآن را از صحنه خارج می کنند. ما همه دیدیم قرآنی را که محمدرضا خان پهلوی طبع کرد و عده ای را اغفال کرد و بعضی آخوندهای بی خبر از مقاصد اسلامی هم مداح او بودند و می بینیم که ملک فهد هر سال مقدار زیادی از ثروتهای بی پایان مردم را صرف طبع قرآن کریم و مجال تبلیغات مذهب ضد قرآنی می کند و وهابیت این مذهب سرپای بی اساس و خرافاتی را ترویج می کند و مردم و ملت های غافل را سوق به سوی ابرقدرتها می دهد و از اسلام عزیز و قرآن کریم برای هدم اسلام و قرآن بهره برداری می کند.

ما مفتخریم و ملت عزیز سرپایا متعهد به اسلام و قرآن مفتخر است که پیرو مذهبی است که می خواهد حقایق قرآنی که سراسر آن از وحدت بین مسلمین بلکه بشریت دم میزند، از مقبره ها و گورستانها نجات داده و به عنوان بزرگترین نسخه نجات دهنده بشر از جمیع قیودی که بر پای و دست و قلب و عقل او پیچیده است و او را به سوی فنا و نیستی و بردگی و بندگی طاغوتیان می کشاند، نجات دهد. و ما مفتخریم که پیرو مذهبی هستیم که رسول خدا مؤسس آن به امر خداوند تعالی بوده و امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب این بنده رها شده از تمام قیود، مأمورها کردن بشر از تمام اغلال و بردگیها است.

ما مفتخریم که کتاب نهج البلاغه که بعد از قرآن بزرگترین دستور زندگی مادی و معنوی و بالاترین کتاب رهائی بخش بشر است و دستورات معنوی و حکومتی آن بالاترین راه نجات است، از امام معصوم ما است.

ما مفتخریم که ائمه معصومین از علی بن ابی طالب گرفته تا منجی بشر حضرت مهدی صاحب زمان علیهم آلف التحیات والسلام که به قدرت خداوند قادر زنده و ناظر امور است ائمه ما هستند.

ما مفتخریم که ادعیه حیات بخش که او را قرآن صاعد می خوانند از ائمه معصومین

قدرتهای شیطانی و توطئه برای محو قرآن

قرآن منادی وحدت و بزرگترین نسخه نجات دهنده بشر

نهج البلاغه بزرگترین دستور زندگی مادی و معنوی پس از قرآن

انتخابه ادعیه حیات بخش

ما است. ما به مناجات شعبانیه امامان و دعای عرفات حسین بن علی علیهما السلام و صحیفه سجادیه ابن زبیر آل محمد و صحیفه فاطمیه که کتاب الهام شده از جانب خداوند تعالی به زهرای مرضیه است از ما است.

ما مفتخریم که باقرالمومن بالاترین شخصیت تاریخ است و کسی جز خدای تعالی و رسول صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام، مقام او را درک نکرده و نتوانند درک کرد، از ما است.

و ما مفتخریم که مذهب ما جعفری است که فقه ما که دریای بی پایان است یکی از آثار اوست و ما مفتخریم به همه ائمه معصومین علیهم صلوات الله و متعهد به پیروی آنانیم.

ما مفتخریم که ائمه معصومین ما صلوات الله و سلامه علیهم در راه تعالی دین اسلام و در راه پیاده کردن قرآن کریم که تشکیل حکومت عدل یکی از ابعاد آن است در حبس و تبعید به سر برده و عاقبت در راه براندازی حکومت‌های جائزانه و طاغوتیان زمان خود شهید شدند. و ما امروز مفتخریم که می خواهیم مقاصد قرآن و سنت را پیاده کنیم و اقشار مختلفه ملت ما در این راه بزرگ سرنوشت ساز سرازیرا شناخته جان و مال و عزیزان خود را نثار راه خدا می کنند.

ما مفتخریم که بانوان و زنان پیر و جوان و خرد و کلان در صحنه های فرهنگی و اقتصادی و نظامی حاضر و همدوش مردان یا بهتر از آنان در راه تعالی اسلام و مقاصد قرآن کریم فعالیت دارند. و آنان که توان جنگ دارند در آموزش نظامی که برای دفاع از اسلام و کشور اسلامی از واجبات مهم است شرکت و از محرومیت‌هایی که نوطه دشمنان و ناآشنائی دوستان از احکام اسلام و قرآن بر آنها بلکه بر اسلام و مسلمانان تحمیل نمودند، شجاعانه و متعهدانه خود را رها کرده و از قید خرافاتی که دشمنان برای منافع خود به دست نادانان و بعضی آخوند‌های بی اطلاع از مصالح مسلمین به وجود آورده بودند خارج نموده اند. و آنان که توان جنگ ندارند در خدمت پشت جبهه به نحو ارزشمندی که دل ملت را از شوق و شغف به لرزه درمی آورد و دل دشمنان و جاهلان بدتر از دشمنان را از خشم و غضب می لرزاند اشتغال دارند. و ما مکرر دیدیم که زنان بزرگواری زینب گونه علیها سلام الله فریاد می زنند که فرزندان خود را از دست داده و در راه خدای تعالی و اسلام عزیز از همه چیز خود گذشته و مفتخرند به این امر و می دانند آنچه به دست آورده اند بالاتر از جنات نعیم است چه رسد به متاع ناچیز دنیا، و ملت ما بلکه ملت‌های اسلامی و مستضعفان جهان مفتخرند به اینکه دشمنان آنان که دشمنان خدای بزرگ و قرآن کریم و اسلام عزیزند درندگانی هستند که از هیچ جنایت و خیانتی برای مقاصد شوم جنایتکارانه خود دست نمی کشند و برای رسیدن به ریاست و مطامع

ائمه معصومین (ع) و تحمل حبس و شهادت در راه تعالی اسلام و تشکیل حکومت عدل

افتخار به بانوان فداکار ایران

بست خود دوست و دشمن را نمی‌شناسند و در رأس آنان آمریکا این ترورست بالذات دولتی است که سرتاسر جهان را به آتش کشیده و هم پیمان او صهیونیست جهانی است که برای رسیدن به مطامع خود جنایاتی مرتکب می‌شود که قلم‌ها از نوشتن و زبانها از گفتن آن شرم دارند و خیال ابلهانه اسرائیل بزرگ، آنان را به هر جنایتی می‌کشاند. و ملت‌های اسلامی و مستضعفان جهان مفتخرند که دشمنان آنها حسین اردنی این جنایت‌پیشه دوره‌گرد، و حسن و حسنی مبارک هم‌آخور با اسرائیل جنایتکارند و در راه خدمت به آمریکا و اسرائیل از هیچ خیانتی به ملت‌های خود روی گردان نیستند. و ما مفتخریم که دشمن ما صدام علفی است که دوست و دشمن او را به جنایت‌کاری و نقض حقوق بین‌المللی و حقوق بشر می‌شناسند و همه می‌دانند که خیانتکاری او به ملت مظلوم عراق و شیخ‌نشینان خلیج، کمتر از خیانت به ملت ایران باشد و ما ملت‌های مظلوم دنیا مفتخریم که رسانه‌های گروهی و دستگاه‌های تبلیغاتی جهانی، ما و همه مظلومان جهان را به هر جنایت و خیانتی که ابرقدرت‌های جنایتکار دستور می‌دهند متهم می‌کنند.

کدام افتخار بالاتر و والاتر از اینکه آمریکا با همه ادعاهایش و همه سازوبرگهای جنگیش و آن همه دولت‌های سرسپرده‌اش و به دست داشتن ثروت‌های بی‌پایان ملت‌های مظلوم عقب‌افتاده و در دست داشتن تمام رسانه‌های گروهی در مقابل ملت غیور ایران و کشور حضرت بقیة الله ارواحنا لمقدمه الفداء آن چنان وامانده و رسوا شده است که نمی‌داند به که متوسل شود و روبه هر کس می‌کند جواب رد می‌شود و این نیست جز به مدد‌های غیبی حضرت باری تعالی جلّت عظمته که ملت‌ها را بویژه ملت ایران اسلامی را بیدار نموده و از ظلمات ستمشاهی به نور اسلام هدایت نمود.

من اکنون به ملت‌های شریف ستمدیده و به ملت عزیز ایران توصیه می‌کنم که از این راه مستقیم الهی که نه به شرق ملحد و نه به غرب ستمگر کافر وابسته است بلکه به صراطی که خداوند به آنها نصیب فرموده است محکم و استوار و متعهد و پایدار پای‌بند بوده و لحظه‌ای از شکر این نعمت غفلت نکرده و دست‌های ناپاک عمال ابرقدرت‌ها چه عمال خارجی و چه عمال داخلی بدتر از خارجی تزلزل در نیت پاك و اراده آهنین آنان رخه نکنند و بدانند که هر چه رسانه‌های گروهی عالم و قدرت‌های شیطانی غرب و شرق اُشْتَمُّم می‌زنند دلیل بر قدرت الهی آنان است و خداوند بزرگ سزای آنان را هم در این عالم و هم در عوالم دیگر خواهد داد إِنَّهُ وَلِيُّ الْيَتِيمِ و بیده ملکوت کلّ شیء و با کمال جد و عجز از ملت‌های مسلمان می‌خواهم که از ائمه اطهار و فرهنگ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی این بزرگ راه‌نمایان عالم بشریت به طور شایسته و به جان و دل و جان‌فشانی و نثار عزیزان پیروی کنند. از آن جمله دست از فقه سنتی که بیان گر مکتب

آمریکا و درماندگی در مقابل ملت ایران و کشور حضرت بقیة الله

فقه سنتی و احکام اولیه و ثانویه

نماز جمعه و جماعات

عزاداری ائمه اطهار(ع)

رسالت و امامت است و ضامن رشد و عظمت ملتها است چه احکام اولیه و چه ثانویه که هر دو مکتب فقه اسلامی است، ذره‌ای منحرف نشوند و به وسواس خناسان معاند با حق و مذهب گوش فرا ندهند و بدانند قدمی انحرافی مقدمه سقوط مذهب و احکام اسلامی و حکومت عدل الهی است و از آن جمله از نماز جمعه و جماعت که بیانگر سیاسی نماز است هرگز غفلت نکنند که این نماز جمعه از بزرگترین عنایات حق تعالی بر جمهوری اسلامی ایران است و از آن جمله مراسم عزاداری ائمه اطهار و بویژه سید مظلومان و سرور شهیدان حضرت ابی عبدالله الحسین صلوات وافر الهی و انبیاء و ملائکه الله و صلحاء بر روح بزرگ حماسی اوباد هیچگاه غفلت نکنند.

و بدانند آنچه دستور ائمه علیهم السلام برای بزرگداشت این حماسه تاریخی اسلام است و آنچه لعن و نفرین بر ستمگران آل بیت است تمام فریاد قهرمانان [نا] نه ملتها است بر سرمداران ستم‌پیشه در طول تاریخ الی الابد. و می‌دانید که لعن و نفرین و فریاد از بیداد بنی امیه لعنت الله علیهم با آن که آنان متفرض و به جهنم رهسپار شده‌اند فریاد بر سر ستمگران جهان و زنده‌نگهداشتن این فریاد ستم شکن است. و لازم است در نوحه‌ها و اشعار مرثیه و اشعار نای از ائمه حق علیهم السلام الله به طور کوبنده فجاج و ستمگریهای ستمگران هر عصر و مصر یادآوری شود و در این عصر که عصر مظلومیت جهان اسلام به دست امریکا و شوروی و سایر وابستگان به آنان و از آن جمله آل سعود این خائنین به حرم بزرگ الهی لعنت الله و ملائکه و رسله علیهم است به طور کوبنده یادآوری و لعن و نفرین شود. و همه باید بدانیم که آنچه موجب وحدت بین مسلمین است این مراسم سیاسی است که حافظ ملیت مسلمین بویژه شیعیان ائمه اثنی عشر علیهم صلوات الله وسلم.

وصیت سیاسی الهی توصیه‌ای به
جمعیت ملل اسلامی و مظلومان جهان

و آنچه لازم است تذکر دهم آن است که وصیت سیاسی الهی این جانب اختصاصی به ملت عظیم الشأن ایران ندارد بلکه توصیه به جمعیت ملل اسلامی و مظلومان جهان از هر ملت و مذهب می‌باشد.

از خداوند عزوجل عاجزانه خواهاتم که لحظه‌ای ما و ملت ما را به خود واگذار نکند و از عنایات غیبی خود به این فرزندان اسلام و رزمندگان عزیز لحظه‌ای دریغ نفرماید.

روح الله الموسوی الخمینی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

[اهمیت انقلاب شکوهمند اسلامی]

اهمیت انقلاب شکوهمند اسلامی که دستاورد میلیونها انسان ارزشمند و هزاران شهید جاوید آن و آسیب دیدگان عزیز، این شهیدان زنده است و مورد امید میلیونها مسلمانان و مستضعفان جهان است به قدری است که ارزیابی آن از عهده قلم و بیان والاتر و برتر است، اینجانب روح الله موسوی خمینی که از کرم عظیم خداوند متعال با همه خطایا مأیوس نیستم و زادراه پرخطر هم‌ان دل‌بستگی به کرم کریم مطلق است به عنوان يك نفر طلبه حقیر که همچون دیگر برادران ایمانی امید به این انقلاب و بقاء دستاوردهای آن و به ثمر رسیدن هر چه بیشتر آن دارم به عنوان وصیت به نسل حاضر و نسل های عزیز آینده مطالبی هرچند تکراری عرض می‌نمایم و از خداوند بخشاینده می‌خواهم که خلوص نیت در این تذکرات عنایت فرماید.

[انقلاب اسلامی ایران یک تحفه الهی و هدیه غیبی]

۱ - ما می‌دانیم که این انقلاب بزرگ که دست جهان‌خواران و ستمگران را از ایران بزرگ کوتاه کرد با تأییدات غیبی الهی پیروز

گردد. اگر نبود دست توانای خداوند امکان نداشت یک جمعیت سی و شش میلیونی با آن تبلیغات ضد اسلامی و ضد روحانی مخصوص در این صد سال اخیر و با آن تفرقه افکنیهای بی حساب قلم داران و زبان مردان در مطبوعات و سخنرانیها و مجالس و محافل ضد اسلامی و ضد ملی به صورت ملیت و آن همه شعرها و بذله گوئیها و آن همه مراکز عیاشی و فحشاء و قمار و مسکرات و مواد مخدره که همه و همه برای کشیدن نسل جوان فعال که باید در راه پیشرفت و تعالی و ترقی میهن عزیز خود فعالیت نمایند به فساد و بی تفاوتی در پیشامدهای خائنانه که به دست شاه فاسد و پدر بی فرهنگش و دولتها و مجالس فرمایشی که از طرف سفارتخانه های قدرتمندان بر ملت تحمیل می شد و از همه بدتر وضع دانشگاهها و دبیرستانها و مراکز آموزشی که مقدرات کشور به دست آنان سپرده می شد با به کار گرفتن معلمان و استادان غرب زده یا شرق زده صد درصد مخالف اسلام و فرهنگ اسلامی بلکه ملی صحیح با نام ملیت و ملی گرایی گرچه در بین آنان مردانی متمهد و دلسوز بودند لکن با اقلیت فاحش آنان و در تنگنا قرار دادنشان کار مثبتی نمی توانستند انجام دهند و با این همه و دهها مسائل دیگر از آن جمله به انزوا و عزلت کشیدن روحانیان و با قدرت تبلیغات به انحراف فکری کشیدن بسیاری از آنان، ممکن نبود این ملت با این وضعیت یکپارچه قیام کنند و در سرتاسر کشور با ایدۀ واحد و فریاد الله اکبر و فداکاریهای حیرت آور و معجزه آسا تمام قدرتهای داخل و خارج را کنار زده و خود مقدرات کشور را به دست گیرد. بنابراین شك نباید کرد که انقلاب اسلامی ایران از همه انقلابها جد است، هم در پیدایش و هم در کیفیت مبارزه و هم در انگیزه انقلاب و قیام. و تردید نیست که این يك تحفه الهی و هدیه غیبی بود که از جانب خداوند متان بر این ملت مظلوم غارت زده عنایت شده است.

• • •

انقلاب اسلامی ایران (بندجه ای)
جدا از همه انقلابها

[تحقق اسلام در همه ابعاد و حفظ و حراست از آن]

۲ - اسلام و حکومت اسلامی پدیده الهی است که با به کار بستن آن سعادت فرزندان خود را در دنیا و آخرت به بالاترین وجه تأمین می کند و قدرت آن دارد که قلم سرخ بر ستمگریها و چپاول گریها و فسادها و تجاوزها بکشد و انسانها را به کمال مطلوب خود برساند و مکتبی است که بر خلاف مکتبهای غیر توحیدی در تمام شئون فردی و اجتماعی و مادی و معنوی و فرهنگی و سیاسی و نظامی و اقتصادی دخالت و نظارت دارد و از هیچ نکته ولو بسیار ناچیز که در تربیت انسان و جامعه و پیشرفت مادی و معنوی نقش دارد فروگذار ننموده است و موانع و مشکلات سر راه تکامل را در اجتماع و فرد گوشزد نموده و به رفع آن کوشیده است. اینک که به توفیق و تأیید خداوند، جمهوری اسلامی با دست توانای ملت متعهد پایه ریزی شده و آنچه در این حکومت اسلامی مطرح است اسلام و احکام مترقی آن است، بر ملت عظیم الشأن ایران است که در تحقق محتوای آن به جمیع ابعاد و حفظ و حراست آن بکوشند که حفظ اسلام در رأس تمام واجبات است، که انبیاء عظام از آدم علیه السلام تا خاتم النبیین صلی الله علیه وآله وسلم در راه آن کوشش و فداکاری جان فرسا نموده اند و هیچ مانعی آنان را از این فریضه بزرگ باز نداشته و همچنین پس از آنان اصحاب متعهد و ائمه اسلام علیهم صلوات الله با کوششهای توان فرسا تا حد نثار خون خود در حفظ آن کوشیده اند و امروز بر ملت ایران خصوصاً و بر جمیع مسلمانان عموماً واجب است این امانت الهی را که در ایران به طور رسمی اعلام شده و در مدتی کوتاه نتایج عظیمی به بار آورده با تمام توان حفظ نموده و در راه ایجاد مقتضیات بقاء آن و رفع موانع و مشکلات آن کوشش نمایند و امید است که پرتونور آن بر تمام کشورهای اسلامی تابیدن گرفته و تمام دولتها و ملتها با یکدیگر تفاهم در این امر حیاتی نمایند و دست ابرقدرتهای عالم خوار و

اسلام مکتبی با تمام شئون فردی و اجتماعی

تحقق اسلام در جمیع ابعاد و حفظ آن در رأس تمام واجبات

جنایتکاران تاریخ را تا ابد از سر مظلومان و ستمدیدگان جهان کوتاه نمایند:

اینجانب که نفس های آخر عمر را می کشم به حسب وظیفه، شطری از آنچه در حفظ و بقاء این ودیعه الهی دخالت دارد و شطری از موانع و خطرهایی که آن را تهدید می کنند برای نسل حاضر و نسل های آینده عرض می کنم و توفیق و تأیید همگان را از درگاه پروردگار عالمیان خواهانم.

[رمزپروزی و بقاء انقلاب اسلامی]

الف- بی تردید رمز بقاء انقلاب اسلامی همان رمزپروزی است و رمزپروزی را ملت می داند و نسل های آینده در تاریخ خواهند خواند که دورکن اصلی آن انگیزه الهی و مقصد عالی حکومت اسلامی و اجتماع ملت در سراسر کشور با وحدت کلمه برای همان انگیزه و مقصد.

اینجانب به همه نسل های حاضر و آینده وصیت می کنم که اگر بخواهید اسلام و حکومت الله برقرار باشد، و دست استعمار و استثمارگران خارج و داخل از کشورتان قطع شود این انگیزه الهی را که خداوند تعالی در قرآن کریم بر آن سفارش فرموده است از دست ندهید و در مقابل این انگیزه که رمزپروزی و بقاء آن است، فراموشی هدف و تفرقه و اختلاف است. بی جهت نیست که بوقهای تبلیغاتی در سراسر جهان و ولیده های بومی آنان تمام توان خود را صرف شایعه ها و دروغ های تفرقه افکن نموده اند و میلیاردها دلار برای آن صرف می کنند. بی انگیزه نیست سفرهای دائمی مخالفان جمهوری اسلامی به منطقه و مع الأسف در بین آنان از سردمداران و حکومت های بعضی کشورهای اسلامی که جز به منافع شخصی خود فکر نمی کنند و چشم و گوش بسته تسلیم آمریکا هستند دیده می شود و بعضی از روحانی نماها نیز به آنان ملحقند. امروز و در آتیه نیز آنچه

دورکن اصلی: انگیزه الهی و
وحدت کلمه

برای ملت ایران و مسلمانان جهان باید مطرح باشد و اهمیت آن را در نظر گیرند، خنثی کردن تبلیغات تفرقه افکن خانه برانداز است. توصیه اینجانب به مسلمین و خصوص ایرانیان بویژه در عصر حاضر آن است که در مقابل این توطئه‌ها عکس‌العمل نشان داده و به انسجام و وحدت خود به هر راه ممکن افزایش دهند و کفار و منافقان را مأیوس نمایند.

[توطئه جدائی دین از سیاست]

بهد از توطئه‌های مهمی که در قرن اخیر، خصوصاً در دهه‌های معاصر و بویژه پس از پیروزی انقلاب آشکارا به چشم می‌خورد، تبلیغات دامنه‌دار با ابعاد مختلف برای مأیوس نمودن ملت‌ها و خصوص ملت فداکار ایران، از اسلام است، گاهی ناشیانه و با صراحت به اینکه احکام اسلام که هزار و چهارصد سال قبل وضع شده است نمی‌تواند در عصر حاضر کشورها را اداره کند یا آنکه اسلام يك دین ارتجاعی است و با هر نوآوری و مظاهر تمدن مخالف است و در عصر حاضر نمی‌شود کشورها از تمدن جهانی و مظاهر آن کناره گیرند و امثال این تبلیغات ابلهانه و گاهی مودیانه و شیطنت‌آمیز به گونه طرفداری از قداست اسلام که اسلام و دیگر ادیان الهی سرورکار دارند با معنویات و تهذیب نفوس و تحذیر از مقامات دنیایی و دعوت به ترك دنیا و اشتغال به عبادات و اذکار و ادعیه که انسان را به خدای تعالی نزدیک و از دنیا دور می‌کند و حکومت و سیاست و سررشته‌داری بر خلاف آن مقصد و مقصود بزرگ و معنوی است چه اینها تمام برای تعمیر دنیا است و آن مخالف مسلك انبیاء عظام است و مع الأسف تبلیغ به وجه دوم در بعضی از روحانیان و متدینان بی‌خبر از اسلام تأثیر گذاشته که حتی دخالت در حکومت و سیاست را به مثابه يك گناه و فسق می‌دانستند و شاید بعضی بدانند و این فاجعه بزرگی است که اسلام مبتلای به آن بود.

گروه اول که باید گفت از حکومت و قانون و سیاست یا اطلاع

قوانین اسلام با مرور زمان کهنه نمی‌شود

اتهام مخالفت اسلام با پیشرفت و نوآوردها

احکام حکومت و سیاست در اسلام بیش از سایر چیزها

ندارند و یا غرضمندان خود را به بی‌اطلاعی می‌زنند زیرا اجراء قوانین بر معیار قسط و عدل و جلوگیری از ستمگری و حکومت جائزانه و بسط عدالت فردی و اجتماعی و منع زُفساد و فحشاء و انواع کجرویها و آزادی بر معیار عقل و عدل و استقلال و خودکفایی و جلوگیری از استعمار و استثمار و استعباد و حدود و قصاص و تعزیرات بر میزان عدل برای جلوگیری از فساد و تباهی يك جامعه و سیاست و راه بردن جامعه به موازین عقل و عدل و انصاف و صدها از این قبیل، چیزهایی نیست که با مرور زمان در طول تاریخ بشر و زندگی اجتماعی کهنه شود. این دعوی به مشابه آن است که گفته شود قواعد عقلی و ریاضی در قرن حاضر باید عوض شود و به جای آن قواعد دیگر نشانده شود. اگر در صدر خلقت، عدالت اجتماعی باید جاری شود و از ستمگری و چپاول و قتل باید جلوگیری شود، امروز چون قرن اتم است آن روش کهنه شده و ادعای آنکه اسلام با نوآوردها مخالف است همان سان که محمدرضا پهلوی مخلوع می‌گفت که اینان می‌خواهند با چارپایان در این عصر سفر کنند، يك اتهام ابلهانه بیش نیست. زیرا اگر مراد از مظاهر تمدن و نوآوردها، اختراعات و ابتکارات و صنعتهای پیشرفته که در پیشرفت و تمدن بشر دخالت دارد، هیچگاه اسلام و هیچ مذهب توحیدی با آن مخالفت نکرده و نخواهد کرد بلکه علم و صنعت مورد تأکید اسلام و قرآن مجید است و اگر مراد از تجدد و تمدن به آن معنی است که بعضی روشنفکران حرفه‌ای می‌گویند که آزادی در تمام منکرات و فحشاء حتی هم جنس‌بازی و از این قبیل، تمام ادیان آسمانی و دانشمندان و عقلا با آن مخالفند گرچه غرب و شرق زدگان به تقلید کورکورانه آن را ترویج می‌کنند. و اما طایفه دوم که نقشه مودیانه دارند و اسلام را از حکومت و سیاست جدا می‌دانند باید به این نادانان گفت که قرآن کریم و سنت رسول الله صلی الله علیه و آله آن قدر که در حکومت و سیاست احکام دارند در سایر چیزها ندارند بلکه بسیار از احکام عبادی اسلام، عبادی سیاسی است که غفلت از آنها این

مصیبتها را به بار آورده. پیغمبر اسلام (ص) تشکیل حکومت داد مثل سایر حکومت‌های جهان لکن با انگیزه بسط عدالت اجتماعی و خلفاء اول اسلامی حکومت‌های وسیع داشته‌اند و حکومت علی بن ابی طالب علیه السلام نیز با همان انگیزه به طور وسیع‌تر و گسترده‌تر از واضحات تاریخ است و پس از آن به تدریج حکومت به اسم اسلام بوده و اکنون نیز مدعیان حکومت اسلامی به پیروی از اسلام و رسول اکرم صلی الله علیه و آله بسیارند.

اینجانب در این وصیت‌نامه با اشاره می‌گذرم ولی امید آن دارم که نویسندگان و جامعه‌شناسان و تاریخ‌نویسان، مسلمانان را از این اشتباه بیرون آورند. و آنچه گفته شده و می‌شود که انبیاء علیهم السلام به معنویات کار دارند و حکومت و سررشته داری دنیایی مطرود است و انبیاء و اولیاء و بزرگان از آن احتراز می‌کردند و ما نیز باید چنین کنیم، اشتباه تأسف آوری است که نتایج آن به تباهی کشیدن ملت‌های اسلامی و باز کردن راه برای استعمارگران خونخوار است زیرا آنچه مردود است حکومت‌های شیطانی و دیکتاتوری و ستمگری است که برای سلطه‌جویی و انگیزه‌های منحرف و دنیایی که از آن تحذیر نموده‌اند جمع‌آوری ثروت و مال و قدرت طلبی و طاغوت‌گرایی است و بالاخره دنیایی است که انسان را از حق تعالی غافل کند. و اما حکومت حق برای نفع مستضعفان و جلوگیری از ظلم و جور و اقامه عدالت اجتماعی همان است که مثل سلیمان بن داود و پیامبر عظیم‌الشأن اسلام صلی الله علیه و آله و اوصیاء بزرگوارش برای آن کوشش می‌کردند از بزرگترین واجبات و اقامه آن از والاترین عبادات است، چنانچه سیاست سالم که در این حکومتها بوده از امور لازمه است. باید ملت بیدار و هشیار ایران با دید اسلامی این توطئه‌ها را خنثی نمایند و گویندگان و نویسندگان متعهد به کمک ملت برخیزند و دست شیاطین توطئه‌گر را قطع نمایند.

الهامه حکومت حق از بزرگترین
واجبات و عبادات

[توطئه‌های موزبانه و شایعه‌های وسیع بر علیه جمهوری اسلامی]

ج- و از همین قماش توطئه‌ها و شاید موزبانه‌تر شایعه‌های وسیع در سطح کشور و در شهرستان‌ها بیشتر بر اینکه جمهوری اسلامی هم کاری برای مردم انجام نداد. بیچاره مردم با آن شوق و شغف فداکاری کردند که از رژیم ظالمانه طاغوت رهایی یابند، گرفتاریک رژیم بدتر شدند، مستکبران مستکبرتر و مستضعفان مستضعف‌تر شدند زندان‌ها پر از جوانان که امید آتیه کشور است می‌باشد و شکنجه‌ها از رژیم سابق بدتر و غیر انسانی‌تر است، هر روز عده‌ای را اعدام می‌کنند به اسم اسلام، و ای کاش اسم اسلام روی این جمهوری نمی‌گذاشتند این زمان از زمان رضاخان و پسرش بدتر است مردم در رنج و زحمت و گرانی سرسام‌آور غوطه می‌خورند و سردمداران دارند این رژیم را به رژیمی کمونیستی هدایت می‌کنند، اموال مردم مصادره می‌شود و آزادی در هر چیز از ملت سلب شده و بسیاری دیگر از این قبیل امور که با نقشه اجراء می‌شود و دلیل آنکه نقشه و توطئه در کار است آنکه هر چند روزیک امر در هر گوشه و کنار و در هر کوی و برزن سر زبان‌ها می‌افتد. در تا کسی‌ها همین مطلب واحد و در اتوبوسها نیز همین و در اجتماعات چند نفره باز همین صحبت می‌شود و یکی که قدری کهنه شد یکی دیگر معروف می‌شود و مع الأسف بعضی روحانیون که از حيله‌های شیطانی بی‌خبرند با تماس یکی دو نفر از عوامل توطئه گمان می‌کنند مطلب همان است و اساس مسئله آن است که بسیاری از آنان که این مسائل را می‌شنوند و باور می‌کنند اطلاع از وضع دنیا و انقلابهای جهان و حوادث بعد از انقلاب و گرفتاری‌های عظیم اجتناب‌ناپذیر آن ندارند. چنانچه اطلاع صحیح از تحولاتی که همه به سود اسلام است ندارند و چشم بسته و بی‌خبر امثال این مطالب را شنیده و خود نیز با غفلت یا عمد به آنان پیوسته‌اند.

اینجانب توصیه می‌کنم که قبل از مطالعه وضعیت کنونی جهان و

مقایسه بین انقلاب اسلامی ایران با سایر انقلابات و قبل از آشنایی با وضعیت کشورها و ملت‌هایی که در حال انقلاب و پس از انقلابشان بر آنان چه می‌گذشته است و قبل از توجه به گرفتاری‌های این کشور طاغوت‌زده از ناحیه رضاخان و بدتر از آن محمدرضا که در طول چپاولگری‌هایشان برای این دولت به ارث گذاشته‌اند، از وابستگی‌های عظیم خانمان‌سوز تا اوضاع وزارتخانه‌ها و ادارات و اقتصاد و ارتش و مراکز عیاشی و مغازه‌های مسکرات‌فروشی و ایجاد بی‌بندوباری در تمام شئون زندگی و اوضاع تعلیم و تربیت و اوضاع دبیرستان‌ها و دانشگاه‌ها و اوضاع سینماها و عشرتکده‌ها و وضعیت جوان‌ها و زنها و وضعیت روحانیون و متدینین و آزادی‌خواهان متمهد و بانوان عفیف ستم‌دیده و مساجد در زمان طاغوت و رسیدگی به پرونده اعدام‌شدگان و محکومان به حبس و رسیدگی به زندان‌ها و کیفیت عملکرد متصدیان و رسیدگی به مال سرمایه‌داران و زمین‌خواران بزرگ و محتکران و گران‌فروشان و رسیدگی به دادگستری‌ها و دادگاه‌های انقلاب و مقایسه با وضع سابق دادگستری و قضات و رسیدگی به حال نمایندگان مجلس شورای اسلامی و اعضاء دولت و استاندارها و سایر مأمورین که در این زمان آمده‌اند و مقایسه با زمان سابق و رسیدگی به عملکرد دولت و جهادسازندگی در روستاهای محروم از همه مواهب حتی آب آشامیدنی و درمانگاه و مقایسه با طول رژیم سابق با در نظر گرفتن گرفتاری به جنگ تحمیلی و پیامدهای آن از قبیل آوارگان میلیونی و خانواده‌های شهدا و آسیب‌دیدگان در جنگ و آوارگان میلیونی افغانستان و عراق و با نظر به حصر اقتصادی و توطئه‌های پی‌درپی آمریکا و وابستگان خارج و داخلش، اضافه کنید فقدان مبلغ آشنا به مسائل به مقدار احتیاج و قاضی شرع و هرج و مرج‌هایی که از طرف مخالفان اسلام و منحرفان و حتی دوستان نادان در دست اجراء است و ده‌ها مسائل دیگر. تقاضا این است که قبل از آشنایی به مسائل به اشکال تراشی و انتقاد کوبنده و فحاشی برنخیزید و به حال این

اسلام غریب که پس از صدها سال ستمگری قلدرها و جاهل توده‌ها امروز طفلی تازه‌پا و ولیده‌ای است محفوف به دشمن‌های خارج و داخل رحم کنید و شما اشکال‌تراشان به فکر بنشینید که آیا بهتر نیست به جای سرکوبی به اصلاح و کمک بکوشید و به جای طرفداری از منافقان و ستم‌گران و سرمایه‌داران و محتکران بی‌انصاف از خدا بی‌خبر، طرفدار مظلومان و ستم‌دیدگان و محرومان باشید و به جای گروه‌های آشوب‌گر و تروریست‌های مفسد و طرفداری غیر مستقیم از آنان توجهی به ترورشدگان از روحانیون مظلوم تا خدمت‌گزاران متمهد مظلوم داشته باشید؟

اینجانب هیچگاه نگفته و نمی‌گویم که امروز در این جمهوری به اسلام بزرگ با همه ابعادش عمل می‌شود و اشخاصی از روی جهالت و عقده و بی‌انضباطی بر خلاف مقررات اسلام عمل نمی‌کنند، لکن عرض می‌کنم که قوه مقننه و قضائیه و اجرائیه با زحمات جان‌فرا کوشش در اسلامی کردن این کشور می‌کنند و ملت ده‌ها میلیونی نیز طرفدار و مددکار آنان هستند و اگر این اقلیت اشکال‌تراش و کارشکن به کمک بشتابند تحقق این آمال آسان‌تر و سریع‌تر خواهد بود و اگر خدای نخواستہ اینان به خود نیایند، چون توده میلیونی بیدار شده و متوجه مسائل است و در صحنه حاضر است آمال انسانی اسلامی به خواست خداوند متعال جامه عمل به طور چشم‌گیر خواهد پوشید و کجروان و اشکال‌تراشان در مقابل این سیل خروشان نخواهند توانست مقاومت کنند.

من با جرأت مدعی هستم که ملت ایران و توده میلیونی آن در عصر حاضر بهتر از ملت حجاز در عهد رسول الله صلی الله علیه و آله و کوفه و عراق در عهد امیرالمؤمنین و حسین بن علی صلوات الله وسلامه علیهما می‌باشند. آن حجاز که در عهد رسول الله صلی الله علیه و آله مسلمانان نیز اطاعت از ایشان نمی‌کردند و با بهانه‌هایی به جبهه نمی‌رفتند که خداوند تعالی در سوره توبه با آیاتی

جمهوری اسلامی و کوشش در
اسلامی کردن کشور

ملت ایران در عصر حاضر بهتر از
ملت حجاز در عهد رسول الله است

آنها را توبیخ فرموده و وعده عذاب داده است. و آنقدر به ایشان دروغ بستند که به حسب نقل در منبر به آنان نفرین فرمودند و آن اهل عراق و کوفه که با امیرالمؤمنین آنقدر بد رفتاری کردند و از اطاعتش سر باز زدند که شکایات آن حضرت از آنان در کتب نقل و تاریخ معروف است، و آن مسلمانان عراق و کوفه که با سیدالشهداء علیه السلام آن شد که شد و آنان که در شهادت دست آلوده نکردند یا گریختند از معرکه و یا نشستند تا آن جنایت تاریخ واقع شد. و ما امروز می بینیم که ملت ایران از قوای مسلح نظامی و انتظامی و سپاه و بسیج تا قوای مردمی از عشایر و داوطلبان و از قوای در جبهه ها و مردم پشت جبهه ها با کمال شوق و اشتیاق چه فداکاری ها می کنند و چه حماسه ها می آفرینند. و می بینیم که مردم محترم سراسر کشور چه کمکهای ارزنده می کنند. و می بینیم که بازماندگان شهدا و آسیب دیدگان جنگ و متعلقان آنان با چهره های حماسه آفرین و گفتار و کرداری مشتاقانه و اطمینان بخش با ما و شما روبرو می شوند و اینها همه از عشق و علاقه و ایمان سرشار آنان است به خداوند متعال و اسلام و حیات جاویدان. در صورتی که نه در محضر مبارك رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم هستند و نه در محضر امام معصوم صلوات الله علیه. و انگیزه آنان ایمان و اطمینان به غیب است. و این رمز موفقیت و پیروزی در ابعاد مختلف است و اسلام باید افتخار کند که چنین فرزندان تربیت نموده و ما همه مفتخریم که در چنین عصری و در پیشگاه چنین ملتی می باشیم.

[وصیت به مخالفان و منحرفان]

و اینجانب در اینجا يك وصیت به اشخاصی که به انگیزه مختلف با جمهوری اسلامی مخالفت می کنند و به جوانان چه دختران و چه پسرانی که مورد بهره برداری منافقان و منحرفان فرصت طلب و سودجو واقع شده اند می نمایم که بی طرفانه و با فکر آزاد به قضاوت بنشینید و تبلیغات آنان که می خواهند جمهوری اسلامی ساقط شود و کیفیت

عمل آنان و رفتارشان با توده‌های محروم و گروه‌ها و دولتهایی که از آنان پشتیبانی کرده و می‌کنند و گروه‌ها و اشخاصی که در داخل به آنان پیوسته و از آنان پشتیبانی می‌کنند و اخلاق و رفتارشان در بین خود و هوادارانشان و تغییر موضعهایشان در پیشامدهای مختلف را با دقت و بدون هوای نفس بررسی کنید، و مطالعه کنید حالات آنان که در این جمهوری اسلامی به دست منافقان و منحرفان شهید شدند، و ارزیابی کنید بین آنان و دشمنانشان، نوارهای این شهیدان تا حدی در دست و نوارهای مخالفان شاید در دست شماها باشد. ببینید کدام دسته طرفدار محرومان و مظلومان جامعه هستند.

برادران شما این اوراق را قبل از مرگ من نمی‌خوانید. ممکن است پس از من بخوانید در آن وقت من نزد شما نیستم که بخواهم به نفع خود و جلب نظرتان برای کسب مقام و قدرتی با قلب‌های جوان شما بازی کنم. من برای آنکه شما جوانان شایسته‌ای هستید علاقه دارم که جوانی خود را در راه خداوند و اسلام عزیز و جمهوری اسلامی صرف کنید، تا سعادت هر دو جهان را دریابید. و از خداوند غفور می‌خواهم که شما را به راه مستقیم انسانیت هدایت کند و از گذشته‌ها ما و شما با رحمت و واسعه خود بگذرد. شماها نیز در خلوتها از خداوند همین را بخواهید، که او هادی و رحمن است.

[توصیه به ملت ایران و ملتهای اسلامی]

ویک وصیت به ملت شریف ایران و سایر ملتهای مبتلا به حکومتهای فاسد و در بند قدرتهای بزرگ می‌کنم. اما به ملت عزیز ایران توصیه می‌کنم که نعمتی که با جهاد عظیم خودتان و خون جوانان برومندان به دست آوردید همچون عزیزترین امور قدرش را بدانید و از آن حفاظت و پاسداری نمائید و در راه آن که نعمتی عظیم الهی و امانت بزرگ خداوندی است کوشش کنید و از مشکلاتی که در این صراط مستقیم پیش می‌آید نهراسید که **إِنْ تَضَرُّوا اللَّهَ يَضُرْكُمُ**

توصیه به ملت در حفظ دست
آوردهای انقلاب

وَبَيِّتْ أَقْدَانَكُمْ و در مشکلات دولت جمهوری اسلامی با جان و دل شريك و در رفع آنها کوشا باشید و دولت و مجلس را از خود بدانید و چون محبوبی گرامی از آن نگهداری کنید. و به مجلس و دولت و دست اندرکاران توصیه می‌نمایم که قدر این ملت را بدانید و در خدمتگزاری به آنان خصوصاً مستضعفان و محرومان و ستمدیدگان که نورچشمان ما و اولیاء نعم همه هستند و جمهوری اسلامی ره‌آورد آنان و با فداکاری‌های آنان تحقق پیدا کرد و بقاء آن نیز مرهون خدمات آنان است، فروگذار نکنید و خود را از مردم و آنان را از خود بدانید و حکومت‌های طاغوتی را که چپاولگرانی بی‌فرهنگ و زورگویانی تهی مغز بودند و هستند را همیشه محکوم نمائید. البته با اعمال انسانی که شایسته برای يك حکومت اسلامی است.

توصیه به مجلس و دولت در
قدردانی و خدمتگزاری به
ملت

و اما به ملت‌های اسلامی توصیه می‌کنم که از حکومت جمهوری اسلامی و از ملت مجاهد ایران الگوگیری و حکومت‌های جائر خود را در صورتی که به خواست ملت‌ها که خواست ملت ایران است سرفرود نیاوردند، با تمام قدرت به جای خود بنشانید که مایه بدبختی مسلمانان، حکومت‌های وابسته به شرق و غرب می‌باشند و اکیداً توصیه می‌کنم که به بوق‌های تبلیغاتی مخالفان اسلام و جمهوری اسلامی گوش فرادهید که همه کوشش دارند که اسلام را از صحنه بیرون کنند که منافع ابرقدرتها تأمین شود.

توصیه به ملت‌های اسلامی در
الگوگیری از جمهوری اسلامی

[وحدت روحانی و دانشگاهی]

ده از نقشه‌های شیطانی قدرتهای بزرگ استعمار و استعمارگر که سال‌های طولانی در دست اجرا است و در کشور ایران از زمان رضاخان اوج گرفت و در زمان محمدرضا با روش‌های مختلف دنباله‌گیری شد، به انزوا کشاندن روحانیت است که در زمان رضاخان با فشار و سرکوبی و خلع لباس و حبس و تبعید و هتک حرمت و اعدام و امثال آن و در زمان محمدرضا با نقشه و روش‌های دیگر که یکی از آنها

نقشه‌های استعماری در به انزوا
کشیدن روحانیت

ایجاد عداوت بین دانشگاهیان و روحانیان بود، که تبلیغات وسیعی در این زمینه شد و مع الأسف به واسطه بی خبری هر دو قشر از توطئه شیطانی ابرقدرتها نتیجه چشم گیری گرفته شد از يك طرف از دبستانها تا دانشگاهها کوشش شد که معلمان و دبیران و اساتید و رؤسای دانشگاهها از بین غرب زدگان یا شرق زدگان و منحرفان از اسلام و سایر ادیان انتخاب و به کار گماشته شوند و متعهدان مؤمن در اقلیت قرار گیرند که قشر موثر را که در آئیه حکومت را به دست می گیرند، از کودکی تا نوجوانی و تا جوانی طوری تربیت کنند که از ادیان مطلقاً و اسلام به خصوص و از وابستگان به ادیان خصوصاً روحانیون و مبلغان متنفر باشند. و اینان را عمال انگلیس در آن زمان و طرفدار سرمایه داران و زمین خواران و طرفدار ارتجاع و مخالف تمدن و تعالی در بعد از آن معرفی می نمودند. و از طرف دیگر با تبلیغات سوء، روحانیون و مبلغان و متدینان را از دانشگاه و دانشگاهیان ترسانیده و همه را به بی دینی و بی بندوباری و مخالف با مظاهر اسلام و ادیان متهم می نمودند. نتیجه آنکه دولتمردان مخالف ادیان و اسلام و روحانیون و متدینان باشند و توده های مردم که علاقه به دین و روحانی دارند مخالف دولت و حکومت و هر چه متعلق به آن است باشند و اختلاف عمیق بین دولت و ملت و دانشگاهی و روحانی راه را برای چپاولگران آنچنان باز کند که تمام شئون کشور در تحت قدرت آنان و تمام ذخائر ملت در جیب آنان سرازیر شود چنانچه دیدید به سر این ملت مظلوم چه آمد و می رفت که چه آید. اکنون که به خواست خداوند متعال و مجاهدت ملت از روحانی و دانشگاهی تا بازاری و کارگر و کشاورز و سایر قشرها بند اسارت را پاره و سد قدرت ابرقدرتها را شکستند و کشور را از دست آنان و وابستگانشان نجات دادند، توصیه اینجانب آن است که نسل حاضر و آینده غفلت نکنند و دانشگاهیان و جوانان برومند عزیز هر چه بیشتر با روحانیان و طلاب علوم اسلامی پیوند دوستی و تفاهم را محکم تر و استوارتر سازند و از نقشه ها و توطئه های دشمن غدار غافل

نباشند و به مجرد آنکه فرد یا افرادی را دیدند که با گفتار و رفتار خود در صدد است بذر نفاق بین آنان افکند او را ارشاد و نصیحت نمایند و اگر تأثیر نکرد از او روگردان شوند و او را به انزوا کشانند و نگذارند توطئه ریشه دواند که سرچشمه را به آسانی می توان گرفت و مخصوصاً اگر در اساتید کسی پیدا شد که می خواهد انحراف ایجاد کند او را ارشاد و اگر نشد از خود و کلاس خود طرد کنند. و این توصیه بیشتر متوجه روحانیون و محصلین علوم دینی است و توطئه ها در دانشگاه ها از عمق ویژه ای برخوردار است و هر [دو] قشر محترم که مغز متفکر جامعه هستند باید مواظب توطئه ها باشند.

[غرب زدگی و شرق زدگی]

هـ از جمله نقشه ها که مع الأسف تأثیر بزرگی در کشورها و کشور عزیزمان گذاشت و آثار آن باز تا حد زیادی به جا مانده بیگانه نمودن کشورهای استعمارزده از خویش و غرب زده و شرق زده نمودن آنان است به طوری که خود را و فرهنگ و قدرت خود را به هیچ گرفتند و غرب و شرق، دو قطب قدرتمند را نژاد برتر و فرهنگ آنان را والاتر و آن دو قدرت را قبله گاه عالم دانستند و وابستگی به یکی از دو قطب را از فرائض غیر قابل اجتناب معرفی نمودند. و قصه این امر غم انگیز طولانی و ضربه هایی که از آن خورده و اکنون نیز می خوریم کشنده و کوبنده است. و غم انگیزتر اینکه آنان ملتهای ستم دیده زیر سلطه را در همه چیز عقب نگهداشته و کشورهای مصرفی بار آوردند و به قدری ما را از پیشرفتهای خود و قدرتهای شیطانی شان ترسانده اند که جرأت دست زدن به هیچ ابتکاری نداریم و همه چیز خود را تسلیم آنان کرده و سرنوشت خود و کشورهای خود را به دست آنان سپرده و چشم و گوش بسته مطیع فرمان هستیم و این پوچی و تهی مغزی مصنوعی موجب شده که در هیچ امری به فکر و دانش خود اتکاء نکنیم و کورکورانه از شرق و غرب تقلید نماییم بلکه از فرهنگ و ادب و صنعت و ابتکار اگر

خودباختگی ملل ستم دیده در
مقابل قدرت های شیطانی

داشتیم، نویسندگان و گویندگان غرب و شرق زده بی فرهنگ، آنها را به باد انتقاد و مسخره گرفته و فکر و قدرت بومی ما را سرکوب و مایوس نموده و می نمایند و رسوم و آداب اجنبی را هر چند مبتذل و مفتضح باشد با عمل و گفتار و نوشتار ترویج کرده و با مداحی و ثناجویی آنها را به خورد ملتها داده و می دهند. فی المثل اگر در کتاب یا نوشته یا گفتاری چند واژه فرنگی باشد بدون توجه به محتوای آن با اعجاب پذیرفته و گوینده و نویسنده آن را دانشمند و روشنفکر به حساب می آورند و از گهواره تا قبر به هر چه بنگریم اگر با واژه غربی و شرقی اسم گذاری شود مرغوب و مورد توجه و از مظاهر تمدن و پیشرفتگی محسوب و اگر واژه های بومی خودی به کار رود مطرود و کهنه و واپس زده خواهد بود. کودکان ما اگر نام غربی داشته باشند مفتخر و اگر نام خودی دارند سر به زیر و عقب افتاده اند. خیابانها، کوچه ها، مغازه ها، شرکتها، داروخانه ها، کتابخانه ها، پارچه ها و دیگر متاعها هر چند در داخل تهیه شده باید نام خارجی داشته باشد تا مردم از آن راضی و به آن اقبال کنند. فرنگی مآبی از سر تا پا و در تمام نشست و برخاستها و در معاشرتها و تمام شئون زندگی موجب افتخار و سربلندی و تمدن و پیشرفت، و در مقابل آداب و رسوم خودی، کهنه پرستی و عقب افتادگی است. در هر مرض و کسالتی ولو جزئی و قابل علاج در داخل باید به خارج رفت و دکتراها و اطباء دانشمند خود را محکوم و مایوس کرد.

رفتن به انگلستان و فرانسه و آمریکا و مسکو افتخاری پرارزش و رفتن به حج و سایر اماکن متبرکه کهنه پرستی و عقب ماندگی است. بی اعتنایی به آنچه مربوط به مذاهب و معنویات است از نشانه های روشنفکری و تمدن، در مقابل تعهد به این امور نشانه عقب ماندگی و کهنه پرستی است. اینجانب نمی گویم ما خود همه چیز داریم. معلوم است ما را در طول تاریخ نه چندان دور خصوصاً در سده های اخیر از هر پیشرفتی محروم کرده اند و دولتمردان خائن و دودمان پهلوی خصوصاً و

توطئه دشمنان در جلوگیری از
پیشرفت ما

مراکز تبلیغاتی علیه دستاوردهای خودی و نیز خود کوچک دیدنها و یا ناچیز دیدنها، ما را از هر فعالیتی برای پیشرفت محروم کرد. وارد کردن کالاها از هر قماش و سرگرم کردن بانوان و مردان خصوصاً طبقه جوان به اقسام اجناس وارداتی از قبیل ابزار آرایش و تزئینات و تجملات و بازی های کودکانه و به مسابقه کشاندن خانواده ها و مصرفی بار آوردن هر چه بیشتر که خود داستان های غم انگیز دارد و سرگرم کردن و به تباهی کشاندن جوان ها که عضو فعال هستند با فراهم آوردن مراکز فحشاء و عشرتکده ها و دهها از این مصائب حساب شده برای عقب نگهداشتن کشورهاست.

[اتکاء به نفس و قطع وابستگی]

من وصیت دلسوزانه و خادمانه می کنم به ملت عزیز که اکنون که تا حدود زیاد و چشم گیری از بسیاری از این دام ها نجات یافته و نسل محروم حاضر به فعالیت و ابتکار برخاسته و دیدیم که بسیاری از کارخانه ها و وسایل پیشرفته مثل هواپیماها و دیگر چیزها که گمان نمی رفت متخصصین ایران قادر به راه انداختن کارخانه ها و امثال آن باشند و همه دستها را به سوی غرب یا شرق دراز کرده بودیم که متخصصین آنان اینها را به راه اندازند، در اثر محاصره اقتصادی و جنگ تحمیلی خود جوانان عزیز ما قطعات محل احتیاج را ساخته و باقیمت های ارزان تر عرضه کرده و رفع احتیاج نمودند و ثابت کردند که اگر بخواهیم می توانیم.

باید هشیار و بیدار و مراقب باشید که سیاست بازان پیوسته به غرب و شرق با وسوسه های شیطانی شما را به سوی این چپاولگران بین المللی نکشند و با اراده مصمم و فعالیت و پشتکار خود به رفع وابستگیها قیام کنید و بدانید که نژاد آریا و عرب از نژاد اروپا و آمریکا و شوروی کم ندارد و اگر خودی خود را بیابد و یأس را از خود دور کند و چشم داشت به غیر خود نداشته باشد، در درازمدت قدرت همه کار و ساختن همه چیز را دارد و آنچه انسان های شبیه به اینان به

وظیفه دولت در قدردانی از
متخصصین

وظیفه جوانان: حفظ استقلال
و آزادی و ارزشهای انسانی

آن رسیده اند شما هم خواهید رسید به شرط اتکال به خداوند تعالی و اتکاء به نفس و قطع وابستگی به دیگران و تحمل سختی ها برای رسیدن به زندگی شرافتمندانه و خارج شدن از تحت سلطه اجانب. و بر دولتها و دست اندرکاران است چه در نسل حاضر و چه در نسل های آینده که از متخصصین خود قدردانی کنند و آنان را با کمکهای مادی و معنوی تشویق به کار نمایند و از ورود کالاهای مصرف ساز و خانه برانداز جلوگیری نمایند و به آنچه دارند بسازند تا خود همه چیز بسازند و از جوانان، دختران و پسران می خواهم که استقلال و آزادی و ارزشهای انسانی را ولو با تحمل زحمت و رنج فدای تجملات و عشرتها و بی بندوباری ها و حضور در مراکز فحشاء که از طرف غرب و عمال بی وطن به شما عرضه می شود، نکنند؛ که آنان چنانچه تجربه نشان داده جز تباهی شما و اغفالتان از سرنوشت کشورتان و چابیدن ذخایر شما و به بند استعمار و ننگ وابستگی کشیدنتان و مصرفی نمودن ملت و کشورتان به چیز دیگر فکر نمی کنند و می خواهند با این وسایل و امثال آن شما را عقب مانده و به اصطلاح آنان نیمه وحشی نگهدارند.

[دانشگاهها و دیگر مراکز تعلیم و تربیت]

توطئه ابرقدرتها در بدست گرفتن
مراکز تعلیم و تربیت

و از توطئه های بزرگ آنان چنانچه اشاره شد و کراراً تذکر داده ام، به دست گرفتن مراکز تعلیم و تربیت خصوصاً دانشگاهها است که مقدرات کشورها در دست محصولات آنها است. روش آنان با روحانیون و مدارس علوم اسلامی فرق دارد با روشی که در دانشگاهها و دبیرستان ها دارند. نقشه آنان برداشتن روحانیون از سر راه و منزوی کردن آنان است یا با سرکوبی و خشونت و هتاکی که در زمان رضاخان عمل شد، ولی نتیجه معکوس گرفته شد، یا با تبلیغات و نهمتها و نقشه های شیطانی برای جدا کردن قشر تحصیل کرده و به اصطلاح روشنفکر که این هم در زمان رضاخان عمل می شد و در ردیف فشار و سرکوبی بود و در زمان محمدرضا ادامه یافت بدون

خشونت ولی مودیانه. و اما در دانشگاه، نقشه آن است که جوانان را از فرهنگ و ادب و ارزشهای خودی منحرف کنند و به سوی شرق یا غرب بکشانند و دولتمردان را از بین اینان انتخاب و بر سرنویشت کشورها حکومت دهند تا به دست آنها هرچه می‌خواهند انجام دهند. اینان کشور را به غارت زدگی و غرب زدگی بکشانند و قشر روحانی با انزوا و منفوریت و شکست قادر بر جلوگیری نباشد. و این بهترین راه است برای عقب نگهداشتن و غارت کردن کشورهای تحت سلطه، زیرا برای ابرقدرتها بی زحمت و بی خرج و در جوامع ملی بی سروصدا هرچه هست به جیب آنان می‌ریزد. پس اکنون که دانشگاهها و دانشسراها در دست اصلاح و پاکسازی است بر همه ما لازم است با متصدیان کمک کنیم و برای همیشه نگذاریم دانشگاهها به انحراف کشیده شود و هر جا انحرافی به چشم خورد با اقدام سریع به رفع آن کوشیم و این امر حیاتی باید در مرحله اول با دست پرتوان خود جوانان دانشگاهها و دانشسراها انجام گیرد که نجات دانشگاه از انحراف، نجات کشور و ملت است.

و اینجانب به همه نوجوانان و جوانان در مرحله اول و پدران و مادران و دوستان آنها در مرحله دوم و به دولتمردان و روشنفکران دلسوز برای کشور در مرحله بعد وصیت می‌کنم که در این امر مهم که کشورتان را از آسیب نگه می‌دارد با جان و دل کوشش کنید و دانشگاهها را به نسل بعد بسپرید. و به همه نسل‌های مسلسل توصیه می‌کنم که برای نجات خود و کشور عزیز و اسلام آدم‌ساز، دانشگاهها را از انحراف و غرب و شرق زدگی حفظ و پاسداری کنید و با این عمل انسانی اسلامی خود دست قدرتهای بزرگ را از کشور قطع و آنان را ناامید نمایید. خدایتان پشتیبان و نگهدار باد.

[مجلس، ریاست جمهوری، مجلس خبرگان، رهبری]

زه از مهمات امور تعهد وکلای مجلس شورای اسلامی است ما

دیدیم که اسلام و کشور ایران چه صدمات بسیار غم انگیزی از مجلس شورای غیر صالح و منحرف از بعد از مشروطه تا عصر رژیم جنایتکار پهلوی و از هر زمان بدتر و خطرناکتر در این رژیم تحمیلی فاسد خورد و چه مصیبت‌ها و خسارتهای جان‌فرسا از این جنایتکاران بی ارزش و نوکرمآب به کشور و ملت وارد شد. در این پنجاه سال يك اکثریت قلابی منحرف در مقابل يك اقلیت مظلوم موجب شد که هر چه انگلستان و شوروی و اخیراً آمریکا خواستند با دست همین منحرفان از خدا بی خبر انجام دهند و کشور را به تباهی و نیستی کشانند. از بعد از مشروطه هیچگاه تقریباً به مواد مهم قانون اساسی عمل نشد. قبل از رضاخان با تصدی غرب‌زدگان و مشتی خان و زمین‌خواران و در زمان رژیم پهلوی به دست آن رژیم سفاک و وابستگان و حلقه به گوشان آن.

اکنون که با عنایت پروردگار و همت ملت عظیم الشان سرنوشت کشور به دست مردم افتاد و وکلا از خود مردم و با انتخاب خودشان بدون دخالت دولت و خان‌های ولایات به مجلس شورای اسلامی راه یافتند و امید است که با تعهد آنان به اسلام و مصالح کشور جلوگیری از هر انحراف بشود.

وصیت اینجانب به ملت در حال و آتیه آن است که با اراده مصمم خود و تعهد خود به احکام اسلام و مصالح کشور در هر دوره از انتخابات وکلای دارای تعهد به اسلام و جمهوری اسلامی که غالباً بین متوسطین جامعه و محرومین می‌باشند و غیر منحرف از صراط مستقیم به سوی غرب یا شرق و بدون گرایش به مکتبهای انحرافی و اشخاص تحصیل کرده و مطلع بر مسائل روز و سیاستهای اسلامی به مجلس بفرستند و به جامعه محترم روحانیت خصوصاً مراجع معظم وصیت می‌کنم که خود را در مسائل جامعه خصوصاً مثل انتخاب رئیس جمهور و وکلای مجلس کنار نکشند و بی تفاوت نباشند. همه دیدید و نسل آتیه خواهد شنید که دست سیاست‌بازان پیرو شرق و غرب،

وصیت به مردم در انتخاب
نمایندگان شایسته (شرائط
نمایندگان مجلس)

وصیت به روحانیت و مراجع
عظام پیرامون انتخابات

روحانیون را که اساس مشروطیت را با زحمات و رنج‌ها بنیان گذاشتند از صحنه خارج کردند و روحانیون نیز بازی سیاست‌بازان را خورده و دخالت در امور کشور و مسلمین را خارج از مقام خود انگاشتند و صحنه را به دست غرب‌زدگان سپردند و به سر مشروطیت و قانون اساسی و کشور و اسلام آن آوردند که جبرانش احتیاج به زمان طولانی دارد.

اکنون که بحمدالله تعالی موانع رفع گردیده و فضای آزاد برای دخالت همه طبقات پیش آمده است، هیچ عذری باقی نمانده و از گناهان بزرگ نابخشودنی، مسامحه در امر مسلمین است. هر کس به مقدار توانش و حیطة نفوذش لازم است در خدمت اسلام و میهن باشد و با جدیت از نفوذ وابستگان به دو قطب استعمارگر و غرب یا شرق‌زدگان و منحرفان از مکتب بزرگ اسلام جلوگیری نمایند و بدانند که مخالفین اسلام و کشورهای اسلامی که همان ابرقدرتان چپ‌اولگر بین‌المللی هستند با تدریج و ظرافت در کشور ما و کشورهای اسلامی دیگر رخنه و با دست افراد خود ملتها، کشورها را به دام استثمار می‌کشاند. باید با هوشیاری مراقب باشید و با احساس اولین قدم نفوذی به مقابله برخیزید و به آنان مهلت ندهید. خدایان یار و نگهدار باشد.

و از نمایندگان مجلس شورای اسلامی در این عصر و عصرهای آینده می‌خواهم که اگر خدای نخواستہ عناصر منحرفی با دسیسه و بازی سیاسی و کالت خود را به مردم تحمیل نمودند، مجلس اعتبارنامه آنان را رد کنند و نگذارند حتی یک عنصر خرابکار وابسته، به مجلس راه یابد و به اقلیت‌های مذهبی رسمی وصیت می‌کنم که از دوره‌های رژیم پهلوی عبرت بگیرند و وکلای خود را از اشخاص متعهد به مذهب خود و جمهوری اسلامی و غیروابسته به قدرتهای جهان‌خوار و بدون گرایش به مکتب‌های الحادی و انحرافی و التقاطی انتخاب نمایند. و از همه نمایندگان خواستارم که با کمال حسن نیت و برادری با هم مجلسان خود رفتار و همه کوشا باشند که قوانین خدای نخواستہ از اسلام منحرف نباشد و همه به اسلام و احکام آسمانی آن وفادار باشید

مسامحه در امر مسلمین گناهی
نابخشودنی

وظیفه نمایندگان مجلس در
جلوگیری از نفوذ عناصر منحرف

توصیه به شورای محترم نگهبان

تا به سعادت دنیا و آخرت نایل آید. و از شورای محترم نگهبان می خواهم و توصیه می کنم چه در نسل حاضر و چه در نسل های آینده، که با کمال دقت و قدرت وظایف اسلامی و مدار خود را ایفاء و تحت تأثیر هیچ قدرتی واقع نشوند و از قوانین مخالف با شرع مطهر و قانون اساسی بدون هیچ ملاحظه جلوگیری نمایند و با ملاحظه ضرورات کشور که گاهی با احکام ثانویه و گاهی به ولایت فقیه باید اجرا شود توجه نمایند.

توصیه به ملت در شرکت فعال در انتخابات

و وصیت من به ملت شریف آن است که در تمام انتخابات چه انتخاب رئیس جمهور و چه نمایندگان مجلس شورای اسلامی و چه انتخاب خبرگان برای تعیین شورای رهبری یا رهبر در صحنه باشند و اشخاصی که انتخاب می کنند روی ضوابطی باشد که اعتبار می شود مثلاً در انتخاب خبرگان برای تعیین شورای رهبری یا رهبر توجه کنند که اگر مسامحه نمایند و خبرگان را روی موازین شرعیه و قانون انتخاب نکنند چه بسا که خساراتی به اسلام و کشور وارد شود که جبران پذیر نباشد و در این صورت همه در پیشگاه خداوند متعال مسئول می باشند. از این قرار عدم دخالت ملت از مراجع و علماء بزرگ تا طبقه بازاری و کشاورز و کارگر و کارمند همه و همه مسئول سرنوشت کشور و اسلام می باشند چه در نسل حاضر و چه در نسل های آتیه، و چه بسا که در بعضی مقاطع عدم حضور و مسامحه، گناهی باشد که در رأس گناهان کبیره است.

پس علاج واقعه را قبل از وقوع باید کرد و آلا کار از دست همه خارج خواهد شد و این حقیقتی است که بعد از مشروطه لمس نموده اید و نموده ایم. چه هیچ علاجی بالاتر و والاتر از آن نیست که ملت در سرتاسر کشور در کارهایی که محول به اوست بر طبق ضوابط اسلامی و قانون اساسی انجام دهد و در تعیین رئیس جمهور و وکلای مجلس با طبقه تحصیل کرده متمهد و روشنفکر با اطلاع از مجاری امور و غیر وابسته به کشورهای قدرتمند استثمارگر و اشتهار به تقوی و تمهد به اسلام و جمهوری اسلامی مشورت کرده و با علماء و

مشورت با روشنفکران متمهد و علماء با تقوی در تعیین رئیس جمهور و وکلای مجلس

شرائط رئیس جمهوری و وکلای
مجلس

روحانیون باتقوی و متعهد به جمهوری اسلامی نیز مشورت نموده و توجه داشته باشند رئیس جمهور و وکلای مجلس از طبقه ای باشند که محرومیت و مظلومیت مستضعفان و محرومان جامعه را لمس نموده و در فکر رفاه آنان باشند نه از سرمایه داران و زمین خواران و صدرنشینان مرفه و غرق در لذات و شهوات که تلخی محرومیت و رنج گرسنگان و پابرهنگان را نمی توانند بفهمند.

و باید بدانیم که اگر رئیس جمهور و نمایندگان مجلس شایسته و متعهد به اسلام و دلسوز برای کشور و ملت باشند بسیاری از مشکلات پیش نمی آید و مشکلاتی اگر باشد رفع می شود و همین معنی در انتخاب خبرگان برای تعیین شورای رهبری یا رهبر با ویژگی خاص باید در نظر گرفته شود که اگر خبرگان که با انتخاب ملت تعیین می شوند از روی کمال دقت و با مشورت با مراجع عظام هر عصر و علماء بزرگ سرتاسر کشور و متدینین و دانشمندان متعهد به مجلس خبرگان بروند بسیاری از مهمات و مشکلات به واسطه تعیین شایسته ترین و متعهدترین شخصیتها برای رهبری یا شورای رهبری پیش نخواهد آمد، یا با شایستگی رفع خواهد شد. و با نظر به اصل یکصد و نهم و یکصد و دهم قانون اساسی، وظیفه سنگین ملت در تعیین خبرگان و نمایندگان در تعیین رهبر یا شورای رهبری روشن خواهد شد که اندک مسامحه در انتخاب، چه آسیبی به اسلام و کشور و جمهوری اسلامی وارد خواهد کرد که احتمال آن در سطح بالایی از اهمیت است برای آنان تکلیف الهی ایجاد می کند.

دقت و مشورت با مراجع عظام و
متعهد در انتخاب خبرگان

وظیفه سنگین ملت و خبرگان در
تعیین رهبری

و وصیت اینجانب به رهبر و شورای رهبری در این عصر که عصر تهاجم ابرقدرتها و وابستگان به آنان در داخل و خارج کشور به جمهوری اسلامی و در حقیقت به اسلام است در پوشش جمهوری اسلامی و در عصرهای آینده آن است که خود را وقف در خدمت به اسلام و جمهوری اسلامی و محرومان و مستضعفان بنمایند و گمان ننمایند که رهبری فی نفسه برای آنان تحفه ای است و مقام والایی،

وصیت به رهبر و شورای رهبری

بلکه وظیفه سنگین و خطرناکی است که لغزش در آن اگر خدای نخواست با هوای نفس باشد ننگ ابدی در این دنیا و آتش غضب خدای قهار در جهان دیگر در پی داد. از خداوند متان هادی با تضرع و ابتهال می‌خواهم که ما و شما را از این امتحان خطرناک با روی سفید در حضرت خود بپذیرد و نجات دهد و این خطر قدری خفیف‌تر برای رؤساء جمهور حال و آینده و دولت‌ها و دست‌اندرکاران به حسب درجات در مسئولیت‌ها نیز است که باید خدای متعال را حاضر و ناظر و خود را در محضر مبارک او بدانند. خداوند متعال راهگشای آنان باشد.

[قضاوت و قضات]

ح- از مهمات امور، مسئله قضاوت است که سروکار آن با جان و مال و ناموس مردم است. وصیت اینجانب به رهبر و شورای رهبری آن است که در تعیین عالی‌ترین مقام قضایی که در عهده دارند کوشش کنند که اشخاص متعهد سابقه‌دار و صاحب‌نظر در امور شرعی و اسلامی و در سیاست را نصب نمایند و از شورای عالی قضایی می‌خواهم امر قضاوت را که در رژیم سابق به وضع اسفناک و غم‌انگیزی درآمده بود با جدیت سروسامان دهند و دست کسانی که با جان و مال مردم بازی می‌کنند و آنچه نزد آنان مطرح نیست عدالت اسلامی است از این کرسی پراهمیت کوتاه کنند و با پشتکار و جدیت به تدریج دادگستری را متحول نمایند و قضات دارای شرایطی که انشاء الله با جدیت حوزه‌های علمیه مخصوصاً حوزه مبارکه علمیه قم تربیت و تعلیم می‌شوند و معرفی می‌گردند به جای قضاتی که شرایط مقرر اسلام را ندارند نصب گردند که انشاء الله تعالی به زودی قضاوت اسلامی در سراسر کشور جریان پیدا کند. و به قضات محترم در عصر حاضر و اعصار آینده وصیت می‌کنم که با در نظر گرفتن احادیثی که از معصومین صلوات الله علیهم در اهمیت قضا و خطر عظیمی که قضاوت دارد و توجه و نظر به آنچه در باره قضاوت به غیر حق وارد شده است این امر خطیر را تصدی نمایند و نگذارند این مقام

وظیفه رهبری و شورای عالی
قضات

وظیفه حوزه‌های علمیه در تربیت
قضات

وصیت به قضات محترم

به غیر اهلش سپرده شود و کسانی که اهل هستند از تصدی این امر سرباز نزنند و به اشخاص غیر اهل میدان ندهند و بدانند که همانطور که خطر این مقام بزرگ است اجر و فضل و ثواب آن نیز بزرگ است و می دانند که تصدی قضا برای اهلش واجب کفایی است.

[حوزه های مقدسه علمیه و علماء و مدرّسین]

ط- وصیت اینجانب به حوزه های مقدسه علمیه آن است که کراراً عرض نموده ام که در این زمان که مخالفین اسلام و جمهوری اسلامی کمر به براندازی اسلام بسته اند و از هر راه ممکن برای این مقصد شیطانی کوشش می نمایند و یکی از راههای با اهمیت برای مقصد شوم آنان و خطرناک برای اسلام و حوزه های اسلامی نفوذ دادن افراد منحرف و تبهکار در حوزه های علمیه است که خطر بزرگ کوتاه مدت آن بدنام نمودن حوزه ها با اعمال ناشایسته و اخلاق و روش انحرافی است و خطر بسیار عظیم آن در درازمدت به مقامات بالا رسیدن یک یا چند نفر شیاد که با آگاهی بر علوم اسلامی و جازدن خود در بین توده ها و قشرهای مردم پاکدل و علاقه مند نمودن آنان را به خویش و ضربه مهلک زدن به حوزه های اسلامی و اسلام عزیز و کشور در موقع مناسب می باشد. و می دانیم که قدرتهای بزرگ چپاولگر در میان جامعه ها افرادی به صورتهای مختلف از ملی گراها و روشنفکران مصنوعی و روحانی نمایان که اگر مجال یابند از همه پرخطرتر و آسیب رسان ترند ذخیره دارند که گاهی سی چهل سال با مشی اسلامی و مقدس مآبی یا پان ایرانیسم و وطن پرستی و حيله های دیگر با صبر و بردباری در میان ملتها زیست می کنند و در موقع مناسب مأموریت خود را انجام می دهند. و ملت عزیز ما در این مدت کوتاه پس از پیروزی انقلاب نمونه هایی از قبیل مجاهد خلق و فدایی خلق و توده ایها و دیگر عناوین دیده اند و لازم است همه با هشیاری این قسم توطئه را خنثی نمایند و از همه لازم تر حوزه های علمیه است که تنظیم و تصفیه آن با مدرّسین محترم و افاضل سابقه دار است باتأیید مراجع وقت. و شاید تر

نفوذ افراد منحرف و تبهکار در
حوزه ها و خطرات ناشی از آن

قدرت های چپاولگر و پرورش
روشنفکران مصنوعی و روحانی
نمایان

ضرورت برنامه ریزی دقیق و
صحیح جهت نظم دادن به
حوزه ها

نظم در بی نظمی است از القائنات شوم همین نقشه ریزان و توطئه گران باشد. در هر صورت وصیت اینجانب آن است که در همه اعصار خصوصاً در عصر حاضر که نقشه ها و توطئه ها سرعت و قوت گرفته است، قیام برای نظام دادن به حوزه ها لازم و ضروری است که علماء و مدرسین و افاضل عظیم الشأن صرف وقت نموده و با برنامه دقیق صحیح حوزه ها را و خصوصاً حوزه علمیه قم و سایر حوزه های بزرگ و با اهمیت را در این مقطع از زمان از آسیب حفظ نمایند و لازم است علماء و مدرسین محترم نگذارند در درسهای که مربوط به فقاہت است و حوزه های فقهی و اصولی، از طریقه مشایخ معظم که تنها راه برای حفظ فقه اسلامی است منحرف شوند و کوشش نمایند که هر روز بر دقتها و بحث و نظرها و ابتکار و تحقیق ها افزوده شود و فقه سنتی که ارث سلف صالح است و انحراف از آن سست شدن ارکان تحقیق و تدقیق است محفوظ بماند و تحقیقات بر تحقیقات اضافه گردد و البته در رشته های دیگر علوم به مناسبت احتیاجات کشور و اسلام برنامه هایی تهیه خواهد شد و رجالی در آن رشته تربیت باید شود و از بالاترین و والاترین حوزه هایی که لازم است به طور همگانی مورد تعلیم و تعلم قرار گیرد، علوم معنوی اسلامی از قبیل علم اخلاق و تهذیب نفس و سیر و سلوک الی الله رزقنا الله وایاکم، که جهاد اکبر می باشد.

[قوه اجرائیه، دولت]

ی- از اموری که اصلاح و تصفیه و مراقبت از آن لازم است قوه اجرائیه است گاهی ممکن است که قوانین مترقی و مفید به حال جامعه از مجلس بگذرد و شورای نگهبان آنها را تنفیذ کند و وزیر مسئول هم ابلاغ نماید لکن به دست مجریان غیر صالح که افتاد آن را مسخ کنند و برخلاف مقررات یا با کاغذبازی ها یا پیچ و خمها که به آن عادت کرده اند یا عمداً برای نگران نمودن مردم عمل کنند که به

فقه سنتی تنها راه حفظ فقه اسلامی

برنامه ریزی در رشته های دیگر علوم

اهمیت مجریان صالح

تدریج و مسامحه غائله ایجاد می کند.

وصیت اینجانب به وزراء مسئول در عصر حاضر و در عصرهای دیگر آن است که علاوه بر آنکه شماها و کارمندان وزارتخانه ها بودجه ای که از آن ارتزاق می کنید مال ملت، و باید همه خدمتگزار ملت و خصوصاً مستضعفان باشید و ایجاد زحمت برای مردم و مخالف وظیفه عمل کردن حرام و خدای نخواستگاهی موجب غضب الهی می شود، همه شما به پشتیبانی ملت احتیاج دارید. با پشتیبانی مردم خصوصاً طبقات محروم بود که پیروزی حاصل شد و دست ستم شاهی از کشور و ذخائر آن کوتاه گردید و اگر روزی از پشتیبانی آنان محروم شوید شماها کنار گذاشته می شوید و همچون رژیم شاهنشاهی ستمکار به جای شما ستم پیشگانی پستها را اشغال می نمایند بنابراین حقیقت ملموس باید کوشش در جلب نظر ملت بنمائید و از رفتار غیراسلامی انسانی احتراز نمائید و در همین انگیزه به وزراء کشور در طول تاریخ آینده توصیه می کنم که در انتخاب استاندارها دقت کنند اشخاص لایق، متدین، متعهد، عاقل و سازگار با مردم انتخاب نمایند تا آرامش در کشور هرچه بیشتر حکمفرما باشد. و باید دانست که گرچه تمام وزیران وزارتخانه ها مسئولیت در اسلامی کردن و تنظیم امور محل مسئولیت خود دارند لکن بعضی از آنها ویژگی خاص دارند، مثل وزارت خارجه که مسئولیت سفارتخانه ها را در خارج از کشور دارد. اینجانب از ابتداء پیروزی به وزراء خارجه راجع به طاغوت زدگی سفارتخانه ها و تحول آنها به سفارتخانه های مناسب با جمهوری اسلامی توصیه هایی نمودم، لکن بعض آنان یا نخواستند یا نتوانستند عمل مثبتی انجام دهند و اکنون که سه سال از پیروزی می گذرد اگرچه وزیر خارجه کنونی اقدام به این امر نموده است و امید است با پشتکار و صرف وقت این امر مهم انجام گیرد و وصیت من به وزراء خارجه در این زمان و زمانهای بعد آن است که مسئولیت شما بسیار زیاد است چه در اصلاح و تحول وزارتخانه و سفارتخانه ها و چه در

وصیت به وزراء در خدمتگزاری
به ملت و مستضعفان

دقت در انتخاب استاندارها

مسئولیت و وظائف وزارت
خارجه

سیاست خارجی حفظ استقلال و منافع کشور و روابط حسنه با دولتهایی که قصد دخالت در امور کشور ما را ندارند و از هر امری که شائبه وابستگی با همه ابعادی که دارد به طور قاطع احتراز نمایند و باید بدانید که وابستگی در بعضی امور هر چند ممکن است ظاهر فریبنده‌ای داشته باشد یا منفعت و فائده‌ای در حال داشته باشد لکن در نتیجه، ریشه کشور را به تباهی خواهد کشید و کوشش داشته باشید در بهتر کردن روابط با کشورهای اسلامی و در بیدار کردن دولتمردان و دعوت به وحدت و اتحاد کنید که خداوند با شما است.

وصیت به ملت‌های کشورهای اسلامی

و وصیت من به ملت‌های کشورهای اسلامی است که انتظار نداشته باشید که از خارج کسی به شما در رسیدن به هدف که آن اسلام و پیاده کردن احکام اسلام است کمک کند خود باید به این امر حیاتی که آزادی و استقلال را تحقق می‌بخشد قیام کنید و علماء اعلام و خطباء محترم کشورهای اسلامی دولت‌ها را دعوت کنند که از وابستگی به قدرتهای بزرگ خارجی خود را رها کنند و با ملت خود تفاهم کنند در این صورت پیروزی را در آغوش خواهند کشید و نیز ملت‌ها را دعوت به وحدت کنند و از نژادپرستی که مخالف دستور اسلام است پرهیزند و با برادران ایمانی خود در هر کشوری و با هر نژادی که هستند دست برادری دهند که اسلام بزرگ آنان را برادر خوانده و اگر این برادری ایمانی با همت دولت‌ها و ملت‌ها و با تأیید خداوند متعال روزی تحقق یابد، خواهید دید که بزرگترین قدرت جهان را مسلمین تشکیل می‌دهند. به امید روزی که با خواست پروردگار عالم این برادری و برابری حاصل شود.

[تبلیغات]

توصیه به وزارت ارشاد

و وصیت اینجانب به وزارت ارشاد در همه اعصار خصوصاً عصر حاضر که ویژگی خاصی دارد آن است که برای تبلیغ حق مقابل باطل و ارائه چهره حقیقی جمهوری اسلامی کوشش کنند. ما اکنون در این

زمان که دست ابرقدرتها را از کشور خود کوتاه کردیم مورد تهاجم تبلیغاتی تمام رسانه‌های گروهی وابسته به قدرتهای بزرگ هستیم. چه دروغها و تهمت‌ها که گویندگان و نویسندگان وابسته به ابرقدرتها به این جمهوری اسلامی نوپا نزده و نمی‌زنند مع الأسف اکثر دولتهای منطقه اسلامی که به حکم اسلام باید دست اخوت به ما دهند به عداوت با ما و اسلام برخاسته‌اند و همه در خدمت جهان‌خواران از هر طرف به ما هجوم آورده‌اند و قدرت تبلیغاتی ما بسیار ضعیف و ناتوان است و می‌دانید که امروز جهان روی تبلیغات می‌چرخد و با کمال تأسف، نویسندگان به اصطلاح روشنفکر که به سوی یکی از دو قطب گرایش دارند به جای آنکه در فکر استقلال و آزادی کشور و ملت خود باشند خودخواهی‌ها و فرصت‌طلبی‌ها و انحصارجویی‌ها به آنان مجال نمی‌دهد که لحظه‌ای تفکر نمایند و مصالح کشور و ملت خود را در نظر بگیرند و مقایسه بین آزادی و استقلال را در این جمهوری با رژیم ستمگر سابق نمایند و زندگی شرافتمندانه ارزنده را توأم با بعضی آنچه را که از دست داده‌اند که رفاه و عیش زدگی است، با آنچه از رژیم ستم‌شاهی دریافت می‌کردند توأم با وابستگی و نوکرمآبی و ثناجویی و مداحی از جرثومه‌های فساد و معادن ظلم و فحشاء بسنجند و از تهمتها و نارواها به این جمهوری تازه تولد یافته دست بکشند و با ملت و دولت در صف واحد بر ضد طاغوتیان و ستم‌پیشگان، زبان‌ها و قلمها را به کار بگیرند.

و مسئله تبلیغ تنها به عهده وزارت ارشاد نیست بلکه وظیفه همه دانشمندان و گویندگان و نویسندگان و هنرمندان است. باید وزارت خارجه کوشش کند تا سفارتخانه‌ها نشریات تبلیغی داشته باشند و چهره نورانی اسلام را برای جهانیان روشن نمایند که اگر این چهره با آن جمال جمیل که قرآن و سنت در همه ابعاد به آن دعوت کرده از زیر نقاب مخالفان اسلام و کج‌فهمی‌های دوستان خودنمایی نماید اسلام جهان گیر خواهد شد و پرچم پرافتخار آن در همه جا به اهتزاز خواهد

اهمیت تبلیغات در جهان
امروز

تبلیغ وظیفه‌ای همگانی

وظیفه وزارت خارجه در امر
تبلیغ

آمد. چه مصیبت بار و غم انگیز است که مسلمانان متاعی دارند که از صدر عالم تا نهایت آن نظیر ندارد. نتوانسته اند این گوهر گران بها را که هر انسانی به فطرت آزاد خود طالب آن است عرضه کنند بلکه خود نیز از آن غافل و به آن جاهلند و گاهی از آن فراریند.

[مراکز تعلیم و تربیت]

ک- از امور بسیار با اهمیت و سرنوشت ساز مسئله مراکز تعلیم و تربیت از کودکان تا دانشگاهها است که به واسطه اهمیت فوق العاده اش تکرار نموده و با اشاره می گذرم. باید ملت غارت شده بدانند که در نیم قرن اخیر آنچه به ایران و اسلام ضربه مهلک زده است قسمت عمده اش از دانشگاهها بوده است. اگر دانشگاهها و مراکز تعلیم و تربیت دیگر با برنامه های اسلامی و ملی در راه منافع کشور به تعلیم و تهذیب و تربیت کودکان و نوجوانان و جوانان جریان داشتند، هرگز میهن ما در حلقوم انگلستان و پس از آن آمریکا و شوروی فرو نمی رفت و هرگز قراردادهای خانه خراب کن بر ملت محروم غارت زده تحمیل نمی شد و هرگز پای مستشاران خارجی به ایران باز نمی شد و هرگز ذخایر ایران و طلای سیاه این ملت رنج دیده در جیب قدرتهای شیطانی ریخته نمی شد و هرگز دودمان پهلوی و وابسته های به آن اموال ملت را نمی توانستند به غارت ببرند و در خارج و داخل پارکها و ویلاها بر روی اجساد مظلومان بنا کنند و بانکهای خارج را از دسترنج این مظلومان پر کنند و صرف عیاشی و هرزگی خود و بستگان خود نمایند. اگر مجلس و دولت و قوه قضائیه و سایر ارگانها از دانشگاههای اسلامی و ملی سرچشمه می گرفت ملت ما امروز گرفتار مشکلات خانه برانداز نبود و اگر شخصیتهای پاکدامن با گرایش اسلامی و ملی به معنای صحیحش، نه آنچه امروز در مقابل اسلام عرض اندام می کند از دانشگاهها به مراکز قوای سه گانه راه می یافت، امروز ما غیر امروز و میهن ما غیر این میهن و محرومان ما از قید محرومیت رها و بساط ظلم

ضربه مهلک قدرتهای شیطانی
از طریق دانشگاهها

و ستمشاهی و مراکز فحشا و اعتیاد و عشرتکده‌ها که هر یک برای تباه نمودن نسل جوان فعال ارزنده کافی بود درهم پیچیده و این ارث کشور بریاده و انسان برانداز به ملت نرسیده بود و دانشگاهها اگر اسلامی انسانی ملی بود می توانست صدها و هزارها مدرسی به جامعه تحویل دهد لکن چه غم انگیز و اسف بار است که دانشگاهها و دبیرستانها به دست کسانی اداره می شد و عزیزان ما به دست کسانی تعلیم و تربیت می دیدند که جز اقلیت مظلوم محرومی همه از غرب زدگان و شرق زدگان با برنامه و نقشه دیکته شده در دانشگاهها کرسی داشتند و ناچار جوانان عزیز و مظلوم ما در دامن این گرگان وابسته به ابرقدرتها بزرگ شده و به کرسیهای قانونگذاری و حکومت و قضاوت تکیه می کردند و بر وفق دستور آنان یعنی رژیم مستمگر پهلوی عمل می کردند اکنون بحمدالله تعالی دانشگاه از چنگال جنایتکاران خارج شده و بر ملت و دولت جمهوری اسلامی است در همه اعصار که نگذارند عناصر فاسد دارای مکتبهای انحرافی یا گرایش به غرب و شرق در دانشسراها و دانشگاهها و سایر مراکز تعلیم و تربیت نفوذ کنند و از قدم اول جلوگیری نمایند تا مشکلی پیش نیاید و اختیار از دست نرود و وصیت اینجانب به جوانان عزیز دانشسراها و دبیرستانها و دانشگاهها آن است که خودشان شجاعانه در مقابل انحرافات قیام نمایند تا استقلال و آزادی خود و کشور و ملت خودشان مصون باشد.

[قوای مسلح]

له قوای مسلح از ارتش و سپاه و ژاندارمری و شهربانی تا کمیته‌ها و بسیج و عشائر و یژگی خاصی دارند اینان که بازوان قوی و قدرتمند جمهوری اسلامی می باشند و نگهبان سرحدات و راهها و شهرها و روستاها و بالاخره نگهداران امنیت و آرامش بخشان به ملت می باشند، می بایست مورد توجه خاص ملت و دولت و مجلس باشند و لازم است توجه داشته باشند که در دنیا آنچه که مورد بهره برداری برای قدرتهای

وظیفه ملت و دولت نسبت به
مراکز تعلیم و تربیت

وصیت به جوانان دبیرستانی
و دانشگاهی

وظیفه ملت و دولت و مجلس
نسبت به قوای مسلح

بزرگ و سیاستهای مخرب بیشتر از هر چیز و هر گروهی است، قوای مسلح است. قوای مسلح است که با بازیهای سیاسی، کودتاها و تغییر حکومتها و رژیمها به دست آنان واقع می شود و سوجدویان دغل بعضی سران آنان را می خرنند و با دست آنان و توطئه های فرماندهان بازی خورده کشورها را به دست می گیرند و ملت های مظلوم را تحت سلطه قرار داده و استقلال و آزادی را از کشورها سلب می کنند و اگر فرماندهان پاکدامن متصدی امر باشند هرگز برای دشمنان کشورها امکان کودتا یا اشغال یک کشور پیش نمی آید و یا اگر احیاناً پیش آید به دست فرماندهان متعهد شکسته و ناکام خواهد ماند.

و در ایران نیز که این معجزه عصر به دست ملت انجام گرفت، قوای مسلح متعهد و فرماندهان پاک و میهن دوست سهم به سزایی داشتند و امروز که جنگ لعنتی و تحمیلی صدام تکریتی به امر و کمک آمریکا و سایر قدرتها پس از نزدیک به دو سال با شکست سیاسی و نظامی ارتش متجاوز بعث و پشتیبانان قدرتمند و وابستگان به آنان روبرو است باز قوای مسلح نظامی و انتظامی و سپاهی و مردمی با پشتیبانی بی دریغ ملت در جبهه ها و پشت جبهه ها این افتخار بزرگ را آفریدند و ایران را سرافراز نمودند و نیز شرارتها و توطئه های داخلی را که به دست عروسکهای وابسته به غرب و شرق برای براندازی جمهوری اسلامی بسیج شده بودند با دست توانای جوانان کمیته ها و پاسداران بسیج و شهربانی و با کمک ملت غیرتمند درهم شکسته شد. و همین جوانان فداکار عزیزند که شبها بیدارند تا خانواده ها با آرامش استراحت کنند. خدایشان یار و مددکار باد.

پس وصیت برادرانه من در این قدمهای آخرین عمر بر قوای مسلح به طور عموم آن است که ای عزیزان که به اسلام عشق می ورزید و با عشق لقاء الله به فداکاری در جبهه ها و در سطح کشور به کار ارزشمند خود ادامه می دهید بیدار باشید و هشیار که بازیگران سیاسی و سیاستمداران حرفه ای غرب و شرق زده و دستهای مرموز جنایتکاران

نقش قوای مسلح در پیروزی انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی

وصیت به قوای مسلح

پشت پرده لبه تیز سلاح خیانت و جنایت کارشان از هر سو و بیشتر از هر گروه متوجه به شما عزیزان است و می خواهند از شما عزیزان که با جانفشانی خود انقلاب را پیروز نمودید و اسلام را زنده کردید بهره گیری کرده و جمهوری اسلامی را براندازند و شما را با اسم اسلام و خدمت به میهن و ملت از اسلام و ملت جدا کرده به دامن یکی از دو قطب جهانخوار بیندازند و بر زحمات و فداکاریهای شما با حیل‌های سیاسی و ظاهرهای به صورت اسلامی و ملی خط بطلان بکشند.

وصیت اکید من به قوای مسلح آن است که همانطور که از مقررات نظام، عدم دخول نظامی در احزاب و گروهها و جبهه‌ها است به آن عمل نمایند و قوای مسلح مطلقاً چه نظامی و انتظامی و پاسدار و بسیج و غیر اینها در هیچ حزب و گروهی وارد نشده و خود را از بازیهای سیاسی دور نگاهدارند. در این صورت می‌توانند قدرت نظامی خود را حفظ و از اختلافات درون گروهی مصون باشند و بر فرماندهان لازم است که افراد تحت فرمان خود را از ورود در احزاب منع نمایند و چون انقلاب از همه ملت و حفظ آن بر همگان است، دولت و ملت و شورای دفاع و مجلس شورای اسلامی وظیفه شرعی و میهنی آنان است که اگر قوای مسلح چه فرماندهان و طبقات بالا و چه طبقات بعد برخلاف مصالح اسلام و کشور بخواهند عملی انجام دهند یا در احزاب وارد شوند که بی اشکال به تباهی کشیده می‌شوند و یا در بازیهای سیاسی وارد شوند، از قدم اول با آن مخالفت کنند و بر رهبر و شورای رهبری است که با قاطعیت از این امر جلوگیری نماید تا کشور از آسیب در امان باشد و من به همه نیروهای مسلح در این پایان زندگی خاکی وصیت مشفقانه می‌کنم که از اسلام که یگانه مکتب استقلال و آزادی خواهی است و خداوند متعال همه را با نور هدایت آن به مقام والای انسانی دعوت می‌کند چنانچه امروز وفاداری در وفاداری استقامت کنید که شما را و کشور و ملت شما را از ننگ وابستگیها و پیوستگیها به قدرتهایی که شما را جز برای بردگی خویش نمی‌خواهند

عدم دخالت قوای مسلح در احزاب و گروهها

وصیت به قوای مسلح در استقامت و وفاداری به اسلام

و کشور و ملت عزیزتان را عقب مانده و بازار مصرف و زیربار ننگین ستم‌پذیری نگه‌میدارند نجات می‌دهد و زندگی انسانی شرافتمندانه را ولو با مشکلات بر زندگانی ننگین بردگی اجانب ولو با رفاه حیوانی ترجیح دهید و بدانید مادام که در احتیاجات صنایع پیشرفته، دست خود را پیش دیگران دراز کنید و به در یوزگی عمر را بگذرانید قدرت ابتکار و پیشرفت در اختراعات در شما شکوفا نخواهد شد. و به خوبی و عینیت دیدید که در این مدت کوتاه پس از تحریم اقتصادی همانها که از ساختن هر چیز خود را عاجز می‌دیدند و از راه انداختن کارخانه‌ها آنان را مأیوس می‌نمودند افکار خود را به کار بستند و بسیاری از احتیاجات ارتش و کارخانه‌ها را خود رفع نمودند. و این جنگ و تحریم اقتصادی و اخراج کارشناسان خارجی، تحفه‌ای الهی بود که ما از آن غافل بودیم. اکنون اگر دولت و ارتش کالاهای جهانخواران را خود تحریم کنند و به کوشش و سعی در راه ابتکار بیفزایند امید است که کشور خود کفا شود و از در یوزگی از دشمن نجات یابد.

و هم در اینجا باید بیفزایم که احتیاج ما پس از این همه عقب‌ماندگی مصنوعی به صنمتهای بزرگ کشورهای خارجی حقیقتی است انکارناپذیر، و این به آن معنی نیست که ما باید در علوم پیشرفته به یکی از دو قطب وابسته شویم. دولت و ارتش باید کوشش کنند که دانشجویان متعهد را در کشورهایی که صنایع بزرگ پیشرفته را دارند و استعمار و استثمارگر نیستند بفرستند و از فرستادن به آمریکا و شوروی و کشورهای دیگر که در مسیر این دو قطب هستند احتراز کنند، مگر انشاء الله روزی برسد که این دو قدرت به اشتباه خود پی برند و در مسیر انسانیت و انسان‌دوستی و احترام به حقوق دیگران واقع شوند، یا انشاء الله مستضعفان جهان و ملت‌های بیدار و مسلمانان متعهد آنان را به جای خود نشانند. به امید چنین روزی.

تلاش برای خودکفائی در صنایع نظامی

جنگ و تحریم اقتصادی تحفه‌ای الهی

عدم وابستگی به کشورهای خارجی

[رادپوتلوژیون، مطبوعات، سینما، تئاتر، مراکز قمار و فساد و...]

م- رادپوتلوژیون و مطبوعات و سینماها و تئاترها از ابزارهای مؤثر تباہی و تخریب ملتها، خصوصاً نسل جوان بوده است. در این صد سال اخیر بویژه نیمه دوم آن چه نقشه‌های بزرگی از این ابزار چه در تبلیغ ضد اسلام و ضد روحانیت خدمتگزار و چه در تبلیغ استعمارگران غرب و شرق کشیده شد و از آنها برای درست کردن بازار کالاها خصوصاً تجملی و تزئینی از هر قماش، از تقلید در ساختمانها و تزئینات و تجملات آنها و تقلید در اجناس نوشیدنی و پوشیدنی و در فرم آنها استفاده کردند به طوری که افتخار بزرگ فرنگی مآب بودن در تمام شئون زندگی از رفتار و گفتار و پوشش و فرم آن بسویزه در خانمهای مرفه یا نیمه مرفه بود و در آداب معاشرت و کیفیت حرف زدن و به کار بردن لغات غربی در گفتار و نوشتار به صورتی بود که فهم آن برای بیشتر مردم غیر ممکن و برای هم ردیفان نیز مشکل می نمود. فیلمهای تلویزیون از فرآورده‌های غرب یا شرق بود که طبقه جوان زن و مرد را از مسیر عادی زندگی و کار و صنعت و تولید و دانش منحرف و به سوی بی خبری از خویش و شخصیت خود و یا بدبینی و بدگمانی به همه چیز خود و کشور خود حتی فرهنگ و ادب و مآثر پرارزش که بسیاری از آن بادست خیانتکار [سود] جویان، به کتابخانه‌ها و موزه‌های غرب و شرق منتقل گردید گمشاند.

مجله‌ها با مقاله‌ها و عکسهای افتضاح بار و اسف انگیز و روزنامه‌ها با مسابقات در مقالات ضد فرهنگی خویش و ضد اسلامی با افتخار مردم بویژه طبقه جوان مؤثر را به سوی غرب یا شرق هدایت می کردند. اضافه کنید برآن تبلیغ دامنه دار در ترویج مراکز فساد و عشرتکده‌ها و مراکز قمار و لاتار و مغازه‌های فروش کالاها و تجملاتی و اسباب آرایش و بازیها و مشروبات الکلی به ویژه آنچه از غرب وارد می شد و در مقابل صدور نفت و گاز و مخازن دیگر، عروسکها و اسباب بازیها و کالاها و تجملی وارد می شد و صدها

چیزهایی که امثال من از آنها بی اطلاع هستیم و اگر خدای نخواستہ عمر رژیم سرسپرده و خانمان برانداز پهلوی ادامه پیدا می کرد چیزی نمی گذشت که جوانان برومند ما این فرزندان اسلام و میهن که چشم امید ملت به آنها است با انواع دسیسه ها و نقشه های شیطانی به دست رژیم فاسد و رسانه های گروهی و روشنفکران غرب و شرق گرا از دست ملت و دامن اسلام رخت برمی بستند یا جوانی خود را در مراکز فساد تباه می کردند و یا به خدمت قدرتهای جهانخوار درآمده و کشور را به تباهی می کشانند. خداوند متعال به ما و آنان منت گذاشت و همه را از شرمسین و غارتگران نجات داد.

اکنون وصیت من به مجلس شورای اسلامی در حال و آینده و رئیس جمهور و رؤسای جمهور مابعد و به شورای نگهبان و شورای قضایی و دولت در هر زمان آن است که نگذارند این دستگاہهای خبری و مطبوعات و مجله ها از اسلام و مصالح کشور منحرف شوند و باید همه بدانیم که آزادی به شکل غربی آن که موجب تباهی جوانان و دختران و پسران می شود از نظر اسلام و عقل محکوم است و تبلیغات و مقالات و سخنرانیها و کتب و مجلات برخلاف اسلام و عفت عمومی و مصالح کشور حرام است و بر همه ما و همه مسلمانان جلوگیری از آنها واجب است و از آزادیهای مخرب باید جلوگیری شود و از آنچه در نظر شرع حرام و آنچه برخلاف مسیر ملت و کشور اسلامی و مخالف با حیثیت جمهوری اسلامی است، به طور قاطع اگر جلوگیری نشود همه مسئول می باشند و مردم و جوانان حزب اللهی اگر برخورد به یکی از امور مذکور نمودند به دستگاہهای مربوطه رجوع کنند و اگر آنان کوتاهی نمودند خودشان مکلف به جلوگیری هستند. خداوند تعالی مددکار همه باشد.

[گروهها، گروهکها و دیگر معاندین]

ن- نصیحت و وصیت من به گروهها و گروهکها و اشخاصی که

وظیفه مسلمانان و جوانان
حزب اللهی

در ضدیت با ملت و جمهوری اسلامی و اسلام فعالیت می‌کنند، اول به سران آنان در خارج و داخل، آن است که تجربه طولانی به همراهی که اقدام کردید و به هر توطئه‌ای که دست زدید و به هر کشور و مقامی که توسل پیدا کردید، به شماها که خود را عالم و عاقل می‌دانید باید آموخته باشند که مسیر یک ملت فداکار را نمی‌شود با دست زدن به ترور و انفجار و بمب و دروغ‌پردازیهای بی سروپا و غیرحساب شده منحرف کرد و هرگز هیچ حکومت و دولتی را نمی‌توان با این شیوه‌های غیرانسانی و غیرمنطقی ساقط نمود، بویژه ملتی مثل ایران را که از بچه‌های خردسالش تا پیرزنها و پیرمردهای بزرگ‌سالش، در راه هدف و جمهوری اسلامی و قرآن و مذهب جانفشانی و فداکاری می‌کنند. شماها که می‌دانید (و اگر ندانید بسیار ساده لوحانه فکر می‌کنید) که ملت با شما نیست و ارتش با شماها دشمن است و اگر فرض بکنید با شما بودند و دوست شما بودند، حرکات ناشیانه شما و جنایاتی که با تحریک شما رخ داد آنان را از شما جدا کرد و جز دشمن تراشی کار دیگری نتوانستید بکنید. من وصیت خیرخواهانه در این آخر عمر به شما می‌کنم که اولاً با این ملت طاغوت‌زده رنج کشیده که پس از دو هزار و پانصد سال ستمشاهی با فدا دادن بهترین فرزندان و جوانانش خود را از زیر بار ستم جنایتکارانی همچون رژیم پهلوی و جهانخواران شرق و غرب نجات داده به جنگ و ستیز برخاسته‌اید چطور وجدان یک انسان هرچه پلید باشد راضی می‌شود برای احتمال رسیدن به یک مقام با میهن خود و ملت خود اینگونه رفتار کند و به کوچک و بزرگ آنها رحم نکنند. من به شما نصیحت می‌کنم دست از این کارهای بی‌فایده و غیرعاقلانه بردارید و گول جهانخواران را نخورید و در هر جا هستید اگر به جنایتی دست نزدید به میهن خود و دامن اسلام برگردید و توبه کنید که خداوند ارحم الراحمین است و جمهوری اسلامی و ملت از شما انشاء الله می‌گذرند و اگر دست به جنایتی زدید که حکم خداوند تکلیف شما را معین کرده، باز از نیمه راه برگشته و توبه کنید و

اگر شهامت دارید تن به مجازات داده و باین عمل، خود را از عذاب الیم خداوند نجات دهید و آلا در هر جا هستید عمر خود را بیش از این هدر ندهید و به کار دیگر مشغول^۴ بید که صلاح در آن است. و بعد به هواداران داخلی و خارجی آنان وصیت می کنم که با چه انگیزه جوانی خود را برای آنان که اکنون ثابت است که برای قدرتمندان جهان خوار خدمت می کنند و از نقشه های آنها پیروی می کنند و ندانسته به دام آنها افتاده اند به هدر می دهید؟ و با ملت خود در راه چه کسی جفا می کنید؟ شما بازی خوردگان دست آنها هستید و اگر در ایران هستید به عیان مشاهده می کنید که توده های میلیونی به جمهوری اسلامی وفادار و برای آن فداکارند و به عیان می بینید که حکومت و رژیم فعلی با جان و دل در خدمت خلق و مستمندان هستند و آنان که به دروغ ادعای خلقی بودن و مجاهد و فدایی برای خلق می کنند، با خلق خدا به دشمنی برخاسته و شما پسران و دختران ساده دل را برای مقاصد خود و مقاصد یکی از دو قطب قدرت جهانخوار به بازی گرفته و خود یا در خارج در آغوش یکی از دو قطب جنایتکار به خوشگذرانی مشغول و یا در داخل به خانه های مجلل تیمی با زندگی اشرافی نظیر منازل جنایتکارانی بدبخت به جنایت خود ادامه می دهند و شما جوانان را به کام مرگ می فرستند.

نصیحت مشفقانه من به شما نوجوانان و جوانان داخل و خارج آن است که از راه اشتباه برگردید و با محرومین جامعه که با جان و دل به جمهوری اسلامی خدمت می کنند متحد شوید و برای ایران مستقل و آزاد فعالیت نمائید تا کشور و ملت از شر مخالفین نجات پیدا کند و همه با هم به زندگی شرافتمندانه ادامه دهید. تا چه وقت و برای چه گوش به فرمان اشخاصی هستید که جز به نفع شخصی خود فکر نمی کنند و در آغوش و پناه ابرقدرتها با ملت خود در ستیز هستند و شما را فدای مقاصد شوم و قدرت طلبی خویش می نمایند؟ شما در این سالهای پیروزی انقلاب دیدید که ادعاهای آنان با رفتار و عملشان

مخالف است و ادعاها فقط برای فریب جوانان صاف دل است و می دانید که شما قدرتی در مقابل سیل خروشان ملت ندارید و کارهایتان جز به ضرر خودتان و تباهی عمرتان نتیجه ای ندارد. من تکلیف خود را که هدایت است ادا کردم و امید است به این نصیحت که پس از مرگ من به شما می رسد و شائبه قدرت طلبی در آن نیست گوش فرا دهید و خود را از عذاب الیم الهی نجات دهید. خداوند منان شما را هدایت فرماید و صراط مستقیم را به شما بنماید.

وصیت من به چپ گرایان مثل کمونیستها و چریکهای فدایی خلق و دیگر گروههای متمایل به چپ آن است که شماها بدون بررسی صحیح از مکتبها و مکتب اسلام نزد کسانی که از مکتبها و خصوص اسلام اطلاع صحیح دارند با چه انگیزه خودتان را راضی کردید به مکتبی که امروز در دنیا شکست خورده رو آورید و چه شده که دل خود را به چند ایسم که محتوای آنها پیش اهل تحقیق پوچ است خوش کرده اید و شما را چه انگیزه ای وادار کرده که می خواهید کشور خود را به دامن شوروی یا چین بکشید و با ملت خود به اسم توده دوستی به جنگ برخاسته یا به توطئه هائی برای نفع اجنبی به ضد کشور خود و توده های ستمدیده دست زدید؟ شما می بینید که از اول پیدایش کمونیسم مدعیان آن دیکتاتورترین و قدرت طلب و انحصارطلب ترین حکومتهای جهان بوده و هستند. چه ملت‌هایی زیر دست و پای شوروی مدعی طرفدار توده ها خُرد شدند و از هستی ساقط گردیدند. ملت روسیه، مسلمانان و غیرمسلمانان، تاکنون در زیر فشار دیکتاتوری حزب کمونیست دست و پا می زنند و از هرگونه آزادی محروم و در اختناق بالاتر از اختناقیهای دیکتاتورهای جهان به سر می برند. استالین، که یکی از چهره های به اصطلاح درخشان حزب بود، ورود و خروجش را و تشریفات آن و اشرافیت او را دیدیم. اکنون که شما فریب خوردگان در عشق آن رژیم جان می دهید مردم مظلوم شوروی و دیگر اعمار او چون افغانستان از ستمگریهای آنان جان می سپارند و

وصیت به چپگرایان

آنگاه شما که مدعی طرفداری از خلق هستید بر این خلق محروم در هرجا که دستتان رسیده چه جنایاتی انجام دادید و با اهالی شریف آمل که آنان را به غلط طرفدار پروپاقرص خود معرفی می کردید و عده بسیاری را به فریب به جنگ مردم و دولت فرستادید و به کشتن دادید. چه جنایتهای که نکردید. و شما طرفدار خلق محروم می خواهید خلق مظلوم و محروم ایران را به دست دیکتاتوری شوروی دهید و چنین خیانتی را با سرپوش فدایی خلق و طرفدار محرومین در حال اجراء هستید، منتهی حزب توده و رفقای آن با توطئه وزیر ماسک طرفداری از جمهوری اسلامی و دیگر گروهها با اسلحه و ترور و انفجار.

من به شما احزاب و گروهها چه آنان که به چپ گرایی معروف گرچه بعضی شواهد و قرائن دلالت دارد که اینان کمونیست آمریکایی هستند و چه آنان که از غرب ارتزاق می کنند و الهام می گیرند و چه آنها که با اسم خود مختاری و طرفداری از کرد و بلوچ دست به اسلحه برده و مردم محروم کردستان و دیگر جاها را از هستی ساقط نموده و مانع از خدماتهای فرهنگی و بهداشتی و اقتصادی و بازسازی دولت جمهوری در آن استانها می شوند، مثل حزب دموکرات و کومله وصیت می کنم که به ملت پیوندند و تاکنون تجربه کرده اند که کاری جز بدبخت کردن اهالی آن مناطق نکرده اند و نمی توانند بکنند، پس مصلحت خود و ملت خود و مناطق خود آن است که با دولت تشریک مساعی نموده و از یاغی گری و خدمت به بیگانگان و خیانت به میهن خود دست بردارند و به ساختن کشور پردازند و مطمئن باشند که اسلام برای آنان هم از قطب جنایتکار غرب و هم از قطب دیکتاتور شرق بهتر است و آرزوهای انسانی خلق را بهتر انجام می دهد.

و وصیت من به گروههای مسلمان که از روی اشتباه به غرب و احیاناً به شرق تمایل نشان می دهند و از منافقان که اکنون خیانتشان معلوم شد گاهی طرفداری می کردند و به مخالفان بدخواهان اسلام از روی خطا و اشتباه گاهی لعن می کردند و طعن می زدند آن است که

وصیت به گروههای مسلمان
متقابل به شرق و غرب

بر سر اشتباه خود پافشاری نکنند و با شهادت اسلامی به خطای خود اعتراف و با دولت و مجلس و ملت مظلوم برای رضای خداوند هم صدا و هم مسیر شده و این مستضعفان تاریخ را از شر مستکبران نجات دهید و کلام مرحوم مدرس آن روحانی متعهد پاک سیرت و پاک اندیشه را به خاطر بسپارید که در مجلس افسرده آن روز گفت اکنون که باید از بین برویم چرا با دست خود برویم. من هم امروز به یاد آن شهید راه خدا به شما برادران مؤمن عرض می کنم اگر ما با دست جنایتکار آمریکا و شوروی از صفحه روزگار محو شویم و با خون سرخ شرافتمندانه با خدای خویش ملاقات کنیم، بهتر از آن است که در زیر پرچم ارتش سرخ شرق و سیاه غرب زندگی اشرافی مرفه داشته باشیم و این سیره و طریقه انبیاء عظام و ائمه مسلمین و بزرگان دین مبین بوده است و ما باید از آن تبعیت کنیم و باید به خود بیاورانیم که اگر یک ملت بخواهند بدون وابستگی ها زندگی کنند می توانند و قدرتمندان جهان بر یک ملت نمی توانند خلاف ایده آنان را تحمیل کنند. از افغانستان عبرت باید گرفت با آنکه دولت غاصب و احزاب چپی با شوروی بوده و هستند تاکنون نتوانسته اند توده های مردم را سرکوب نمایند.

علاوه بر این اکنون ملت های محروم جهان بیدار شده اند و طولی نخواهد کشید که این بیداریها به قیام و نهضت و انقلاب انجامیده و خود را از تحت سلطه ستمگران مستکبران نجات خواهند داد و شما مسلمانان پای بند به ارزشهای اسلامی می بینید که جدایی و انقطاع از شرق و غرب برکات خود را دارد نشان می دهد و مغزهای متفکر بومی به کار افتاده و به سوی خود کفایی پیشروی می کند و آنچه کارشناسان خائن غربی و شرقی برای ملت ما محال جلوه می دادند امروز به طور چشمگیری با دست و فکر ملت انجام گرفته و انشاء الله تعالی در درازمدت انجام خواهد گرفت و صد افسوس که این انقلاب دیر تحقق پیدا کرد و لااقل در اول سلطنت جابرانه کثیف محمدرضا تحقق

طلیحه بیداری ملت های محروم
جهان و برکات آن

نیافت و اگر شده بود ایران غارت زده غیر از این ایران بود.

و وصیت من به نویسندگان و گویندگان و روشنفکران و اشکال تراشان و صاحب عقدگان آن است که به جای آنکه وقت خود را در خلاف مسیر جمهوری اسلامی صرف کنید و هر چه توان دارید در بدبینی و بدخواهی و بدگویی از مجلس و دولت و سایر خدمتگزاران به کار برید و با این عمل کشور خود را به سوی ابرقدرتها سوق دهید با خدای خود یک شب خلوت کنید و اگر به خداوند عقیده ندارید با وجدان خود خلوت کنید و انگیزه باطنی خود را که بسیار می شود خود انسانها از آن بی خبرند بررسی کنید ببینید آیا با کدام معیار و با چه انصاف خون این جوانان قلم قلم شده را در جبهه ها و در شهرها نادیده می گیرید و با ملتی که می خواهد از زیر بار ستمگران و غارتگران خارجی و داخلی خارج شود و استقلال و آزادی را با جان خود و فرزندان عزیز خود به دست آورده و با فداکاری می خواهد آن را حفظ کند، به جنگ اعصاب برخاسته اید و به اختلاف انگیزی و توطئه های خائنانه دامن می زنید و راه را برای مستکبران و ستمگران باز می کنید. آیا بهتر نیست که با فکر و قلم و بیان خود دولت و مجلس و ملت را راهنمایی برای حفظ میهن خود نمائید؟ آیا سزاوار نیست که به این ملت مظلوم محروم کمک کنید و با یاری خود حکومت اسلامی را استقرار دهید؟ آیا این مجلس و رئیس جمهوری و دولت و قوه قضایی را از آنچه در زمان رژیم سابق بود بدتر می دانید؟ آیا از یاد برده اید ستم هایی که آن رژیم لعنتی بر این ملت مظلوم و بی پناه روا می داشت؟ آیا نمی دانید که کشور اسلامی در آن زمان یک پایگاه نظامی برای آمریکا بود. و با آن عمل یک مستعمره می کردند و از مجلس تا دولت و قوای نظامی در قبضه آنان بود و مستشاران و صنعتگران و متخصصان آنان با این ملت و ذخایر آن چه می کردند؟ آیا اشاعه فحشاء در سراسر کشور و مراکز فساد از عشرتکده ها و قمارخانه ها و میخانه ها و مغازه های مشروب فروشی و سینماها و دیگر

وصیت به نویسندگان، گویندگان، روشنفکران و اشکال تراشان

ظلم، وابستگی و فحشاء در رژیم گذشته

مراکز که هریک برای تباہ کردن نسل جوان عاملی بزرگ بود در
خاطرتان محو شده؟ آیا رسانه های گروهی و مجلات سراسر فساد انگیز
و روزنامه های آن رژیم را به دست فراموشی سپرده اید؟

و اکنون که از آن بازارهای فساد اثری نیست برای آنکه در چند
دادگاه یا چند جوان که شاید اکثر از گروههای منحرف نفوذ کرده و
برای بدنام نمودن اسلام و جمهوری اسلامی کارهای انحرافی انجام
می دهند و کشتن عده ای که مفسد فی الارض هستند و قیام بر ضد
اسلام و جمهوری اسلامی می کنند شما را به فریاد درآورده و با
کسانی که با صراحت اسلام را محکوم می کنند و بر ضد آن قیام
ملحانه یا قیام با قلم و زبان که اسفاک تر از قیام ملحانه است
نموده اند پیوند می کنید و دست برادری می دهید و آنان که خداوند
مهدورالدم فرموده نور چشم می خوانید و در کنار بازی گرانی که فاجعه
۱۴ اسفند را برپا کردند و جوانان بی گناه را با ضرب و شتم کوبیدند
نشسته و تماشاگر معرکه می شوید، یک عمل اسلامی و اخلاقی است
و عمل دولت و قوه قضائیه که معاندین و منحرفین و ملحدین را به جزای
اعمال خویش می رسانند شما را به فریاد درآورده و داد مظلومیت
می زنید من برای شما برادران که از سوابقتان تا حدی مطلع و علاقه مند
به بعضی از شما هستم متأسف هستم نه برای آنان که اشاری بوده اند
در لباس خیرخواهی و گرگهایی در پوشش چوپان و بازیگرانی بودند
که همه را به باد بازی و مسخره گرفته و در صدد تباہ کردن
کشور و ملت و خدمتگزاری به یکی از دو قطب چپاولگر
بودند.

آنان که با دست پلید خود جوانان و مردان ارزشمند و علماء مربی
جامعه را شهید نمودند و به کودکان مظلوم مسلمانان رحم نکردند خود
را در جامعه رسوا و در پیشگاه خداوند قهار مخذول نمودند و راه
بازگشت ندارند که شیطان نفس اماره بر آنان حکومت می کند لکن
شما برادران مؤمن با دولت و مجلس که کوشش دارد خدمت به

محرومین و مظلومین و برادران سروپارهنه و از همه مواهب زندگی محروم نماید چرا کمک نمی کنید و شکایت دارید؟ آیا مقدار خدمت دولت و بنیادهای جمهوری را با این گرفتاریها و نابسامانی ها که لازمه هر انقلاب است و جنگ تحمیلی با آن همه خسارت و میلیونها آواره خارجی و داخلی و کارشکنی های بیرون از حد را در این مدت کوتاه مقایسه با کارهای عمرانی رژیم سابق نموده اید آیا نمی دانید که کارهای عمرانی آن زمان اختصاص داشت تقریباً به شهرها آن هم به محلات مرفه. و فقرا و مردمان محروم از آن امور بهره ناپیچ داشته یا نداشتند و دولت فعلی و بنیادهای اسلامی برای این طایفه محروم با جان و دل خدمت می کنند شما مؤمنان هم پشتیبان دولت باشید تا کارها زود انجام گیرد و در محضر پروردگار که خواه ناخواه خواهید رفت با نشان خدمتگزاری به بندگان او بروید. (این مقدار بریده شده را خودم انجام دادم).

اقتصاد، مالکیت و عدالت اجتماعی

می- یکی از اموری که لازم به توصیه و تذکر است آن است که اسلام نه با سرمایه داری ظالمانه و بی حساب و محروم کننده توده های تحت ستم و مظلوم موافق است بلکه آن را به طور جدی در کتاب و سنت محکوم می کند و مخالف عدالت اجتماعی می داند. گرچه بعضی کج فهمان بی اطلاع از رژیم حکومت اسلامی و از مسائل سیاسی حاکم در اسلام در گفتار و نوشتار خود طوری وانمود کرده اند و بازم دست برنداشته اند که اسلام طرفدار بی مپرز و حد سرمایه داری و مالکیت است و با این شیوه که با فهم کج خویش از اسلام برداشت نموده اند چهره نورانی اسلام را پوشانیده و راه را برای مفروضات و دشمنان اسلام باز نموده که به اسلام بتازند و آن را رژیمی چون رژیم سرمایه داری غرب مثل رژیم آمریکا و انگلستان و دیگر چپاولگران غرب به حساب آورند و با اتکال به قول و فعل این نادانان یا غرضمندان و یا ابلهانه بدون مراجعه به اسلام شناسان واقعی با اسلام به

اسلام و مخالفت با سرمایه داری
ظالمانه

اسلام و احترام به مالکیت
بنحو محدود

معارضه برخاسته اند و نه رژیم می مانند رژیم کمونیسم و مارکسیسم
لنینیسم است که با مالکیت فردی مخالف و قائل به اشتراک
می باشند با اختلاف زیادی که دوره های قدیم تا کنون حتی اشتراک
در زن و همجنس بازی بوده و یک دیکتاتوری و استبداد کوبنده دربر
داشته بلکه اسلام یک رژیم معتدل با شناخت مالکیت و احترام به آن
به نحو محدود در پیدا شدن مالکیت و مصرف که اگر به حق به آن
عمل شود چرخ های اقتصاد سالم به راه می افتد و عدالت اجتماعی که
لازمه یک رژیم سالم است تحقق می یابد.

در اینجا نیز یک دسته با کج فهمی ها و بی اطلاعی از اسلام و
اقتصاد سالم آن در طرف مقابل دسته اول قرار گرفته و گاهی با
تمسک به بعض آیات یا جملات نهج البلاغه اسلام را موافق با
مکتبهای انحرافی مارکس و امثال او معرفی نموده اند و توجه به سایر
آیات و فقرات نهج البلاغه ننموده و سر خود، به فهم قاصر خود،
پا خاسته و مذاهب اشتراکی را تعقیب می کنند و از کفر و دیکتاتوری
و اختناق کوبنده که ارزشهای انسانی را نادیده گرفته و یک حزب
اقلیت با توده های انسانی مثل حیوانات عمل می کنند، حمایت
می کنند.

وصیت من به مجلس و شورای نگهبان و دولت و رئیس جمهور و
شورای قضایی آن است که در مقابل احکام خداوند متعال خاضع بوده
و تحت تأثیر تبلیغات بی محتوای قطب ظالم چپا و لگر سرمایه داری و
قطب ملحد اشتراکی و کمونیستی واقع نشوید و به مالکیت و
سرمایه های مشروع با حدود اسلامی احترام گذارید و به ملت اطمینان
دهید تا سرمایه ها و فعالیتهای سازنده به کار افتند و دولت و کشور را به
خود کفایی و صنایع سبک و سنگین برسانند. و به ثروتمندان و
پول داران مشروع وصیت می کنم که ثروت های عادلانه خود را به کار
اندازید و به فعالیت سازنده در مزارع و روستاها و کارخانه ها بخریزید
که این خود عبادتی ارزشمند است.

وصیت به مجلس ، شورای
نگهبان، دولت، رئیس جمهور
و شورای قضایی در احترام به
سرمایه های مشروع با حدود
اسلامی

وصیت به ثروتمندان مشروع در
بکار اندازی سرمایه و فعالیت
سازنده

و به همه در کوشش برای رفاه طبقات محروم وصیت می‌کنم که خیر دنیا و آخرت شماها رسیدگی به حال محرومان جامعه است که در طول تاریخ ستمشاهی و خان‌خانی در رنج و زحمت بوده‌اند. و چه نیکو است که طبقات تمکن دار به طور داوطلب برای زاغه و چپرنشینان مسکن و رفاه تهیه کنند و مطمئن باشند که خیر دنیا و آخرت در آن است و از انصاف به دور است که یکی بی‌خانمان و یکی دارای آپارتمانها باشد.

[روحانی نماها و روحانیون مخالف]

ع- وصیت اینجانب به آن طایفه از روحانیون و روحانی نماها که با انگیزه‌های مختلف با جمهوری اسلامی و نهادهای آن مخالفت می‌کنند و وقت خود را وقف براندازی آن می‌نمایند و به مخالفان توطئه‌گر و بازیگران سیاسی کمک و گاهی به طوری که نقل می‌شود با پولهای گزافی که از سرمایه‌داران بی‌خبر از خدا دریافت برای این مقصد می‌کنند کمکهای کلان می‌نمایند آن است که شماها طرفی از این غلط کاری‌ها تاکنون نبسته و بعد از این هم گمان ندارم ببینید بهتر آن است که اگر برای دنیا به این عمل دست زده‌اید و خداوند نخواهد گذاشت که شما به مقصد شوم خود برسید، تا در توبه باز است از پیشگاه خداوند عذر بخواهید و با ملت مستمند مظلوم همصدا شوید و از جمهوری اسلامی که با فداکاریهای ملت به دست آمده حمایت کنید که خیر دنیا و آخرت در آن است. گرچه گمان ندارم که موفق به توبه شوید. و اما به آن دسته که از روی بعضی اشتباهات یا بعض خطاها چه عمدی و چه غیر عمدی که از اشخاص مختلف یا گروهها صادر شده و مخالف با احکام اسلام بوده است با اصل جمهوری اسلامی و حکومت آن مخالفت شدید می‌کنند و برای خدا در براندازی آن فعالیت می‌نمایند و با تصور خودشان این جمهوری از رژیم سلطنتی بدتر یا مثل آن است، با نیت صادق در خلوات تفکر کنند و از روی

انصاف مقایسه نمایند با حکومت و رژیم سابق و باز توجه نمایند که در انقلابهای دنیا هرج و مرج ها و غلط روی ها و فرصت طلبی ها غیر قابل اجتناب است و شما اگر توجه نمائید و گرفتاریهای این جمهوری را در نظر بگیرید از قبیل توطئه ها و تبلیغات دروغین و حمله مسلحانه خارج مرز و داخل و نفوذ غیر قابل اجتناب گروههایی از مفسدان و مخالفان اسلام در تمام ارگانهای دولتی به قصد ناراضی کردن ملت از اسلام و حکومت اسلامی و تازه کار بودن اکثرا بسیاری از متصدیان امور و پخش شایعات دروغین از کسانی که از استفاده های کلان غیر مشروع بازمانده یا استفاده آنان کم شده و کمبود چشمگیر قضاات شرع و گرفتاریهای اقتصادی کمر شکن و اشکالات عظیم در تصفیه و تهذیب متصدیان چند میلیونی و کمبود مردمان صالح کاردان و متخصص و دهها گرفتاری دیگر که تا انسان وارد گود نباشد از آنها بی خبر است. و از طرفی اشخاص غرضمند سلطنت طلب سرمایه دار هنگفت که با رباخواری و سودجویی و با اخراج ارز و گران فروشی به حد سرسام آور و قاچاق و احتکار، مستمندان و محرومان جامعه را تا حد هلاکت در فشار قرار داده و جامعه را به فساد می کشند، نزد شما آقایان به شکایت و فریب کاری آمده و گاهی هم برای باور آوردن و خود را مسلمان خالص نشان دادن به عنوان سهم مبلغی می دهند و اشک تمساح می ریزند و شما را عصبانی کرده به مخالفت بر می انگیزانند، که بسیاری از آنان با استفاده های نامشروع خون مردم را می مکند و اقتصاد کشور را به شکست می کشند. اینجانب نصیحت متواضعانه برادرانه می کنم که آقایان محترم تحت تأثیر اینگونه شایعه سازیها قرار نگیرند و برای خدا و حفظ اسلام این جمهوری را تقویت نمایند و باید بدانند که اگر این جمهوری اسلامی شکست بخورد به جای آن یک رژیم اسلامی دلخواه بقیة الله روحی فداه یا مطیع امر شما آقایان تحقق نخواهد پیدا کرد. بلکه یک رژیم دلخواه یکی از دو قطب قدرت به حکومت می رسد و محرومان جهان که به

نصیحت برادرانه به روحانیون
مخالف و هشدار به عواقب
شکست جمهوری اسلامی

اسلام و حکومت اسلامی رو آورده و دل باخته اند مایوس می شوند و اسلام برای همیشه منزوی خواهد شد و شماها روزی از کردار خود پشیمان می شوید که کار گذشته و دیگر پشیمانی سودی ندارد و شما آقایان اگر توقع دارید که در یک شب همه امور بر طبق اسلام و احکام خداوند تعالی متحول شود یک اشتباه است و در تمام طول تاریخ بشر چنین معجزه ای روی نداده است و نخواهد داد.

و آن روزی که انشاء الله تعالی مصلح کل ظهور نماید گمان نکنید که یک معجزه شود و یک روزه عالم اصلاح شود. بلکه با کوششها و فداکاریها ستمکاران سرکوب و منزوی می شوند. و اگر نظر شماها مثل نظر بعضی عامی های منحرف آن است که برای ظهور آن بزرگوار باید کوشش در تحقق کفر و ظلم کرد تا عالم را ظلم فرا گیرد و مقدمات ظهور فراهم شود فان الله وانا الیه راجعون.

[مسلمانان و مستضعفان جهان]

ف- وصیت من به همه مسلمانان و مستضعفان جهان این است که شماها نباید بنشینید و منتظر آن باشید که حکام و دست اندرکاران کشورتان یا قدرتهای خارجی بیایند و برای شما استقلال و آزادی را تحفه بیاورند. ما و شماها لا اقل در این صدسال اخیر که به تدریج پای قدرتهای بزرگ جهانخوار به همه کشورهای اسلامی و سایر کشورهای کوچک باز شده است مشاهده کردیم یا تاریخ های صحیح برای ما بازگو کردند که هیچیک از دول حاکم بر این کشورها در فکر آزادی و استقلال و رفاه ملت های خود نبوده و نیستند. بلکه اکثریت قریب به اتفاق آنان یا خود به ستمگری و اختناق ملت خود پرداخته و هرچه کرده اند برای منافع شخصی یا گروهی نموده یا برای رفاه قشر مرفه و بالانشین بوده و طبقات مظلوم کوخ و کپرنشین از همه مواهب زندگی حتی مثل آب و نان و قوت لایموت محروم بوده و آن بدبختان را برای منافع قشر مرفه و عیاش به کار گرفته اند و یا آنکه دست نشاندهگان

باید خود، برای کسب استقلال
و آزادی پاخنیزید

قدرتهای بزرگ بوده اند که برای وابسته کردن کشورها و ملتها هرچه توان داشته اند به کار گرفته و با حيله های مختلف کشورها را بازاری برای شرق و غرب درست کرده و منافع آنان را تأمین نموده اند و ملتها را عقب مانده و مصرفی بار آوردند. و اکنون نیز با این نقشه در حرکتند و شما ای مستضعفان جهان و ای کشورهای اسلامی و مسلمانان جهان پیاخیزید و حق را با چنگ و دندان بگیرید و از هیاهوی تبلیغاتی ابرقدرتها و عمال سرسپرده آنان نترسید و حکام جنایتکار که دسترنج شما را به دشمنان شما و اسلام عزیز تسلیم می کنند از کشور خود برانید و خود و طبقات خدمتگزار متعهد زمام امور را به دست گیرید و همه در زیر پرچم پرافتخار اسلام مجتمع و با دشمنان اسلام و محرومان جهان به دفاع برخیزید و به سوی یک دولت اسلامی با جمهوریهای آزاد و مستقل به پیش روید که با تحقق آن همه مستکبران جهان را به جای خود خواهید نشاند و همه مستضعفان را به امامت و وراثت ارض خواهید رساند به امید آن روز که خداوند تعالی وعده فرموده است.

[وصیت به ملت شریف ایران]

ص- یک مرتبه دیگر در خاتمه این وصیتنامه به ملت شریف ایران وصیت می کنم که در جهان حجم تحمل زحمت ها و رنج ها و فداکاریها و جان نثاریها و محرومیتها مناسب حجم بزرگی مقصود و ارزشمندی و علورتبه آن است. آنچه را که شما ملت شریف و مجاهد برای آن پیاخاستید و دنبال می کنید و برای آن جان و مال نثار کرده و می کنید والاترین و بالاترین و ارزشمندترین مقصدی است و مقصودی است که از صدر عالم در ازل و از پس این جهان تا ابد عرضه شده است و خواهد شد و آن مکتب الوهیت به معنی وسیع آن و ابده توحید با ابعاد رفیع آن است که اساس خلقت و غایت آن در پهنای وجود و در درجات و مراتب غیب و شهود است؛ و آن در مکتب محمدی صلی الله علیه وآله وسلم به تمام معنی و درجات و ابعاد متجلی شده و

کوشش تمام انبیاء عظام علیهم سلام الله و اولیاء معظم سلام الله علیهم برای تحقق آن بوده و راه یابی به کمال مطلق و جلال و جمال بی نهایت جز با آن میسر نگردد، آن است که خاکیان را بر ملکوتیان و برتر از آنان شرافت داده و آنچه برای خاکیان از سیر در آن حاصل می شود برای هیچ موجودی در سراسر خلقت در سر و عن حاصل نشود.

راه شما راه تمام انبیاء (ع) و یکتا
راه سعادت مطلق

شما ای ملت مجاهد در زیر پرچمی می روید که در سراسر جهان مادی و معنوی در اهتزاز است. بیایید آن را یا نیایید شما راهی را می روید که تنها راه تمام انبیاء علیهم سلام الله و یکتا راه سعادت مطلق است. در این انگیزه است که همه اولیاء شهادت را در راه آن به آغوش می کشند و مرگ سرخ را احلی من العسل می دانند و جوانان شما در جیبه ها جرعه ای از آن را نوشیده و به وجد آمده اند و در مادران و خواهران و پدران و برادران آنان جلوه نموده و ما باید به حق بگوئیم یا لیتنا کتا معکم فنفوز فوزاً عظیماً گوارا باد بر آنان آن نسیم دل آرا و آن جلوه شورانگیز و باید بدانیم که طرفی از این جلوه در کشتزارهای سوزان و در کارخانه های توان فرسا و در کارگاهها و در مراکز صنعت و اختراع و ابداع و در ملت به طور اکثریت در بازارها و خیابانها و روستاها و همه کسانی که متصدی این امور برای اسلام و جمهوری اسلامی و پیشرفت و خود کفائی کشور به خدمتی اشتغال دارند جلوه گر است. و تا این روح تعاون و تمهد در جامعه برقرار است کشور عزیز از آسیب دهر انشاء الله تعالی مصون است. و بحمد الله تعالی حوزه های علمیه و دانشگاهها و جوانان عزیز مراکز علم و تربیت از این نفحه الهی غیبی برخوردارند و این مراکز درست در اختیار آنان است و به امید خدا دست تبه کاران و منحرفان از آنها کوتاه.

روح تعاون و تمهد در جامعه و در
حوزه های علمیه و دانشگاهها

وصیت به یاد خدا، خودشناسی،
خودکفائی و استقلال

و وصیت من به همه آن است که با یاد خدای متعال به سوی خودشناسی و خودکفائی و استقلال با همه ابعادش به پیش و بی تردید دست خدا با شما است اگر شما در خدمت او باشید و برای ترقی و تعالی کشور اسلامی به روح تعاون ادامه دهید و اینجانب با آنچه در

ملت عزیز از بیداری و هشیاری و تمهد و فداکاری و روح مقاومت و صلابت در راه حق می بینم و امید آن دارم که به فضل خداوند متعال این معانی انسانی به اعقاب ملت منتقل شود و نسل بعد نسل بر آن افزوده گردد.

[سفر به سوی جایگاه ابدی با دلی آرام و قلبی مطمئن]

با دلی آرام و قلبی مطمئن و روحی شاد و ضمیری امیدوار به فضل خدا از خدمت خواهران و برادران مرخص و به سوی جایگاه ابدی سفر می کنم. و به دعای خیر شما احتیاج مبرم دارم و از خدای رحمن و رحیم می خواهم که عذرم را در کوتاهی خدمت و قصور و تقصیر بپذیرد و از ملت امید دارم که عذرم را در کوتاهی ها و قصور و تقصیرها بپذیرند و با قدرت و تصمیم [و] اراده به پیش روند و بدانند که با رفتن یک خدمتگزار در سد آهنین ملت خللی حاصل نخواهد شد که خدمتگزارانی بالا و والاتر در خدمتند و الله نگهدار این ملت و مظلومان جهان است.

والسلام علیکم وعلی عبادالله الصالحین ورحمت الله وبرکاته

۲۶ بهمن ۱۳۶۱ - ۱ جمادی الاولی ۱۴۰۳ - روح الله الموسوی الخمینی

بسمه تعالی

این وصیت نامه را پس از مرگ من احمد خمینی برای مردم بخواند و در صورت عذر، رئیس محترم جمهور یا رئیس محترم شورای اسلامی یا رئیس محترم دیوانعالی کشور، این زحمت را بپذیرند و در صورت عذر، یکی از فقهاء محترم نگهبان این زحمت را قبول نمایند.

روح الله الموسوی الخمینی

[چند تذکر]

بسمه تعالی

در زیر این وصیت نامه ۲۹ صفحه‌ای و مقدمه چند مطلب را تذکر می‌دهم:

۱- اکنون که من حاضرم بعضی نسبت‌های بی‌واقعیت به من داده می‌شود و ممکن است پس از من در حجم آن افزوده شود. لهذا عرض می‌کنم آنچه به من نسبت داده شده یا می‌شود مورد تصدیق نیست مگر آنکه صدای من یا خط و امضاء من باشد با تصدیق کارشناسان یا در سیمای جمهوری اسلامی چیزی گفته باشم.

۲- اشخاصی در حال حیوة من ادعا نموده‌اند که اعلامیه‌های این جانب را می‌نوشته‌اند. این مطلب را شدیداً تکذیب می‌کنم تا کنون هیچ اعلامیه‌ای را غیر شخص خودم تهیه کسی نکرده است.

۳- از قرار مذکور بعضی‌ها ادعا کرده‌اند که رفتن من به پاریس به وسیله آنان بوده. این دروغ است. من پس از برگرداندنم از کویت با مشورت احمد پاریس را انتخاب نمودم زیرا در کشورهای اسلامی احتمال راه ندادن بود. آنان تحت نفوذ شاه بودند ولی پاریس این احتمال نبود.

۴- من در طول مدت نهضت و انقلاب به واسطه سالوسی و اسلام‌نمائی بعضی افراد، ذکری از آنان کرده و تمجیدی نموده‌ام که بعد فهمیدم از دغل‌بازی آنان اغفال شده‌ام آن تمجیدها در حالی بود که خود را به جمهوری اسلامی متعهد و وفادار می‌نمایاندند و نباید از آن مسائل سوء استفاده شود. و میزان در هر کس حال فعلی اوست.

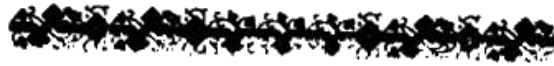
روح الله الموسوی الخمینی

فهرستی از مطالب

وصیت‌نامه

حضرت امام

(فدیه)



صفحه	موضوع
۱۰	شمه‌ای کوتاه در باب تقلین
۱۰	معنای لن یفترقا... در حدیث تقلین
۱۱	حدیث تقلین حجت قاطع بر جمیع بشر
۱۱	مسائل أسف انگیز بعد از شهادت علی (ع)
۱۱	خارج نمودن قرآن از صحنه سیاست و زندگی مسلمین
۱۲	قدرت‌های شیطانی و توطئه برای محو قرآن
۱۲	قرآن منادی وحدت و بزرگترین نسخه نجات‌دهنده بشر
۱۲	نهج البلاغه بزرگترین دستور زندگی مادی و معنوی پس از قرآن
۱۲	افتخار به ادعیه حیات بخش
	ائمه معصومین (ع) و تحمل حبس و شهادت در راه تعالی اسلام و تشکیل
۱۳	حکومت عدل
۱۳	افتخار به بانوان فداکار ایران
۱۴	آمریکا و درماندگی در مقابل ملت ایران و کشور حضرت بقیه الله (عج)
۱۵	فقه سنتی و احکام اولیه و ثانویه

- ۱۵ نماز جمعه و جماعات
- ۱۵ عزاداری ائمه اطهار(ع)
- ۱۵ وصیت سیاسی الهی توصیه ای به جمیع '۱' اسلامی و مظلومان جهان
- ۱۶ اهمیت انقلاب شکوهمند اسلامی
- ۱۶ انقلاب اسلامی ایران یک تحفه الهی و هدیه غیبی
- ۱۷ انقلاب اسلامی ایران (پدیده ای) جدا از همه انقلابها
- ۱۸ تحقق اسلام در همه ابعاد و حفظ و حراست از آن
- ۱۸ اسلام مکتبی با تمام شئون فردی و اجتماعی
- ۱۸ تحقق اسلام در جمیع ابعاد و حفظ آن در رأس تمام واجبات
- ۱۹ رمز پیروزی و بقاء انقلاب اسلامی
- ۱۹ دورکن اصلی: انگیزه الهی و وحدت کلمه
- ۲۰ توطئه جدائی دین از سیاست
- ۲۱ قوانین اسلام با مرور زمان کهنه نمی شود
- ۲۱ اتهام مخالفت اسلام با پیشرفت و نوآوردها
- ۲۱ احکام حکومت و سیاست در اسلام بیش از سایر چیزها
- ۲۲ اقامه حکومت حق از بزرگترین واجبات و عبادات
- ۲۳ توطئه های موزیانه و شایعه های وسیع بر علیه جمهوری اسلامی
- ۲۴ قبل از اشکال تراشی باید مسائل را شناخت
- ۲۵ جمهوری اسلامی و کوشش در اسلامی کردن کشور
- ۲۵ ملت ایران در عصر حاضر بهتر از ملت حجاز در عهد رسول الله است
- ۲۶ وصیت به مخالفان و منحرفان
- ۲۷ توصیه به ملت ایران و ملت های اسلامی
- ۲۷ توصیه به ملت در حفظ دست آوردهای انقلاب
- ۲۸ توصیه به مجلس و دولت در قدردانی و خدمتگزاری به ملت
- ۲۸ توصیه به ملت های اسلامی در الگوگیری از جمهوری اسلامی
- ۲۸ وحدت روحانی و دانشگاهی
- ۲۸ نقشه های استعماری در به انزوا کشیدن روحانیت
- ۳۰ غرب زدگی و شرق زدگی
- ۳۰ خودباختگی ملل ستم دیده در مقابل قدرت های شیطانی
- ۳۱ توطئه دشمنان در جلوگیری از پیشرفت ما

۳۲ اتکاء به نفس و قطع وابستگی
۳۳ وظیفه دولت در قدردانی از متخصصین
۳۳ وظیفه جوانان: حفظ استقلال و آزادی و ارزشهای انسانی
۳۳ دانشگاهها و دیگر مراکز تعلیم و تربیت
۳۳ توطئه ابرقدرتها در بدست گرفتن مراکز تعلیم و تربیت
	نقشه های شیطانی در منزوی کردن روحانیت و بیگانه نمودن جوانان از فرهنگ
۳۴ خودی
۳۴ مجلس، ریاست جمهوری، مجلس خبرگان، رهبری
۳۵ وضعیت مجلس شورا در گذشته
۳۵ وصیت به مردم در انتخاب نمایندگان شایسته (شرایط نمایندگان مجلس)
۳۵ وصیت به روحانیت و مراجع عظام پیرامون انتخابات
۳۶ مسامحه در امر مسلمین گناهی نابخشودنی
۳۶ وظیفه نمایندگان مجلس در جلوگیری از نفوذ عناصر منحرف
۳۷ توصیه به شورای محترم نگهبان
۳۷ توصیه به ملت در شرکت فعال در انتخابات
	مشورت با روشنفکران متعهد و علماء با تقوی در تعیین رئیس جمهور و وکلاء
۳۷ مجلس
۳۸ شرایط رئیس جمهوری و وکلاء مجلس
۳۸ دقت و مشورت با مراجع عظام و متعهد در انتخاب خبرگان
۳۸ وظیفه سنگین ملت و خبرگان در تعیین رهبری
۳۸ وصیت به رهبر و شورای رهبری
۳۹ قضاوت و قضات
۳۹ وظیفه رهبری و شورای عالی قضائی
۳۹ وظیفه حوزه های علمیه در تربیت قضات
۳۹ وصیت به قضات محترم
۴۰ حوزه های مقدسه علمیه و علماء و مدرّسین
۴۰ نفوذ افراد منحرف و تبهکار در حوزه ها و خطرات ناشی از آن
۴۰ قدرت های چپاولگر و پرورش روشنفکران مصنوعی و روحانی نمایان
۴۰ ضرورت برنامه ریزی دقیق و صحیح جهت نظم دادن به حوزه ها
۴۱ فقه سنتی تنها راه حفظ فقه اسلامی

۴۱ برنامه ریزی در رشته های دیگر علوم
۴۱ قوه اجرائیه، دولت
۴۱ اهمیت مجریان صالح
۴۲ وصیت به وزراء در خدمتگزاری به ملت و مستضعفان
۴۲ دقت در انتخاب استاندارها
۴۲ مسئولیت و وظائف وزارت خارجه
۴۳ وصیت به ملت های کشورهای اسلامی
۴۳ تبلیغات
۴۳ توصیه به وزارت ارشاد
۴۴ اهمیت تبلیغات در جهان امروز
۴۴ تبلیغ وظیفه ای همگانی
۴۴ وظیفه وزارت خارجه در امر تبلیغ
۴۵ مراکز تعلیم و تربیت
۴۵ ضربه مهلک قدرتهای شیطانی از طریق دانشگاهها
۴۶ وظیفه ملت و دولت نسبت به مراکز تعلیم و تربیت
۴۶ وصیت به جوانان دبیرستانی و دانشگاهی
۴۶ قوای مسلح
۴۶ وظیفه ملت و دولت و مجلس نسبت به قوای مسلح
۴۷ نقش قوای مسلح در پیروزی انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی
۴۷ وصیت به قوای مسلح
۴۸ عدم دخالت قوای مسلح در احزاب و گروهها
۴۸ وصیت به قوای مسلح در استقامت و وفاداری به اسلام
۴۹ تلاش برای خودکفائی در صنایع نظامی
۴۹ جنگ و تحریم اقتصادی تحفه ای الهی
۴۹ عدم وابستگی به کشورهای خارجی
۵۰ رادیو تلویزیون، مطبوعات، سینما، تئاتر، مراکز قمار و فساد و...
۵۰ رسانه های گروهی ابزار تباهی و تخدیر در گذشته
۵۱ وظیفه مسلمانان و جوانان حزب اللهی
۵۱ گروهها، گروهکها و دیگر معاندین
۵۲ نصیحت و وصیت خیرخواهانه به سران گروهکها

- ۵۳ وصیت و نصیحت مشفقانه به هواداران آنها
- ۵۴ وصیت به چپگرایان
- ۵۵ وصیت به گروههای مسلمان متمایل به شرق و غرب
- ۵۶ طلیعه بیداری ملت‌های محروم جهان و برکات آن
- ۵۷ وصیت به نویسندگان، گویندگان، روشنفکران و اشکال تراشان
- ۵۷ ظلم، وابستگی و فحشاء در رژیم گذشته
- ۵۸ اعمال بیشمارانه معاندین و متحرقین پس از پیروزی انقلاب
- ۵۹ اقتصاد، مالکیت و عدالت اجتماعی
- ۵۹ اسلام و مخالفت با سرمایه‌داری ظالمانه
- ۶۰ اسلام و احترام به مالکیت بنحو محدود
- وصیت به مجلس، شورای نگهبان، دولت، رئیس‌جمهور و شورای قضائی در
- ۶۰ احترام به سرمایه‌های مشروع با حدود اسلامی
- ۶۰ وصیت به ثروتمندان مشروع در بکاراندازی سرمایه و فعالیت سازنده
- ۶۱ کوشش برای رفاه طبقات محروم
- ۶۱ روحانی‌نماها و روحانیون مخالف
- ۶۱ وصیت به روحانی‌نمایان
- نصیحت برادرانه به روحانیون مخالف و هشدار به عواقب شکست جمهوری
- ۶۲ اسلامی
- ۶۳ مسلمانان و مستضعفان جهان
- ۶۳ باید خود برای کسب استقلال و آزادی بپاخیزید
- ۶۴ دعوت به سوی یک دولت اسلامی با جمهوری‌های آزاد و مستقل
- ۶۴ وصیت به ملت شریف ایران
- ۶۴ مقصد شما والاترین و ارزشمندترین مقصد
- ۶۵ راه شما راه تمام انبیاء(ع) و یکتا راه سعادت مطلق
- ۶۵ روح تعاون و تمهد در جامعه و در حوزه‌های علمی و دانشگاهها
- ۶۵ وصیت به یاد خدا، خودشناسی، خودکفائی و استقلال
- ۶۶ سفر به سوی جایگاه ابدی با دلی آرام و قلبی مطمئن
- ۶۷ چند تذکر



درسوک آفتاب

در دومین روز از کنگره شعر حوزه ، جهان درسوک آفتاب به ماتم نشست و بر این اساس از شعرای طلاب خواسته شده بود تا سروده‌ای پیرامون موضوع فوق، به کنگره ارائه دهند که غزل زیر یادگار آن پیشنهاد است:

گویا عزای حامی دین پیمبر است
فریاد خلق غمزده تا عرش اکبر است
آذین بگونه‌های ملانک سراسر است
سردار عشق را سفری سوی دلبر است
چشم شقایق و لب سنبل، پر آذر است
گل در چمن فسرده و بلبل به غم در است
فقه و اصول و حکمت و عرفان مکدر است
زین ثلمه‌ای که در همه آفاق اندر است
دلخون زارتحال تو خورشید انور است
جاوید راه تو که فروزنده اختر است
تاروزآن «بیگانه» که خود عدل گمتر است

در بارگاه قدس، بپاشور محشر است
خیل ملک به محفل سوز زمینیان
عرش خدا، بیاد عروج امام عشق
افتاده بر زمین، گهر نعلش آفتاب
اشک سپیده، آه سحر، ناله نسیم
هر کس بیاد غربت خود مویه می‌کند
با رفتنت زمانه یتیم است و داغدار
خالی است تاابد به جهان جایگاه تو
غمگین دل امام زمان از فراق تو
سیمای تابناک تو «جاء الحق» کتاب
یارب، اساس دولت حق برقرار دار

تابوت آفتاب

واندر طواف کعبه دل، خلق یکسر است
گفتا ز داغ هجرت معشوق رهبر است
گفتا که نعش سید آل پیمبر است
نعش علی نواده موسی بن جعفر است
نعش خمینی، نائب خورشید انور است

تابوت آفتاب جهان در برابر است
گفتم به دل که ماتم جانکاه بهر چیست؟
گفتم که نعش کیست براو تاابد آفتاب
نعش حسین و نعش حسن، نعش فاطمه
آلاله، پیکر بدر پسر انقلاب

شفیعی هازندرانی

غروب آفتاب



سید مرتضیٰ نجومی

هر چند نیست درد دل ما نوشتنی از اشک خود دو سطر به ایما نوشته ایم

إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُظْمِئَةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً
فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّتِي *

حکمت بالغه حق متعال و سنت سنی خداوندی را قراری است که هر شروقی را غروب و هر طلوعی را افولی باشد تا مجال تجلی و شهود در سلسله نظام تدریجی عالم وجود، فراهم گردد و در این غروب و افول همه از فراق و دوری همدیگر نالان و پژمان، چه آنکه بنای وجود بر عشق و محبت و شیفتگی و شیدائی بسوی حق متعال نهاد شده است و هر که و هر چه بیشتر بحق نزدیک تر است، همه کائنات از مهر و ماه و آسمان و زمین بدو عاشقتر و شیداتر و هر که و هر چه از حق دورتر، نفرت و انزجار عالم خلقت از او بیشتر.

به دوری و غروب و افول محبوبان خداوندی، ناله از زمین و زمان و آفتاب و ماه و محراب و معبد او به آسمان بلند گردد، گوئی که نور دنیا از دست رفته و خورشید و ماه به کسوف و خسوف فرو رفته است.

كَانَ أَبُو الْحَسَنِ مُوسَىٰ بْنُ جَعْفَرٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ يَقُولُ إِذَا مَاتَ الْمُؤْمِنُ الْفَقِيهُ بَكَتْ عَلَيْهِ الْمَلَائِكَةُ وَبَغَاغِ الْأَرْضِ الَّتِي كَانَ يَعْبُدُ اللَّهَ عَلَيْهَا وَأَبْوَابُ السَّمَاءِ الَّتِي كَانَ يُضَعِّدُ فِيهَا بِأَعْمَالِهِ وَتَلَمَّ فِي الْإِسْلَامِ ثَلَاثَةٌ لَا يَسُدُّهَا شَيْءٌ لِأَنَّ الْمُؤْمِنِينَ الْفُقَهَاءَ حَصُونُ الْإِسْلَامِ كَحِضْنِ سُورِ الْمَدِينَةِ لَهَا.

• - سورة فجر/ ۳۰ - ۲۹ - ۲۸.

بار الها این رهگذر عالم خاکی چقدر سوز و ساز و زور مزور از دارد که هر عارف و سالکی در آن دل سوخته، و چون پروانگان عاشق همه از پای فتاده و پیر سوخته اند. مصلحت عشق و عاشقی بر این نهاده شده است تا آدمی، واصل به صفای حقیقی و وارستگی از همه کدورتها... گردد، آتش حقیقت انسانی آنگاه به درخشندگی و تابندگی افتد که ذره ذره از عالم سیاهی و ظلمانی به سوختگی و روشنی افتد.

خوشا نماز و نیاز کسی که از سردرد به آب دیده و خون جگر طهارت کرد و اکنون ما را در فراق عزیزترین عزیزان چنان غمی گرفته است که زبان توان بیانش را ندارد.

آفتاب تابان و خورشید تابنده ما رفته و آسمان اسلام به سوگ و سیاهی نشسته است، ماه در عزای او اشک ریزان که انیس و مونس، همدم و همراز او در شبها بوده و عمری با او گریه های شوق عرفانی داشته است، اکنون که خون موج زند در دل لعل، او هم از فراق و دوری گریان است. سپیده سیاهپوش اوست و شفق خونبار او، ابر بهاران در مصیبت او دریا دریا اشک گوهریاری به دامن دشت و دمن می ریزد که طبع چون دریای او را از دست داده است.

ما که عمری در وصل او گریه های عاشقانه کردیم، خدا می داند که در هجر چه حالی داریم، خداوندا کس به حال ما مباد که دل سوخته ما را جز شهد وصال او شفا و درمانی نیست.

در وصل و هجر سوختگان گریه می کنند از بهر شمع، خلوت و محفل برابر است اما برآستی خورشید را بردند؟ خیر، او خود به رضای خود رفته است خداوند متعال دعای او را در مقابل میلیونها «أَمَّنْ يُجِيبُ» عاشقان و شیفتگانش اجابت فرمود و او را به انواع انعام و اکرام پذیرا شد که خود پذیرای پذیرائی شد. بلی او خود رفته است که اجابت و لیبک با او بوده است و خداوند بر هیچ مکروه و ناراحتی عبد صالح خود راضی نباشد:

مَا تَزِدُّهُ فِي شَيْءٍ أَنَا فَأَعْلَهُ كَثْرَةَ ذِي فِي قَبْضِ رُوحِ عِبْدِي الْمُؤْمِنِ

حیف است طائری چو تو در خاکدان غم ز اینجا به آشیان وفا می فرستمت انبیاء و اولیاء را نیز در این عرصه گاه موقت نشسته دنیوی، زمانی مقرر است تا چون رهگذران عالم خاکی بدرخشند و دامن از سر خاک و خاندان افشاند به الطاف و عنایات الهی بیوندند.

اکنون خورشید رفته است اما علی بجای او نشسته و خوشا بر آن دولت و ملت و
 اجتماعی که علی وصی و رهبر و راهبر باشد که دیگر، زمام امور به کف حق نهاده شده
 است، ما همیشه در طول تاریخ به رهبری و پیشوائی علی معترف و مقرر و مؤمن و مسئول
 بوده ایم.

چرا خون نگریم چو گل چون نخندم که دریا فرورفت و گوهر برآمد
 تعیین و تأیید خیرگان را بنازیم که قریب چهل سال، انقلاب اسلام را زنده تر
 کردند که امام راحل عظیم هشتاد و نه سال زیستند و اکنون رهبر عزیزمان پنجاه سال
 دارا می باشند و همگان می دانند که اعداد بویژه اربعین را رموزی است.

اگر چه حسن فروشان به جلو آمده اند کسی به حسن و ملاحمت به پارمانرسد
 ولی افسوس که ماه مجلس ما رخت بر بسته، آینه ها بشکسته، معبد سالکان و
 عارفان خاموش و ساقی صهبای محبت ازلی از پای فتاده و شهد شیرین افاضاتش ریخته
 و از دست رفته، عاشقان ارادتمندش همه بیهوش و مدهوشند از آن زمان که دلیل بزرگ و
 خضر راه و پسر رنج دیده ما را بروی دوش و دست بردند، هشیاری در این دیر ناپایدار و
 نشئه ناسوتی پای خود نمانده است. نه تنها خون در رگ عارفان و سالکان، شر رزده و
 آتش گرفته که خمهای باده افاضات و عنایات، از دل خمخانه های ملکوت بجوش آمده و
 رهروان راه بهشت خاص حضرت محبوب به سوک و اندوه نشسته اند.

گذار کن چو صبا بر بنفشه زار و ببین که از تطاول زلفت چه بیقرارانند
 خوشا بر فرشتگان حضرت حق جلّ و علا که اکنون شادی شهود و حضور او را در
 محفل عرشیان در می یابند و در آن دارالجمال و الکمال سرخوش جمال او و شیفته و
 شیدای کمالی اویند. دنیا به یک قرار نیست، این چند روزه بخت ما و نوبت ما بود و او اینک
 به عنایت و دولت پیوسته حضرت حق با مقربان درگاه او به انس و الفت ابدی نشسته
 است چه باید کرد آخر او هم باید به عنایت ابدی بپیوندد و از رنج خاکدان اندوه و الم
 به راحتی لا خوف علیهم ولا هم یحزنون برسد. شربت جانکاه مرگ که در دهان خلیها بسی
 تلخ و ناگوار است، بعنایت خداوندی در دهان او شیرین ترین شیرینها بوده است.

إِنْ أَشَدَّ شَبَقْنَا لَنَا حَبًّا يَكُونُ خُرُوجُ نَفْسِهِ كَشْرَبِ أَحَدِكُمْ فِي يَوْمِ الصَّيْفِ الْمَاءَ الْبَارِدِ
 الَّذِي يَنْتَهِعُ بِهِ الْقُلُوبُ^۱

۱ - میزان الحکمة / ۱۸۸۱۹.

ارتحال جانسوز او به ریحانی از بهشت ماند که: **الْمُوتُ رِيحَانَةُ الْمُؤْمِنِ**^۲
 و تحفه ای الهی بر او بود که: **تُحْفَةُ الْمُؤْمِنِ الْمَوْتُ**^۳
 و راحت سعادت‌مندانه او که: **فِي الْمَوْتِ رَاحَةُ السُّعْدَاءِ**^۴
 و آسایش بخش او که: **لَا مُرِيحَ كَالْمَوْتِ**^۵

و اما ما مهر خود بر که افکنیم و دل خونین کجا بریم و چون او کجا بدست آوریم؟ او تحفه قرنهای گذشته و آینده بود، چنین مراد و پیرو دلیل و خضری کجا بدست آید.؟

به چه مشغول کنم دیده و دل را که مدام دل ترا می طلبد دیده ترا می جوید.
 به راستی ما که از بلند همتی و آزادی، سر تعظیم به فلک فرود نمی آوریم اما رخ به کف پای او می سائیدیم، امروز سر ارادت بر آستان که نهیم.

بخت سبزی ز خدا همچو حنا می طلبیم تا بمالم رخ پر خون به کف پای کسی
 به راستی او چه بود که بود، او قیمه شرف و فضیلت و قله افرشته کرامت و اصالت بود، او سر چشمه افتخار و ارزش و دریای شجاعت و شهامت بود، او چون کوههای سربلک کشیده استقامت و استواری بود، دریای غمها و غصه‌ها و بهشت بیکران شادبها، کان رنجهای و المها و معدن همه امیدها و آرزوها بود او یک دنیا امید و آرزوی این جهان و پهنای گسترده ایمان و عقیده آن جهان بود، او بزرگ بیدارگر قرنهای تاریک و خواب آلوده و بزرگ پر خاشاک بر دنیای خامد و راکد بود.

به راستی در دل آتش فشان او چه غوغا بود که این همه آتش و درد از کلام و دهان او بیرون می ریخت قلم مبارک او را چه معجزه بود که ساحران سخن و نویسندگان پرتوان را عاجز و ناتوان کرده بود. در اقیانوس التهاب او چه نهفته بود که هر که دلی چون دریا پر از درد و رنج و رمز و راز و سوز و ساز داشت در او غرقه و فانی بود؟، روی اسلام و تشیع و ایران و روحانیت و انقلاب را سرخ رنگین ساخت. نفس شفا بخش و حیات دهنده و شادی آور مسیحانی او در تلخنا کترین لحظه‌ها و دردناکترین مواقع، حیات می داد و زنده می کرد و شادی و شفا می بخشید که گوئی اصلاً غمی و غصه ای دردی و المی نبوده است، قلمش را بنازیم که هیچ صاحب قلمی این چنین عرفان و نور

.....

- | | |
|--------------------------|--------------------------|
| ۱- میزان الحکمة / ۱۸۸۲۴. | ۲- میزان الحکمة / ۱۸۸۲۲. |
| ۳- میزان الحکمة / ۱۸۸۲۳. | ۴- میزان الحکمة / ۱۸۸۲۴. |
| ۵- میزان الحکمة / ۱۸۸۲۵. | |

حقیقت و اصالت در کلامش نبوده است، او تمثال آزادی و وارستگی بود او که در عهد شباب و ریعان عمر، آن هنگام که یک تار موی سپید در سر و صورت نداشت و در مدرس مدرسه فیضیه درس اخلاق می‌گفت، چنان ملکات فاضله او را در بر گرفته بود که در طول عمر خود علم را جهت مباهات و مجادله و مرء و ریاء و تکاثر به عالمان و جلب انظار، طلب نکرد و بکار نگرفت و هیچگاه در عمرش گردنش ربه ریاء و سالوس کج نگرفت و فریفته دنیا و دلبستگیهای ریاست و زعامت نگشت و چه خون دلها از دنیا داران و مردم فریبان و متظاهریین و مستاکلین به علم که نخورد او با این همه صلابت و استواری، دنیائی از صلح و سلام بود، اوبه راستی عرشى الهی بود اما عرش الهی را مگر می‌توان بدوشها حمل کرد آری با آن دستها و شانه‌هائی که تحمل این بار مسئولیت و توان برداشت چنین امانت و عظمتی را داشتند، ندیدید چگونه امتحان دادند؟ آیا به راستی اگر امام یک نابغه و یک اعجوبه تاریخ بود چنین امتی برای او نابغه و اعجوبه نیست؟ او روح خدا و نور تابان الهی بود اما روح خدا و نور او به دستهای آید مگر نور الهی را می‌توان غسل و کفن داد؟ مگر باور کردنیست که نور خداوندی و روح الهی در دل خاک تیره پنهان شود؟ خیر هیچگاه چنین چیزی ممکن نیست، جسم ناتوان و خسته او را چون طلای نابی غسل دادند و به خاک سپردند تا از گزند زمان محفوظ باشد، روح او قبل از دست ارادت‌مندانش به آسمانها و محفل قدسیان و مجلس عرشیان پرواز کرده بود.

فَدَّ حَقْلُنَا لِلْمَعَالِي مَضْجَعًا	وَدَقْنَا الدِّينَ وَالْدُّنْيَا قَمًا
وَعَقَدْنَا لِلْمَعَالِي قَامًا	وَتَعَيْنَا الْفَخْرَ فِيهِ أَجْمَعًا
أَهْ مَا ذَا وَارْتِ الْأَرْضِ الْآسِنِي	رَمَقُ الْعَالَمِ فِيهَا أُودَعَا
وَارْتِ الشَّخْصَ الَّذِي فِي حَمْلِهِ	نَخْنُ وَالْأَفْلَاكُ سِرْتَا شُرْعَا
صَاحِبُ النَّفْسِ الَّذِي قَدَّرْتِ	بَرَكَاتُ الْأَرْضِ لَمَّا رُقِعَا

برای همه بزرگیها و بزرگواریها آرامگاهی مهیا نمودیم و دین و دنیا را با هم در آنجا مدفون ساختم و برای همه مکرمات و فضائل ماتم بر پا داشتیم و بر همه افتخارات به مرگ غم و غم مرگ نشنیم، آه به راستی زمینی که جان عالمی در اوبه امانت سپرده شده است می‌داند که را در بر گرفته است؟ عزیزی را در خود پنهان ساخت که همه ما و ملائکه خداوندی با هم جسد او را برداشته و با

هم او را همراهی و مشایعت کردیم، جنازه عزیزی که چون او را برداشتند همه برکات خداوندی در زمین هم برداشته شد.

بِاللّٰهِ يَا قَبْرُ هَلْ زَأَلْتِ مَحَاسِنُهُ أَمْ هَلْ تَغَيَّرَ ذَاكَ الْمَنْظَرُ النَّصِيرُ
مَا أَنْتِ بِأَقْبَرِ لَا زَوْضٌ وَلَا قَلْبُكَ فَكَيْفَ جَمَعَ فِيكَ الْعُضُنُ وَالْقَمَرُ

ای خاک تیره ترا به خداوند با ما بازگو که تغییری در آن جمال شاداب و نورانی رخ داده است، ای خاک سعادت‌مند، تونه گلستان و بوستانی و نه آسمانی و فلکی پس چگونه در توشاخه شاداب گل ما و ماه تابان آسمان ما را نهادند.

اگر بدن او را در خاک سعادت‌مندی بسپردند، اما روح و جان او را در دل‌های شیفتگان به امانت سپردند که: **وَفِي قَلْبٍ مِّنْ وَالَاهُ قَبْرُهُ**، قبر او و آرامگاه او در دل عاشقان و شیفتگانش می‌باشد، شاید عمرش بیش از مراجع گذشته بود، اما اگر هزار سال دیگر می‌رفت باز هم مردم در عزای او چون مرگ عزیزترین کسان خود مانند ابر بهاری می‌گریستند و این چنین سوگواری می‌داشتند، خداوند ابره راستی چه باید کرد که دیگر حالی و اشکی نمانده است و به جای اشک دیده، خون دل باید ریخت.

هنگام وداع توزیس گریه که کردم دور از رخ تو چشم مرا نور نمانده است
قلم ناتوان، توان بیان حال پریش پریشان را ندارد و خدای متعال بر این مطلب شاهد و گواه است و: **وَاللّٰهُ يُحِبُّ الصّٰبِرِيْنَ**، صابریم اما یارایمان نیست که دل ما مالا مال از دوستی او و نور اوست نور او نه در دل ما که در دل هر مؤمن و مؤمنه‌ای چنان تابیده است که هر دلی را چون خورشیدی تابان نموده است. سبحان الله چقدر عشق و نور در این قلب، مالا مال است که این همه دل را روشن کرده است، دل‌هایی که تا ابد از عشق به او خواهد طپید و روشنی که با گذشت زمان تابناکتر و روشن‌تر خواهد گشت، اگر برای او افولی باشد باز در افقی بالاتر و بالاتر، در آسمان جانهای انسانهای حقیقت‌جو طلوع مجدد و مجدد خواهد کرد و نه تنها دوباره در دل ملت نجیب ایران بلکه همه مسلمانان و همه مستضعفان و دل‌سوختگان و محرومان جهان خواهد و خواهد درخشید.

خورشید رهبری و امامت آن قائد عظیم‌الشان هیچگاه به غروب نگراید و حماسه بزرگ قرن‌ها هیچ دم سردی نپذیرد، حاضر محضر شهود و شاهد مشهد حضور، همیشه زنده و جاوید و حاضر و شاهد خواهد بود بر ماست که رهرو و پویای راه آن امام بزرگ و پیرو و مقتدای آن تمثال عزت و شرف و شهامت بوده باشیم امام باقر (علیه الصلاة والسلام) می‌فرماید:

إِنَّ أَعْظَمَ النَّاسِ حَسْرَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَنْ وَصَفَ عَدْلًا ثُمَّ خَالَفَهُ إِلَىٰ غَيْرِهِ.

خوشا بر او که در آخرین قدم وصیتنامه اش با ملت و امتش خداحافظی کرد و حلال بودی طلبید و همه را بخداوند متعال سپرد و با قلم در بارش چنین فرمود:

با دلی آرام و قلبی مطمئن و روحی شاد و ضمیری امیدوار به فضل خدا از خدمت خواهران و برادران مرخص و به سوی جایگاه ابدی سفر می‌کنم و به دعای خیر شما احتیاج می‌برم دارم و از خدای رحمان و رحیم می‌خواهم که عذرم را در کوتاهی خدمت و قصور و تقصیر بپذیرد و از ملت امید دارم که عذرم را در کوتاهی ها و قصور و تقصیرها بپذیرند و با قدرت و تصمیم [و] اراده به پیش روند و بدانند که با رفتن یک خدمتگزار در سد آهنین ملت خللی حاصل نخواهد شد که خدمت گزارانی بالاتر و والاتر در خدمتند و الله نگهدار این ملت و مظلومان جهان است.

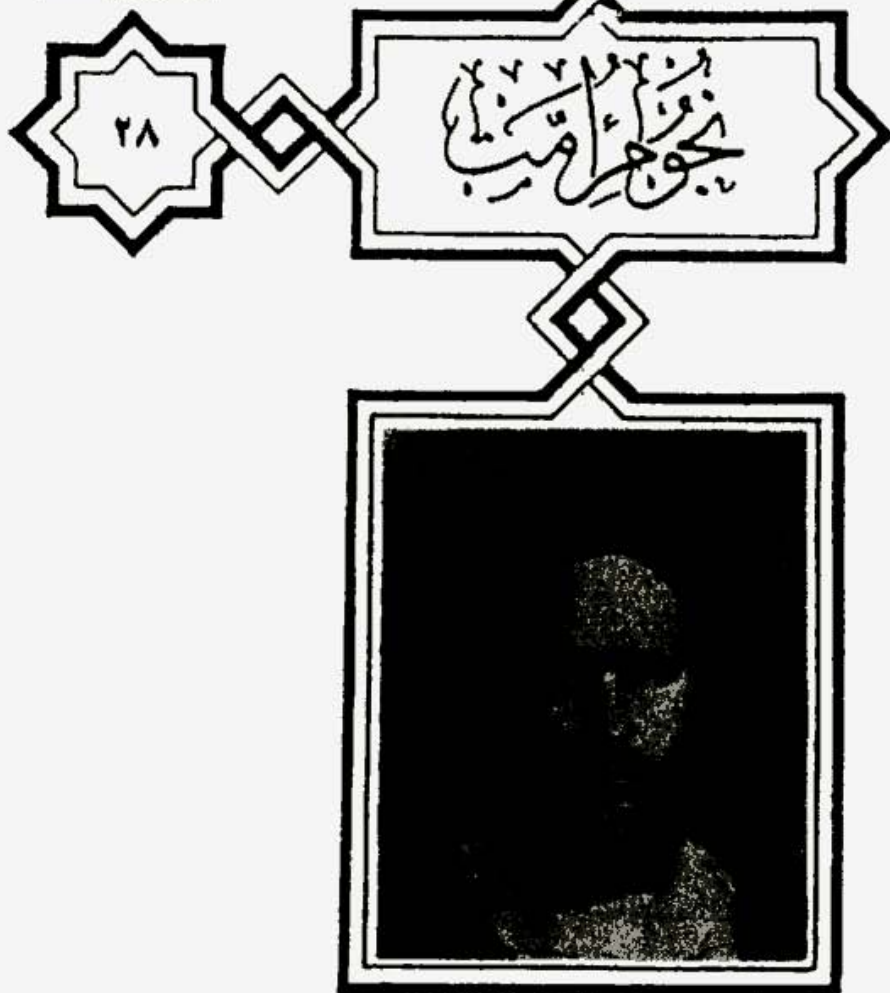
و اینک این عاشق امین و نجیب و این ودیعه بزرگ الهی در جوار رحمت حضرت حق متعال آرام و آسوده آرمیده است و آن اقیانوس طوفانزای عشق و محبت راضی و مرضی در جوار خاص حضرت محبوب به آرامش و اطمینان رسیده است.

الَّذِينَ تَتَّقِيهِمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ^۷

و اکنون ملت اسلام و عاشقان و شیفتگان چون پروانگان به قبر مطهر و مقدس او سوخته و پر پر شده اند آیا به راستی او برتر از خیل از امام زادگان واجب التعظیم نیست؟ سلام و رحمت و درود خداوند و همه انبیاء و اولیاء و شهداء و صالحین و صالحات و مؤمنین و مؤمنات و مسلمین و مسلمات احياء و اموات بر آن نفس قدسی الهی باد.



ناصر باقری بیدهندی



بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران آیت الله العظمی

حاج آقا روح الله موسوی خمینی (ره)

.....
۱- این عکس در سال ۱۳۷۷ قمری گرفته شده است .

مدخل

امام خمینی خورشید تابناک اندیشه اسلامی در افق تیره ضلالتها و گمراهیهای جهان معاصر بود او چون چشمه جوشان ایمان و اعتقاد در کوریر سوخته پوچی و تهی ناشی از سلطه کفر و الحاد بود. روزگاری که ضد انسان ترین انسانها خود را مدافع ارزشها به حساب می آورند او معنای واقعی انسانیت و عزت انسانی و اسلامی را نشان داد، دورانی که بشریت عزیزترین و پراجزترین موقعیت خویش را در استقلال و دوری از خدا می دید او بیشترین شکوه را برای انسان وابسته به خدا به ارمغان آورد. امام خمینی شخصیتی که تاریکی از او گریزان بود، عشق به سویش بال می گشود، روشنائی بادینش شرمنده می شد و ماه از دیدن چهره اش خجلت زده، او طلایه دار روحانیت متعهد و پرچمدار عرفان و عشق به خدا و جوهره فقه سنتی و جواهری بود- او در دفاع از کیان مقدس اسلام بر بازوان ستبر و مقاوم سربازان اسلام بوسه می زند و آرزو می کند که ای کاش من هم یک پاسدار بودم او عزت و شرف و استقلال را برای مسلمانان به ارمغان آورد آنان را با هویت اسلامی خود آشنا کرده و گرد جهل و خودباختگی در مقابل بیگانگان را از جامعه مسلمانان زدود و به آنها آموخت که چگونه مردانه روی پای خود ایستاده و از فرهنگ و اصالت خود و از ارزشهای اسلام ناب محمدی -صلی الله علیه وآله وسلم- دفاع کنند. نامش پرآوازه و راهش پررو و هرو باد.

ولادت نور

در تاریخ ۲۰ جمادی الثانی ۱۳۲۰ هـ. ق^۱ مصادف با میلاد انسیه حوراء فاطمه (س) در خمین در یک خانواده روحانی و مبارز چشم به جهان گشود.

.....

۱ - در جقات الخلود ۱۸ جمادی الثانی ذکر شده که اشتباه است.

پدرش مرحوم آیت الله شهید سید مصطفی موسوی متولد ۱۲۷۸ ق^۱ و دارای نفوذ کلمه و خدمه و تفنگچی بوده و چهار ماه و بیست و دو روز پس از ولادت حضرت امام، در ۱۲ ماه ذیقعده ۱۳۲۰ ق در راه خمین به اراک از طرف اشراق - جعفر قلی خان^۲ و رضا قلی سلطان خمینی - مورد سوء قصد قرار گرفته و در سن ۴۷ سالگی به شهادت می رسد.

پس از شهادت پدر، مادرش بانو هاجر احمدی^۳ و عمه اش بانو صاحبه خانم معروف به خواهر آقا سر پرستی ایشان را به عهده گرفته و دایه ای به نام ننه خاور برای نگهداریش برگزیدند هنوز بیش از پانزده سال از عمر شریفش سپری نشده بود که عمه خود را از دست

.....

۱ - مؤلف «علمای بزرگ شیعه از کلینی تا خمینی» درص ۳۱۸ می نویسد:

«مجاهد مبارز آیت الله شهید حاج آقا مصطفی خمینی یکی از مشاهیر علمای مکتب ما در اوایل قرن چهاردهم هجری است. تحصیلات مقدمات فقهی او در ایران بود و در اوان عمر سالها در عتبات عالیات از محاضر علمائی مانند مرحوم شیخ انصاری برخوردار بود تا به درجه اجتهاد رسید و سپس جهت ترویج و انجام خدمات مذهب به زادگاه خویش مراجعت نمود.

شهید خمینی، مجتهدی فقیه و دانشمندی متین و شجاع و با ابهت بود از تواضع و تقوی و فضائل اخلاقی، گذشت و ایثار برخوردار بود با داشتن این فضائل از بیدادگری و مظالم ستمگران و خانهای غارتگر، که از دسترنج مردم، زالوصفت بهره می بردند، خیلی ناراحت بود خانهای ستمگری که در گذشته به جان و مال و ناموس مردم مستضعف و کشاورزان زحمتکش طمع نامشروع داشتند و آن بیچارگان بدون اجازه مالک و اربابان زورگو حتی جرات نوشیدن آب نداشتند.

شهید خمینی در آگاهی مردم و نصیحت به مالکان سالها رسالت خویش را ایفا می نمود و گاه ناگزیر می شد مردانه قد علم نموده علیه مظالم آنها قاطعانه برخورد کند. اربابان ستمگر علیه او توطئه ها چیدند، سرانجام موقعی که آقا قصد مسافرت از خمین به اراک را داشت در بین راه بوسیله رضا قلی خان و بهرام خان ناگهان به ضرب گلوله نقش بر زمین شد و...»

و نیز درباره اتنگیزه شهادت شهید آیت الله سید مصطفی موسوی رک: پاسدار اسلام ش ۸۴، آذر ۱۳۶۷

ص ۸۴ گفتار آیت الله پسندیده.

۲ - در کتاب شهدای روحانیت در یکصد ساله اخیر نام او را بهرام خان ذکر کرده که درست نیست، قاتل در میدان اعدام تهران اعدام شد. رجوع شود به زندگانی قائد اعظم ص ۱۲، شهدای روحانیت در یکصد ساله اخیر ج ۱، در ماهنامه پاسدار اسلام شماره ۸۴ آذرماه ۱۳۶۷ بوسیله آیت الله پسندیده در این رابطه توضیح بیشتری داده شده رجوع شود.

۳ - امام از ناحیه مادری خوانساری می باشند یکی از اجداد مادری ایشان حیدر بن محمد خوانساری صاحب زبده التصانیف است، صاحب ذریعه در مورد وی می گوید که وی از اساتید آقا حسین خوانساری (۱۱۹۸م) می باشد.

داد (۱۳۳۶ق) و در همان سال پس از مدّت کوتاهی مادرش نیز بدرود حیات گفت. و جدّش آقا سید احمد معروف به «هندی» از علماء نجف بوده که برحسب خواهش اهالی فراهان و کمره که مرکزش خمین است بدین شهرستان مهاجرت کرد وی فرزند سید دینعلی شاه از سادات کشمیر و طبق اظهار بعضی از مطلقین از شخصیت های علمی و دینی آن سا مان بوده که در آنجا به شهادت رسیده است.

دوران تحصیل معظم له

خواندن و نوشتن را نزد معلمی بنام میرزا محمود در منزل پدرش شروع کرده و در مدت کوتاهی با آن بخوبی آشنا شد پس از آن در مکتب ملاّ ابوالقاسم و شیخ جعفر به فرا گرفتن ادبیات فارسی ادامه داد و سپس در مدرسه جدیدالتأسیس احمدیه نزد آقا حمزه محلاتی (استاد خط) خط را نیکو فرا گرفت و هنوز پانزده ساله نشده بود که تحصیلات فارسی معمول آن روز را به پایان رسانید.

علاقه به پدر و راه او وی را به فراگیری علوم اسلامی فرا خواند، صرف و نحو را نزد شیخ جعفر پسر عموی مادرش و پس از آن پیش میرزا محمود افتخار العلماء و سپس حاج میرزا محمد مهدی (دائی خود) و بعد از آن نزد مرحوم حاج میرزا رضا نجفی (شوهر خواهر خود) و منطق و سیوطی و مطول را از محضر برادر بزرگش آیت الله سید مرتضی موسوی معروف به پسندیده فرا گرفت او تا سال ۱۳۳۸ق به استفاده از درس برادر خود اکتفا کرده و پس از آن به منظور ادامه تحصیل، تصمیم به مهاجرت به اصفهان گرفت، اما آوازه و شهرت حوزه جدید التأسیس اراک تحت زعامت مؤسس عالیقدر حوزه علمیه قم، مرحوم آیت الله حائری یزدی او را تحت تأثیر قرار داد بدین جهت در سال ۱۳۳۹ق به اراک آمده و نزد مرحوم شیخ محمد گلپایگانی منطق و خدمت مرحوم آقا شیخ عباس اراکی شرح لمعه را خواند و در سال ۱۳۴۰ که حوزه اراک با هجرت مرحوم حائری به دارالعلم قم انتقال داده شد وی نیز پس از چهارماه اقامت در اراک راه قم را در پیش گرفت و در مدرسه دارالشفاء ساکن شده و با تلاش فوق العاده ای به ادامه تحصیلات خود پرداخت، معظم له در قم مطول را نزد میرزا محمد علی ادیب تهرانی و سطوح را پیش آیت الله حاج سید محمد تقی خواتساری به اتمام رسانید و آنگاه در حلقه شاگردان مرحوم حائری و مرحوم آقا میرسید علی بشری کاشانی (م ۱۳۷۹ق) و آیت الله شیخ محمد رضا نجفی (در مدتی که ایشان در قم بودند) مؤلف «اداء المقروض فی شرح ارجوزة العروض» و... و آیت الله شیخ ابوالقاسم کبیر که بیشتر برای بهره وری از

انفاس قدسی ایشان شرکت می‌کردند درآمده و علم اخلاق را نیز در محضر مرحوم حاج میرزا جواد آقا ملکی تبریزی صاحب «المراقبات»... تلمذ نمود و در مدت کوتاهی^۱ به درجه عالی اجتهاد نائل آمده و یکی از مجتهدین میرز و نوابغ علمی و مدرّسان بزرگ حوزه بحساب آمد.

و به موازات فرا گرفتن فقه و اصول از محضر مرحوم آیت الله رفیعی قزوینی حکمت و فلسفه (کتاب شرح منظومه مرحوم حاج ملا هادی سبزواری) و از محضر مرحوم حاج شیخ علی اکبر یزدی معروف به حکیم (متوفای ۱۳۵۴ق) و مرحوم آیت الله شیخ محمد علی شاه آبادی (متوفای ۱۳۶۳ق) متون مختلف عرفان علمی و عملی و فلسفه را فرا گرفت.

و پس از وفات مرحوم حائری که آیت الله بروجردی به قم تشریف آوردند امام بمنظور تقویت ایشان در دروس او حاضر می‌شدند - و بنا به نقل آیت الله پسندیده از خود حضرت امام - از درس آقای بروجردی استفاده‌های شایانی بردند.

تدریس امام

امام در سال ۱۳۴۷ق در حالی که تنها ۲۷ سال داشت تدریس فلسفه را آغاز نمود و ضمن اینکه در انتخاب شاگرد^۲ و کتابی که به عنوان متن درسی باید تدریس شود، دقت فراوانی بخرج می‌داد از امتحان کتبی و شفاهی شاگردان خود^۳ و تهذیب نفس و رشد قوای اخلاقی آنان هرگز غفلت نمی‌فرمود و در همین رابطه بود که در کنار درس فلسفه به تدریس اخلاق همت گماشته و آرام آرام علاقمندان به درس اخلاق ایشان رو به فزونی نهاد نه تنها تعداد حاضرین و استفاده کنندگان هر روز زیادتر می‌شد بلکه تعداد جلسات این درس نیز از

.....

- ۱ - امام از سال ۴۵ تا ۵۵ محضر مرحوم حائری تلمذ فرموده است مقدمه تفسیر دعای سحر، ص ۷.
- ۲ - از حجة الاسلام و المسلمین حاج سید حسین موسوی کرمانی شنیدم که حضرت امام بافراستی که داشت به خوبی می‌فهمید که کدامیک از حاضرین در جلسه درس، درس را می‌فهمند و کدام فهمشان از رسیدن به نکات دقیق بحث قاصر است. و این داستان را نقل کردند که روزی بعد از پایان درس منظومه یکی از حضار به من مراجعه کرد و گفت از استاد بخواهید که در تطبیق کمی دقیق تر پیش برود بنده هم خواسته او را به استاد منتقل کردم. تا گفتم طلبه ای چنین درخواستی از شما دارد و فرمود فلاحی نبود؟ گفتم چرا، فرمود: من اینگونه درس می‌گویم تا امثال او در این بحث شرکت نکنند!
- ۳ - خود امام فرموده بودند از شاگردان درس فلسفه می‌خواستم درس را بنویسند و بیاورند، اگر می‌دیدم نمی‌فهمند اجازه ورود به درس را نمی‌دادم.

هفته ای یک روزه به دو روز (پنجشنبه و جمعه) در هفته افزایش یافت.

پلیس حکومت پهلوی این درس را برخلاف مصالح رژیم تشخیص داده و درصدد تعطیل آن برآمد ولی خود را با مقاومت حضرت امام مواجه دید زیرا امام به مجرد اطلاع از تصمیم آنها چنین فرمود: من موظف هستم به هر نحوی که هست این جلسه را برگزار نمایم پلیس شخصاً بیاید و از انعقاد آن جلوگیری بعمل آورد.^۱

مزدوران رژیم رضاخانی که احساس می‌کردند با واکنش عصیان بار ملت و مقاومت سرسختانه امام مواجه می‌گردند، از تعطیل آن چشم‌پوشی کردند ولی کارشکنی‌های آنان ادامه داشت و موجب شد محل درس از فیضیه به مدرسه حاج ملاصادق منتقل شود البته پس از سقوط رضاخان و تبعیدش به جزیره موریس مجدداً درس در فیضیه برگزار می‌شد.

معظم له شاگردانی پرورش داد که هرگز ترس از زندان و تبعید و شهادت را بخود راه ندادند.

آیت‌الله شهید مرتضی مطهری که خود در این درسها شرکت می‌کرد تأثیر آن را چنین بیان می‌کند:

«... اگرچه در آغاز مهاجرت به قم هنوز از مقدمات فارغ نشده بودم و شایستگی ورود در معقولات را نداشتم، اما درس اخلاقی که وسیله، شخصیت محبوبم در هر پنج‌شنبه و جمعه گفته می‌شد و در حقیقت درس معارف و سیر و سلوک بود نه اخلاق به مفهوم خشک علمی مرا سرمست می‌کرد بدون هیچ اغراق و مبالغه‌ای این درس مرا آنچنان به وجد می‌آورد که تا دوشنبه و سه‌شنبه هفته بعد خودم را شدیداً تحت تأثیر آن می‌یافتم، بخش مهمی از شخصیت فکری و روحی من در آن درس، و سپس در درسهای دیگری - که در طی دوازده سال از آن استاد الهی فرا گرفتم - انعقاد یافت و همواره خود را مدیون او دانسته و می‌دانم راستی که او «روح قدس الهی» بود.^۲

تدریس خارج فقه و اصول

امام خمینی تدریس خارج فقه و اصول را در سال ۱۳۶۴ق در ۴۴ سالگی همزمان با ورود حضرت آیت‌الله بروجردی به قم شروع کردند که بزودی حوزه درسی ایشان

۱ - بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی/۳۹. تاریخ سیاسی معاصر ایران ج ۱/۳۶۷.

۲ - علل گرایش به مادیگری/۱۰.

یکی از مهمترین و پرجمعیت‌ترین حوزه‌های درسی آن روز را تشکیل داد و شیوه تدریس ابتکاری معظم له در مباحث گوناگون فقه و اصول محور بحث و بررسی در محافل علمی طلاب و فضلا قرار گرفت.

شیوه تدریس

درس امام در سطح بالائی قرار داشت لذا برای هرکس قابل استفاده نبود و شرکت کنندگان حوزه درسی ایشان را معمولاً افرادی تشکیل می دادند که چندین سال سابقه شرکت در دروس خارج داشتند. ورود و خروج معظم له در مطالب بگونه ای بود که برای حاضرین در درس کوچکترین اشکالی باقی نمی ماند او برخلاف بعضی دیگر از اساتید که فلسفه را داخل اصول و فقه می کردند با آنکه خود یکی از اساتید برجسته و منحصر بفرد فلسفه بشمار می رفت، هرگز در مقام تدریس فقه و اصول توجهی به فلسفه نداشته و از چهار چوبه معمول فقه و اصول پا فراتر نمی نهاد و با چنان آزادی نظر به بررسی مسائل فقه و اصول می پرداخت که هرگز بوی تقلید و تکرار نظرات مبانی گذشتگان از تحقیقات وی به مشام نمی رسید اگرچه به مبانی علمی و نظرات فقهای شیعه احترام فوق العاده ای قائل بودند^۱، شاگردان ایشان تحت تأثیر این روش تحقیقی او قرار گرفته و شجاعت تحقیق مستقل و ژرف اندیشی و باریک بینی و موشکافی و نقض و ابرام از نظریات بزرگان را در خود پیدا کرده و همواره درصدد دست یافتن به اصول و مبانی علمی جدید گام برمی داشتند.

استاد آیت الله جعفر سبحانی می فرمود: امام شاگرد حاج شیخ عبدالکریم حائری بود مرحوم حاج شیخ سبک درسش براساس تفکر و دقت و مناقشه بود و به روایات و آیات کمتر توجه می کرد و این سبک، سبک اصحاب سامراء بود.

و از طرفی هم شاگرد مرحوم بروجردی بود که بر روی کلمات و تتبع اقوال و اسانید و متون و دیدن اقوال عامه و تاریخچه مسئله عنایت می کرد بدین جهت محسنات این دو درس را در تدریس خود بکار گرفته و ترکیبی از این دو درست کرده بودند. دقت فکر و اندیشه را از مرحوم حاج شیخ و مزایای دیگر را از مرحوم بروجردی آموخته بود.

.....

۱ - روزی در درس اصول از استاد محترم خود آقای جعفر سبحانی دام ظلّه الوارف شنیدم که وقتی تهذیب الاصول را برای تصحیح خدمت امام برده بودم در یکجا بعد از نقل قول یکی از اصولیین نوشته بودم «فاسد» و حضرت امام نوشتند: احترام مشایخ ملحوظ شود و جای آن نوشت «غیرتام».

زعامت حوزه علمیه قم و مرجعیت تقلید

ایشان با عظمت چشمگیر و موقعیت ممتازی که داشتند هرگز به فکر ریاست نبوده و در راه شناساندن خود و بدست آوردن مسند و مقام کوچکترین اقدامی نکرده و حتی در مجالس و محافل که در رابطه با این جهات تشکیل می شد شرکت نمی فرمود و در مواقع بیرون رفتن از منزل از راه انداختن اصحاب و اطرافیان بشدت اجتناب می کردند، حتی پس از درگذشت مرحوم آیت الله بروجردی (رضوان الله علیه) از چاپ رساله عملیه خود امتناع می کردند تا اینکه جمعی از فضلا و مدرسین و عده زیادی از طلاب کراراً به حضور ایشان شرفیاب شده و به عرض می رسانند که چون اعلیت ایشان برای آنها محرز شده لذا رساله عملیه ای تهیه و در اختیار آنان قرار دهند معظم نه پس از دادن رساله از چاپ آن به نفقه دیگران خودداری می ورزند تافضلاً قبول می کنند که آن را به نفقه خود چاپ و منتشر نمایند بدین ترتیب فتاوی ایشان بنام حاشیه بر وسیلة النجاة مرحوم آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی (متوفای ۱۳۳۷ق) چاپ و سپس حاشیه ایشان بر عروة الوثقی و سپس رساله عملیه ایشان چاپ و در اختیار مقلدینشان قرار می گیرد، یکی از نزدیکان امام در این زمینه چنین می گوید:

بعد از درگذشت مرحوم آیت الله حکیم، شب از بلندگوها اعلام کردند که آقای حکیم فوت کرده است. آن شب امام (در نجف) پشت بام بودند یکی از برادران گفت که متوجه شدم صدای گریه می آید و دیدیم که امام نشسته و گریه می کند روز بعد امام فرمودند که همه را جمع کنید و به آنها بگویید در هیچ مجلسی شما حق ندارید از من دفاع کنید و اسم مرا بیاورید گرچه سیلی به گوش مصطفی بزنند و اگر به من بد بگویند، باز شما چیزی نگویند، امام به ما این طور فرمودند تا حدی که حتی حاضر نبود برای مرجعیت خودش تبلیغ بشود و در همان ایام افرادی از موصل و کرکوک خدمت امام می آمدند و می گفتند: ما از چه کسی تقلید کنیم؟ ایشان می فرمود: از چه کسی تقلید می کردید؟ آنها می گفتند از آقای حکیم. امام می گفتند «به رأی آقای حکیم باقی باشید» این خیلی عظمت می خواهد که اشخاصی پیش یک مرجع بیایند و آن مرجع این گونه بگوید.^۱

پس از فوت آیت الله حکیم جمعی از فضلاء برجسته حوزه علمیه قم ایشان را به عنوان اعلم و مرجع شایسته مسلمین تعیین و معرفی می کنند و خبر آن توسط آیت الله محمد مؤمن

.....

۱ - فرازهایی از ابعاد روحی، اخلاقی و عرفانی امام خمینی / ۷۲.

قمی در نجف به اطلاع ایشان می‌رسد و ایشان قیافه اعتراض‌آمیزی به خود گرفته و می‌فرمایند: بیخود اینکار را کردند نمی‌بایست بکنند.^۱

رهبری انقلاب

این اسوه تقوی و جهاد با قاطعیت پیامبرگونه خود توانست طومار ننگین حکومت دو هزار و پانصدساله رژیم شاهنشاهی رادرهم پیچد و بزرگترین انقلاب اسلامی را در ایران براه انداخته و آن را به شایسته‌ترین وجه — که موجب اعجاب سیاستمداران جهان شد — رهبری فرماید و در واقع حساسترین و مهمترین فصل حیات امام خمینی که بدون اغراق آن را باید با وسعت اثر انبیاء الهی در تاریخ بشر مقایسه کرد — هر چند آنچه امام داشت از آنان بود — بوجود آوردن انقلاب عظیم اسلامی ایران است.

از آنجا که در رابطه با انقلاب شکوهمند اسلامی به تفصیل سخنها گفته‌اند و کتابهای فراوانی توسط دانشمندان و سیاستمداران (اعم از خودی و بیگانه) نوشته شده است که بخشی از آنها در «کتابنامه انقلاب اسلامی» چاپ آستان قدس و در فهرستی که توسط اینجانب در سال ۱۳۵۹ ش تحت عنوان «واقعیتی از یک بازتاب و بازتابی از یک واقعیت»^۲ تهیه و چاپ شده نام برده شده است و در آینده هم هزارها بار مطلب بیش از این گفته و نوشته خواهد شد و از طرف دیگر بنای این مقاله بر اختصار است لذا در این زمینه به این مقدار اکتفاء می‌کنیم.

در مسند تألیف

مرجع فقید شیعه نه تنها در تدریس و پرورش شاگردان مبرز و مبارزه با دشمنان دین و مملکت سخت کوش و پرتلاش بود بلکه در زمینه پژوهش و تألیف کتب علمی و تحقیقی نیز بسیار موفق و پیشاهنگ به حساب می‌آمد و مطالعه کتب سودمند ایشان بیانگر عظمت و ژرفائی و گستردگی پژوهشهای ایشان در زمینه‌های گوناگون می‌باشد اینک نام مؤلفات و تقریرات درس معظم له:

.....

۱ — سرگذشت‌های ویژه از زندگی امام خمینی ج ۵/ ۱۷۸.

۲ — در این فهرست حدود ۱۷۰ عنوان کتاب و جزوه در ۷ بخش معرفی شده است که البته اگر در

این تاریخ فهرست تنظیم شده بود قطعاً نزدیک به ۱۰۰۰ عنوان می‌گردید.

۱ - مصباح الهداية الى الخلافة والولاية در عرفان و مسائل عقلی است و حضرت امام (قده) این کتاب را در ۲۷ سالگی نوشته اند مترجم سید احمد فهري انتشارات پیام آزادی.

۲ - مختصر فی شرح الدعاء المتعلق بالسحر، در عرفان و مسائل عقلی است تألیف در تاریخ ۱۳۴۷ق به پایان رسیده. فارسی آن بمقام شرح دعای سحر توسط سید احمد مطهری چاپ شده.

۳ - اربعین حدیث، ۷ حدیث آن در مسائل عقلی و ۳۳ حدیث دیگر در اخلاقیات است و قبل از معراج السالکین تألیف شده است.

۴ - تحریر الوسيلة، فقه (۲ جلد) این اثر سودمند که در تبعید نوشته شده مورد توجه علماء و دانشمندان قرار گرفته و کارهایی از این قبیل بر روی آن انجام شده:

۱۰ - شرحی بنام تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسيلة توسط آیت الله حاج شیخ محمد فاضل لنکرانی بر آن نوشته شده که حدود ۴۰ جلد می شود و تاکنون چند جلد آن چاپ شده است.

۲۰ - مستند التحریر توسط حجت الاسلام حاج شیخ احمد مطهری امام جمعه ساوه تهیه شده که توسط آقای هاشم نوری به فارسی نیز ترجمه گردیده.

۳۰ - ترجمه تحریر به فارسی. (دو ترجمه دارد).

۵ - المكاسب المحرمة در دو جلد، تاریخ اتمام تحریر این دو جلد جمادی الاولی ۱۳۸۰ق و تاریخ انتشار آنها محرم الحرام ۱۳۸۱ق است.

۶ - البیع در پنج جلد درسهای فقهی امام در نجف اشرف است، تاریخ اتمام چرک نویس جلد پنجم آن جمادی الاولی ۱۳۹۶ق است، این کتاب بالغ بر ۲۳۰۰ صفحه بوده و جلد دوم از ص ۴۵۹ تا ۵۲۰ بحثهای امام درباره ولایت فقیه است که توسط جمعی تحت عنوان «شوون و اختیارات ولی فقیه» به فارسی ترجمه و توسط وزارت ارشاد اسلامی - اداره کل انتشارات و تبلیغات - به چاپ رسیده است.

۷ - کتاب الطهارة (۳ جلد) به چاپ رسیده.

۸ - الرسائل: دو جلد، این کتاب درباره قاعده لاضرر و استصحاب، تعادل، ترجیح، و اجتهاد و تقلید و تقیه بحث می کند.

۹ - اسرار الصلاة یا معراج السالکین تألیف در ۲۱ ربیع الثانی ۱۳۵۸ هـ ق به پایان

.....
۱ - ایشان قاعده لاضرر را یک قاعده حکومتی می دانستند.

رسیده است.

۱۰- رساله فی الطلب والارادة، در زمانی که اصول می‌گفتند نوشته‌اند این کتاب با ترجمه و شرح سید احمد فهری توسط مرکز انتشارات علمی و فرهنگی چاپ شده است.

۱۱- آداب الصلوة تلخیص کتاب اسرار الصلاة است با اضافاتی که در آن آمده است. ترجمه آن به نام پرواز در ملکوت چاپ شده.

۱۲- شرح حدیث رأس الجالوت پس از درس استاد خود مرحوم شاه‌آبادی (ره) نوشته‌اند.

۱۳- شرح حدیث جنود عقل و جهل، این حدیث شریف در اول اصول کافی ذکر شده که امام قسمتی از ۷۵ عنوان را شرح کرده‌اند ولی ناتمام است.

۱۴- کشف الاسرار در سال ۱۳۶۲ق در تهران به چاپ رسید (الذریعة ج ۱۸/۱۳) این کتاب ردی است بر کتاب اسرار هزارساله حکمی زاده فرزند حاج شیخ مهدی قمی پایین شهری، و در آن حملاتی به رضاشاه و سیاست او دارند. (ببینید صفحات ۲۷۴ و ۲۵۴ و ۱۲، ۲۷۱ و ۳۰۲).

۱۵- نیل الاوطار فی بیان قاعدة لا ضرر ولا ضرار، تقریر درس خارج ایشان است.

۱۶- حکومت اسلامی یا ولایت فقیه، مجموعه درسهای امام در نجف اشرف در زمینه حکومت اسلامی.

۱۷- مبارزه با نفس یا جهاد اکبر، قسمتی از سخنرانیهای امام که به مناسبتهای مختلف در نجف ایراد شده و توسط آقای سید حمید روحانی جمع‌آوری شده و به چاپ رسیده است.

۱۸- تعلیقات علی فصوص الحکم قیصری و مصباح الانس، به کوشش و با مقدمه محمد حسن رحیمیان، ناشر: مؤسسه پاسدار اسلام ۳۲۷ صفحه، متن کتاب اول از محی الدین عربی و شارح آن داود بن محمود بن محمد رومی قیصری است و اصل مصباح الانس از ابوالمعالی صدرالدین محمد بن اسحاق قونوی و شرح از محمد بن حمزه بن محمد است.

۱۹- حاشیه بر مفتاح الغیب، هنگامی که مفتاح الغیب را نزد استاد عارف خود مرحوم آیت الله شاه‌آبادی می‌خواندند بر آن حاشیه زده‌اند.^۱

۲۰- تهذیب الاصول تقریر مباحث اصول ایشان است که توسط حضرت آیه الله

.....

۱- سیمای فرزندگان ج ۳/۸۷.

جناب آقای جعفر سبحانی به رشته تحریر درآمده و در ۳ مجلد به چاپ رسیده است.
۲۱- رساله فی الاجتهاد و التقليد، تقریر درس خارج ایشان است که به ضمیمه
جزء سوم تهذیب الاصول چاپ گردیده است.

۲۲- تفسیر سورة حمد، مجموعه بحثهای تفسیر امام که از سیمای جمهوری اسلامی
پخش شد. و بعداً به چاپ رسید و تفسیر سورة علق .

۲۳- مناسک حج.

۲۴- مجموعه های فراوانی از سخنرانیها و پیامهای آن حضرت به چاپ رسیده که
جامع تر از همه «صحیفه نور» است که توسط مرکز مدارک فرهنگ انقلاب اسلامی تهیه شده و
توسط انتشارات شرکت سهامی چاپخانه وزارت ارشاد اسلامی توزیع گردیده است و تا کنون
۱۹ جلد آن منتشر شده است.

۲۵- تقریرات آیت الله بروجردی (از اول اصول تا مباحث ظن) از سال ۶۴ تا آخر
۶۹ (طبق اظهار آیت الله سبحانی)

۲۶- رساله های عملیه که به زبانهای مختلف ترجمه و در اختیار مقلدین قرار
گرفته است با ضمیمه دو جلد استفتائات جدید که یک جلد آن چاپ شده است.

۲۷- حاشیه بر اسفار که برگی از آن به خط معظم له موجود است. ۲

۲۸- دیوان شعر.

۲۹- تعلیقات و حواشی بر کتاب ارث مرحوم حاج ملا هاشم خراسانی.

۳۰- رساله های مشتمل بر فواید در بعضی مسائل مشکله

۳۱- الدماء الثلاثة تقریر حاج شیخ صادق خلخالی که به چاپ رسیده است.

تا آنجا که ما اطلاع داریم تقریرات بحث ایشان را این چند نفر هم نوشته اند:

۳۲- تقریر بحث اصول ایشان توسط آقایان سید محمد حسن لنگرودی و سید محمد

علی علوی گرگانی نوشته شده ولی چاپ نشده است.

سید محمد مهدی مرتضوی لنگرودی، وی تقریرات فقه امام را نوشته است.

شیخ حسین مؤمن شیرازی، تقریرات اصول امام را نوشته است.

سید ابوالفضل موسوی تبریزی، تقریرات امام از اول مباحث الفاظ تا اقل و اکثر ارتباطی
را نوشته است.

❦

.....

۱- رلد کیهان فرهنگی سال ششم شماره ۰۳ - ۲- کیهان ش ۱۲۶۹۹، چهارشنبه ۲۸ اسفند ۱۳۶۴ هـ

محمد یزدی مقرر بحث فقه امام و بحث فروع علم اجمالی را نوشته است.
حاج شیخ جعفر مشهور به آقا بهاء الدین محمدی عراقی تقریرات بحث ایشان را در فقه
و اصول نوشته است.

امام کتابهایی نیز به خط خود استنساخ کرده اند از جمله:

۱- اداء المفروض فی شرح ارجوزة العروض که تاریخ اتمام آن ۲۱ شعبان
۱۳۴۶ ق است.

۲- رساله الزوراء که در فلسفه و عرفان است و در ۱۴ ربیع المولود ۱۳۴۹ ق به
اتمام رسیده است.

۳- استنساخ رساله شرح قاضی سعید قمی بر حدیث رأس الجالوت.
حضرت امام از نعمت خط زیبا و نستعلیق بهره مند بود و اهل فن، خطایشان را جزء
خطوط درجه یک بشمار آورده اند.

بینش سیاسی امام

هنگامی که سیاست در تمامی آکادمی های دنیا به «علم قدرت» تفسیر می شد،
حضرت امام به عنوان اولین گام در شروع نهضت خویش ابتدا به تأویل حقیقی این واژه در
قاموس اسلام ناب نشست و اینگونه بیان داشت که: «سیاست اتخاذ تدابیری است در جهت
جلوگیری از ظلم و ستم، برقراری عدالت، احقاق حق مظلوم، تربیت انسانهایی آزاد، مؤمن و
متعهد و بطور کلی ساختن جامعه ای ایده آل بر اساس قوانین حیات بخش اسلام و هدف
سیاست در اسلام را ایجاد جامعه ای خالی از هرگونه فکر و عمل شرک آلود، ظلم و تعدی و
استثمار معرفی نموده که در آن انسانها آزاد، برابر، مؤمن و متعهد به زندگی برادرانه اسلامی
خود ادامه می دهند و بدینسان برای ایجاد:

۱- امنیت و جلوگیری از ظلم و تجاوز

۲- حفظ استقلال و ممانعت از تسلط بیگانه

۳- تربیت صحیح و انسانهای نمونه

نهضت خویش را آغاز نمود، نابودی اصل حکومت جباران و مستکبران، محو نفوذ
سیاسی منافقان و خائنان و دهها هزار آرمان مقدس و والای دیگر، که استقراء تام تمامی
آنها فرصت و مجالی واسع می طلبید، وجهه همت آن بزرگ بود آنچه در ذیل می آید تنها و

تنها اشارتی است ناقص و گنگ به گوشه‌هایی از بینش و سیره سیاسی معظم له.
• حمایت از حرکت‌های اصلاح طلبانه آیت الله مجاهد مرحوم حاج آقا حسین قمی (ره) به کمک و همیاری مرحوم آیت الله العظمی بروجردی (قدس سره).

از باب نمونه هنگامیکه آیت الله حاج آقا حسین قمی (ره) در ارتباط با اقدامات دولت در مورد بی‌حجابی و... به تهران آمد و دولت وقت با وجود موضع ضعیفی که داشت از پیشنهادات معظم له سرباز زد، عده‌ای از علماء مبارز که در رأس آنها حضرت امام قرار داشتند به تلاش افتادند تا مانع از آن شوند که دولت به مرجع بزرگی همچون حاج آقا حسین قمی بی‌اعتنائی و پیشنهادات او را نادیده بگیرد، بدین جهت امام به اتفاق یکی از علماء به بروجرد آمده و با آیت الله بروجردی در این رابطه تماس می‌گیرند و ایشان پیام سرنوشت‌ساز و تندی برای دولت فرستاده و تهدید می‌نمایند که اگر به پیشنهادات آقای قمی توجه نشود من با همه عشایر لرستان به طرف تهران حرکت می‌کنم و این پیام، دولت را وادار به تجدید نظر در مواضع خود می‌نماید.

• حمایت امام از مرحوم آیت الله کاشانی و فدائیان اسلام.

• جریان دیگری پیش آمده بود که طی آن شاه به آقای بروجردی بی‌اعتنائی می‌کند، آیت الله آذری قمی می‌گویند: ما همان موقع خدمت آقای خمینی رفتیم و در این رابطه با ایشان صحبت کردیم و بی‌اعتنائی و اهانت شاه نسبت به حضرت آیت الله بروجردی را به اطلاع ایشان رساندیم امام در جواب ما فرمودند: اگر آقای بروجردی اجازه بدهند من یک روزه سرتاسر ایران را بر علیه دولت به شورش وامی دارم.

این جمله حساس را امام در زمانی ایراد فرمودند که تنها به عنوان یکی از فضلا و مدرّسین حوزه بشمار می‌رفتند و نیز سندی به تاریخ یازدهم جمادی الاولی ۱۳۶۳ هـ. ق یعنی حدود ۴۵ سال قبل و بیست سال قبل از ۱۵ خرداد ۴۲ است و در یادنامه مرحوم سیدعلی وزیری به دستخط امام نوشته شده که حاکی از سلحشوری و مجاهدت امام در سال‌هایی است که خفقان سرتاسر کشور را فرا گرفته بود برای مزید اطلاع خوانندگان محترم عیناً درج می‌شود:

بسم الله الرحمن الرحيم

قال الله تعالى: قل انما اعظکم بواحدة ان تقوموا لله مشنی وفرادی

خدای تعالی در این کلام شریف از سر منزل تاریک طبیعت تا منتهای سیر انسانیت

را بیان کرده و بهترین موعظه‌هایی است که خدای عالم از میان تمام مواضع انتخاب فرموده و این یک کلمه را پیشنهاد بشر فرموده، این کلمه تنها راه اصلاح دو جهان است، قیام برای خدا است که ابراهیم خلیل الرحمن را به منزل خلت رسانده و از جلوه‌های گوناگون عالم طبیعت رهانده «خلیل آسا در علم الیقین زن، ندای لاحب الافلین زن» قیام الله است که موسی کلیم را با یک عصا بفرعونیان چیره کرد و تمام تخت و تاج آنها را بباد فنا داد و نیز او را به میقات محبوب رساند و بمقام صعق و صحو کشاند، قیام برای خدا است که خاتم النبیین صلی الله علیه و آله را یک تنه بر تمام عادات و عقائد جاهلیت غلبه داد و بتها را از خانه خدا برانداخت و بجای آن توحید و تقوی را گذاشت و نیز آن ذات مقدس را بمقام «قاب قوسین او ادنی» رساند، خودخواهی و ترک قیام برای خدا ما را به این روزگار سیاه رسانده و همه جهانیان را بر ما چیره کرده و کشورهای اسلامی را زیر نفوذ دیگران در آورده، قیام برای منافع شخصی است که روح وحدت و برادری را در ملت اسلامی خفه کرده، قیام برای نفس است که بیش از ده میلیون جمعیت شیعه را بطوری از هم متفرق و جدا کرده که طعمه‌مشتی شهوت پرست پشت میز نشین شدند، قیام برای شخص است که یک نفر مازندرانی بی سواد را بریک گروه چند میلیونی چیره می‌کند که حرث و نسل آنها را دست خوش شهوات خود کند، قیام برای نفع شخصی است که الآن هم چند نفر کودک خیابان گرد را در تمام کشور بر اموال و نفوس و اعراض مسلمانان حکومت داده، قیام برای نفس اماره است که مدارس علم و دانش را تسلیم مشتی کودک ساده کرده و مراکز علم قرآن را مرکز فحشاء کرده، قیام برای خود است که موقوفات مدارس و محافل دینی را به رایگان تسلیم مشتی هرزه گرد بی شرف کرده و نفس از هیچکس در نمی‌آید، قیام برای نفس است که چادر عفت را از سرزنهای عقیف مسلمانان برداشت و الآن هم این امر خلاف دین و قانون در مملکت جاری است و کسی بر علیه آن سخنی نمی‌گوید، قیام برای نفع‌های شخصی است که روزنامه‌ها که کالای پخش فساد اخلاق است امروز هم همان نقشه‌ها را که از مغز خشک رضاخان بی شرف تراوش کرده تعقیب می‌کنند و در میان توده پخش می‌کنند، قیام برای خود است که مجال به بعضی از این وکلای قاچاق داده که در پارلمان بر علیه دین و روحانیت هر چه می‌خواهد بگوید و کسی نفس نکشد، هان ای روحانیین اسلامی، علماء ربانی، ای دانشمندان دین دار، ای گویندگان آئین دوست، ای دین داران خداخواه ای خداخواهان حق پرست، ای حق پرستان شرافتمند، ای شرافتمندان وطن خواه، ای وطن خواهان با ناموس، موعظت خدای جهان را بخوانید و یگانه راه اصلاحی

• رهبری حرکت ۱۵ خرداد ۴۲ (فصل جدید و مبدأ جدی نهضت اسلامی)
• سخنرانی بر علیه لایحه مربوط به مستشاران امریکائی و فراخوانی امت مسلمان به
قیام علیه حکومت

• ادامه هدایت و رهبری نهضت از ترکیه و نجف (پس از تبعید)

• مبارزه پیگیر و ویرانگر علیه حزب منحوس رستاخیز ایران

• طرح جدی حکومت اسلامی ...

آیت الله شیخ ابوالقاسم خزعلی می فرمود: از مرحوم علامه طباطبائی نقل شد که در
جلساتی که در رابطه با نهضت اسلامی با حضور تنی چند از مراجع تشکیل می شد هنگامیکه
نوبت سخن به امام خمینی می رسید همه چون شاگرد مکتبی بودند و او استاد.

تعهد امام

حجت الاسلام واعظ طبسی گوید:

سال ۴۳ بدنبال یک بازداشت که برایم پیش آمد بعد از آزادی در قم محضر حضرت
امام شرفیاب شدم شب چهاردهم مردادماه بود. امام از اندرون به بیرونی تشریف آوردند به
ایشان عرض کردم اگر خاطر مبارک مستحضر باشد در چهار پنج ماه قبل در یک سخنرانی
کوتاه عرض کردم برای بیعت آمده ایم و تنها سرمایه من یک فرزند است که حاضرم در راه
تفکر و اندیشه انقلابی شما تقدیم کنم و امروز که از زندان آزاد شده ام آمده ام عرض کنم با
همان روحیه و طرز فکر در خدمت شما هستم.

امام ضمن آنکه بنده را مورد تفقد قرار دادند دعا کردند و فرمودند:

«شما جوانید و باید با همین روحیه کارها را متعهدانه دنبال کنید و اما من که
سنینی را پشت سر گذاشته ام به شما بگویم از کسانی نیستم که فکر کنم راه زندگی اسلامی
من منحصر به عبادت در مسجد است اگر احساس کنم قدرتهای استکباری منافع ملت
اسلام را مورد تعرض قرار دادند از خانه بیرون می آیم و داد خواهیم زد و وظیفه هر مسلمان
است که خودش را در برابر اسلام عزیز و جوامع اسلامی متعهد بداند.»

هنوز این صدای روحانی و ملکوتی امام را در گوشم احساس می کنم و برایم
خاطره ای فراموش نشدنی است.

• • •

سازش ناپذیری امام

در این باره مفسران و تحلیلگران و صاحب نظران جهان سخن بسیار گفته اند ولی از باب الفضل ما شهدت به الاعداء به کلام زیر بسنده می‌کنیم.

«هنری پرشت» کاردار سیاسی - نظامی سفارت آمریکا در سال های ۱۹۷۲ تا ۱۹۷۸ م و مسئول دفتر امور ایران در وزارت خارجه آمریکا در سال های ۱۹۷۸ تا ۱۹۸۰، در مصاحبه ای با صدای آمریکا ناگزیر از واقع نگری از امام خمینی تجلیل می‌کند و می‌گوید: «تردیدی نیست که ایشان یکی از مردان بزرگ تاریخ در این قرن بود و کمتر کسی را امروز می‌توان یافت که از جاذبه و نفوذی همانند آنچه که نه تنها در ایران بلکه در جهان داشت برخوردار باشد و توجه قدرتهای بزرگ را تا به این حد به خود معطوف دارد».

کاردار سفارت آمریکا می‌افزاید: «به گمان من مورخان روزی نشان خواهند داد که او مردی بود که شخصیتش به خوبی درک نشده است. او مردی بود که تنها قضاوت خدا را قبول داشت و سازشکاری نکرد».^۱

اصحاب استفتاء امام

حضرات آیات و حجج اسلام:

۱ - سید محمد ابطحی کاشانی

۲ - سید عباس خاتم یزدی

۳ - سید جعفر کریمی

۴ - شیخ محمد حسن قدیری

۵ - شیخ حسین راستی کاشانی

بعض مشایخ اجازه امام در روایت

آیات عظام :

۱ - شیخ محمد رضا اصفهانی نجفی آل علامه شیخ محمد تقی اصفهانی از میرزا

حسین نوری از شیخ انصاری

۲ - شیخ عباس قمی از میرزا حسین نوری از شیخ انصاری

.....
۱- روزنامه اطلاعات شنبه ۱۰ تیرماه ۱۳۶۸ شماره ۱۸۷۸۸.

- ۳ - سید محسن امین از سید محمد هاشم موسوی رضوی هندی از شیخ انصاری
 ۴ - سید ابوالقاسم دهکردی اصفهانی از آقا میرزا محمد هاشم اصفهانی از شیخ
 انصاری (ره) .

هم بحثهای امام

- ۱ - مرحوم آیت الله حاج سید احمد زنجانی
 ۲ - مرحوم آیت الله سید محمد محقق داماد
 ۳ - مرحوم آیت الله حاج شیخ حسن فرید گلپایگانی
 ۴ - آیت الله آقا ریحان الله نخعی گلپایگانی
 ۵ - مرحوم آیه الله حاج میرزا خلیل کمره ای .

ویژگیها و ملکات روحی امام

گرچه در این زمینه یک عمر هزار ساله باید تا من یکی از هزار گویم و زبانی به
 پهنای فلک باید داشت تا اوصاف کمال بی شمار او را شمارش کنم و وسعت بینشی به
 گستردگی تاریخ بشریت لازم است تا ابعاد وسیع وجود امام را برشمارم ولی در اینجا از باب
 «مالا یدرک کله لایترک کله» به پاره ای از خصائل و صفات ایشان اشاره می کنم.

۱ - پرهیز از جدال و مرء

قال رسول الله (ص) اروع الناس من ترك المرء وان كان محققا باورعترین مردم
 کسی است که مرء را ترک گوید اگر چه حق با او باشد.

آیت الله ابراهیم امینی ضمن مصاحبه ای گفتند: یکی از صفات امام خمینی (قدس
 سره) این بود که از مناظره و جدال و خودنمایی در بحث اجتناب می کرد،^۱ روزی از ایشان و
 علامه طباطبائی به حجره ام دعوت و مسئله ای فلسفی مطرح کردم، هر دو نفر خوب گوش
 دادند ولی ساکت بودند، علامه نگاهی به امام کرد و تبسمی نمود و با تبسم جواب را به
 عهده علامه گذاشت و امام هم گوش کرد پس از آن سؤالی فلسفی از امام کردم نگاهی

۱ - بحار الانوار ج ۲/۱۷۲ به نقل از میزان الحکمه ج ۷

۲ - سرگذشتهای ویژه از زندگی امام ج ۴/۱۱۰

مؤدبانه به علامه کرد و جواب داد اینجا علامه گوش داد و نتوانستم این دو استاد را به بحث طلبگی بکشانم.

۲ - امام دوستان خود را فراموش نمی‌کرد

آیت الله ابراهیم امینی باز گویند: مدت یکماه مریض شده و در مدرسه حجتیه در حجره ام بستری بودم، در طول این مدت روزهای چهارشنبه امام به اتفاق یکی از دوستان دانشمند ما در حجره مدرسه از من عیادت می‌کرد در صورتی که من یک طلبه گمنامی بیش نبودم.^۱

و یکی دیگر از آقایان در ضمن برشمردن ملکات روحی امام گفت: از آن روزی که من توی خانه افتاده‌ام همه مرا فراموش کردند جز امام که معمولاً از من احوالپرسی می‌کردند.

۳ - اغتنام از فرصت

یکی از راههای موفقیت و کامیابی افراد، استفاده از فرصتهای طلایی و کار امروز را در وقت خود انجام دادن است. آیت الله سید عباس خاتم یزدی فرمود: امام هیچگاه وقت خود را بیهوده صرف نمی‌کردند و بدون جهت از دست نمی‌دادند بلکه بیشترین استفاده را از اوقات گرانبهای خود می‌نمودند.

البته قابل ذکر است که داشتن جلسات انس و تفریح سالم که اعصاب را از فرسودگی نجات می‌بخشد جزء اتلاف وقت به حساب نمی‌آید.

۴ - دوری از غیبت

از قول یکی از نزدیکان امام نوشته‌اند:

از مسائلی که تمام دوستان امام بر آن اتفاق داشتند، این بود که حساسیت عجیبی نسبت به غیبت کردن داشتند و از همان ایام جوانی، در هر مجلسی که نشسته بودند به هیچ وجه اجازه نمی‌دادند فردی غیبت کند و اگر کسی صحبت می‌کرد و می‌خواست شروع به غیبت کند، فوراً ایشان مطلب را برمی‌گرداند و رشته سخن را تغییر می‌دادند.^۲

.....

۲ - سیمای فرزندگان ج ۳/۱۰۴.

۱ - پیام انقلاب ش ۱۰۵.

آیت الله حاج سید موسی شبیری زنجانی فرمود: مرحوم امام با عده ای از دوستان خود مثل آیه الله حاج سید احمد زنجانی و حاج میرزا عبدالله مجتهدی و مرحوم آقا سید احمد لاسوانی و ... جلسه انسی داشتند یکی از شرائطش این بوده که در آن غیبت نشود و شرط دیگرش این بوده که بحث علمی در آن نشود، (که جمع این دو شرط خیلی مشکل به نظر می رسد).

حجة الاسلام والمسلمین توسلی می گوید: عده ای از طلاب قبل از سال ۴۲ در بیرونی امام وقتی رابه بحث اختصاص داده بودند و گاهی از بعضی روحانیون انتقاد می شد یک روز مرحوم حاج آقا مصطفی فرزند امام پیام آوردند که آقا فرمودند: شنیده ام در اینجا برخی، به علماء اهانت کرده و از آنها غیبت می کنند، بنده راضی نیستم کسی در این خانه غیبت، یا به کسی اهانت کند.^۱

۵ - ترک مکروه

یکی از نزدیکان ایشان می گوید روزی حضرت امام فرمودند: این فرش را از این جا جمع کنید چون روی این فرش نقش حیوانات وجود دارد و نماز خواندن در اتاقی که در آن تصویر باشد مکروه است.^۲

این عمل مرا به یاد این عمل پیامبر(ص) می اندازد که هنگامی که دید پرده خانه اش تصویر دارد به یکی از زنان خود فرمود: «ای زن - این پرده را از من پنهان کن، زیرا هر وقت به آن نگاه می کنم بیاد دنیا و زخارف آن می افتم».

۶ - توجه به مستحبات

یاران امام گویند:

امام در عین این که تمامی شجاعتها و بی باکیها در راه خدا، در جانش تبلور پیدا کرده است ولی هیچگاه از اذکار و نوافل و مستحبات غافل نمی ماند و حتی در حال قدم زدن تسبیح در دست گرفته و ذکر و زیارت می خواند، امام روزانه چندین نوبت قرآن

.....
۱ - همان ص ۲۵۲ و نیز مجله پاسدار اسلام ش ۱۳/۱۹۰. زی طلبگی ۴۴ و سرگنشتهای ویژه از زندگی حضرت امام خمینی ج ۲/۱۴۲ و ۲۹.
۲ - فرازهایی از ابعاد روحی امام / ۲۰.

می خواند با همان صدای ملکوتی، ایشان در هر فرصت مناسبی که پیش می آید قرآن می خواند و معمولاً بعد از نماز صبح، قبل از نماز ظهر و عصر و مغرب و عشاء و یا در هر فرصت دیگر مقید به این مستحب الهی هستند و ما بارها که در ضمن روز خدمت ایشان می رسیم امام را مشغول خواندن قرآن می یابیم... در منزل خیابان دربند شمیران، بارها امام را با همان صدای ملکوتی که آهنگ تسبیح و تقدیس فرشتگان را تداعی می کرد مشغول خواندن دعای کمیل دیدیم.^۱

یکی از همراهان امام در نجف اشراف اظهار می دارد که: ایشان در ماه رمضان هر روزه جزه قرآن می خواندند یعنی در هر سه روز یک دوره قرآن می خواندند، برادران خوشحال بودند که دو دوره قرآن را خوانده اند ولی بعد می فهمیدند که امام ده یا یازده دوره قرآن را خوانده اند و فکر می کنم که حالا هم ایشان این برنامه را داشته باشند فرزند امام می گفت: شبی در ماه رمضان من پشت بام خوابیده بودم - خانه ایشان یک خانه کوچک ۴۵ متری بود - بلند شدم دیدم که صدا می آید و بعد متوجه شدم که آفاست، که در تاریکی در حال نماز خواندن است و دستهایش را طرف آسمان بلند کرده و گریه می کند.

برنامه عبادی ایشان این بود که در ماه رمضان شب تا صبح نماز و دعا^۲ می خواندند و بعد از نماز صبح و مقداری استراحت برای کارهایشان آماده بودند.^۳

در یکی از نشریات از قول فرزند امام نقل شده: روز اولی که شاه رفت مادر نوفل لوشاتو بودیم، نزدیک به سیصد الی چهارصد خبرنگار اطراف منزل امام جمع شده بودند تختی گذاشتند و امام روی آن ایستادند، تمام دوربینها کار می کرد قرار بود هر چند نفر خبرنگار یک سؤال بکنند دو سه سؤال از امام شد که صدای اذان ظهر شنیده شد بلافاصله امام آنجا را ترک کردند فرمودند وقت فضیلت نماز ظهر می گذرد. تمام حاضرین از اینکه امام بدون جهت صحنه را ترک کردند متعجب شدند کسی از امام خواهش کرد که چند دقیقه ای صبر کنید تا حداقل چهار پنج سؤال دیگر بکنند امام فرمودند، به هیچ وجه نمی شود و رفتند.

.....

۱ - فرازهائی از ابعاد روحی، اخلاقی و عرفانی امام خمینی/۱۹.

۲ - ایشان به صحیفه سجاده علاقه خاصی داشت و به مناجات شهبانیه بسیار توجه می نمود و بر دعای سحر

امام پنجم (ع) شرح نوشت و از میان زیارتها به زیارت جامعه عشق می ورزید.

۳ - همان/ ۷۰ و نیز ببینید ص ۲۰ و ۵۷ و سیمای فرزاتگان ج ۳/۲۲۰. دیدگاهها و انقلاب اسلامی

ایران ۹۳ (اظهارات آیت الله قدیری) و در روزهای آخر عمر مبارکشان در بیمارستان از سیمای جمهوری اسلامی همگان شاهد نماز شب معظم له بودند.

و بد نیست بدانید که وقتی که ایشان می خواستند از زمین بلند شوند همیشه دست چپ را به زمین می گذاشتند و وقتی می خواستند برای تدریس بالای منبر بروند ابتدا پای راست را روی پله منبر نهاده با مکتی کوتاه بالا می رفتند، هنگامیکه وارد خانه، مدرسه و یا مسجد می شدند ابتداء قدم راست را به داخل می گذاشتند، در خیابان همیشه از دست راست خیابان حرکت می کردند گامهای خود را سنگین برداشته و با سرو گردن افراخته و راست و استوار راه می رفتند و از عبا سرکشیدن و سر پایین افکندن حتی در هنگام باران باریدن خودداری می نمودند.^۱

و خواهر دباغ می گوید: روز جمعه بود در پاریس خدمت امام عرض کردم: خبرنگاران آمده اند مصاحبه کنند امام فرمودند حالا وقت انجام مستحبات است وقت مصاحبه نیست وقتی مستحبات روز جمعه را بجا آوردند فرمودند: من برای مصاحبه آماده هستم.^۲

۷ - برخورد با مخالفین

حجت الاسلام عبدالعلی قرهی نقل کردند که امام فرمودند یک نفر آمد نجف و به من بد گفت در حالی که تا وقتی که اینجا بودم برایش پول می فرستادم، این کار امام شبیه کاری است که علی (ع) و امام مجتبی (ع) نسبت به دشمنان خود می کردند.^۳

۸ - انفاق در راه خدا

در خمین از مرحوم پدرش ارثیه ای به ایشان رسیده بود نماینده خود در خمین حجت الاسلام والمسلمین علی جلالی خمینی (امام جمعه شهر) را خواسته و نوشتند: جنابعالی وکیل هستید زمین های متعلق به اینجانب را هر چند ناقابل است هرطور صلاح می دانید تقسیم کنید بین فقراء، و تملیک آنان نمائید چه ساختمان شده باشد یا نشده باشد.

۹ - توجه به فقرا

حجت الاسلام والمسلمین کریمی از اصحاب استفتاء امام می فرمود:

.....

۱ - معیارهای شناخت امام / ۱۷۸ با تصرف در عبارت.

۲ - زی طلبگی ص ۱۲۲ به نقل از زن روزش ۹۵۳. سرگشتهای ویژه از زندگی امام ج ۳/۴ و درباره این خصوصیت ایشان ببینید ج ۱۰۰/۶ و ج ۵۱/۲، سرگشتها

۳ - سرگشتهای ویژه از زندگی حضرت امام خمینی ج ۵/۳۱، ۷۲ و ج ۳ ص ۳۰.

یک شب فقیری برای عرض حاجت به بیرونی آمد، مسئول اداره بیرونی با او برخورد خوبی نکرد، حضرت امام که از دور با دقت مواظب بود، بعداً به مسئول بیرونی اعتراض کرده و فرمود: این چه طرز برخورد است وی جواب داد: او دیروز و روز قبل از آن نیز آمده بود امام فرمود: بگذارید بیاید، محتاج است، نیازمند است و حاجتش او را واداشته که اینجا بیاید و صاحب الحاجة اعمی لایری الاحاجته، یا باید حاجتش را برآورده کنیم و یا با یک بیانی او را راضی نمائیم، مردم را نرنجانید.^۱

۱۰ - توسل به ائمه اطهار(ع)

معظم له نسبت به خاندان عصمت و طهارت علاقه غیرقابل وصفی داشتند در رابطه با زیارت تربت پاک معصومین(ع) خواندن زیارت جامعه کبیره، گریستن در عزای ذریه رسول خدا خاصه در مجالس عزای سیدالشهداء ابوعبدالله الحسین(ع) و ترویج از عزاداری سنتی در ضمن سخنان خود و برپائی مجالس عزاداری، یاران و نزدیکان امام گفتنی های فراوان دارند.^۲

و اگر امروزه در اقصی نقاط کشور جمهوری اسلامی ایران دعای ندبه و کمیل و توسل و... برگزار می شود مرهون توسلات ایشان و سایر بزرگان دین است.

۱۱ - تکریم و بزرگداشت اساتید و علمای هم عصر خود

مرجع فقید شیعه در مناسبتهایی که سخن از اساتیدش به میان می آمد از تجلیل و تکریم آنان فروگذار نمی کرد و اما در مورد احترام ایشان از علمای همعصر خود مرحوم حجت الاسلام والمسلمین سید عباس مهری چنین می گوید:

بعد از فوت آقای حکیم که برای تسلیت به نجف آمده بودم خدمت امام هم رفتم شب عید غدیر بود، دیدم امام چراغانی نکرده اند سلام کرده و دستش را بوسیده و گفتم امشب شب عید غدیر است و مردم منتظر قدم مبارک شما هستند تا دستتان را ببوسند شما نه

.....

۱ - سرگذشت های ویژه از زندگی امام خمینی ج ۱/۱۱۴.

۲ - ببینید: بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی ج ۱/۲۹، سیمای فرزندان ج ۳/۱۷۹ - ۱۸۲
فرازهایی از ابعاد روحی اخلاقی و عرفانی امام خمینی ۲۲-۲۴، زی طلبگی ص ۱۱۳ به نقل از زن روزش
۹۵۳ از خواهر دباغ و سرگذشت های ویژه از زندگی امام ج ۶/۱۴۴-۱۴۷ و ص ۷۱.

چراغانی کرده اید و نه بیرون می آئید فرمود: می دانید ما کی را از دست دادیم؟ ما آیه الله حکیم را از دست دادیم تا یکسال نباید احترام این شخصیت را حفظ کرد؟ ما فرح و سرور داریم؟ بعد از رفتن آقای حکیم ما خوشحالی باید داشته باشیم؟ اضافه کردند بر همه واجب است که این بزرگوار را احترام کنند.^۱

حجة الاسلام والمسلمین محمد امامی کاشانی نقل کردند:

یکی از طلبه های قم نسبت به مرحوم آیت الله بروجردی ایرادهائی داشت، درس که تمام شد امام این طلبه را به گوشه ای بردند فرمودند راجع به اعلیت و تقوای آقای بروجردی اصلاً نباید شک کرد... امام خیلی جدی صحبت می کردند، آن وقت من احساس کردم ایشان چقدر به آیت الله بروجردی تعظیم می کنند.^۲

حجة الاسلام شیخ عبدالعلی قرهی در این باره فرمود:

یک وقت به امام در نجف خبر رسید که از طرف صدام رئیس حزب و احمد حسن البکر رئیس جمهوری از بغداد آمده اند و آیت الله حاج سید محمود شاهرودی (یکی از مراجع نجف بود) را احضار کرده اند که برود بغداد و محاکمه اش کنند وقتی این مطلب به عرض امام رسید به من فرمودند که به منزل آیت الله شاهرودی بروم و این مطلب را تحقیق کنم من هم امتثالاً رفتم و تحقیق کردم، دیدم مطلب همین طور است و آنها اینقدر بیشرمانه آمده اند مرجعی را احضار کنند. امام مرا شبانه امر فرمودند بروم کربلا و مطالبی به استاندار کربلا بگویم (چون آن وقت نجف فرمانداری بود) من شبانه به منزل استاندار رسیدم و آنچه امام فرموده بودند بدون یک کلمه کم و زیاد به استاندار گفتم (که متأسفانه الآن عین مطالب بذهنم نمانده) و خلاصه اش این بود که این امام بزرگوار در فرمایشات خود آن قدر آقای شاهرودی را بزرگ کردند که بوصف نمی آید و همانطور که قیافه آن مرد نشان می داد، در دل شب مثل اینکه اصلاً عوض شد و گفتم چشم حل می کنم، بعد از دو یا سه روز تلفن زدند و غائله ختم شد.^۳

از یکی از فضلا شنیدم که هنگامی که در حدود ۴۵ سال قبل حضرت امام از عتبات برگشته بودند آیت الله آقای سید احمد زنجانی و آیت الله آقا موسی شیرازی و امام موسی صدر به دیدن ایشان رفته امام موسی صدر سؤال می کند که علمای نجف را چگونه

.....
۱- سرگذشتهای ویژه از زندگی امام خمینی ج ۶ ص ۱۵۹-۱۶۰ با تلخیص.

۲- سرگذشتهای ویژه از زندگی امام خمینی ج ۶/۲۳

۳- سرگذشتهای ویژه از زندگی حضرت امام خمینی ج ۱/۱۳ با تصرف در لفظ.

یافتید؟ فرموده بود مثل آقاسید محمد رضای (آیت الله گلپایگانی دام ظلّه) خودمان ندارند.

استاد محترم مدرس احکامی نقل می‌کرد که به اتفاق جمعی از دوستان به منزل امام رفیق یکی از علماء نزد امام بود لحظه وارد شدن ما با رفتن آن عالم همزمان می‌شد و امام دید اگر به ما اجازه ورود بدهد بدرقه و احترام لازم از آن عالم انجام نخواهد شد روبه ما کرده و فرمود همانجا بایستید، آن عالم را بدرقه کرد، آنگاه به ما اجازه ورود داد.

این احترام ایشان مخصوص علماء و دانشمندان نبود که با همه محترمانه برخورد می‌کردند خانم صدیقه مصطفوی می‌گوید: در دوران زندگیشان من تاکنون ندیدم یک مرتبه یک کسی را بلند صدا کند اسم کارگیشان را هم سبک صدا نمی‌زدند و با احترام نام می‌بردند.

۱۲ - تکریم فرزند شهید

حجت الاسلام محمد حسن رحیمیان عضو دفتر حضرت امام گوید:

عاطفه و محبت امام نسبت به مؤمنین و مستضعفین به همان اندازه عمیق و شگفت‌انگیز است که انعطاف‌ناپذیری و سرسختی معظم له در برابر مستکبرین و ستمگران و آن عاطفه و این سرسختی را در عواطف محرومین و مستضعفین و کینه و دشمنی مستکبرین و ستم‌پیشگان نسبت به ایشان بطور متقابل می‌توان ارزیابی کرد.

چندی پیش یک خانم ایتالیائی که شغل او معلمی و دینش مسیحیت بود نامه‌ای آکنده از ابراز محبت و علاقه نسبت به امام و راه او همراه با یک گردن بند طلا برای حضرت امام فرستاده بود و متذکر شده بود که این گردن بند را که یادگار آغاز ازدواج هست و به همین جهت آن را بسیار دوست می‌دارم به نشان علاقه و اشتیاقم نسبت به شما و راهتان تقدیم محضر شما می‌نمایم.

مدتی آن را نگهداشتیم و بالاخره با تردید از اینکه امام آن را می‌پذیرند یا نه، همراه با ترجمه نامه خدمت معظم له بردیم نامه به عرض ایشان رسید و گردن بند را نیز گرفتند و روی میز که در کنارشان قرار دارد گذاشتند.

دو سه روز بعد اتفاقاً دختر بچه دو سه ساله‌ای را آوردند آنجا که پدرش در جیبه

.....

۱- رسالت سال چهارم ش ۱۰۰۳، پنج‌شنبه ۸ تیر ۱۳۶۸ ص ۱۰.

مفقود الاثر شده بود. امام وقتی متوجه شدند فرمودند: الآن بیاوریدش داخل. سپس او را روی زانوی خودشان نشانند و صورت مبارکشان را به صورت بچه چسبانیده و دست بر سر او گذاشتند وضعیتی که حتی نسبت به فرزندان خودشان دیده نشده بود و مدتی به همین حالت آهسته با او سخن گفتند با آن که فاصله ما با ایشان کمتر از ۱/۵ متر بود و حرفهای ایشان برای ما مشخص نبود، ولی با آنکه بچه افسرده بود بالاخره در آغوش امام خندید و بدنبال آن انگار امام هم احساس سبکی و انبساط کرد و آنگاه دیدیم که معظم له همان گردن بندی که زن ایتالیائی فرستاده بود را برداشتند و با دست مبارکشان برگردن دختر بچه انداختند و در حالی که دختر بچه از خوشحالی در پوست خود نمی گنجید از خدمت امام بیرون رفت.^۱

بی جهت نیست که در روزنامه ها و مجلات می خوانیم:

عزاداری اطفال یتیم در هند:

مسئولان یتیم خانه «بچون کا گهر» دهلی نو در شب هفت رحلت حضرت امام با برپائی مجلس گرامیداشت عروج امام به همراه اطفال یتیم به سوگ نشستند یکی از مسئولان امور یتیم خانه طی سخنانی گفت: هر چند با رحلت امام خمینی همه مسلمانان احساس یتیم شدن می کنند اما این اطفال مسلمان تنها کسانی هستند که در سراسر جهان به مفهوم کامل کلمه یار و یاور و غمخوار خود را از دست داده اند.^۲

و یکی از کارگزاران بیت امام می گفت من در مرگ امام گریه نکردم ولی وقتی به این فکر افتادم که خانواده های بی بضاعت و خانواده شهدا و یتیمانی که توسط امام سرپرستی می شدند و اکنون بی سرپرست شده اند گریه ام گرفت.

نه تنها فرزندان شهدا با رحلت امام یتیم شدند که اهل علم هم یتیم شدند.
و کان لاهل العلم خیر والد و بعده امست یتامی ولده

۱۳ - دقت در مصرف بیت المال

همراهان امام در این زمینه نیز مطالب شنیدنی بسیار دارند که برخی از گفتارشان را در زیر می آوریم:

حجت الاسلام ناصری گوید: امام همواره می فرمود: هیچ کس حق ندارد از اینجا

.....

۱ - سرگذشتهای ویژه از زندگی حضرت امام خمینی ج ۵/۶۶.

۲ - اطلاعات هفتگی ش ۲۴۴۹ چهارشنبه ۳۱ خرداد ۱۳۶۸ ص ۶.

به جایی تلفن کند، تلفن داخل نجف را اجازه می‌دادند اما به کربلا یا جای دیگر نمی‌توانستیم تلفن بزنیم زیرا امام تحریم کرده بود، حتی به فرزند خود فرمود تو حق نداری به تهران یا جای دیگر تلفن کنی، البته اگر در مسیر انقلاب بود مانند نشر اعلامیه به وسیله تلفن یا گرفتن خبر اجازه می‌داد.

مورد دیگر، صرفه‌جویی کاغذ بود یک بار برادری که مسؤول امور مالی امام بود پشت یک پاکت چیزی نوشت و خدمت امام فرستاد ایشان در یک کاغذ کوچک جواب داد و زیر آن نوشت: شما در این قطعه کوچک هم می‌توانستید بنویسید. از این رو آن برادر کاغذهای خرده را جمع و جور می‌کرد و در کیسه‌ای می‌گذاشت و هنگامی که می‌خواست برای امام چیزی بنویسد روی آن کاغذها می‌نوشت، امام هم زیرش جواب را می‌نوشتند. بسیار اتفاق می‌افتاد که ایشان شبها از اندرون بیرون می‌آمدند و اگر چراغی روشن بود خاموش می‌کردند و فردا تویخ می‌کردند که چرا چراغ را روشن گذاشتید.^۱ یکی از اعضاء فعلی دفتر امام گوید:

... در هنگام وضوگرفتن یک قطره آب اضافی مصرف نمی‌کردند و حتی در فاصله بین مسح و شستشوی دست راست و چپ شیر آب را می‌بستند.^۲

آیت‌الله محمد فاضل لنکرانی نقل کردند در عتبات از مرحوم حاج آقا مصطفی پرسیدم شنیده‌ام از مراجع دیگر هم شهریه می‌گیری؟ فرمود: بلی پولی را که امام به من می‌دهد مخارج متوسط زندگی مرا اداره می‌کند، ولی من احتیاج به کتاب دارم بدین جهت باید از مراجع دیگر هم شهریه بگیرم تا بتوانم کتابهای لازم را تهیه کنم. این داستان به ضمیمه وصیتنامه مرحوم حاج آقا مصطفی که در ۳ ذی‌قعدة الحرام ۱۳۸۹ تنظیم شده و در آن، کتابها را به فرزند خود می‌بخشد مشروط بر آنکه تحصیل علوم قدیمه کند و در غیر این صورت به کتابخانه مدرسه آقای بروجردی در نجف اشرف تحویل داده شود و اضافه می‌کند که چیز دیگری هم ندارم مگر بعضی مختصرات که احتیاج به گفتار ندارد دقت و ساده زیستی امام و فرزندان ایشان را می‌رساند.

.....

۱ - فرازهائی از ابعاد روحی، اخلاقی و عرفانی امام/۷۴. سرگشتهای ویژه از زندگی امام خمینی ج

۱۳۳/۴

۲ - فرازهائی از ابعاد روحی ۴۶-۴۷.

توضیح بیشتر در کتابهای: سرگشتهای ویژه از زندگی امام ج ۵/۶۱ ج ۲/۱۴۶ و ۸۲. سیما

فرزانگان ج ۳/۴۲۲-۴۲۴.

۱۴ - اطمینان به نفس و توکل به خدا

بنا به اعتراف کسانی که با ایشان برخورد مستقیمی داشتند، سکینه و آرامش روحی و قدرت تصمیم‌گیری و توکل به ذات اقدس الهی از جمله صفات شاخص و انکارناپذیر ایشان بود این روحیه قوی سبب شده بود که ایشان در سخت‌ترین شرایط و حساس‌ترین لحظه‌ها خود را نبازد و در مقابل شدائد و ناگواریها همچون کوهی استوار پا برجا بماند و هیچگونه ترس و دلهره‌ای به خود راه ندهد گواه این مسأله آن است که هنگامیکه پلیس ایشان را دستگیر و به طرف تهران حرکت می‌داد علاقمندان امام در اطراف اتومبیل گریه و بیتابی می‌کردند در حالی که امام آنان را به صبر و شکیبائی دعوت می‌فرمود. و در اثناء راه مأموران اتومبیل را به یک راه فرعی و متروک هدایت می‌کنند و امام اطمینان پیدا می‌کند که میخواهند او را بکشند ولی پس از چندی اتومبیل دوباره به جاده اصلی برمی‌گردد این مانورها هیچگونه تغییری در روحیه امام بوجود نمی‌آورد.

در جریان حمله ناگهانی عراق به فرودگاههای ایران که مردم مضطرب و نگران بودند ایشان با اطمینان کامل به امدادهای الهی فرمودند: دزدی آمد و سنگی انداخت و رفت و هنگامیکه صدام تکریتی دامنه حملات خود را گسترش داد و جمعی را نسبت به سرنوشت جنگ دچار نگرانی شدید کرد امام آن را یک نعمت الهی خواند. و در جریان فوت مشکوک فرزند فرزانه و مبارز خود بدون اینکه خود را بیازد آن را از الطاف خفیه الهی توصیف کرد و هنگامیکه گروهکهای منحرف و مزدور از قبیل فرقان و منافقین، ناجوانمردانه مسئولان نظام را ترور می‌کردند فرمودند: اینها در مقابل حفظ اسلام چیزی نیست.

مرحوم آیت‌الله سید محمود طالقانی می‌گفت:

بعضی فکر می‌کنند گاهی اوقات که من به قم مسافرت می‌کنم فقط به خاطر مذاکرات سیاسی است، روزنامه‌ها جنجال می‌کنند و سرو صدا و حرفهائی درشت می‌نویسند ولی من هر وقت احساس ضعف می‌کنم، گاهی یأس برآیم پیش می‌آید، می‌روم پیش چنین رهبری قاطع و از توکل و ایمان و خلوص او الهام می‌گیرم.

و امام در وصیت‌نامه سیاسی الهی خود می‌نویسد: با دلی آرام و قلبی مطمئن و روحی شاد و ضمیری امیدوار به فضل خدا از خدمت خواهران و برادران مرخص و به سوی جایگاه ابدی سفر می‌کنم.

آیت الله حاج میرزا علی احمدی میانجی نقل می‌کرد که شادروان آیت الله آقا شهاب‌الدین اشراقی - داماد امام - می‌گفتند: شب ۲۲ بهمن در خدمت امام در مدرسه رفاه بودیم پیشنهاد کردند به علت عدم امنیت، محل استراحت امام را عوض کنند من گفتم بیخود مطرح نکنید که امام قبول نخواهد کرد. گفتند پس خانواده امام را به جای دیگر منتقل کنیم این پیشنهاد را در خدمت امام مطرح کردند فرمودند نه همینجا جای امنی است. آقای اشراقی اضافه کردند، همه استراحت کردند من در اتاق مجاور اتاق امام خوابیده بودم اما خوابم نمی‌برد و قرار نداشتم درب اتاق امام را باز کردم امام بیدار شد به امام عرض کردم شاید جنگ نزدیک شده باشد و من آرامش ندارم! امام نگاهی به بیرون انداخت فرمود: برو بخواب. این جمله آنقدر در من تأثیر کرد که گویا من قرص خوابی خوردم و خوابم برد.

۱۵ - نظم در زندگی

یکی از نشانه‌های نظم را تقسیم اوقات شبانه روزی براساس نیازمندیها ذکر کرده‌اند و ایشان چه زمانی که در قم بودند و چه زمانی که در نجف و یا در ترکیه بسر می‌بردند، با برنامه‌ریزی دقیق کارهای خود را انجام می‌دادند و در تمام امور و برنامه‌های خود نظم خاصی داشتند به طوری که اهل منزل از حرکات ایشان حدود اوقات روز را می‌دانستند. از خانمی که همسر ایشان را در کارهای منزل کمک می‌کرد نقل شده که گفته بود: پیش از ظهرها وقتی که حاج آقا (امام) برای وضو از اطاق مطالعه بیرون می‌آمدند من می‌فهمیدم که وقت آماده کردن غذا نزدیک شده است لذا فوراً به آشپزخانه رفته و اجاق را روشن می‌کردم^۱ از خواهر دباغ نقل کرده‌اند: دقت امام در رابطه با وقت چندان چشمگیر بود که محافظین فرانسوی، موقع تشریف فرمائی ایشان برای نماز ساعتهای خود را میزان می‌کردند.^۲

حضرت آیت الله جناب آقای خامنه‌ای (دام‌عزه) نقل می‌کردند که ما جلسه‌ای خدمت ایشان داشتیم نشسته بودیم بحث ما طول کشید زیاد صحبت کردیم وسط صحبت امام یک وقت به ساعت نگاه کردند فرمودند که ساعت قدم زدن دیر شد. رأس ساعتی که پزشکان به ایشان می‌گفتند باید قدم بزنند ایشان بلند می‌شدند و قدم می‌زدند.

۱ - ببینید: میارهای شناخت امام / ۱۷۸.

۲ - زی‌طلبگی ص ۱۲۲ به نقل از زن روزش ۹۵۴.

امام خود می فرمودند اگر به زندگیمان و رفتارمان و حرکاتمان نظم بدهیم فکرمان هم بالتبع نظم می‌گیرد^۱

امام این نظم را از جد بزرگوارش امیرالمؤمنین (ع) که در وصایای خود به فرزندانش فرمود: «اوصیکم بتقوی الله و نظم امرکم»^۲ فرا گرفته بود.

۱۶ - کارهای شخصی خود را به دیگران تحمیل نمی‌کردند

امام مقید بودند که کارهای شخصی خود را شخصاً انجام دهند و در این رابطه حتی به نزدیکترین افراد منزل خود نیز دستور نمی‌داد. چای صبحانه و بعد از ظهر خود را، شخصاً از آشپزخانه می‌آوردند و سر سفره، غذا و وسایل مورد احتیاج خود را از دیگران نمی‌خواستند.

فرزند بزرگ امام می‌گوید: من اولین اولاد بودم و (امام) خیلی به من علاقه داشتند و فوق العاده احترام به من می‌گذاشتند توی اتاق ایشان که می‌رفتم می‌نشستم اگر مثلاً آب می‌خواستند یک داروشی می‌خواستند به من نمی‌گفتند یک وقت می‌دیدم آقا بلند شدند و می‌رفتند لیوان آب یا دارویشان را می‌آوردند من ناراحت می‌شدم می‌گفتم آقا به من کار بگوئید و...

۱۷ - نمونه‌های اعلا‌ی صبر

در مقابل سختیهای ناشی از جهاد و مبارزه پی‌گیر و طولانی خود، در فراق دوستان فداکار و حتی در مصیبت از دست دادن فرزند مجتهد و مبارزش، شکیبائی حیرت‌انگیزی از خود نشان دادند.

۱۸ - زندگی ساده

ساده‌زیستن یکی دیگر از خصائص بارز امام بود زندگی ایشان پیش از مرجعیت و بعد از مرجعیت، قبل از انقلاب و بعد از انقلاب که طبعاً کلیه امکانات کشور اسلامی در

.....

۱ - و نیز ببینید: سرگشت‌های ویژه از زندگی حضرت امام ج ۴/۴۹ و ج ۲/۲۶ و دیدگاهها و انقلاب اسلامی ایران/۱۹۳ (اظهارات حضرت آقای محمد حسن قدیری). جمهوری اسلامی سال یازدهم ش ۲۹۰۹، شنبه ۲۷ خرداد ۶۸ ص ۸ مقاله سید حسن میردامادی. بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی ج ۱/۲۹. رسالت ش ۹۹۰، سه‌شنبه ۲۳ خرداد ۱۳۶۸ ص ۳.

۲ - نهج البلاغه نامه ۴۷.

اختیارشان بود یکسان و ساده بود در این رابطه در کتابهای فراوانی مطالب زیادی ذکر شده^۱ که در اینجا بذکر چند نمونه اکتفا می‌کنیم: یکی از بیگانگان گوید:

«... اکنون ما در حضور آیت‌الله در اتاقی به مساحت ۲×۲ متر، و در خانه‌ای هستیم که در دورترین قسمت نجف واقع است شهری که از لحاظ وضع جغرافیائی یکی از بدترین مناطق کویری عراق است...»

در پیچ یکی از کوچه‌های تنگ نجف که خانه‌ها برای آنکه سپری در مقابل تابش سوزان آفتاب باشد سخت به هم فرورفته است، مسکن محقر آیه‌الله خمینی قرار دارد، این خانه نظیر مسکن فقیرترین افراد نجف است در سه اطاق این خانه حداکثر دوازده تن از نزدیکان وی حضور داشتند^۲ این منزل نجف ایشان بود، در پاریس هم در خانه‌ای به مساحت ۶۰ متر مربع زندگی می‌کردند و در تهران هم در مدرسه علوی و در قم در یک منزل یک طبقه با چند اتاق ساده و در جماران هم در خانه‌ای محقر و استیجاری.

خبرنگار رویت‌ر در گزارش خود که از محل اقامت امام دیدن کرده می‌نویسد:

منزل مورد بازدید برای رهبر یک کشور ۵۰ میلیونی بسیار بی‌آلایش بود یک قسمت از اتاق اصلی منزل که توسط یک پرده از دیگر قسمت‌های اتاق جدا می‌شد محل خواب (امام) خمینی بوده است در دیگر قسمت اتاق یک صندلی که پارچه سفیدی بر روی آن کشیده شده بود مهمترین اسباب منزل به نظر می‌رسید، در قفسه‌های منزل یک نسخه قرآن، تعدادی کتاب، یک آئینه، یک دستگاه رادیو و یک دستگاه تلویزیون به چشم می‌خورد. ۳

حضرت آقای حاج شیخ علی اکبر مسعودی خمینی نقل می‌کردند امام مایحتاج خود را روزانه تهیه می‌کردند و هرگز حاضر نمی‌شدند چیزی را که همان‌روز احتیاج ندارند تهیه فرمایند.

حضرت آقای فاضل نقل می‌کردند با وجودی که امام هر ماه مبلغ صد میلیون تومان شهریه می‌دادند خود از وجوهات استفاده نمی‌کردند و زندگی شخصی ایشان از راه نذوراتی

.....

۱ - نگاه کنید فرازهائی از ابعاد روحی امام صفحات ۴۷ - ۴۸ - ۶۹ - ۷۰ - ۷۳ - ۷۴. سیمای فرزندان ج ۳، ۴۴۹ - ۴۵۳. تفسیر آفتاب/۴۰۶. سرگذشت‌های ویژه از زندگی حضرت امام خمینی ج ۱/۱۰۵، ج ۱/۱۴۴ و ۸۸، ج ۵/۶ - ۱۵۸.

۲ - تفسیر آفتاب ۴۰۹ - ۴۱۰ با تلخیص به نقل از روزنامه لوموند.

۳ - کیهان ش ۱۳۶۴۸ پنجشنبه ۸ تیر ۱۳۶۸ ص ۱۲.

که برایشان شده بود اداره می شد.

خبرنگاری از کبری خانم (آشپز منزل امام) می پرسد امام غذایشان چیست (معمولاً چه غذائی برای ایشان تدارک می بینید؟) می گوید: امام هر روز، ناهار آبگوشت می خوردند و شبها نان و پنیر و انگور یا نان و پنیر و خربزه و یک لیوان دوغ.

راستی این وضع زندگی انسان را به یاد این فرمایش علی (علیه السلام) می اندازد

که فرمود:

فَرَضَ عَلَيَّ أَيْمَةَ الْقَدْلِ أَنْ يُقَدِّرُوا أَنْفُسَهُمْ بِضَمَقَةِ النَّاسِ كَيْلًا يَتَّبِعُ بِالْفَقِيرِ

فَقْرُهُ.^۱

خداوند بر رهبران عادل واجب کرده تا زندگی خود را با ضعیفان بسنجند تا تحمل

فقر بر فقیر آسان گردد.

در تاریخ زندگی پیامبر (ص) می خوانیم که ایشان بر روی زمین غذا میل می کرد، و چون بندگان می نشست، و کفش خود را به دست مبارک خود پهنه می زد و بر مرکب لخت سوار می شد و دیگری را هم در ردیف خود سوار می نمود.

و چون ساده زیستی شیوه انبیاء و عامل هماهنگی با محرومین جامعه است و ریشه های حرص و طمع و تجاوز به حقوق دیگران را می خشکاند لذا می بینیم امام امت از آغاز فروردین ۱۳۶۲ تا ۲۵ تیرماه ۶۴ (یعنی در طول کمتر از ۲۸ ماه) حداقل ۷ بار در دیدارهای غیرخصوصی و در پیام به جلسه افتتاحیه دومین دوره مجلس شورای اسلامی از علماء و مسئولان کشوری می خواهد که ساده زیستی را مشی خود قرار دهند و از تشریفات و تجملات بکاهند و با کاخ نشینی مبارزه کنند تا بتوانند از محرومین دفاع کنند و در اندیشه تأمین حقوق آنان باشند، چه آنکه اگر مسئولی در ورطه علائق دنیائی سقوط کند دیگر نمی تواند در مقابل زورگویان بایستد و با سیاستهای الحادی به مقابله برخیزد.

۱۹ - شجاعت و شهامت امام

انسان عارف و خداشناس، شجاع است و از هیچ چیزی نمی هراسد و با در نظر گرفتن اهداف و سود و زیان و بررسی راههای وصول به آن بدون پروا دست به اقدام می زند و رهبر انقلاب چون عارفی واصل بود لذا شجاعت از ویژگیهای معظم له به حساب می آمد.

.....

۱ - نهج البلاغه صبحی صالح خطبة ۲۰۹ ص ۳۲۵.

امام مجاهد دریادلی بود که در خطر خیزترین توطئه‌ها و صحنه‌ها، شجاعانه‌ترین حضورها را داشت.

درباره شجاعت و شهامت امام نمونه‌های فراوانی می‌توان ارائه کرد:^۱

۱ - هنگامی که فرماندار نظامی اعلام نمود از ساعت ۴ بعد از ظهر هرکس از منزل بیرون بیاید کشته خواهد شد، امام جمعی از یاران خود را می‌خواهند، می‌فرمایند بر همه لازم است که در ساعت تعیین شده در خیابانها باشند و استقامت نمایند. یاران امام احتمال حمله به جایگاه ایشان را می‌دهند لذا خانه‌ای در پشت مدرسه علوی برایشان در نظر می‌گیرند و از ایشان می‌خواهند به آنجا بروند ولی امام می‌فرماید: من از این اطاق خود بیرون نمی‌روم شماها اگر می‌ترسید بروید.

۲ - آیت‌الله شهید سید محمد رضا سعیدی (علیه‌الرحمه) نقل کرده‌اند خدمت امام عرض کردم: شما را تنها می‌گذارند! امام فرمودند: اگر جن و انس یک طرف باشند و من یک طرف حرف همین است که می‌گویم.^۲

۳ - در سال ۴۳ امام بعد از آزادی‌شان که در مسجد اعظم سخنرانی کردند فرمودند: والله من به عمرم نترسیدم آن شبی هم که آنها مرا می‌بردند آنها می‌ترسیدند من آنها را دلداری می‌دادم.

۴ - حضور ایشان در نجف بدون محافظ در نماز جماعت و اجتماعات دیگر با اینکه شخصیتی جهانی داشتند و طبعاً دارای دشمنان زیادی هم بودند حاکی از شجاعت ایشان است و هنگامی که در فرانسه بودند یک روز صبح یکی از پلیس‌های فرانسه می‌بیند که امام به تنهایی در خیابانهای نوفل لوشاتو قدم می‌زند، این مسأله موجب تعجب او می‌گردد.

۵ - روز ورودشان به ایران در سخنرانی خود در بهشت زهرا با فریاد رسا فرمود: من دولت تعیین می‌کنم، من تودهن این دولت می‌زنم و...»

«گفتنی است که شجاعت امام در گشودن دریچه‌های تازه به روی افکار دانشمندان اسلامی به هیچوجه کمتر از شجاعت امام در مبارزه با شاه و آمریکا نیست.»

۲۰ - خشونت با ستمگران

هرگز کوچکترین سازش و توافقی از امام در برابر ستم‌پیشگان حاکم دیده نشده چه

.....

۱ - سرگذشتهای ویژه از زندگی حضرت امام خمینی ج ۴/۲۴ ۲ - زی طلبگی ۲/۰

آن زمان که در ایران بودند و چه آن زمان که در عراق تبعید بودند و برآستی کونا للظالم خصماً و للمظلوم عوناً^۱ را عمل می‌کردند. از باب نمونه به چند مورد زیر اشاره می‌کنیم:

الف - هنگامی که رژیم بعث عراق شروع به اخراج ایرانیان کرد و ۶ روز مهلت داد که تمام ایرانیان از عراق خارج شوند، امام که دیدند ایرانیان را با آزار و اذیت از خانه و کاشانه خود بیرون می‌کنند تصمیم گرفت از عراق خارج شود و دولت بعثی که نمی‌خواست چنین اتفاقی بیفتد جمعی را برای ملاقات با امام و منصرف کردن ایشان از بغداد به نجف فرستاد که در میان آنها علیرضا معاون صدام که به قساوت و هتاک و خونریزی معروف بود دیده می‌شد. امام اعلام کرد که به آنان اجازه ملاقات نمی‌دهد، مردم که سفاکی علیرضا را می‌دانستند و حشترده شدند و لذا علماء و مردم از مرحوم آقا شیخ نصرالله خلخالی - از یاران امام - خواستند که نزد امام برود و ایشان را متقاعد کند تا ملاقات صورت بگیرد، امام به مرحوم حاج شیخ نصرالله فرموده بود من با او ملاقات می‌کنم ولی تصمیم دارم قدرت وصولت او را بشکنم تا خیال نکند حال که از بغداد به اینجا آمده است به آسانی می‌تواند با ما ملاقات کند در هر صورت هنگامی که علیرضا و همراهان او به خدمت امام رسیدند معظم له با کمال صراحت فرمود: شما با مسلمانان رفتاری بدتر از یهودیان دارید زیرا هنگامی که یهودیان را از عراق بیرون می‌کردند به آنها ۶ ماه مهلت دادند و پس از انقضای مهلت باز هم به آنها مهلت دادند که تمام کارها و حسابهایشان را تمام کنند، ولی شما به ایرانیان بیش از ۶ روز مهلت ندادید وانگهی شما را با طلبه‌ها چکار؟^۲

ب - هنگامی که ساواکیها به منزل معظم له ریختند تا ایشان را دستگیر کنند و به تهران ببرند با لگد درب را شکسته و وارد می‌شوند، امام به ایشان نهیب می‌زنند که شما بروید من خودم می‌آیم و...

ج - بعد از رحلت آیت الله حکیم معظم له مجلس فاتحه ای در نجف در مسجد هندی گرفتند، علاوه بر علماء و مردم عده ای از مقامات برجسته سیاسی بغداد به نمایندگی از طرف دولت در مجلس شرکت کردند، عده ای از حضار به مجرد ورود این عده از جا برخاسته و ادای احترام کردند ولی امام کوچکترین اعتنائی به آنها نکرد.

.....

۱ - خطبه ۴۷ نهج البلاغه صبحی صالح/۴۲۱.

۲ - نقل با تلخیص و تصرف در الفاظ از اظهارات آیت الله سید عباس خاتم یزدی (عضو دفتر استفتاء

امام).

د - حجة الاسلام آقای حاج شیخ صادق خلخالی - نماینده مجلس - نقل کرد که شاه به مناسبتی سید جلال تهرانی - که بعدها عضو شورای سلطنت شد و در پاریس خدمت امام رسیده و استعفای خود را تقدیم کرد - و یک نفر دیگر را جهت ابلاغ سلام خدمت امام فرستاد، سید جلال تقاضای ملاقات خصوصی کرد امام فرمود در مجلس ما بیگانه ای وجود ندارد حرفتان را بزنید و او پس از ابلاغ سلام شاه گفت: شاه می گوید ما شاه شیعه هستیم، مملکت هم قانون می خواهد و کشور نیاز به نظم دارد و شما هم قبول دارید که قانون اساسی محترم است و...

امام پس از استماع سخنان او فرمود: به شاه بگوئید این جریان فیضیه چه بود؟ چرا بعنوان دهقانهای ساوه ساواکیها به فیضیه حمله کردند اینها را شاه دستور داده بود آیا این است احترام به علماء و...؟

فرد همراه تهرانی گفت: آقا قانون و شاه را قبول دارند ولیکن اعتراضاتی هم دارند. امام فرمود: نه، چنین نیست من از این شاه گله دارم. و چون این جمله برایشان جا نیفتاد امام فرمود: من از این شاه بدم می آید!

۲۱ - عدم اتکا به غیر خدا

یکی دیگر از خصوصیات امام این بود که به هیچ قدرت مادی ظاهری اتکاء نکرد و همانطور که غرب جنایتکار را می کوبید به شرق ملحد و متجاوز نیز اعتراض می کرد و از هر دو ابر قدرت اظهار تبری می نمود.

۲۲ - درب منزلش به روی همگان باز بود

آیه الله آقای شیخ علی اکبر مسعودی خمینی نقل کردند: روزی خدمت امام نشسته بودیم جمعیت فراوانی از تهران آمده بودند یکی از درهای منزل بسته شد حضرت امام متوجه شدند که این در بسته شد فرمودند این در را کی بست، بنده بودم یا یکی از آقایان یا دو نفری گفتیم که این در بخاطر اینکه زحمت مردم نباشد بدستور حاج آقا مصطفی بسته شد، امام که برافروخته شده بود فرمودند نه باز کنید در را، مردم را آزاد بگذارید کسی در خانه من دخالت نکند همه درهای خانه من به روی مردم باید باز باشد.

۲۳ - سعه صدر

علی (ع) می فرماید: آله الریاسة سعة الصدر و حضرت امام این ابزار لازم رهبری

مردم را در سطح بالای آن دارا بود و با صبر و حوصله و با تأنی با مشکلات مواجه می شد و گروههای مختلف اسلامی که انحرافی نداشتند را بنحوی تأیید می کرد.

۲۴ - احسان به دوستان

در این : ره نیز نگارنده داستانهای زیر را شنیده است:

۱ - حجة الاسلام فحام از مرحوم آیت الله حاج شیخ مرتضی حائری نقل کرد که: وقتی والد فوت کرد آقای خمینی من و برادرم را به خمین برای گردش برد تا خاطره فوت پدر را فراموش کنیم و در پایان به هریک از ما پنجاه تومان پول داد.

۲ - یکی از علماء بزرگ بعد از ارتحال پدر، زندگی سختی را می گذراند حضرت امام بواسطه شخص ثالثی مبلغ هزار تومان برای ایشان می فرستد تا او بفهمد که امام این پول را برایش فرستاده است.

۳ - حضرت آیت الله العظمی اراکی نقل کردند: وقتی احتیاج به ۵۰ تومان پول پیدا کردم در حرم حضرت معصومه (س) امام خمینی از این امر باخبر شده و سریعاً برای اینجانب مبلغی را قرض کرده و به من داد.

این داستانها مربوط به زمان مدرسی و قبل از مرجعیت ایشان بود، داستانهای هم مربوط به زمان مرجعیت ایشان هست که ذکرش در نوشتجات مفصل خواهد آمد.

۲۵ - تقید به نماز جماعت و نماز شب

معظم له تا سال ۱۳۴۶ هـ. ق خود را مقید به شرکت در نماز جماعت مرحوم آیت الله حاج سید احمد زنجانی - دوست هم بحث - خود می دانست و در طول زندگی، تهجد و نماز شب او ترک نمی شد. آقای رسولی محلاتی از اعضای دفتر امام - می فرمود: در مدت آشنائی با این شخصیت عالی مقام جهان اسلام ندیدم که ایشان یک شب نماز شب را ترک کند، و حتی در نجف اشرف هنگام سحر ایشان طوری از خواب بلند می شدند و خود را برای نماز شب آماده می کردند که برای اعضاء خانه و من که میهمان بودم مزاحمتی ایجاد نشود.^۱

مرحوم حاج شیخ نصرالله خلخالی گفته بود من چهل سال با امام دوست بودم ولی هیچگاه ندیدم نماز شب او ترک شود همیشه قبل از اذان صبح بیدار بود و در حال عبادت و مناجات بسر می برد، همواره در نمازهای جماعت شرکت می کرد و به دیگران اقتداء

۱ - ببینید: جمهوری اسلامی، سال یازدهم، ۲۹۱۱، ۱۵ دیقمده ۱۴۰۹ ص ۲.

۲ - سرگشتهای ویژه از زندگی امام خمینی ج ۲/۱۵۰ و نیز رک: سرگشتهای ویژه از زندگی امام خمینی ج ۱/۹۲ و ج ۲/۵۱ و ج ۳/۲۹.

می نمود.

۲۶ - دوری از ریاکاری و زهد فروشی

به اعتراف بسیاری از شاگردان ایشان معظم له از نفاق و ریاکاری متنفر بود و با اینکه ذاکر بود اما پیش شاگردان ذکر نمی گفت و تسبیح نمی گرداند^۱ و نیز از حالت فقرنمایی بدش می آمد و با اینکه مدتهای زیادی مبالغی مقروض بود ولی به وضع ظاهری خود می رسید.

۲۷ - دوری از مداحان و پرهیز از مطرح شدن

آیت الله فقید - که رضوان و رحمت الهی نثارش باد - از مطرح شدن، سخت دوری می جست و اجازه نمی داد یاران و شاگردانش از او ترویج کنند و یا در دید و بازدیدها به دنبال او حرکت کنند و بعد از پیروزی انقلاب هم از اینکه نام ایشان و تمثال مبارکشان بر زبان و صفحه صدا و سیما و روزنامه ها جاری و مکرر می شد اندوهگین بود و از آنان گلایه کرده و فرمودند:

«وقتی می بینم رادیو تلویزیون را هر وقت باز می کنم از من اسم می برد خوشم نمی آید».^۲

روزی آقای جلالی خمینی - امام جمعه خمین - را می طلبد و می گویند: فلانی نظر به اینکه شما خمینی هستید و خوب قدری رفت و آمد دارید دقت کنید که شما از من در جایی تعریفی، صحبتی نشود.^۳

و نیز هنگامی که یکی از سخنوران نامی مملکت در حضور ایشان به تمجید و تعریف امام پرداخت پس از پایان سخنرانی امام به او اعتراض کرد.^۴ چرا که علی (ع) فرمود: حَبِّ الْاَطْرَاءِ وَالْمَدْحِ مِنْ اَوْثَقِ فُرْصِ الشَّيْطَانِ^۵

حضرت آیه الله آقای مسعودی نقل فرمود: حضرت امام اصلاً حاضر نبودند برای اشتها خود دیناری خرج کنند، ایشان کتابی به نام «الدماء الثلاثة» داشتند به ایشان عرض

.....

۱ - نیز رک: سرگشتهای ویژه از زندگی حضرت امام خمینی ج ۱ / ۹۶.

۲ - جمهوری اسلامی ش ۱۸۱۷، ۱۶/۶/۶۴ ص ۱.

۳ - سرگشتهای ویژه از زندگی امام خمینی ج ۳۹/۶.

۴ - نیز ببینید: سرگشتهای ویژه از زندگی حضرت امام خمینی ج ۵۴/۴.

۵ - میزان الحکمه ج ۸۴/۷.

کردم اجازه بدهید آن را چاپ کنم، نسخه منحصر به فرد خود را در اختیارم نهند، عرض کردم مبلغ پنج هزار تومان برای چاپش بدهید فرمود نه: من از این پولها نداده و نمی‌دهم، بعد از مراجعه به آیت‌الله پسندیده مبلغ دوازده هزار تومان از ایشان قرض کردم و کتاب را به چاپ رساندم. بعد ساواک از چاپ کتاب مطلع شده و اکثر کتابها را ضبط کرد و من ناچار شدم با فروش وسائل زندگی مبلغ مذکور را بپردازم، بعد از آزادی امام کتابها برگردانده شد و بین طلاب توزیع شد اما همچنان امام از دادن وجه خودداری کرده و فرمود: لازم نبود چاپ کنید.

استاد محترم حضرت آقای مسعودی اضافه کردند: آقای حاج آقا مجتبی تهرانی مایل بود، مکاسب محرمة امام را چاپ کند، چون اسم امام روی کتاب نوشته نشده بود، معلوم نبود مؤلف کتاب کیست؟ من خدمت امام عرض کردم اسم خود را مرقوم فرمائید تا معلوم شود مؤلف کیست امام فرمود: لزومی ندارد، بی اسم چاپ کنید، من دیدم به این صورت که نمی‌شود، چاره‌ای اندیشیدم و گفتم شاید کسی بخواهد نظریات شما را رد کند، باید بداند این نظریات از آن کیست، اینجا بود که امام قبول کرده و در انتهای کتاب مرقوم فرمودند: المفتاق الی ربه الفنی روح الله الموسوی الخمینی.

و همچنین جناب آقای مسعودی فرمودند: بعد از فوت آیه الله بروجردی علماء طراز اول حوزه جلسه‌ای گذاشتند و هرکس قبول کرد قسمتی از امور حوزه را عهده‌دار شود، بعد از پایان جلسه آقای اشراقی داماد حضرت امام از ایشان سؤال کرد شما چه امری را قبول کردید؟ فرمود: هیچی، آقایان هستند و امور حوزه را رسیدگی می‌کنند آقای اشراقی اوقاتش تلخ شد و رفت، ما عرض کردیم آقا شاگردان شما که بسیارند انتظاراتی دارند، فرمود: ببخود.

باز فرمودند: روزی آقای غیوری مبلغ ۲۰ هزار تومان سهم امام آورد پیش من و گفت می‌خواهم به امام بدهم آیا ایشان قبول می‌کنند؟ به نزد امام رفتم ایشان فرمود اگر بخاطر خصوصی من داده‌اند قبول می‌کنم والا نه، سپس پول را گرفته و آن را به بنده و آقای صانعی دادند و فرمودند: فردا آن را بین طلاب تقسیم کنید ما هم روز بعد آن را بین طلبه‌های فیضیه تقسیم کردیم.

۲۸ — رفتار امام با همسر فداکار و فاضله خود

همسر امام در پاسخ به این سؤال که امام چگونه همسری هستند و در طول سالهای

زندگی با شما چگونه رفتار کرده اند؟ می گویند: بسیار خوب، من از ایشان خیلی راضی هستم، همیشه احترام مرا داشته اند، هیچوقت با تندی صحبت نمی کنند. اگر لباس و حتی چای بخواهند، می گویند ممکن است بگوئی به من فلان لباس را بدهند؟ حتی گاهی خودشان چایشان را می ریزند، حضرت امام نظم و دقت بی نظیری در کارها دارند. در خانواده، ما مثالی داریم که می گوئیم باید ساعت های خود را با توجه به حرکات و عبادات امام کوک کنیم، چون تمام امور ایشان با برنامه ریزی و با توجه به دقیقه و ساعت اجراء می شود وقتی که با هم ازدواج کردیم من ۱۶ سال داشتم، حدود ۵۵ سال پیش ازدواج کردیم، در آن زمان امام حدود ۲۷، ۲۸ سال سن داشتند، در هنگام ازدواج، امام به من گفتند: «ببین من خرافاتی نیستم ولی می خواهم که شما واجبات را رعایت کنید» بحمدالله صاحب ۶ فرزند شدیم که در تربیت آنها امام به من اختیارات لازم را داده بودند من هنگام ازدواج تا کلاس هشتم درس خوانده بودم و بعداً هم در محضر امام ۸ سال درس عربی و فقه خواندم، وقتی که به عراق رفتیم، در آنجا به مطالعه فراوان پرداختم و کتابها و متون سخت عربی را مطالعه می کردم. حجة الاسلام والمسلمین حاج احمد آقا خمینی نقل کردند که امام نسبت به والده ما خیلی احترام می گذارد چرا که والده ما، در طول این پانزده سال نقش عمده ای داشته اند مثلاً در هیچ برهه ای نبوده که از امام گله کنند که ای بابا زندگیمان چه و چه شد، خب او هم بالاخره یک زن بوده، بچه هایش اینجا بوده اند. از بچه هایش بریده بود و این بریدن را امام موجب شده بودند. نگارنده از دوستان مطلع شنیده است که امام قبل از اینکه همسرش شروع به خوردن غذا بکند غذا تناول نمی کرد.

یکی از نوادگان امام از امام می پرسد ما چه کنیم تا شوهرانمان مانند شما نسبت به خانم با ما رفتار کنند؟ امام فرموده بود: شما هم مانند خانم فداکاری کنید.

۲۹ - المنية والادنية

استاد جعفر سبحانی می فرمود: از صفات بارز امام این بود که در طول زندگی کاری که کوچکترین بوی ذلت بدهد محال بود انجام دهد.

۳۰ - کم حرفی

باز استاد سبحانی و حجة الاسلام سید مهدی غیوری می فرمودند: امام کم حرف بود ولی وقتی سخن می گفت سخن جامع می گفت، و اصلاً سکوت مگر در موارد لازم، از صفات

بارز و مشخص ایشان بود.

۳۱ - اخلاص برای خدا

حجة الاسلام والمسلمین شیخ صادق تهرانی (کرباسی) می فرمود: از ویژگیهای امام اخلاص و انجام کار برای خدا بود. من وقتی می خواستم پیش ایشان برای خدمت بروم با آقا شیخ عباس تهرانی صحبت کردم گفت به آقا روح الله هر چه خدمت کنی کم است چون او همه کارهایش برای خداست و اگر اشتباهی هم بکند چون کارش برای خداست خدا اصلاح می کند.

۳۲ - مواظبت در حفظ صحت

آیت الله غلامرضا رضوانی امام جماعت مسجد سید عزیزالله تهران می گوید:
«خصوصیات دیگری که در زندگی ایشان وجود دارد اینکه هم مواظب جنبه جسمی و هم جنبه روحی بود در جنبه جسمی خیلی مواظب حفظ الصحه خود بودند در حفظ صحت خود کاملاً کوشا بودند انسان لازم است مقداری از وقتش را فعالیت ورزشی داشته باشد. آن فعالیتی که مناسب وضع مزاج و سن ایشان بود مراعات می کردند مقید بودند روزی یک ساعت دور حیاط پیاده روی کنند قدم بزنند. البته این مطلب را من از مرحوم حاج آقا مصطفی نقل می کنم ایشان می گفتند که آقا در این ۲۴ ساعتی که اکثر روز را در تک سلولی زندانی بودند آن یک ساعت را در همانجا قدم زدند و ترک نکردند.^۱

۳۳ - روش معظم له در ملاقاتها

حجت الاسلام والمسلمین شیخ محمد صادق خلخالی - نماینده مردم قم - نقل کردند یکی از خصوصیات ایشان این بود که با هیچکس خصوصی ملاقات نمی کردند چرا که می فرمودند بعضی از اینها حرفهای مرا کم و زیاد می کنند لذا همیشه ۲، ۳ نفر از آقایان و شاگردان خودشان را حاضر می نمودند و بعد ملاقات می کردند.^۲

.....

۱ - سرگذشت‌های ویژه از زندگی حضرت امام خمینی ج ۵/۷۸.

۲ - رسالت ش ۹۹۸ پنجشنبه سوم تیر ۱۳۶۸ ص ۳.

۳۴ - تواضع امام

امام خمینی با آن شخصیت والای جهانی خود دارای تواضع و فروتنی در حد بالائی بودند و این تواضع از سخنان و رفتار ایشان به خوبی هویدا است. در سخنان خود گاهی خود را یک طلبه و گاهی یک خدمتگزار قلمداد می‌کردند و می‌فرمودند به من رهبر نگوئید، رهبر ما آن طفل دوازده ساله فداکار است و گاهی خطاب به رزمندگان آرزو می‌کردند که بردست آنان بوسه زند و گاهی خطاب به نمایندگان مجلس، آوارگان جنگی را از خود افضل بیان می‌کردند و گاهی در مقام رهبری به نامه فرزند شهیدی پاسخ می‌دهد.

از آیت الله پسندیده نقل شد که حضرت امام در طول مدت عمر خود فقط دوبار از من جلوتر راه رفت آن هم علت داشت و تا این مقدار رعایت برادر بزرگتر خود را می‌کرد. حجة الاسلام محمد فاضل اشتهاردی می‌گوید: حضرت امام تواضع عجیبی نسبت به طلبه‌هایی که درس خوان بودند داشتند. طلبه، روضه خوان و مداح اهل بیت (ع) را که می‌دیدند تمام قد بلند می‌شدند، و موقعی که می‌خواستند از پیش استاد بروند، از او بدرقه می‌کردند و بالاخره با اصرار میهمان باز می‌گشتند.

حجة الاسلام شیخ صادق تهرانی (کرباسی) درباره تواضع و خضوع ایشان گفت: فردی بنام آقا رضا شیخ بود که داماد و خواهرزاده مرحوم آقا میرزا محمد تقی اشراقی و شوهر خواهر آقا شهاب اشراقی (داماد ایشان) بود و می‌خواست درس منظومه بخواند درسهای عمومی استفاده کمتر داشت و درسهای خصوصی بیشتر، لذا رفته بود خدمت امام که ایشان درس منظومه ای بدهند امام فرمودند: وقت ندارم آقا رضای شیخ می‌گوید به دانی ام گفتم: به آقا روح الله گفته ام یک درس منظومه خصوصی برابم بگو گفته اند وقت ندارم آقا محمد تقی اشراقی دانی ام گفت: آقا روح الله وقت دارد از عهده اش ساخته نیست بعداً در جلسه ای خدمت امام بودیم به امام گفتم: آقا به دانی ام گفته ام که شما برای درس منظومه وقت ندارید ایشان گفته اند آقا روح الله وقت دارد از عهده اش ساخته نیست آقا روح الله جواب داد: دانی ات راست می‌گوید.

آقای محسن رفیق دوست نقل کردند:

در سال ۶۱ ملاقاتی با حضرت امام داشتم وقتی به در منزل امام رسیدم پیرمردی که

یک کیسه بادام داشت با لهجه ترکی گفت آقا اگر خدمت امام شرفیاب می شوید خدمتشان عرض کنید، پیرمردی از ارسباران مدت طولانی در راه است و می خواهد این کیسه بادام را تقدیمتان کند من به پیرمرد قول دادم که پیغامش را به امام برسانم وقتی نوبت ملاقات من شد آقایان شهید محلاتی، انواری و موحدی کرمانی نمایندگان امام در سپاه، ژاندارمری و شهربانی کشور هم بودند که امام به آقای صانعی گفتند فعلاً خسته هستم و نمی توانم آقایان را ملاقات کنم من پیش خود گفتم وقتی حضرت امام نمایندگان خود را نپذیرد چگونه با این خستگی می تواند آن پیرمرد را بپذیرد به هر حال به حضرت امام ماجرا را عرض کردم و گفتم پیرمردی سخت مشتاق است تا شما را زیارت کند ایشان بلافاصله فرمودند که بگوئید بیاید و پیرمرد وارد شد امام تا کمر خم شدند و احوالپرسی گرمی با او کردند.^۱

دقت در تأیید افراد و صدور اجازات

استاد معظم حضرت آقای مسعودی نقل کردند که مرحوم آقای بهبهانی نامه ای توسط یک نفر فرستاده و از امام خواسته بود به فردی اجازه اجتهاد بدهند تا او بتواند مجوز دفتر ثبت استاد بگیرد، امام نامه را خواند و فرمودند اگر من بخواهم به کسی اجازه اجتهاد بدهم باید ده سال با او رفت و آمد علمی داشته باشم تا اجتهاد او را یافته باشم، و نامه را به من داد تا به فرستاده آقای بهبهانی برسانم، من کمی ایندست و آن دست کردم، ایشان نامه را از من گرفت و خودش جواب را به واسطه گفتند.

راز موفقیت امام در انقلاب

امور زیر از جمله عواملی هستند که راز موفقیت رهبر انقلاب را باید در میان آنها جستجو کرد:

۱ - ایمان راسخ و خلل ناپذیر به مبدأ و معاد و ایمان به هدف که آثار فراوانی دارد و برترین اثرش، جانبازی و فداکاری و ایثار در راه هدف است و لذا می بینیم که در جنگ بدر مسلمانان با توجه به اینکه عده و عتده کمی داشتند بخاطر ایمان به هدف بر ارتش مجهز و نیرومند قریش پیروز شدند. و نیز ملت ویتنام در پرتو ایمان و اعتقاد به هدف، اقتصاد و سازمان گسترده آمریکا را به زانو درآوردند.

۱ - رسالت ش ۹۹۶، ۴ شنبه ۳۱ خرداد ۱۳۶۸ ص ۳.

استاد شهید آیت الله مرتضی مطهری در این باره گوید:

من که قریب دوازده سال در خدمت این مرد بزرگ، تحصیل کرده‌ام، باز وقتی که در سفر اخیر به پاریس، به ملاقات و زیارت ایشان رفتم، چیزهایی از روحیه او درک کردم که نه فقط بر حیرت من، بلکه برایمانم نیز اضافه کرد وقتی برگشتم، دوستانم گفتند: چه دیدی؟

گفتم: چهارتا «آقن» دیدیم:

آقن بهدغه: به هدفش ایمان دارد. دنیا اگر جمع بشود نمی‌تواند او را از هدفش منصرف کند.

آقن یسبیله: به راهی که انتخاب کرده، ایمان دارد امکان ندارد بتوان او را از این راه منصرف کرد. شبیه همان ایمانی که پیغمبر به هدفش و راهش داشت.

آقن یقولیه: در میان همه رفقا و دوستانی که سراغ دارم، احدی مثل ایشان به روحیه مردم ایران، ایمان ندارد. به ایشان نصیحت می‌کنند که: آقا یواشتر. مردم دارند سرد می‌شوند، مردم دارند از پای درمی‌آیند. می‌گوید:

نه مردم این جور نیستند که شما می‌گویید من مردم را بهتر می‌شناسم.

و ما می‌بینیم که روز بروز صحت سخن ایشان بهتر آشکار می‌شود.

و بالاخره بالاتر از همه آقن پرتیه: در یک جلسه خصوصی ایشان به من می‌گفت:

فلانی این ما نیستیم که چنین می‌کنیم من دست خدا را به وضوح حس می‌کنم.

آدمی که دست خدا و عنایت خدا را حس می‌کند و در راه خدا قدم برمی‌دارد خدا

هم به مصداق «ان تنصروا الله ینصرکم» بر نصرت او اضافه می‌کند.^۱

بی شک از جان گذشتگی و مبارزه خستگی ناپذیر با ظلم و ظالم و دفاع سرسختانه از مظلوم و صداقت و صراحت و شجاعت و سازش ناپذیری این رهبر، در انتخاب او به مقام رهبری نقش داشته است. اما مطلب اساسی چیز دیگری است و آن اینکه ندای امام خمینی از قلب فرهنگ و از اعماق تاریخ و از ژرفای روح این ملت برمی‌خاست. مردمی که در طول چهارده قرن، حماسه محمد، علی، زهرا، حسین، سلمان، ابوذر... و صدها هزار زن و مرد دیگر را شنیده بودند و این حماسه‌ها با روحشان عجین شده بود، بار دیگر همان ندای آشنا را از حلقوم این مرد شنیدند. علی را و حسن را در چهره او دیدند او را آئینه تمام‌نمای فرهنگ

.....

۱- پیرامون انقلاب اسلامی ص ۲۲-۲۱.

خود که تحقیر شده بود، تشخیص دادند.

امام چه کرد؟ او به مردم ما شخصیت داد خود واقعی و هویت اسلامی آنها را به آنان بازگرداند. آنها را از حالت «خودباختگی» و... خارج کرد این بزرگترین هدیه ای بود که رهبر به ملت داد او توانست ایمان از دست رفته مردم را به آنها بازگرداند و آنها را به خودشان مؤمن کند.^۱

۲ - ایثارگری و از خود گذشتگی به تمام معنی در راه هدف مقدس خود که از تن و جان و مناصب و مقامات مادی ارزشش بیشتر است، فداکاری امام به حدی بود که می فرمود: سینه ام را برای گلوله های شما آماده کرده ام و برای گفتار زور شما هرگز. و از تعطیل درس، شهادت خود و فرزندان و تبعید یا زندان و از دست دادن مال و... هم هراسی نداشت و از آنها در راه آرمان والای خود و نیل به هدف استقبال می کرد و لذت و آرامش روح بلند خود را در تحقق یافتن آرمانهای الهی خود می دید. حضرت آیت الله العظمی حاج شیخ محمد علی اراکی دام ظلّه فرموده بود... این مرد از آن مردها نیست و اگر روز عاشورا بود، هفتاد و دوتن، هفتاد و سه تن می شد. می رفت جنگ و سینه اش را سپرمی کرد. یک همچو شخصی است که جانش را، حیثیتش را، فرزند و عیالش را و هر چه داشت فدای اسلام کرده و از هیچ چیز باک ندارد...^۲

۳ - شجاعت

۴ - نظم و انضباط

۵ - داشتن بینش عمیق سیاسی و آشنائی به اوضاع زمان، العالم بزمانه لا تهجم علیه اللوابس^۳ (کسی که به اوضاع زمان خود آشنا باشد هرگز مورد هجوم ناگهانی واقع نمی شود). امام موقعیت شناس بود و فهمید که مردم در آن زمان کسی را می خواهند که فریاد بزند و... لذا قیام کرد.

۶ - پرورش شاگردان فدائی و انقلابی چون شهید بهشتی و شهید مطهری و خامنه ای و هاشمی که تا فریاد زد همه دنبال فریاد او را گرفتند.

۷ - مرجعیت

.....
۱- پیرامون انقلاب اسلامی ص ۱۲۰ - ۱۱۹.

۲ - جمهوری اسلامی سال یازدهم ش ۲۹۱۷، دوشنبه ۵ تیر ۱۳۶۸.

۳ - تحف العقول/ ۳۵۶ چاپ حیدری.

۸ - متوجه کردن حملات به شخص شاه، و توجه داشتن به علل اصلی فساد و تباهی و شناخت نقطه ضعف دشمن و وارد کردن ضربه به همان نقطه مثلاً در اعلامیه ای که خطاب به مرحوم آیه الله سید علی اصغر خوئی فرستادند نوشتند: «شاه دوستی یعنی غارتگری» و یا در صحبتی خطاب به شاه فرمودند: می دهم بیرون ت کنند.

۹ - بیان و قلم نافذ و موثر

۱۰ - مردم‌داری و اهمیت به شخصیت مردم که در حد عشق و رزی به مردم بود

(حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ)^۱

گاه می‌گوید من خادم شما هستم و گاهی می‌گوید به شما که با مبارزات خویش روی ابرقدرتها را سیاه کردید درود می‌فرستم و در مقابل صبر و استقامتتان خاضع و خاشع و گاهی می‌گوید خمینی دست یک‌یک شما را می‌بوسد و یک‌یک شما را رهبر خودش می‌داند.

۱۱ - همت بلند و والا

همت بلند دار که مردان روزگار از همت بلند به جانی رسیده‌اند

۱۲ - استقامت در راه هدف

می‌دانیم افرادی که به کارهای مهم می‌پردازند قطعاً بیش از سایرین به استقامت و پشتکار محتاجند و بدون آن هرگز به هدف نمی‌رسند و امام از استقامت و پشتکار و صبر و حوصله خاصی برخوردار بود و لذا کامیاب گردید.

جناب آیت الله حاج سید محمد باقر سلطانی فرمود: امام به تناسبی فرمود که در دنیا مشکلی وجود ندارد و همه اش خیال اشکال است و لذا ایشان همانند کوه در برابر مصائب و شدائد و ناملازمات ایستادگی می‌کرد.

۱۳ - تقوی و اخلاص، و بر اثر همین تقوای اعتقادی، اقتصادی، علمی و ... و

اخلاص بود که امدادهای الهی همواره شامل حال این انقلاب بود. رهبر اندیشمند جمهوری اسلامی حضرت آیت الله حاج سید علی خامنه‌ای در جمع فرماندهان و پرسنل کمیته انقلاب اسلامی (۱۸ خرداد ۱۳۶۸) فرمود: قبل از سال جدید با برخی از آقایان خدمت امام بودیم و از ایشان تقاضا می‌کردیم که در یکی از ایام عید با مردم دیداری داشته باشند اما ایشان نمی‌پذیرفتند. دو سه روز بعد از عید قلب ایشان ناراحتی پیدا کرد که فوراً رسیدگی شد و خطر

.....

۱ - توبه / ۱۲۷.

برطرف گردید که وقتی من به خدمت ایشان رسیدم و به ایشان گفتم چقدر خوب شد شما ملاقات با مردم را قبول نکردید چون با توجه به بیماریتان نمی توانستید دیدار را انجام دهید و این انعکاس بدی در دنیا داشت، امام در اینجا به من گفتند: «آنطوری که من فهمیدم از اول انقلاب تا حالا مثل اینکه یک دست غیبی ما را در همه کارها هدایت می کند»

آیت الله حاج سید مهدی روحانی می فرمود: امام کارهایی می کند که در وهله اول به عقل ما عقلا جور در نمی آید ولی بعداً معلوم می شود حق با ایشان بوده است.

۱۴ - قاطعیت و تصمیم

اسکندر گفته بود یکی از رموز کامیابی من، قاطعیت و اجرای تصمیم بود، از تذبذب و دودلی پس از تصمیم بیزار بودم. و علی (ع) که قاطعیتش زبانزد خاص و عام است در نامه ای که به یکی از فرماندهان نگاشته می گوید: به خدا قسم، اگر همه عرب بر ضد من بسیج شوند من هرگز به آنها پشت نمی کنم.^۱ و امام با اراده پولادین و قاطعیت علی وار خود هنگامی که تصمیم به سخنرانی و افشاگری بر علیه شاه در فیضیه که منجر به حادثه فراموش نپاشدنی پانزده خرداد شد گرفت، و خیرخواهان که آمادگی دشمن و تجهیزات مزدوران رژیم را دیده بودند و احتمال زیاد می دادند که این سخنرانی برای جان ایشان خطر داشته باشد از معظم له خواستند که از سخنرانی چشم پوشی کنند ولی ایشان با قاطعیت فرمود سخنرانی می کنم و به سلامت برمی گردم و اینکار را هم کردند. آری همانگونه که «گفته» می گوید: مرد با اراده، جهان را مطابق میل خود عوض می کند.^۲

فرزندان

حضرت امام در سال ۱۳۴۸ هـ ق با دختر فاضله مرحوم آیت الله حاج میرزا محمد تقی تهرانی ازدواج کرد که ثمره آن دو پسر و چند دختر می باشد:

.....

۱ - نهج البلاغه نامه ۴۵.

۲ - رمز پیروزی مردان بزرگ.

۳ - آیت الله پسندیده، نقل کردند: هنگامی که مسئله ازدواج حضرت امام مطرح شد دختر صبیح آقای تقی قبول نمی کرد، شب در خواب حضرت رسول و ائمه طاهرين (ع) را مشاهده کرد که همراه آنها آقای خمینی نیز به چشم می خورد، اینجا بود که به این ازدواج تن در داد و همواره از آن راضی بود.

۱ - مرحوم آیت الله حاج سید مصطفی خمینی، مجاهدی که از آغاز انقلاب اسلامی به رهبری پدر بزرگوار خود در مبارزه بر علیه کفر و ستم شرکت فعالی داشته و در این راه رنجهای زندان و تبعید را تحمل کرده و سرانجام در دیماه ۱۳۵۶ بطور مشکوکی از دنیا رفت و در جوار امیرالمؤمنین (ع) بخاک سپرده شد.^۱

مرگ مظلومانه او یکی از الطاف خفیه الهی بود که آزادی از چنگال رژیم شاهنشاهی را برای ما به ارمغان آورد. وی در نجف حوزه درسی داشته و شاگردان بسیاری پرورش داد که نامشان در فصلنامه یادش ۱۲ سال سوم ص ۱۲ مذکور است. معظم له تألیفات زیادی در فلسفه و فقه و اصول و تفسیر از خود بجا گذاشته که آثار زیر از آنها به چاپ رسیده است:

الف- تحریرات فی الاصول، شامل یک دوره علم اصول به سبک استدلالی و مفصل که ج ۱ آن به همت حجة الاسلام والمسلمین آقای سید محمد سجادی توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در ۵۶۱ صفحه به قطع وزیری چاپ شده است.

ب- تفسیر القرآن الکریم شامل تفسیر سوره حمد و قسمتی از سوره بقره در سه جلد به قطع وزیری به همت آقای سجادی از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی طبع شده است.

۲ - حضرت حجت الاسلام والمسلمین آقای حاج سید احمد خمینی ندیم خلوت و جلوت امام، تنها فردی که در تمام مراحل انقلاب خدمت امام بوده و زحمات طاقت فرسایی را در راه انقلاب متحمل شده اند و در خدمت اساتید بزرگی همچون آیه الله سلطانی و مرحوم آیه الله حاج شیخ مرتضی حائری تلمذ کرده اند.

دامادهای امام

۱ - مرحوم آیت الله حاج شیخ شهاب الدین اشراقی فرزند مرحوم میرزا محمد تقی

.....
۱- ببینید شرح حال ایشان را در کتاب شهیدی دیگر از روحانیت و گنجینه دانشمندان ج ۸ ص ۲۹ تا ص ۴۴ و نهضت روحانیون ایران ج ۳۳۱/۶ تا ۳۶۹. شهدای روحانیت شیعه در یک صد ساله اخیر ص ۲۶۰ و مجله پیام انقلاب ش ۷۰-۱۳۶۱ مصاحبه با حجت الاسلام حاج سید احمد خمینی و ش ۹۶ مصاحبه با آیت الله فاضل. نقش روحانیت در اسلام و اجتماع ۲۲۳-۲۲۷. سرگشتهای ویژه از زندگی امام خمینی ج ۱۶۳/۴ ج ۱۴۳/۳. فصلنامه یادش ۱۲ سال سوم، پائیز ۱۳۶۷ ص ۱۳۸، ۱۰۷. شهدای روحانیت ج ۱ ص (دفتر تبلیغات اسلامی قم واحد یادبودها). شهید هجرت و جهاد، آیت الله حاج سید مصطفی خمینی نوشته سید حمید روحانی. مقدمه تحریرات فی الاصول. سیمای فرزندان ج ۳/۱۹۰. بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی ج ۱.

اشراقی صاحب تفسیر سخن حق

۲ - جناب آقای اعرابی

۳ - جناب آقای دکتر محمود بروجردی

برادران و خواهران امام

حضرت امام که از کوچکترین فرزندان پدر و مادر خود بودند سه خواهر و دو برادر داشتند اسامی برادران ایشان عبارتند از:

۱ - آیه الله حاج سید مرتضی پسندیده برادر بزرگتر حضرت امام که در حال حیات هستند معظم له پس از تبعید حضرت امام به ترکیه و عراق توسط رژیم مستبد وقت سه بار و هربار به بهانه ای از قم به خمین تبعید شدند.^۱

۲ - مرحوم دکتر نورالدین هندی که در تاریخ شعبان ۱۳۹۶ به رحمت ایزدی

پیوست.

نمونه ای از اشعار امام

حضرت امام طبع شعر داشته و دیوان شعری هم دارند، که غزل زیر نمودگی از سروده های ایشان است:

چشم بیمار تو را دیدم و بیمار شدم همچو منصور خریدار سردار شدم که بجان آمدم و شهره بازار شدم که من از مسجد و از مدرسه بیزار شدم خرقه پیر خراباتی و هشیار شدم از دم رند می آلوده مدد کار شدم من که با دست بُت می‌کنه بیدار شدم من بخال لب‌ت ای دوست گرفتار شدم فارغ از خود شدم و کوس انا الحق بزدم غم دلدار فکنده است بجانم شرری در میخانه گشائیده به رویم شب و روز جامه زهد و ریا کندم و برتن کردم واعظ شهر که از پند خود آرام داد بگذارید که از بُت‌کنده یادی بکنم ناگفته نماند که تا کنون شعرای بسیاری به استقبال این غزل امام رفته و اشعاری سروده اند و صاحب نظران بسیاری آن را تفسیر کرده اند که در مجلات و روزنامه ها منعکس است.

.....
۱ - و نیز رک یا دواره نهضت اسلامی ج ۱/۹۳

شاگردان امام

معظم له حدود ۳۰ سال به تدریس در رشته های معقول و منقول در حوزه قم و نجف پرداخته و یکی از اساتید بی نظیر علوم اسلامی بشمار می رفته است. قدرت بیان و تقریر عجیبی داشته و در تحقیق مسائل علمی یگانه دوران بودند لذا حوزه درشان شخصیت های علمی بسیاری را پرورش داده که اکنون هر کدام از آنان از کرسی تحقیق و تدریس و تألیف گرفته تا رهبری مردم نقش سازنده ای را ایفاء می کنند. اسامی جمعی از آیات و حجج اسلام و دانشمندانی که در علوم منقول و یا معقول و در سطح یا خارج افتخار شاگردی امام خمینی (ره) را داشتند:

زنور تربیت او به هر کجا نگری ستاره ای بدل تیرگی فروزانست

شهید حاج شیخ مرتضی مطهری	آقای حاج شیخ حسینعلی منتظری
شهید سید محمد حسین بهشتی	آقای حاج شیخ علی مشکینی
فقید حاج آقا مصطفی خمینی	آقای شیخ علی اکبر هاشمی رفسنجانی
شهید سید محمد علی قاضی تبریزی	آقای حاج شیخ عبدالله جوادی
شهید شیخ عبدالرحیم ربانی شیرازی	آقای حاج شیخ ابراهیم امینی نجف آبادی
شهید حاج آقا عطاءالله اشرفی اصفهانی	آقای حاج شیخ احمد جنتی
شهید سید محمدرضا سعیدی	آقای حاج شیخ ابوالقاسم خرنلی
شهید حاج شیخ علی قدوسی	آقای حاج شیخ حسین نوری همدانی
شهید شیخ فضل الله محلاتی	آقای حاج شیخ محمد یزدی
شهید شیخ محمد مفتاح همدانی	آقای حاج شیخ محمد موحدی فاضل لنکرانی
شهید سید عبدالکریم هاشمی نژاد	آقای حاج شیخ عباس محفوظی گیلانی
شهید محمد مهدی ربانی املشی	آقای حاج شیخ محمد محمدی گیلانی
شهید محمدعلی حیدری نهاوندی	آقای حاج شیخ جعفر سبحانی
مرحوم حاج شیخ مرتضی حائری یزدی	آقای حاج سید عباس خاتم یزدی
مرحوم شیخ عبدالجواد اصفهانی	آقای حاج شیخ حسین راستی کاشانی
آقای حاج سید علی خامنه ای	آقای حاج شیخ علی اکبر مسعودی خمینی
آقای حاج سید موسی شبیری زنجانی	

آقای حاج شیخ مرتضی بنی فضل تبریزی	آقای حاج شیخ غلامرضا رضوانی
آقای محمد هاشمیان کرمانی	آقای شیخ یحیی انصاری شیرازی
آقای حاج شیخ علی دوانی	آقای شیخ حسین شب زنده دار
آقای موحدی کرمانی	آقای شیخ محمد مؤمن قمی
حاج آقا مهدی حائری تهرانی	آقای سید محمد ابطحی کاشانی
آقای حاج سید رضا صدر	آقای حاج شیخ محسن حرم پناهی
آقای شیخ عباس ایزدی نجف آبادی	آقای حاج شیخ مرتضی مقتدائی
مرحوم شیخ علی کاشانی	آقای حاج شیخ محمد رضا مهدوی کنی
آقای حاج سید احمد پیشوائی	آقای شیخ محمد تقی مصباح یزدی
آقای حاج سید حسین پیشوائی یزدی	آقای حاج شیخ یوسف صانعی
آقای میرزا ابوطالب تجلیل تبریزی	آقای شیخ محمد حسن قدیری
آقای شیخ محمد حقی سرابی	آقای حاج شیخ حسین مظاهری
آقای حاج شیخ عباسعلی عمید زنجانی	آقای حاج شیخ محمد امامی کاشانی
آقای سید یوسف مدنی تبریزی	آقای حاج شیخ محمد رضا توسلی محلاتی
آقای شیخ اسدالله نوراللهی اصفهانی	آقای سید مهدی یثربی کاشانی
آقای سید محمد حسین قائینی	آقای سید جلال آشتیانی
آقای سید احمد امامی اصفهانی	آقای سید حسن طاهری خرم آبادی
آقای رضوانی اصفهانی	آقای شیخ محمد هادی معرفت
مرحوم آقا شیخ آقا حسین خندق آبادی	آقای سید موسی صدر
آقای عابدی زنجانی	آقای سید مرتضی جزایری
آقای رضا کنی	آقای سید عبدالله شرف الدین فرزند سید
آقای شیخ اسماعیل صدر محلاتی	شرف الدین
آقای روح الله شاه آبادی	آقای شیخ جلال الدین طاهر شمسی
آقای سید محمد علی حسنی تهرانی	گلپایگانی
آقای شیخ غلامرضا جماعتی	آقای صدیقین اصفهانی
مرحوم سید ابراهیم علوی خوئی	آقای نصرالله شاه آبادی
آقای حاج سید حسین موسوی کرمانی	آقای حاج شیخ صادق خلخالی
آقای سید محمد جواد علم الهدی	آقای شیخ رضا گلسترخی

آقای سید محمد آل طه قمی	آقای نصراللهی
آقای شیخ حسین مفیدی دلیجانی	آقای شیخ محمد رضا کشفی تهرانی
آقای شیخ عباس رفسنجانی	آقای شیخ عبدالعظیم محصلی خراسانی
آقای عبدالمجید رشید پور تهرانی	مرحوم سید صادق آل محمد اهری
آقای سید عبدالرسول شیرازی	(شریعتمداری جهرمی)
آقای سید جعفر یزدی	آقای حسین زرندی قمی
آقای شیخ مجتبی تهرانی	آقای سید محمد باقر ابطحی اصفهانی
آقای شیخ علی اکبر تربتی	آقایان اخوان مرعشی
آقای شیخ حسن صافی اصفهانی	آقای شیخ محمد علی گرامی
آقای سید یعقوب موسوی زنجانی	آقای میرزا ابوالقاسم آشتیانی
آقای حاج سید حسین موسوی کرمانی	آقای حاج میرزا صادق سرابی
آقای شیخ مرتضی تهرانی	آقای شیخ مجتبی حاج آخوند
آقای حسین خرم آبادی	آقای قاضی خرم آبادی
آقای صالح طاهری	آقای شیخ اکبر تهرانی
آقای شیخ علی افتخاری گلپایگانی	
آقای وحید زنجانی	
آقای شیخ مصطفی زمانی	
آقای سید مرتضی خلخالی	
آقای حاج عزالدین زنجانی	
آقای شیخ هاشم تقدیری	
آقای شیخ محمد جواد حجتی کرمانی	
آقای شیخ علی اصغر مروارید	
آقای شیخ غلامرضا صلواتی	
مرحوم آقا سید حسن شیرازی	
(شریعتمداری)	
آقا تقی خلخالی	
آقای شیخ جواد خندق آبادی	
آقای فقیه برقی	
آقای سید غنی اردبیلی	
آقای شیخ عبدالله لنکرانی	
آقای حاج آقا مهدی حائری یزدی	
آقای فضل الله خوانساری	
آقای شیخ یحیی اراکی	
آقای شیخ مسلم ملکوتی سرابی	
آقای شیخ عباسعلی اصفهانی	
آقای شیخ عبدالحسین زنجانی	
آقای شیخ بهاء الدین اراکی	
آقای شیخ محمد نهاوندی	
آقای شیخ محمد صادق تهرانی	
آقای کریمی مازندرانی	
آقای سید ابراهیم کرمانشاهی	
آقای سید کرامت الله شیرازی	

آقای جواد آقای کنی	آقای شیخ علی آقا پهلوانی
آقای میرزا هادی فقهی آذرشهری	آقای شیخ محی الدین فاضل هرندی
آقای نیری بروجردی	آقای ابوالفضل علمانی سرابی
آقای نجم الدین زنجانی	شیخ ابوالقاسم محبوب شیرازی
آقای شیخ ابوالقاسم مسافری اصفهانی	آقای محمد حسین بهجتی یزدی «شفق»
آقای محسن خراسانی تهرانی	آقای فشارکی
آقای سید علی یزدی	آقای شیخ مهدی کنی
آقای امینیان گیلانی	آقای شیخ عزیز الله تهرانی
آقای سید ابوالقاسم موسوی کرمانی	آقای مجدالدین شیرازی
آقای شیخ حسن فاضل افغانی	آقای زرنندی کرمانشاهی
آقای محقق افغانی	آقای محمد حسین لنگرودی
آقای سید مهدی غیوری	آقای سید اسدالله اشکوری
آقای سید حمید روحانی	آقای صدر اشکوری
آقای دعائی	آقای سید عباس ابوترابی
آقای ناصر یزدی	آقای مشایخی اراکی
آقای شیخ محمد رازی	آقای بطحانی گلپایگانی
آقای شیخ محمد باقر رفیعی	آقای علوی بروجردی
آقای سید محمد علی روحانی	آقای شیخ احمد مجتهدی تهرانی
آقای حاج سید مهدی روحانی قمی	آقای شیخ محمود موسوی کاشانی
آقای شیخ مهدی فیض قمی	آقای موسوی درچه ای
آقای حاج سید جوادی سجادی نجف آبادی	آقای مؤمنی شه میرزادی
آقای شیخ رضا حججی نجف آبادی	آقای شیخ مؤمن شیرازی
آقای سروش محلاتی	آقای عطاء الله انصاری همدانی

ستایش علماء بزرگ شیعه از امام

۱ - مرحوم آیت الله العظمی حاج آقا حسین بروجردی (رحمه الله) در مورد ایشان چنین می فرمایند:

چشم حوزه علمیه به وجود ایشان روشن است و حوزه تدریس ایشان سرآمد

حوزه‌های دیگر و مایه بسی امیدوارها است. و بعضی از افاضل حوزه‌ی نجف از مرحوم حاج شیخ محمد تقی بروجردی نقل می‌کنند که مرحوم آیت الله بروجردی کراراً می‌فرمود: «قصده دارم که در موقعیت مناسبی زیربازوی جوانی را بگیرم که برای اسلام و مسلمین مثمر باشد» (و اشاره به امام خمینی کرده بود)^۱

۲- مرحوم آیت الله حاج شیخ محمد تقی آملی ضمن اعلامیه‌ای در سال ۱۳۸۳ می‌نویسد:

مقامات علمی و عملی حضرت آیت الله آقای خمینی (متذلل‌العالی) پوشیده نیست تا محتاج به بیان باشد. اینجانب جناب ایشان را به عنوان یکنفر از طراز اول از مجتهدین و مراجع تقلید می‌شناسم.

۳- حضرت آیه الله سید ابوالحسن قزوینی در تلگرام خود به سفارت ترکیه گوید: میهمان عالیقدر که در این ایام قدم به خاک ترکیه نهاده یکی از مراجع بزرگ اسلام و نمونه کامل علم و فضیلت و تقوی است.

۴- حضرت آیت الله سید محمد هادی حسینی میلانی هنگامی که امام به ترکیه تبعید شدند طی تلگرافی در ۵ رجب ۱۳۶۴ با تأیید اقدامات و خط سیاسی شان گفتند: خوشا بر سعادت آن سرزمینی که حضرتعالی در آن تشریف دارید قلوب همه مردم با ایمان متوجه شما است - خانه تعالی جعل افئدة من الناس تهوی الیک - و همگی برای نصرت و تأیید شما که لسان ناطق همه مجامع روحانی و دینی هستند و گفته شما کلام حق و حقیقت است دعا می‌نمایند.^۲

و باز در ۴ صفر الخیر ۱۳۸۳ ق در جواب اصناف بازار که راجع به مقام و شخصیت امام پرسیده بودند می‌نویسد:

حضرت حجة الاسلام والمسلمین آیت الله آقای حاج آقا روح الله خمینی از مفاخر عالم اسلام و یکی از مراجع تقلید می‌باشند موقعیت دینی و شخصیت اسلامی ایشان بر کسی پوشیده نیست متعجبم چرا چنین سؤال می‌شود.

۵- قسمتی از پیام آیت الله العظمی گلپایگانی (متذلل) به مناسبت ارتحال رهبر کبیر انقلاب اسلامی:

.....

۱- بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی ج ۱/۱۰۱.

۲- بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی ج ۱/۷۴۹.

شخصیتی دعوت حق را لیک اجابت گفت که با مجاهدت بزرگ و فداکاریها و رهبری های قاطع و محکم خود اسلام را در عالم معاصر زنده کرد و ندای تکبیر و توحید را به گوش جهانیان رسانید و مجد و عظمت مسلمانان را به آنان بازگردانید و فریاد کوبنده اش دلهای مستکبران ابرقدرت را به لرزه درآورد.

مردی دنیای فانی را وداع نمود و در جوار رحمت خداوند متعال آرمید که با اتکا به نصرت الهی و شجاعت ایمانی، انقلاب اسلامی ایران را به وجود آورد و بر جریان استبداد و استعماری که بر این ملت استضعاف شده حکومت داشت پایان داد و در همه جا مسلمانان و مستضعفان را علیه تباهی برانگیخت فقیهی بزرگ و مرجعی مسلم به جهان باقی شتافت که در زهد و عبادت و شب زنده داری و خوف از خدا و حق گوئی و حقیقت طلبی و صفات ممتازه دیگر از آیات الهی بود. انا الله و انا الیه راجعون.

۶- حضرت آیت الله العظمی سید شهاب الدین حسینی مرعشی نجفی در جواب جمعی از طلاب می نویسد: حضرت آیت الله آقای خمینی دامت برکاته که یکی از مراجع عالم تشیع هستند از اساطین روحانیت اسلام و مفاخر عالم تشیع بوده و...

۷- حضرت آیت الله العظمی حاج شیخ محمدعلی اراکی درباره ایشان فرمود:
ایشان مرد بسیار حلیلی است و شناختم او را به جلالت بسیار، مرد پاکی است پاک، پاکی نفس دارد، پاکی ذاتی و درونی دارد و این بر همه خلق معلوم شده است. ما در مدت پنجاه سال که با این شخص بزرگ آشنائی پیدا کرده ایم جز تقوی و دیانت و سخاوت و شجاعت و شهامت و بزرگی نفس و بزرگی قلب و کثرت دیانت و جدیت در علوم نقلی و عقلی و مقامات عالی و... در او نیافتیم و ندیدیم.

مردی با تقوی به تمام معنی و مردی فداکار اسلام به تمام معنی، این مرد قد مردانگی علم کرد و در مقابل کفر ایستادگی کرد و ید غیبی هم با او همراهی کرد بطوری که محیر العقول بود و در هیچ خانه ای و هیچ زاویه ای از زوایای این مملکت باقی نماند مگر که گفته شد: مرگ بر شاه.

او (حضرت امام) جان در کف دست گذاشته است و در مقابل تبلیغ قرآن و دین حنیف اسلام جانبازی می کند، جان در کف گذاشته و حاضر برای شهادت شده است خداوند یک قوه غریبی در این مرد خلق فرموده که همچون قوه ای که به ایشان داده به هیچ احدی نداده، همچنین جرأتی، چنین شجاعتی و دیدی به او داده است که به احدی نداده. یک چنین کسی کمیاب است، کم نظیر است و نظیر ندارد حمایت این مرد حمایت

حضرت سید المرسلین است و حمایت ائمه طاهرین است و حمایت حضرت حجة ابن الحسن عجل الله فرجه است.^۱

۸- آیت الله حاج میرزا هاشم آملی طی اعلامیه ای به مناسبت رحلت امام (ره) نوشتند:

إنا لله وانا اليه راجعون

با فاجعه دردناک و جانگذار رحلت حضرت آیت الله العظمی امام خمینی (رضوان الله تعالی علیه) ملت مسلمان را اندوهی عمیق و غمی جانکاه فرا گرفت شخصیت امام که جامع علم و عمل و ایثار و مجاهده بود توانست با رهبری خالصانه خویش در دنیایی که غرق در ماده پرستی و ظلم و جور بوده و هست کلمه اسلام و توحید را بلند آوازه سازد. از خداوند متعال می خواهم که مساعی جمیله و مجاهدات خستگی ناپذیر معظم له را به رضوان و قرب خویش مأجور فرماید.

۹- آیت الله مجاهد شیخ عبدالحسین امینی (ره) فرموده بود:

الخمینی ذخیره الله للشيعة.^۲

۱۰- مرحوم آیت الله شیخ مجتبی قزوینی فرمودند:

اگر در این قرن مردی یافت شود که از دین حمایت کند و از اسلام و مسلمین پاسداری نماید آن مرد خمینی است.

۱۱- مرحوم آیت الله کاشانی در محفلی اظهار کرده بود:

تنها کسی که بعد از من امید است به درد ملت ایران بخورد آقای خمینی است.^۳

پرواز به سوی ملکوت اعلی

روح بلند رهبر آزادگان و پیشوای مسلمانان جهان، پس از عمری سراسر مبارزه و جهاد و حماسه و تلاش در راه آزادی انسان ها از جهل و تباهی و خلاص از یوغ استعمار و استعباد و رهبری انقلابی که جهان را به لرزه درآورد، به علت ابتلاء به سرطان، ساعت ۱۰/۲۵ شب، سیزدهم خرداد ۱۳۶۸، مطابق با ۲۸ شوال ۱۴۰۹ ق به ملکوت اعلی پیوست

.....

۱ - مجله پیام انقلاب . مجله حوزه ش ۱۲ .

۲ - سرگذشت های ویژه از زندگی حضرت امام خمینی - مقدمه .

۳ - بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی ج ۱/۹۶ پاورقی .

و امام زمان (عج) و حوزه‌های علمیه و مسلمانان جهان و مستضعفان و محرومان و آزادگان دنیا را به سوگ خود نشانند. و قلم همچو منی عاجز است از ترسیم غم فراق این عبدصالح خدا که:

قلم را آن زبان نبود که سرعشق گوید باز و رای حدّ تقریر است شرح آرزومندی

ولی با این همه باید گفت: پس از اعلام صدای جمهوری اسلامی که: «روح امام این قلب تپنده عالم اسلام به ملکوت اعلی پیوست»، از زهر کوی و برزن صدای ضجه و ناله به آسمان بلند شد بلند گوه‌های مساجد شروع به پخش قرآن کردند، مردم اشک ریزان و حیران با لباسهای سیاه از خانه‌ها بیرون ریخته و راه جماران را در پیش گرفتند بر اثر ازدحام جمعیت سیل عزاداران و ماتم‌زدگان با ناراحتی مواجه شدند از این رو ستاد برگزاری مراسم عزاداری امام از مردم خواست از رفتن به جماران خودداری کنند و لذا مردم رو به مساجد و تکایا نهاده و با سردادن شعار:

عزای ست امروز، روز عزا ست امروز، خمینی بت شکن پیش خداست امروز
به سر و سینه خود زده و عزای شورانگیزی براه انداختند که برآستی باید گفت ان الصبر لجمیل
الامنك وان الجزع لتبیح الاعلیك وان المصاب بك لجلیل و انه قبلك و بعدك لجلیل.

دولت جمهوری اسلامی یک هفته تعطیل سراسری و ۴۰ روز عزای عمومی اعلام کرد و همچنین بسیاری از کشورها هر کدام چند روز عزای عمومی اعلام کردند.

جسد مطهر حضرت امام پس از غسل توسط حجة الاسلام توسلی و امام جمارانی و حاج احمد آقا برای وداع امت وفادار با رهبر گرامیشان به مدت دو روز در مصلاي بزرگ تهران قرار داده شد که مردم مصیبت‌زده به نشانه قدردانی از زحمات و وفاداری نسبت به امام خود از هر سوی مملکت رو به سوی تهران نهادند.

بعد از دو روز، نماز میت توسط حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی خوانده شد و سپس پیکر مطهرش بسوی بهشت زهرا حرکت داده شد. طبق گزارش اکثر خبرگزاریها تعداد شرکت کنندگان در مراسم تشییع به بیش از چند میلیون نفر می‌رسید.

بر اثر ازدحام بیش از حد جمعیت و گرمی هوا، جمع کثیری در مسیر راه بیهوش می‌شدند و تعدادی نیز کشته شدند. گرچه جسم مطهر امام در بهشت زهرا در کنار شهیدان بخاک سپرده شد اما روح بلند و اندیشه‌های والا و تعالیم اساسی و آرمانهای جاودانی او در میان نسلهای آینده تا جهان هست زنده خواهد ماند.

خواب آیت الله العظمی گلپایگانی در مورد حضرت امام (قدس سره)

بنا به اطلاع موثق آیت الله العظمی گلپایگانی شنبه شب مورخ ۶۸/۳/۱۳ مقارن با ساعت رحلت حضرت امام بعد از اینکه در ساعت ۲۲/۳۰ مشغول استراحت می‌شوند ساعتی بعد با حالتی مضطرب از خواب بیدار شده و از خادم خود می‌خواهند که سریعاً با آیت الله خامنه‌ای تماس گرفته و حال حضرت امام را جویا شود. ایشان در پاسخ به سؤال علت این امر، خوابی را که چند لحظه قبل دیده بودند به این مضمون نقل می‌کنند:

" در خواب دیدم جلسه‌ای است که در آن پیامبر اکرم (ص) و همه ائمه معصومین (علیهم السلام) حضور دارند. پس از مدتی درب باز می‌شود و حضرت امام خمینی وارد اطاق می‌شوند. همه ائمه معصومین و پیامبر به احترام ایشان از جا بر می‌خیزند و پیامبر اکرم (ص) امام خمینی را در آغوش گرفتند و ایشان را غرق بوسه نمودند. که در این حالت مضطربانه از خواب بیدار شدم."

مدفن امام

مرقد مطهر امام عارفان زیارتگاه عاشقان و پیروان و شیفتگان امام خمینی است که شب و روز زائر دارد و بسیاری با پای پیاده و به صورت دسته‌جمعی از شهر خود تا مزار او راهپیمائی می‌کنند و خود را به مدفن مطهر می‌رسانند و ضمن عزاداری و سینه‌زنی با امام خویش تجدید میثاق می‌کنند.

آل پائیس پرتیراژترین روزنامه اسپانیا در گزارشی تحت عنوان «زیارتگاهی در حال تولد» مقبره حضرت امام خمینی را یکی از مهمترین اماکن زیارتی برای مسلمانان در آینده خواند.

خاویروا التزوئلا خبرنگار و تفسیرنویس این روزنامه در یک گزارش توصیفی از تهران نوشته است:

زنان، بچه‌ها، مردها، روحانیون و پرسنل نظامی همانند یک اقیانوس انسانی در کنار آرامگاه (امام خمینی) گرد آمده‌اند و اشک می‌ریزند آل پائیس در گزارش خود آورده است

گروهی از مردم سرخود را به سوی خانه خدا خم کرده‌اند و گروهی دیگر در زیر نور شمعها قرآن تلاوت می‌کنند هر دقیقه یک نفر از حال می‌رود و آمبولانسهای هلال احمر به کمک او می‌آیند و این مسئله به ریتم مکرر تبدیل شده است. این روزنامه در پایان با بیان اینکه انبوه مردم عزادار برای لمس مقبره حضرت امام تلاش می‌کنند افزوده است در کنار اتوبانی که تهران را به شهر مقدس قم مرتبط می‌سازد مقبره مرد کهنسالی قرار دارد که یک حکومت ۲۵۰۰ ساله پادشاهی را سرنگون کرد و جمهوری اسلامی را بنیان نهاد و مدت ده سال و نیم آن را هدایت کرد.

مجالس فاتحه

از طرف مقام معظم رهبری، و آیات عظام و حجج اسلام و سایر اقشار و طبقات مردم در سراسر ایران - حتی روستاها - و سایر کشورهای اسلامی و غیر اسلامی مجالس متعدد فاتحه برگزار شد و نویسندگان هریک ماده تاریخی انشا کردند.^۱ و شعرای مذهبی اشعار زیادی در رثای جانسوز امام سرودند که در اینجا به ذکر قمیدمیکی از ففلاه قم اکتفا می‌کنیم.

قصیده‌ای در ثنای پیر عشق

وصف آن گویم که او روح خدا است	آن که گفتارش همه ذکر خداست
آن که در حکمت چو لقمان حکیم	حدس ^۲ او الهامی از سوی خداست
صبر ایوب است، صبر آن عزیز	همچو اسماعیل در صدق و وفاست
بت شکن، خصم همه نمرودیان	چو خلیل الله، آن روح خداست
پرخروش اندر مصاف کافران	خشم و قهرش، موسی عمران نماست
از دم عیسائی آن رادمرد	زنده دلها و همه اندیشه‌هاست
خُلق او یادآور «خُلق عظیم» ^۳	راستی او یادگار مصطفی ^۴ است
با صلابت، استوار و با نشاط	در شجاعت چون علی مرتضاست
باشد او سرچشمه خیر کثیر	گوهری از کوثر ^۴ خیرالنساءست

.....

۱- رک : کیهان ش ۱۳۶۴۳، شنبه ۳ تیر ۱۳۶۸ ص ۱۶.

از جمله: ان المتقین فی جنات و عیون ۱۳۶۸ از آقای محمد صافی.

۲- کمان غنم قوه قدیبه ینکاد زینها یهسی مأیبه

۳- اشاره است به آیه شریفه اِنَّكَ لَمَلِكٌ خَلَقْتَ عظیم که در وصف پیامبر نازل گردیده است.

۴- اشاره است به آیه شریفه اِنَّا اَعْطَيْنَاكَ الْکُوْثَرَ که مصداق بارز آن فاطمه زهرا (س) است.

درس اخلاص از علی آموخت او
از حسین آموخت درس انقلاب
هم به زندان رفت و هم تبعید شد
فائد اعظم امام مسلمین
تخم یأس و بیم از دلها زدود
درس وحدت داد با قول و عمل
کشف اسرار^۱ عنوان کرد او
برده از سرخلافت^۲ برگرفت
شاهد این مدعا مصباح^۳ اوست
رازها بگشوده در سر الصلاة^۴
در مکاسب^۵ شیخ اعظم را بدیل
جلوه ای دیگر ز فقه ناب او
از حکومت^۶ بحثهای ناب کرد
او اصول فقه را تهذیب^{۱۰} کرد
سوره الحمد^{۱۲} را تفسیر کرد
مدح حاضر گویم او را بعد مرگ

عفو و حلمش چون امام مجتباست
نهضت او جلوه ای از کربلاست
شیوه کاظم هم آئین رضاست
نائب برحق ختم اوصیاست
مژده پیرویش دادم نداست
عامل پیروزی و رمز بقاست
زانکه او دانا به مکر و حیلهاست
در ولایت^۳ رازدان، آن مقتداست
عارفان را مرشد و هم رهنماست
مخلصان را بهره ها از رازهاست
بیع^۷ او فقه جواهر را صلاست
همچو تحریر الوسیله^۸ پربهاست
بر اساس آن قیام ما بیاست
الرسائل^{۱۱} حاوی بس نکته هاست
پرتوی از بطن^{۱۳} قرآن خداست
زانکه او پیوسته حاضر نزد ماست

.....

- ۱ - اشاره است به کتاب کشف الاسرار از حضرت امام (ره).
- ۲ و ۳ و ۴ - اشاره دارد به کتاب مصباح الهدایه الی الخلافة والولایه تألیف حضرت امام (ره)
- ۵ - اشاره دارد به کتاب «سر الصلاة» یا «صلاة العارفين و معراج السالکین» تألیف حضرت امام (ره)
- ۶ - اشاره دارد به کتاب مکاسب المحرمه تألیف حضرت امام (ره)
- ۷ - اشاره دارد به کتاب بیع، حضرت امام (ره)
- ۸ - تحریر الوسیله تألیف حضرت امام (ره)
- ۹ - اشاره است به بحثهای کتاب ولایت فقیه یا حکومت اسلامی که حضرت امام (ره) به هنگام تبعید در نجف اشرف ایراد فرمودند.
- ۱۰ - اشاره به کتاب تهذیب الاصول است که تقریرات بحثهای اصولی حضرت امام (ره) می باشد که توسط استاد سبحانی نوشته شده است.
- ۱۱ - اشاره بکتاب «الرسائل» حضرت امام (ره) است که حاوی چند رساله در مباحث اصول است و به قلم معظم له نگارش یافته است.
- ۱۲ - اشاره به تفسیر عارفانه سوره حمد توسط حضرت امام (ره) است.
- ۱۳ - اشاره است به روایاتی که می گویند قرآن دارای بطن یا بطونی است که تنها زیدگان بر آن واقفند.

نیک دانستی که آن ممدوح کیست
آن مجاهد رادمرد روزگار
وصف او از کوه پرسیدم، بگفت
آسمان در وصف او گفت آشکار
چشمه جوشان بوصف او بگفت
موج دریا را بپرسیدم از او
ماء طاهر، روح پاکش را گواه
با همه فضل و کمالاتش بگفت
از تواضع قائد اعظم بگفت
نه همین کرد او قیام اندر حیات
لحظه ای در مرگ او اندیشه کن
گرچه او در مرقدش خوش آرمد
با دلی آرام و پیر امید رفت
هیچ می دانی چه شد کوزود رفت؟
داغ، باران و عزیزانش بسوخت
آه مظلومان دلش را می گداخت
عاقبت قلبش بایستاد از طپش
مهر و لطفش شامل برنا و پیر
لحظه ای دیدار او بعد از فراق^۱
دیده ها در روز مرگش خون گریست
در وصیت نیز همچون مصطفی
گفت از قرآن و از عترت سخن
از تفاهم، و ز صفا بسیار گفت
«عاشقا» این قصه ای بی منتهاست

او خمینی، مهرش اندر سینه هاست
آن که بادش، یاد آئین خداست
ای عجب این استقامت از کجاست
اوج فکرش برتر از اوج سماست
در فضایل او خود از سرچشمه هاست
گفت خشم او خروش موجهاست
روح او خود پرتو روح خداست
افتخارم بوسه رزمنده هاست
هان، مردم، راهبر فهمیده هاست
انقلابی دیگر از مرگش بیاست
این چنین مرگی حیاتش از قفاست
عاشقان را رفته خواب از دیده هاست
واصل اینک او به جمع اولیاست
در پس این حادثه صد نکته هاست
سینه اش آماج تیر غصه هاست
درد محرومان مراورا رنجهاست
آری این تاوان آن اندوه هاست
پیر و برنا مهر او بردل سزاست
اشک شوق عاشقان برگونه هاست
جمله محرومان عالم در عزاست
کان وصیت جلوه از وحی خداست
کاین دو، راه رستگاری و هداست
زانکه این دو، عامل نصر و بقاست
وصف پیر عشق را، کی منتهاست؟
قم حوزه علمیه - علی ربانی گلپایگانی

۶۸/۳/۲۶

۱ - اشاره است به روزی که حضرت امام (ره) به وطن بازگشت و عاشقان و مریدان پس از سالها فراق به وصال معشوق و مراد خود نائل شدند و از فرط شادمانی می گریستند.

مدارک:

در این مقاله از کتابهای زیر استفاده شده است.

- ۱ - نقباء البشر فی القرن الرابع عشر ج ۲ ص ۷۸۹ از علامه حاج آقا بزرگ طهرانی
- ۲ - بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی ج ۲ به قلم سید حمید روحانی (زیارتی)
- ۳ - سرگذشتهای ویژه از زندگی امام خمینی به قلم جمعی از فضلاء و یاران امام جلد ۶ جمع آوری مصطفی وجدانی و رضا شهرباف
- ۴ - تاریخ سیاسی معاصر ایران ج ۲ دکتر سید جلال الدین مدنی
- ۵ - آثار الحجة محمد رازی
- ۶ - گنجینه دانشمندان ج ۸/۱۲ از همو
- ۷ - یکصد سال مبارزه روحانیت مرفی ج ۳، عقیقی بخشایشی
- ۸ - زندگینامه امام خمینی ج اول از انتشارات پانزده خرداد
- ۹ - تفسیر آفتاب از محمدرضا حکیمی
- ۱۰ - تفسیر دعای سحر ترجمه سید احمد فهری (مقدمه)
- ۱۱ - الامام الخمينی قائد الثورة الاسلامیة فی ایران، عادل العلوی
- ۱۲ - لمعات من حياة الامام الخمينی
- ۱۳ - اختران تابناک ج ۲ شیخ ذبیح الله محلاتی
- ۱۴ - نقش روحانیت در اسلام و اجتماع سید علی مقدم
- ۱۵ - امام آمد محمّد بدیمی
- ۱۶ - نهضت روحانیون ایران
- ۱۷ - شهدای روحانیت شیعه در یک صد ساله اخیر
- ۱۸ - زندگینامه علامه مجلسی ج ۲/۱۷-۴۲۲
- ۱۹ - بیوگرافی و خلاصه ای از زندگانی امام خمینی نصرالله روحانی شهرزائی
- ۲۰ - شرح رساله المشاعر ملاحظرا - مقدمه، پاورقی ص ۷۸
- ۲۱ - مشاهیر جهان ص ۸۹۶

بقیه در صفحه ۱۶۴



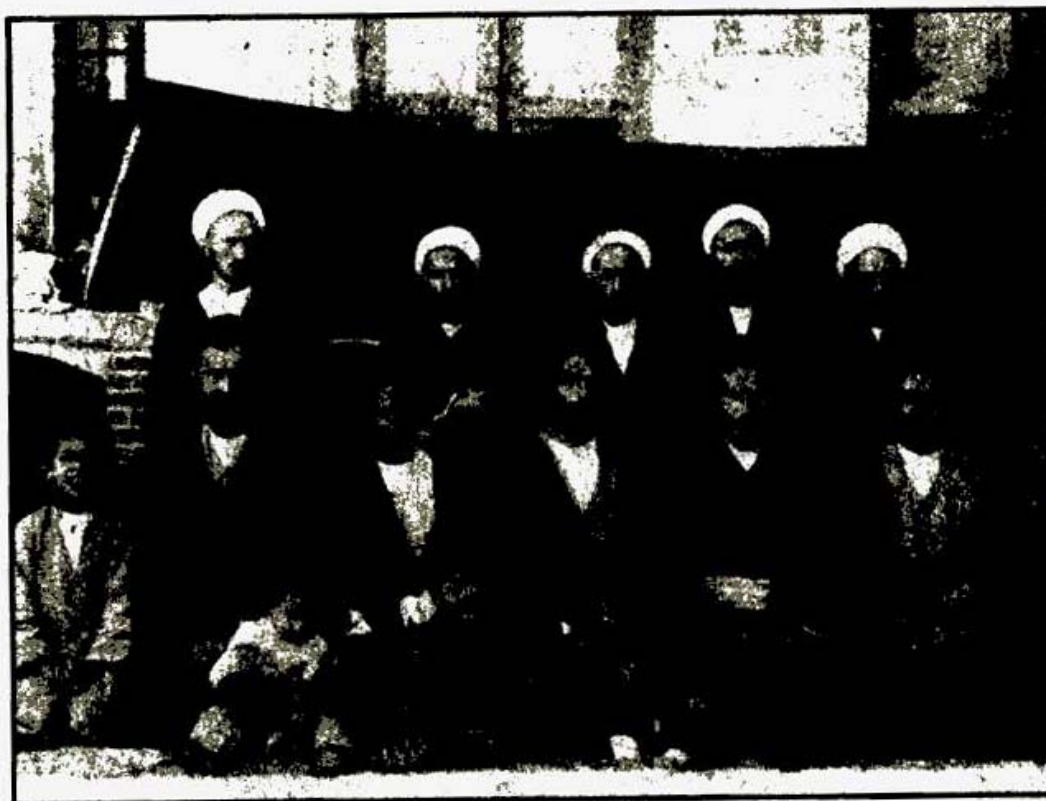
عکسی از حضرت امام (قدس سره) در سن ۲۲ سالگی و حضرت آیت الله حاج
سید محمد صادق لوازانی در سن ۱۹ سالگی



افراد حاضر در این تصویر با حذف القاب عبارتند از :

ردیف بالا از راست به چپ : ۱- آقا سید ابوالحسن طهرانی ۲- سید محمد
ولاثی زنجانی ۳- حضرت امام ۴- آقا سیدعلینقی طهرانی ۵- آقا سیداحمد
لواسانی ۶- آقا محمد پسر آقا سیداحمد لواسانی ۷- آقا سیدمحمد صادق
لواسانی *

ردیف پائین از راست به چپ : ۱- آقا مهدی پسر آقا شیخ عباس طهرانی
۲- آقا شیخ عباس طهرانی ۳- آقا میرزا محمد علی ادیب طهرانی ۴- حاج
سید احمد زنجانی ۵- حاج آقا عبدالله آل آقا طهرانی ۶- آقا شیخ عبد
الحسین فقیهی رشتی ۷- حاج سید موسی شبیری زنجانی



روز شنبه دوم ربیع الاول ۱۳۵۵

ردیف بالا از راست به چپ : ۱- آقا شیخ محمد علی طالقانی ۲- آقا شیخ
عبدالحسین فقیهی ۳- آقا شیخ محمدعلی ادیب ۴- آقا شیخ عباس طهرانی
۵- آقا شیخ نصرالله خلخالی

ردیف پایین از راست به چپ : ۱- حضرت امام ۲- حاج سید احمد لواسانی
۳- حاج سید احمد زنجانی ۴- آقا سید کاظم عراقی ۵- آقا سید محمد صادق
لواسانی ۶- آقا سید محمد فرزند حاج سید احمد لواسانی

پیشنهادی پیرامون تحقیق در ابعاد گوناگون شخصیت امام خمینی (رضوان الله تعالی علیه)

مقدمه

قلم کوچکتر از آن است که توان ترسیم چهره بزرگمردان تاریخ را داشته باشد و زبان عاجزتر از آنکه در وصف جلالت قدرشان لب به سخن گشاید. این نکته تنها اختصاص به مقام اهل عصمت و ولایت (علیهم السلام) ندارد که اساساً آنجا جای سخن و کلام نیست و عقل را قدرت پرواز در حریم قدسشان نباشد. بلکه این سخن در مورد رهروان و جرعه نوشان مکتب قرآن و اهل بیت (ع) نیز بحق صادق است. راستی چه کسی را جرأت آن است که پیرامون ابعاد انسانی سخن گوید که با تمسک به منابع گرانقدر وحی از سر چشمه های زلال آن ارتزاق نموده و در فضای پاک آن به رشد و تعالی بی مانندی رسیده است.

اگرچه تاریخ اسلام از این ستارگان درخشان فراوان به یاد دارد ولی بی گمان مصداق بارز و بی مانند آن در عصر حاضر را می توان رهبر آزادگان و پیشوای مستضعفان، احیاگر اسلام ناب در عصر معاصر، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی (قدس سره الشریف) دانست، راستی که قلم در مواجهه با چهره درخشان این بزرگ رهبر زمان متحیر می ماند که چه نویسد و از کجا آغاز کند؟ از سیاست و شجاعتش بنویسد یا از عرفان و

معنویتش، رهبری و مدیریتش را ترسیم کند یا خلوص و تقوایش را بنگارد، از نهیب و فریادش بر مستکبران و ظالمان زمان نویسد یا از ناله و نیازش در پیش خدای رحمان، صلابتش در برابر کفر را رقم زند یا خضوعش در برابر حق را توصیف کند، آرمانهای بلندش در تحقق نظام عدل را ثبت نماید، یا از عنایتش حتی به مسائل ظریف و به ظاهر جزئی سخن براند؟ راستی که کوه‌های سربلک کشیده در برابر بلندای فکرش احساس حقارت کرده و دریا در مقابل سینه فراخ او به خضوع و خشوع می افتد. کدام سینه مشروح را توان درک این همه تنوع و تعدد است و کدام خامه را توان توصیف این همه زیبایی و جمال است.

آرمانهای والا، روح پرصلابت، فکر روشن و زمان شناس و زندگی سراسر درخشان امام (قدس سره) می تواند سرمشقی برای حال و آتیه و رهنمائی در پیچ و خم تاریخ آینده بشریت باشد.

اما افسوس و هزار افسوس که با مرور زمان گرد غفلت چهره‌های تابناک انسانیت را زیر پرده‌ای از ابهام فرو برده و شب پرستان نور ستیز، راه و آرمانهای روشن آن بزرگان را به مسلخ توجیه و تحریف می کشانند. و افس انگیزتر آنکه بعضاً دوستان نادان نیز بی توجه به حقیقت حال، بر طبق سلیقه و فکر خویش به تصویری واژگون از این چهره‌های فروزان پرداخته و خود و دیگران را از بهره گیری حقائق آن محروم می سازند. پس بر شیفتگان حقیقت و رهروان فضیلت است که با سلاح قلم و بیان از اصول و اهداف این روشنی افروزان محفل بشریت دفاع نموده و در حفظ آن از هیچ کوششی دریغ ننمایند، هر چند که جلوه حقانیت راه این بزرگان کافی است تا حق جویان گوهر شناس را به حقیقت راهنما باشد.

جامعیت، بارزترین ویژگی امام

اگر بخواهیم از بارزترین ویژگی امام امت (قدس سره) یاد کنیم قطعاً جامعیت و ذوابعاد بودن شخصیت ایشان از آن جمله است. اگر چه پیرامون جامعیت امام سخن فراوان گفته شده ولی باید اذعان نمود که تا کنون کاری جدی در این خصوص صورت نگرفته و حتی توجهی درخور هم بدان نشده است.

تاریخ شیعه در جای جای خود خبر از فرزانه‌گانی می دهد که در یک یا چند رشته از رشته های علوم اسلامی دارای تبحر و تحقیق فراوان بوده اند و یا خبر از دلیر مردانی می دهد که در صحنه سیاست و پیکار، گوی شجاعت و جانفشانی از رقیبان ر بوده اند، ولی آنچه کمتر به چشم می خورد همانا اجتماع ابعاد گوناگون علمی، اخلاقی و

اجتماعی است که این صفات در امام به یکدیگر گره خورده و از او شخصیتی موثر و بیاد ماندنی برجای گذاشته است.

چه بسیارند فقیهان و محدثانی که خوش درخشیدند ولی فیلسوف و عارف و معلم اخلاق نبودند و چه بسیار فقیهان فیلسوف که اگر چه عارفانی دین شناس نیز بودند ولی مصلحی بیدار، سیاستمداری شجاع و اندیشمندی زمان شناس نبودند... و خدای نا کرده سخن در کم ارج بودن زحمات آن بزرگان و فرزندان نبوده و نیست، چرا که اگر نبود آن همه تلاش و تکاپو و رنج و زحمت طاقت فرسای آنان، اساساً توبت به علمای عصر حاضر نمی رسید تا در مسیر تحقق دست آوردهای آنان تلاش نمایند. بلکه سخن تنها در ویژگی بارز و خصلت شاخص حضرت امام است و بس.

به گمان ما آنچه امثال امام (قدس سره) را از دیگران ممتاز و منحاز می کند این است که در عین توغل در فقه و اصول و فلسفه از توجه به علوم دیگر غفلت ننموده و اشتغالات علمی ایشان را از توجه به ابعاد مختلف اخلاص و تقوی و عبادت بدور نمی سازد. همانجا که عارفی دلسوخته و بنده ای مخلص در پیشگاه خدایند، از شناخت زمان خویش و نیازهای آن بی توجه نمی گذرند و در آن حال که غرق در بندگی و عرفان و سلوک و زهدند از ورود در صحنه سیاست و پنجه در پنجه کفار و شیاطین انداختن، پروائی ندارند. حفظ دیانت و تقوی در صحنه سیاست، شناخت سیاست به عنوان بخشی از دیانت و نظر به عینیت و واقعیت در حرکت بسوی مطلوب همان چیزی است که در گذشته کمتر داشته ایم و در آینده سخت بدان محتاجیم.

اگر دین، جامع همه این ابعاد است و حرکت در مسیر این جامعیت است که سعادت را بدنبال دارد، پس بر اسلام شناسان آگاه فرض است که دین جامع را با ابزار معهود آن شناخته و با همان وصف جامعیت به مشتاقان فرهنگ اسلامی عرضه نمایند. و درست در همین جاست که نظر به جامعیت امام (رضوان الله علیه) و تحقیق پیرامون آن می تواند راهی بسوی مطلوب و پلی در جهت تحقق اهداف عالی دین باشد.

اگر چه بحث از جامعیت اسلام و معنا و مفهوم آن، مباحث مختلف و ملاحظات گوناگونی دارد که باید مستقلاً بدان پرداخت ولی تذکر چند نکته در اینجا خالی از فائده نخواهد بود:

□ ۱ - امام (اعلی الله مقامه) فرزند اسلام و پرورش یافته در دامان این مکتب یعنی حوزه های علمیه است. عظمت، محبوبیت، قدرت و شوکت امام از آن است که او پیروی صادق و اندیشمندی ژرف و غواصی ماهر در کشف حقائق دین است. این نکته را بدان جهت متذکر شدیم که بی غرضان نا آگاه و سالوسان دین فروش با جدا کردن این ثمره و

شکوفه گرانبار از آن درخت تنومند، آیندگان را از بهره گیری هر چه بیشتر از این شخصیت بزرگ محروم ن سازند. باز هم تأکید می کنیم که بحث و تحقیق پیرامون شخصیت جامع و اسوه امام می تواند ما را به ابعاد ناشناخته مکتب آشنا نموده و به سرچشمه های زلال کتاب و عترت راهنما باشد.

۲۵ - متأسفانه گاهی به چشم می خورد کسانی با برداشت غلط و موهون از جامعیت، ارزش آن را تا حد انباشتن ذهن با مشتکی اطلاعات و معلومات پایین می آورند. باید توجه داشت که نه جامعیت به معنای مجموعه ای از اطلاعات متعدد و متنوع است و نه عالم جامع به معنای دائرة المعارفی متحرک از فنون و علوم مختلف و اصولاً تحقق این معنا نه کاری است چندان دشوار و نه امری است گره گشا زیرا آنچه که پیش از این گفتیم جامعیت به عنوان «معنای دیانت»، «سبب سعادت» و «ضرورتی حیاتی» می باشد.

۳ - چنانچه در جای خود معلوم و مبرهن است تجزیه و تحلیل از جامعیت دین و عالم جامع، امری است سهل و ممتنع و به خلاف صورت ساده آن از پیچیدگی و دشواری های خاصی برخوردار است. تحقیق و تبیین در حقیقت جامعیت اسلام، حدود و ثغور آن، نسبت به نحوه ارتباط و هماهنگی ابعاد و وجوه آن و مهمتر از همه، نحوه ارتباط آن با دیگر حوزه های معرفت بشری از وظائف مهمی است که هم اینک بردوش حوزه های مقدسه علمیه سنگینی می کند. به جرئت می توان ادعا نمود تا این بحث زیربنائی به صورتی منفتح و مطلوب تحقیق نشود بحث در جزئیات فرهنگ اسلامی نیز نمی تواند چنانکه باید، از کارائی و پرباری لازم برخوردار باشد.

۴ - بحث از ابعاد شخصیت حضرت امام (قدس سره) خود موضوعی مستقل و دامنه دار است که باید با دقت و فراست و با تسلط بر حرکت و رهنمودهای ایشان و با آشنائی به مبانی مکتب همراه باشد و کوچکترین مسامحه و سهل انگاری در این امر می تواند در آتیه، مشکلات و انحرافات بسیاری را بدنبال داشته باشد. و بدیهی است که چنین کار عظیمی نه در حد توان یک فرد و یا حتی یک جمع، بلکه همفکری و همکاری اندیشمندان و صاحب نظران گوناگونی را می طلبد که با بحث و گفتگو در محیطی کاملاً علمی و معنوی و بدور از هرگونه گرایش ناصواب، جامعیت امام را روشن نموده و به دوستان و رهروان حضرتش عرضه نمایند. در صورتی که این کار از عمق و ظرافت و غنای کافی برخوردار باشد به نوبه خود می تواند پایه گذار بحثی علمی در سطح حوزه های علمی و دانشگاه های ایران و جهان باشد. از این رو پیشنهاد می شود که مجمعی قوی و مستقل از صاحب نظران و امام شناسان با دیدگاه های متنوع تشکیل شود، تا نتایج

فعالیت این بنیاد فرهنگی، تشنگان و مشتاقان انقلاب اسلامی و فرهنگ مقدس اسلام را در سطح جهان تغذیه نماید.

بدیهی است که سهم عمده‌ای از این مسئولیت برعهده روحانیون معظم و حوزه‌های علمیه است که با شناخت هرچه دقیق‌تر این مسئولیت بدین امر مهم همت گمارند.

این بحث را همینجا به پایان می‌رسانیم و توضیح بیشتر پیرامون روش تحقیق در ابعاد گوناگون امام (قدس سره) را در صفحات آینده پی خواهیم گرفت.

* * *

با توجه به ضرورت‌های فوق، از مذتها پیش گروهی از فضلاء و ارادتمندان به حضرت امام (قدس سره) برآن شدند تا قدمی هرچند کوچک در این مسیر برداشته و امکانات خویش را به محک تجربه زنند، تا در صورت موفقیت گوشه‌ای از دین خویش را در این زمینه ادا کرده باشند.

تصمیم برآن بود که با مطالعه دقیق و همه‌جانبه پیام‌ها و رهنمودهای امام امت از ابتدا تا کنون، نقطه نظرات معظم له به صورت موضوعی گردآوری شده و سپس با همکاری و اشراف صاحب نظران به جمع‌بندی و تحلیل درست آنها اقدام شود:

براهل فن پوشیده نیست که این کار به دلیل عظمت و حساسیت خاص آن، مشکلات ویژه‌ای نیز بدنبال خواهد داشت. در این راه ابتداء می‌بایست فهرستی از محورهای اصلی و عناوین جزئی آن تهیه می‌شد تا رهنمائی برای جستجوگران باشد. برای اینکار لازم بود تمامی رهنمودها و پیام‌های ایشان ولو اجمالاً بررسی شده و عناوین کلیدی آن جهت تهیه فهرست انتخاب شود بدیهی است که این فهرست صرفاً جنبه راهنما داشته و تنها نشان دهنده حدود و فضاهاست که فیش برداری در آن محدوده انجام می‌گیرد. طبعاً در مراحل بعدی تحقیق، همزمان با جمع‌آوری فیش‌ها، این فهرست نیز تصحیح و تکمیل شده و به صورت مجموعه‌ای جامع از رؤس دیدگاه‌های معظم له درخواهد آمد.

پس از این قدم، فیش برداری آغاز شد که این کار نیز با شدت و ضعف ادامه می‌یافت و بتدریج بر غنای این مجموع می‌افزود، که مع الأسف آن ثلمه عظیم و مصیبت عظمی واقع شد و آن عزیز رهبر و آن پیر و مراد صحنه سیاست و عبادت به ملکوت اعلی پیوست و اُمّتی را در سوگ فقدانش عزادار نمود. همه امید آن داشتند که باز هم از صدای گرم و ملکوتی بهره‌ها گرفته و از شاخه‌های پر بار کلامش خوشه‌ها بچینند اما صد افسوس و هزار افغان...

بدین خاطر این جمع کوچک برآن شد تا به نشانه وفاداری به اصول و آرمانهای رهبر و مرجع بزرگ خویش، نتیجه مطالعات خود را به امت عاشق و عزادار عرضه نماید، اما متأسفانه دست ما کوتاه بود و خرما بر نخیل. چرا که نتیجه تلاشهای گذشته تنها مجموعه‌ای از مواد خامی بود که تا عرضه دقیق و مناسب آن به صورت دیدگاههای معظم له فاصله درازی درپیش داشت. مضافاً براینکه هنوز بخشی از نظریات امام استخراج نشده بود و این مقدار نیز نمی‌توانست ملاک ما در ارزیابی و تحلیل نظریات حضرتش باشد.

ابتداء برآن شدیم تا تعدادی از موضوعات حساس و مهم‌تر را از این مجموعه انتخاب نموده و به‌مناسبت این ایام آماده نمائیم. ولی عظمت کار، فرصت کم و قلت بضاعت مانع از این کار می‌شد. بالاخره تصمیم گرفتیم که همان فهرست اولیه را منتها با حذف بعضی عناوین و مقداری دخل و تصرف به چاپ رسانده، شاید بیانگر گوشه‌ای از شخصیت آن «عزیز سفر کرده» باشد.

همچنین در دنباله این فهرست اصل مقاله روش تحقیق در نظرات حضرت امام (قدس سره) را به صورت یک مقاله مستقل به حضور خوانندگان عزیز عرضه می‌داریم. نهایت آرزویمان این است که این قدم کوچک مقدمه‌ای بر پژوهشهای روشنگرانه اهل نظر باشد. ما نیز به نوبه خود تلاشمان براین است که با توفیقات الهی و تأییدات حضرت حجت (عج) در آتیه‌ای نه‌چندان دور مقالاتی دقیق پیرامون جامعیت و ابعاد گوناگون حضرت امام (قدس سره) به مشتاقان معظم له و امت امام عرضه نمائیم. انشاءالله.

محورهای اصلی این فهرست عبارتند از:

- ۱- سیاست، حکومت، ولایت
- ۲- اهداف جهانی انقلاب اسلامی
- ۳- علم، فرهنگ و تعلیم و تربیت
- ۴- روحانیت و حوزه‌های علمیه
- ۵- فقه و فقهات
- ۶- دانشگاه و دیگر مراکز علمی
- ۷- ارتباط حوزه و دانشگاه
- ۸- نسل جوان
- ۹- اسلام ناب محمدی و اسلام آمریکائی
- ۱۰- وحدت و اختلاف
- ۱۱- دفاع، جهاد و قوای نظامی

۱۲ - اقتصاد

۱۳ - تبلیغات

۱۴ - شهادت، شهداء، جانبازان و اسراء

اما قبل از مطالعه جزئیات این محورها توجه به دو نکته ضروری است:

۱ - عناوین جزئی فهرست به جز در چند مورد استثنائی مستقیماً از فرمایشات معظم له گرفته شده و سعی بر آن بوده است که حتی الامکان عین کلمات ایشان آورده شود. البته موارد استثنائی نیز غالباً عبارتهای عام و شاملی است که از چندین جمله مختلف اقتباس شده است.

۲ - ذکر این عناوین به هیچ وجه به معنای انحصار ابعاد شخصیت و نظرات معظم له در خصوص این موارد نمی باشد. «اخلاق و عرفان»، «اصول و مبانی اسلام و آدبان الهی»، و «مستضعفین و محرومین» و... از دیگر عناوینی بودند که به عللی چون کامل نبودن مطالعات بدلیل گستردگی فوق العاده این مباحث فعلاً از ذکر آن خودداری شد. باز هم یادآوری می کنیم که این مجموعه را تنها باید به عنوان نمونه ای مختصر در این موضوع تلقی نمود.

۱ - سیاست، حکومت، ولایت

الف - سیاست

ب - حکومت

- | | |
|--|--|
| ۱ - دخالت در سیاست در رأس تعالیم انبیاء. | ۱ - حکومت از ضروریات اسلام. |
| ۲ - سیاست و حکومت تشکیل دهنده احکام قرآن و سنت. | ۲ - هویت و حقیقت حکومت و نظام. |
| ۳ - سیاسی بودن بسیاری از احکام عبادی. | ۳ - ایجاد حکومت اسلامی آرزوی رسول اکرم (ص) و همه مسلمین. |
| ۴ - اسلام منهای سیاست از بدترین القابات استعمارگران. | ۴ - حکومت، شعبه ای از ولایت مطلقه رسول الله (ص). |
| ۵ - ضدیت منطق اسلامی با منطق سکوت و سازش. | ۵ - حکومت، مقدم بر جمیع احکام فرعی الهی. |
| ۶ - رهبری سیاسی روحانیت. | ۶ - مقصد اعلی، اجرای جمیع احکام نورانی اسلام. |
| ۷ - مصیبت خودباختگی در مقابل بیگانگان. | ۷ - حکومت، فلسفه عملی تمام فقه. |
| ۸ - جهاد با کفر جهانی در تمامی ابعاد آن. | ۸ - اطاعت از حکومت اسلامی وظیفه اسلامی و وجدانی. |
| ۹ - آشنا ساختن مردم به سیاست و مسائل روز. | ۹ - مصلحت نظام، مقدم بر هر چیز. |
| ۱۰ - حضور فعال مردم در صحنه های سیاسی. | ۱۰ - حفظ نظام مقدم بر هر چیز. |
| ۱۱ - صدور انقلاب زمینه ساز انقلاب جهانی حضرت حجت (عج). | ۱۱ - توجه به وضعیت آینده نظام. |

ج - ولایت و رهبری

- ۱ - مخالفت با ولایت فقیه، تکذیب ائمه (ع) و اسلام.
- ۲ - ولایت مطلقه فقیه.
- ۳ - صفات و شرایط ولی فقیه.
- ۴ - وظائف و حوزه اختیارات ولی فقیه.
- ۵ - تقدم ولایت بر سایر احکام فرعیه.
- ۶ - تشخیص مصلحت نظام وظیفه رهبر.
- ۷ - وصیت به رهبر آینده در خدمت به اسلام و محرومان و مستضعفین.
- ۸ - توصیه به رهبری آینده در مورد انتخاب اصحاب و بیت.

۲ - اهداف جهانی انقلاب اسلامی

- ۱ - احیاء سنت پیامبر (ص) و عمل به دستورات قرآن کریم.
- ۲ - هموار نمودن راه برای ظهور منجی و مصلح کل و امامت مطلقه امام زمان ارواحنا فداه.
- ۳ - وحدت مسلمانان برای مقابله با کفر جهانی.
- ۴ - فتح سنگرهای کلیدی جهان.
- ۵ - نجات اسلام عزیز با روشن نمودن دو تفکر و فرهنگ اسلام ناب محمدی - صلی الله علیه وآله و سلم - و اسلام آمریکایی.
- ۶ - آشنا سازی مسلمانان با مبانی عقیدتی و تربیتی اسلام و همچنین اصول و روشهای مبارزه علیه نظامهای کفر و شرک.
- ۷ - ایجاد جبهه قدرتمند اسلامی - انسانی با همان نام و نشان اسلام و انقلاب در برابر جبهه متحد شرق و غرب.
- ۸ - راه اندازی بسیج بزرگ سربازان اسلام در جنگ اعتقادی.
- ۹ - استفاده از جوانان پرشور و شهادت طلب برای شکستن خطوط جبهه کفر.
- ۱۰ - پیاده کردن اهداف بین الملل اسلامی در

جهان فقر و گرسنگی.

- ۱۱ - خشکانیدن ریشه های فاسد صهیونیسم و سرمایه داری و کمونیسم در جهان.
- ۱۲ - علنی ساختن منشور مبارزه و سازماندهی جنود خدا در برابر جنود ابلیس و ابلیس صفتان.
- ۱۳ - مبارزه با بت پرستی جدید و مدرن در شکل ها و افسونها و ترفندهای ویژه خود.
- ۱۴ - تشکیل هسته های مقاومت حزب الله در سراسر جهان.
- ۱۵ - تجدید حیات حج و قرآن کریم و بازگرداندن این دوه به صحنه های زندگی.

۳ - علم، فرهنگ و تعلیم و تربیت

الف - مسائل کلی فرهنگ

- ۱ - رشد فرد و جامعه از رئوس برنامه ها و تعالیم اسلام
- ۲ - اصلاح فرهنگ رأس همه اصلاحات.
- ۳ - لزوم تحول فرهنگی در همه شئون کشور برای نیل به پیروزی نهائی.
- ۴ - اشاعه مادیت هدف شوم منحرفین.
- ۵ - از توطئه های بزرگ استعمار به دست گرفتن مراکز تعلیم و تربیت.
- ۶ - از کود کستان تا دانشگاه مرکز امید و جولان دستهای خبیث استعمار.
- ۷ - محروم کردن ما از هریشرفت علمی بخصوص در سده اخیر.
- ۸ - تحقق ادب و فرهنگ اسلامی عامل جلوگیری از آسیب پذیری.
- ۹ - خروج از فرهنگ بدآموز غربی و جایگزین شدن فرهنگ آموزنده اسلام مستلزم سالیان دراز تلاش و کوشش.
- ۱۰ - محکومیت آزادی به شکل غربی از نظر اسلام و عقل.

ب - مسائل کلی علم و دانش

- ۱ - علم یک حقیقت غیرمتماهی.
- ۲ - حقیقت علم، وجودی مجرد از ماده که به احکام ماده محدود نخواهد بود.
- ۳ - بشریت در گهواره طفولیت دانش.
- ۴ - علم و تقوی ملاک ارزش درلسان انبیاء و اولیاء.
- ۵ - لزوم آمیختگی علم و تقوی.
- ۶ - معلم، امانتداری که انسان امانت اوست.
- ۷ - منشأ تمامی بدبختی‌ها اساتید غیرمتمهد و وابسته.
- ۸ - لزوم تدریس قرآن در تمام رشته‌های علمی.
- ۹ - عدم اختصاص علوم خصوصاً علوم اسلامی به مردان.
- ۱۰ - نیاز مبرم به مفزهای متفکر.

ج - تعلیم و تربیت

- ۱ - تربیت صحیح انسان از اهم مسائل.
- ۲ - بهشت انبیاء برای تربیت انسانها.
- ۳ - سعادت انسان در گرو تبعیت از امور معنوی و مجاهدات ظاهری به صورت توأم.
- ۴ - امر به معروف و نهی از منکر و نقش آن در اصلاح جامعه.
- ۵ - تأکید بر تعلیم و تربیت همه جانبه.
- ۶ - تزکیه مقدم بر تعلیم و تعلم.
- ۷ - آموزش بدون پرورش موجب نابودی معنویت بشر.
- ۸ - بی فائده بودن تهذیب تنها و کورکورانه.
- ۹ - اهمیت تهذیب نفس در جوانی.
- ۱۰ - تربیت اسلامی جوانان با توجه به مسائل روز.
- ۱۱ - باتوان پیشناز در تعلیم و تربیت.

د - توصیه‌ها

- ۱ - لزوم قدردانی دولت و دست اندرکاران و تشویق مادی و معنوی از مشخصین.
- ۲ - توصیه در مورد امور فرهنگی فرزندان شاهد.
- ۳ - توصیه در مورد امور فرهنگی جانبازان.

- ۴ - تبدیل زندانها به مدارس آموزشی و تربیتی.
- ۵ - جلوگیری از مجلات، کتب، و مقالات و سخنرانیهای خلاف اسلام و عفت عمومی و مصالح کشور.
- ۶ - ایجاد مراکز تربیتی در سطح روستاها.

۴ - روحانیت و حوزه‌های علمیه

الف - کلیات

- ۱ - ضرورت وجود روحانیت.
- ۲ - قطع نفوذ روحانی، قطع بد رسول الله - صلی الله علیه و آله و سلم.
- ۳ - اسلام منهای روحانیت خیانتی بزرگ.
- ۴ - لزوم رهبری روحانیت.
- ۵ - حوزه‌های علمیه، حافظان فقه و علوم اسلامی.
- ۶ - خدمات حوزه و اهمیت آن.

ب - وظائف و خدمات حوزه

- ۱ - حوزه و لزوم بدست گرفتن نبض تفکر و نیاز آینده جهان.
- ۲ - تبیین اسلام ناب محمدی - صلی الله علیه و آله و سلم - و اسلام آمریکائی و وظیفه حوزه‌های علمیه.
- ۳ - تأثیرات عظیم حوزه در اصلاح فرهنگ جامعه.
- ۴ - ضرورت حضور فعال روحانیون در صحنه سیاست، همراه با حفظ حوزه‌های فقاها.
- ۵ - اهمیت رهبری و هدایت روحانیت در صحنه‌های سیاسی و اجتماعی.
- ۶ - روحانیت سدی در مقابل مطامع استعمارگران.
- ۷ - حوزه‌های علمیه حافظ استقلال و تمامیت ممالک اسلامی.
- ۸ - از والا ترین حوزه‌ها حوزه معنویت و تهذیب نفس.
- ۹ - ضرورت همگانی شدن حوزه‌های معنویت و اخلاق.
- ۱۰ - لزوم رابطه تنگاتنگ روحانیت و مردم.
- ۱۱ - روحانیت و مقابله با التقاط و انحراف.

- ۱۲ - روحانیت و مقابله با تحجر و تقدس مآبی.
- ۱۳ - روحانیت و مقابله با زراندوزی و سرمایه‌داری ظالمانه.
- ۱۴ - روحانیت حامی مستضعفین و محرومین.
- ۱۵ - آمادگی روحانیت برای ایثار و شهادت در راه هدایت مردم.
- ۱۶ - تبلیغات، وظیفه مهم روحانیت.
- ۱۷ - شهداء گرانقدر روحانیت.
- ۱۸ - قضاوت، وظیفه حوزه در تربیت قضات.
- ۱۹ - نتیجه زحمات روحانیت آثار پربرکتی چون کتب اربعه، فقه، فلسفه، ریاضیات، نجوم... و تمامی رشته‌های متنوع علوم اسلامی.
- ۲۰ - عامل اکثر موفقیت‌های روحانیت، ارزش علمی و زهد آنان.
- ۲۱ - لزوم و اهمیت تحصیل فقه، فلسفه و تفسیر.
- ۲۲ - نیاز حوزه‌ها به فراگیری علوم جدید و مورد نیاز.

ج - هشدارها و توصیه‌ها

- ۱ - توصیه به علماء و مراجع نسبت به اهتمام در مسائل سیاسی جامعه.
- ۲ - ترنم در بی‌نظمی از القائنات شوم توطئه‌گران.
- ۳ - خطر نفوذ بیگانگان در جایگاه و فرهنگ حوزه‌ها.
- ۴ - تحریف مقاصد و وظائف روحانیت توسط دشمنان.
- ۵ - لزوم برنامه‌ریزی برای حفظ حوزه‌ها از آسیب و تأمین نیازهای نظام مسلمین.
- ۶ - تضعیف فرهنگ اسلام و علماء اسلام، پلی برای تأمین مقاصد استعمار.
- ۷ - لزوم توجه بیشتر حوزه‌ها به امر قضاوت.
- ۸ - توجه به اهمیت تبلیغات.
- ۹ - لزوم تناسب بین تبلیغات و نیازها و وضع حوزه‌ها.
- ۱۰ - وحدت روحانیون لازمه حفظ انقلاب.
- ۱۱ - دو مطلب نگران‌کننده برای انقلاب و روحانیت، خروج از زنی طلبگی و اختلاف روحانیون.

- ۱۲ - اختلاف اساسی وزیرنائی سبب ست شدن نظام.
- ۱۳ - اختلاف جناح‌های مختلف روحانی به سود دشمنان روحانیت.
- ۱۴ - مرزبندی فقه بویا و سنتی آغاز باز شدن راه استفاده دشمنان.
- ۱۵ - بد واحد بودن طلاب و مدرسین انقلابی در مقابل طیف بی‌عرضه و تق‌بزن.
- ۱۶ - لزوم اتحاد طلاب در مقابل مروجین اسلام آمریکائی.
- ۱۷ - لزوم استقبال مدرسین از طرح‌ها و نظرات طلاب جوان.
- ۱۸ - وظائف طلاب جوان.
- ۱۹ - خطر حرکت‌های تند طلاب.
- ۲۰ - جذب نشدن طلاب انقلابی به جامعه مدرسین موجب گرفتاری در دامن مروجین اسلام آمریکائی.
- ۲۱ - خطر کوتاه مدت در حوزه، نفوذ دادن افراد منحرف و تبهکار در حوزه‌ها.
- ۲۲ - خطر درازمدت در حوزه، به مقامات بالا رساندن چند نفر شیاد و عالم‌نما.
- ۲۳ - هشدار در مورد روی کار آمدن انقلابی‌نماهایی که با اصول و اهداف روحانیت آشتی نکرده‌اند.
- ۲۴ - خطر مهره‌های اسلام‌نما.
- ۲۵ - ضربه زنده‌ترین گروه به اسلام، مقدسین روحانی‌نما.
- ۲۶ - روحانی نمایان، پرخطرترین و آسیب‌رساننده‌ترین افراد.
- ۲۷ - خطر تشریفات در حوزه.
- ۲۸ - خطر رفاه‌زدگی و راحت‌طلبی.

۵ - فقه و فقاهت

الف - کلیات

- ۱ - فقه، تئوری واقعی و کامل اداره انسان از گهواره تا گور.

- ۲ - رسالت فقه، جوابگویی به نیازهای فردی و اجتماعی.
- ۳ - فقهاء، حافظین علوم قرآن و اسلام و اهل بیت (ع).
- ۴ - فقه، حاصل زحمات روحانیت شیعه و علماء گذشته.
- ۵ - فقاهت در رأس امور حوزه.
- ۶ - غایت اصلی دروس حوزه، ابقاء و رشد تحقیقات علوم اسلامی خصوصاً فقه به طریقه سلف صالح.
- ۷ - فقه سنتی و جواهری.

ب - فقاهت و روش اجتهاد

- ۱ - بهترین شیوه برای بررسی عمیق و همه جانبه در علوم اسلامی، شیوه علماء سلف.
- ۲ - حوزه، غنی و مبتکر از نظر منابع و شیوه های بحث و اجتهاد.
- ۳ - طریقه مشایخ معظم تنها راه فقه اسلامی.
- ۴ - بومیانی فقه و نقش زمان و مکان.
- ۵ - زمان و مکان دو عنصر تعیین کننده در اجتهاد.
- ۶ - فقه و احکام اولیه و ثانویه و احکام حکومتی.
- ۷ - باز بودن باب اجتهاد.
- ۸ - عدم کفایت اجتهاد مصطلح در اداره نظام و حکومت.
- ۹ - خصوصیات مجتهد جامع.
- ۱۰ - لازمه کار مجتهد جامع، احاطه در مسائل سیاسی و اجتماعی و آشنائی به روش برخورد با حیلها و نزویرها.

ج - تحقق و حاکمیت فقه

- ۱ - تلاش در تحقق فقه بدون توجه به غرب حیله گر و شرق متجاوز.
- ۲ - نهضت و انقلاب برای پیاده کردن احکام اسلام.
- ۳ - فقه، تئوری واقعی و کامل اداره انسان از گهواره تا گور.

- ۴ - هدف اساسی ماچگونگی پیاده کردن اصول محکم فقه در عمل فرد و جامعه.
- ۵ - حکومت، فلسفه عملی تمام فقه.
- ۶ - بی ضرر بودن فقه مستور در کتابها و سینه علماء برای جهانخواران.
- ۷ - ترس استکبار از جنبه عینی و عملی پیدا کردن فقه و اجتهاد.

۶ - دانشگاه، دیگر مراکز علمی

الف - کلیات

- ۱ - نقش دانشگاهها و مدارس و اهمیت آن.
- ۲ - نقش اساسی دانشگاهها و مدارس در فرهنگ مملکت.
- ۳ - انقلاب فرهنگی و ضرورت آن.
- ۴ - دانشگاه مطلوب، پلی در راه منافع کشور به تعلیم و تهذیب و تربیت.
- ۵ - مبارزات دانشجویان علیه ظلم و انحراف.
- ۶ - از کود کستان تا دانشگاه مرکز امید و جولان دستهای خبیث استعمار.
- ۷ - دانشگاه، منشأ همه دردها و ضربات وارده بر ملت در سابق.
- ۸ - دانشگاه استقلالی و دانشگاه استعماری.
- ۹ - منحرف ساختن دانشگاه از فرهنگ و ادب اسلامی، توطئه دشمنان.

ب - توصیه ها

- ۱ - ضرورت تقویت و استمرار انقلاب فرهنگی.
- ۲ - مسئولیت دانشجویان در برخورد با فرهنگ شرق و غرب.
- ۳ - ضرورت توسعه و اصلاح مراکز آموزشی.
- ۴ - دانشگاه آزاد، پیشنهادی بسیار خوب.
- ۵ - جلوگیری از ورود عناصر فاسد و دارای مکتبهای انحرافی و گرایش به شرق و غرب به دانشگاهها و دیگر مراکز تعلیم و تربیت.

۷ - ارتباط حوزه و دانشگاه

الف - کلیات

- ۱ - مدارس علمیه و دانشگاهها، قلب پنبنده و نبض زنده ملت.
- ۲ - حوزه و دانشگاه، دویازوی متحد نظام اسلامی.
- ۳ - حوزه و دانشگاه مرکز نشر حقائق اسلام و مسائل سیاسی جامعه.
- ۴ - اهمیت دادن ملت و متعهدانی متخصص و دولتمردان، به مدارس علمی و دانشگاهها.

ب - وحدت حوزه و دانشگاه

- ۱ - ضرورت وحدت بین حوزه و دانشگاه در تمام ابعاد.
- ۲ - ضرورت تلفیق فرهنگ نظری و فلسفی حوزه ها با فرهنگ تجربی و حسی دانشگاهها.
- ۳ - کوشش اجانب برای ایجاد اختلاف بین روحانی و دانشگاهی.
- ۴ - توصیه به دانشگاهیان و جوانان برومند در پیوند و تفاهم هرچه بیشتر با روحانیت.
- ۵ - لزوم استقبال حوزه از حرکت فرهنگی جوانان اندیشمند در مسائل اسلامی و عدم مقابله تند با آنان.
- ۶ - نادیده نگرفتن احساسات و عواطف جوانان پرشور توسط روحانیت.
- ۷ - منزوی کردن افرادی که درصدد اختلاف بین حوزه و دانشگاهند.

ج - بسیج حوزه و دانشگاه

- ۱ - بسیج حوزه و دانشگاه، ضرورتی اساسی.
- ۲ - حوزه و دانشگاه، عهده دار مسائل اعتقادی بسیجیان جهان.
- ۳ - ارائه چهارچوب های اسلامی ناب محمدی - صلی الله علیه وآله وسلم - توسط حوزه و دانشگاه به بسیجیان.

- ۴ - اصول تغییرناپذیر نه شرقی و نه غربی، وظیفه بسیج حوزه و دانشگاه.

۸ - نسل جوان

الف - کلیات

- ۱ - کودکان و نوجوانان آینده سازان انقلاب.
- ۲ - همت والای جوانان عامل پیروزی نهضت.
- ۳ - جوانان و نوجوانان بسیجی.
- ۴ - جوانان حزب اللهی صاحبان اصلی انقلاب.
- ۵ - سهم کودکان و نوجوانان در نهضت اسلامی.
- ۶ - جوانان بسیجی و پیمودن ره صدساله در یک شب.
- ۷ - ضرورت حضور دائمی جوانان متعهد در صحنه.
- ۸ - ضرورت برخورد جوانان حزب اللهی با مظاهر فساد و اخلاق بطور قاطع.

ب - تربیت نسل جوان

- ۱ - ضرورت آشنائی جوانان به معارف اسلامی.
- ۲ - تربیت اسلامی جوانان با توجه به مسائل روز.
- ۳ - تأکید بر آشنا ساختن نوجوانان با مسائل روز و سیاست.
- ۴ - لزوم توجه به علاقه پرشور جوانان و نوجوانان به اسلام و امور اجتماعی.
- ۵ - پرورش دوقوه جسمانی و روحانی در نسل جوان.
- ۶ - اهمیت تهذیب نفس در جوانی.
- ۷ - دانشگاه مطلوب، پلی در راه منافع کشور به تعلیم و تهذیب و تربیت.
- ۸ - لزوم استقبال حوزه از حرکت فرهنگی جوانان اندیشمند در مسائل اسلامی و عدم مقابله تند با آنان.
- ۹ - وظیفه الهی ما قدردانی از جوانان خدمتگزار به اسلام.
- ۱۰ - لزوم از بین بردن روحیه تقلید در جوانان.
- ۱۱ - مبارزه علمی برای جوانان موجب زنده شدن روح جستجو و کشف واقعیتها.

۹ - اسلام ناب محمدی (ص) و اسلام آمریکائی

۱ - لزوم تحقیق و تبیین و نشر اسلام ناب محمدی (ص) و تفاوت آن با اسلام آمریکائی.

۲ - تفکیک و تبیین دودیدگاه و فرهنگ اسلام ناب و اسلام آمریکائی، وظیفه حوزه علمیه.

۳ - ویژگیهای اسلام ناب محمدی (ص) و اسلام آمریکائی.

۴ - دشمنی با اسلام ناب محمدی (ص) در نهاد و سرشت آمریکا و شوروی.

۵ - کشتار زائران خانه خدا توسطه ای برای حفظ سیاستهای استکباری و جلوگیری از اسلام ناب محمدی (ص).

۶ - اسلام ناب محمدی (ص) اسلام فقراء دردمند، اسلام پابرهنگان و اسلام تازیانه خوردگان تاریخ.

۷ - اسلام آمریکائی، اسلام مرفهین بی درد، اسلام سرمایه داری و اسلام منافقین و لیبرالها.

۸ - ارائه چهارچوب های اسلامی ناب محمدی (ص) به بیخ توسط حوزه و دانشگاه.

۹ - وظیفه ماء جداسازی زهد و قدس اسلام ناب محمدی (ص) از زنگارهای قدس مآبی و تعجیرگرایی اسلام آمریکائی.

۱۰ - هنریاک، کوبنده سرمایه داران مدرن، کمونیسم خون آشام و اسلام آمریکائی.

۱۱ - وظیفه طلاب انقلابی اتحاد با مدرّسین در مقابل مروجین اسلام آمریکائی.

۱۲ - جذب نشدن طلاب انقلابی به جامعه مدرّسین موجب گرفتاری در دام مروجین اسلام آمریکائی.

۱۳ - انتخاب نمایندگان مجلس از طرفداران اسلام ناب محمدی (ص) و طرد طرفداران اسلام آمریکائی.

۱۰ - وحدت و اختلاف

الف - وحدت

۱ - لزوم حفظ اخوت و برادری.

۲ - دورکن اساسی انقلاب، انگیزه الهی و وحدت کلمه.

۳ - توحید کلمه ممالک دنیا، خواست پیامبر اسلام (ص).

۴ - هشیاری و وحدت مسلمین، خنثی کننده دو عامل ارباب و تهدید و تبلیغات ستمگران.

۵ - وحدت اسلامی عامل عقب راندن غرب.

۶ - نقش عظیم مجالس سوگواری در ایجاد وحدت کلمه.

۷ - حفظ اتحاد و عدم تفرقه، درسی از نهضت مشروطیت.

ب - اختلاف سازنده

۱ - نبودن اختلاف سلیقه در ملت دلیل بر نقصان.

۲ - اشکال و انتقاد یک هدیه الهی برای رشد انسانها.

۳ - اثرات مثبت انتقاد سازنده.

ج - اختلاف مخرب

۱ - انتحار مسلمین در اختلافات.

۲ - خطرات اختلاف و جبهه بندی.

۳ - کوبنده بودن اختلافات.

۴ - دامن زدن به اختلافات، معصیتی نابخشودنی.

۵ - اختلافات تنها وسیله تخریبی دشمنان.

۶ - خلل در برادری متصّیان، خلل به اسلام.

۷ - قلم انتقاد مجوّنی قلمی شیطانی.

د - توصیه ها

۱ - پرهیز از تضعیف اشخاص و گروههای در خدمت نظام.

۲ - وظیفه شرعی همه، دست برداشتن از اختلافات کوبنده.

۳ - حاکم سازی روح وحدت و یاکتی در محل کار.

۱۱ - دفاع، جهاد و قوای نظامی

الف - کلیات

- ۱ - جهاد و مبارزه از بزرگترین تکالیف شرعی و الهی.
- ۲ - ایجاد ارزش جهان اسلام تحت پرچم واحد اسلامی برای دفاع از حیثیت اسلام.
- ۳ - قوای مسلح در رأس امور.
- ۴ - پیوند ملت و قوای نظامی.
- ۵ - غفلت از تقویت بنیه دفاعی موجب طمع و تجاوز بیگانگان.
- ۶ - ذوب شدن تمام نیروهای نظامی در یکدیگر و برداشتن قنیت‌ها.
- ۷ - منع ورود و دخالت نیروهای نظامی در خطوط سیاسی در عین آگاهی از مسائل سیاسی.
- ۸ - لزوم آموزشهای عقیدتی و اخلاقی در قوای مسلح.
- ۹ - حرمت تضعیف ارزش.

ب - جنگ تحمیلی و قوای نظامی

- ۱ - جنگ برای ادای تکلیف.
- ۲ - جنگ ما جنگ حق علیه باطل، جنگ فقر و غنا و ایمان و ردالت.
- ۳ - معرفی اسلام به دنیا در پرتو جنگ.
- ۴ - استمرار روح اسلام انقلابی در پرتو جنگ.
- ۵ - قهریت و انجام نیروهای اسلامی در جنگ.
- ۶ - جنگ ما سبب بیداری ملتها و در پی دارنده فتح فلسطین.
- ۷ - بسیجیان حافظان انقلاب اسلامی.
- ۸ - ارزش و سپاه، برگهای زرین افتخار در جنگ.
- ۹ - پاسداران، خدمتگزاران خود جوش انقلاب و جنگ.
- ۱۰ - برکات عزاداری سید الشهداء در جنگ.
- ۱۱ - سنگرها، مرکز عبادت الله.
- ۱۲ - موفقیت‌های صحنه سیاسی و نظامی رهین همت مردم و استقامت رزمندگان.
- ۱۳ - غرور پیروزی‌ها و شهرت‌ها از امراض نفسانی و دامهای شیطانی.

۱۴ - قبول قطع نامه، جام زهر آلود.

۱۵ - لزوم بزرگداشت هفته جنگ.

۱۲ - اقتصاد

الف - کلیات

- ۱ - اصل نه شرقی نه غربی در بُعد اقتصادی.
 - ۲ - مخالفت با قطبهای بزرگ سرمایه داری.
 - ۳ - اسلام خطری برای مستکبران و سرمایه داران.
 - ۴ - عدالت اجتماعی.
 - ۵ - دفاع از محرومین و مستضعفین و کمک به آنها در رأس امور.
 - ۶ - دخل و تصرف در حدود مالکیتها از اختیارات ولی فقیه.
 - ۷ - استقلال و خود کفائی اقتصادی.
 - ۸ - رفاه زدگی و آثار شوم آن.
 - ۹ - مخالفت با زراندوزی و زالوصفتی.
 - ۱۰ - معاندت اسلام با سرمایه داری ظالمانه و بی حساب و محروم کننده توده‌ها.
 - ۱۱ - مباینت اسلام با رژیم کمونیسم و مارکسیسم لنینیسم اشتراکی.
 - ۱۲ - به بن بست رسیدن روشهای اقتصادی و اجتماعی مارکسیسم.
 - ۱۳ - اقتصاد ما اقتصادی متعادل با شناخت مالکیت و احترام به آن به نحو محدود.
 - ۱۴ - حل مشکلات و مسائل اقتصادی با رعایت شرافت اسلامی.
 - ۱۵ - اصلاح بانکها از امور بسیار مهم.
 - ۱۶ - ربا بدترین نوع استثمار.
 - ۱۷ - اهمیت نفت در معادلات جهانی.
 - ۱۸ - استفاده از صنعت و تکنولوژی کشورهای که استثمارگر نیستند.
 - ۱۹ - حفظ بیت المال و عدم اسراف آن.
- ب - سازندگی، بازسازی و خود کفائی
- ۱ - استقلال و خود کفائی اقتصادی و اهمیت آن.
 - ۲ - مطلب اساسی در سازندگی رسیدن به

خود کفائی.

۳ - تحریم اقتصادی و اخراج کارشناسان خارجی، تحفه ای الهی و سبب خود کفائی.

۴ - حرکت در جهت قطع وابستگی به دنیای متوحش.

۵ - اولویت دادن به محرومین و مستضعفین در برنامه های دولت.

۶ - نقش پیشرفت کشاورزی و صنعت در استقلال کشور.

۷ - اولویت خود کفائی کشاورزی بر صنعت.

۸ - استفاده از نیروهای عظیم مردمی در امر بازرسی.

۹ - عدم مشارکت مردم با دولت در امر تجارت موجب عدم موفقیت دولت.

۱۰ - تعاون و همفکری تنها راه بازرسی.

۱۱ - مهمترین عامل در کسب خود کفائی و بازرسی، توسعه مراکز علمی و تحقیقاتی و تمرکز و هدایت امکانات و تشویق مخترعین و مکتشفین.

۱۲ - عدم همکاری بازار با جمهوری اسلامی سبب شکست جمهوری.

۱۳ - وظیفه ما حفظ بازار و وظیفه بازار حفظ دولت.

۱۴ - احترام به سرمایه های مشروع و اطمینان به صاحبان آن به منظور بکارگیری سرمایه ها در سازندگی کشور.

۱۵ - توسعه و تکمیل ابزار و صنایع نظامی از اهداف اصولی و اولیّه بازرسی.

۱۶ - لزوم تبلیغ فعالیت های دولت در امر سازندگی.

۱۳ - تبلیغات

الف - کلیات

۱ - تبلیغات، شناساندن خوبیها و تشویق به آن و ترسیم بدیها و نشان دادن راه گریز و منع از آن.

۲ - دنیا بر دوش تبلیغات.

۳ - تبلیغات از اصول بسیار مهم اسلام عزیز.

۴ - لزوم تبلیغ همگانی.

۵ - سلاح تبلیغات برنده تر از کاربرد سلاح در میدان جنگ.

۶ - معرفی نهضت و صدور انقلاب با تبلیغات.

۷ - ضعف و ناتوانی قدرت تبلیغی ما.

۸ - تبلیغات اسلامی خواهران.

ب - ارکان تبلیغات و وظائف آنها

۱ - نویسندگان معتمد و گویندگان و وظیفه خطیر آنها.

۲ - رسانه ها مریبان جامعه.

۳ - ضرر رسانه های گروهی فاسد، بالاتر از خرابیهای توپ و تانک و سلاحهای غرب.

۴ - نقش رادیو و تلویزیون بالاتر از همه دستگاهها.

۵ - جدیت در سالم سازی برنامه های رادیو و تلویزیون.

۶ - عنایت بیشتر به اخبار رادیو تلویزیون.

۷ - فساد رادیو تلویزیون سبب فساد ملت.

۸ - مطبوعات مدرسه سیار.

۹ - مطبوعات بنگاه هدایت.

۱۰ - نقش مطبوعات در تربیت جامعه.

۱۱ - سست کردن مبانی تحلیلی دشمن یکی از رسانتهای مطبوعات.

۱۲ - رسالت مطبوعات آگاه سازی از مسائل روز و جلوگیری از انحرافات.

۱۳ - قلم انتقامجویی قلمی شیطانی.

۱۴ - حرمت مجلات، کتب و سخنرانیهای خلاف اسلام و عفت عمومی و مصالح کشور.

۱۵ - وظیفه ارگانهای تبلیغی چون وزارت ارشاد و سازمان تبلیغات در امر تبلیغات.

۱۶ - وظیفه وزارت امور خارجه در امر تبلیغ.

۱۷ - لزوم وجود نشریات تبلیغی در خارج کشور.

۱۸ - اعزام مبلغ از امور بسیار مهم.

۱۹ - تبلیغ انقلاب اسلامی وظیفه ایرانیان مقیم خارج.

۲۰ - یاد گرفتن زبانهای دیگر کشورها برای تبلیغ اسلام عبادتی بزرگ.

- ۲۱ - لزوم تناسب وضع تبلیغ با نیازها.
 ۲۲ - لزوم تربیت نسل جوان برای تبلیغ.
- ج - تبلیغات سوء دشمنان
- ۱ - بسیج و گسترش نیروهای تبلیغاتی مستکبران بر علیه مبارزات ملت ایران.
 ۲ - هجوم عوامل ضد انقلاب از راه قلم و زبان.
 ۳ - اشاعه مادیّت هدف شوم منحرفین.
 ۴ - هشیاری و وحدت مسلمین خنثی کننده تبلیغات مستمگران.
- ۱۴ - شهادت، شهدا، جانبازان و اسراء
- ۱ - شهادت ها بیمه کننده اسلام.
 ۲ - شهادت، یک شیوه مرضیه در تاریخ شیعه.
 ۳ - پیوستگی خون شهداء با خون و راه انبیاء (ع) و اولیاء.
- ۴ - نقش روحیه شهادت طلبی در پیشبرد انقلاب.
 ۵ - تربیت پاک شهیدان تا قیامت مزار عاشقان و عارفان و دل سوختگان و دارالشفاء آزادگان.
 ۶ - معلولین، زبان گویای اسلام.
 ۷ - جانبازان، شهدای زنده.
 ۸ - قبور شهدا و ابدان معلولان، زبان گویا و شاهد عظمت روح جاوید آنان.
 ۹ - کارنامه نورانی شهادت و جانبازی گواه صادقی بر کسب والاترین امتیازات.
 ۱۰ - فرزندان شهدا، اسراء و مفقودین و جانبازان و ذخیره های عظیم تداوم انقلاب.
 ۱۱ - رسیدگی به وضع بازماندگان شهداء.
 ۱۲ - رسیدگی به امور فرهنگی فرزندان شاهد.
 ۱۳ - احترام و عطف به خانواده های شهداء، جانبازان و مفقودین و اسراء.
 ۱۴ - رسیدگی به امور جانبازان.

روش تحقیق پیرامون نظرات حضرت امام



بی شک بررسی و کنکاش پیرامون نظرات و جنبه های گوناگون شخصیت امام خمینی (قدس سره) از ظرافت و حساسیت خاصی برخوردار است، ابعاد و جنبه های مختلف و به ظاهر متضاد امام، به تنهایی کافی است تا هر پژوهش گری را به زحمت انداخته و تحقیقات وی را با مشکل جدی روبرو سازد.

همچنین باید توجه داشت که معظم له در طول زندگی سیاسی و اجتماعی خود با جریانات و تلاطم های سیاسی بسیاری روبرو بودند، که طبعاً شرائط ویژه هر مقطع، موضع گیری مناسبی را از سوی ایشان ایجاب می نمود، روشن است که کشف این دقائق نیز مسئولیت سنگین محققین را دو چندان می نماید.

گذشته از دو مطلب سابق، باید اضافه کنیم که افکار اشخاصی همچون امام بزرگوار با ذهنی پویا و بالنده، در طول زمان، تجربه ها اندوخته و دائماً در حال رشد و تعالی و تکامل می باشند. این نکات در مجموع می تواند دورنمایی از ظرافت ها و پیچیدگیهای تحقیق پیرامون معظم له را آشکار سازد.

از این رو قبل از پرداختن به هرگونه تجزیه و تحلیل می‌بایست اصول و قواعدی را تبیین و تدوین نموده و آن را به عنوان روش تحقیق و اساس کار قرار داد. زیرا که فرو رفتن در این دریای ژرف و پهناور بدون ابزاری مناسب و شیوه‌ای متقن نه تنها گوهری را به ارمغان نخواهد آورد بلکه خطراتی را نیز به دنبال خواهد داشت.

البته ما خود نیز مدعی شناخت چنین روشی نبوده و نیستیم و هدفمان از بیان این مطالب بیشتر یادآوری و تذکار دوباره بر اهمیت پرداختن بدین امر مهم می‌باشد. ولی از آنجا که در مسیر همان فعالیت جزئی به نکاتی چند برخورد نموده‌ایم تنها به عنوان فتح بابی در این خصوص به محضر خوانندگان محترم عرضه می‌داریم. شاید این مختصر الهام بخش ذهنهای فعال و جستجوگر محققان باشد.

اصولاً تحقیقاتی اینگونه دارای چهار مرحله اصلی و اساسی می‌باشد:

۱- تجزیه و دسته‌بندی: در قدم اول بایستی رهنمودها، پیام‌ها، نامه‌ها و نوشته‌ها و حتی سیره عملی (فردی و اجتماعی) امام امت (قدس سره) تجزیه شده و به موضوعات مختلف تقسیم شده چنانچه قبلاً نیز اشاره شد، پیش از شروع به فیش برداری، تهیه فهرستی از موضوعات مورد تحقیق می‌تواند تا حدود زیادی از دشواری کار بکاهد. (در صفحات گذشته توضیح بیشتری در این مورد آورده شد.)

۲- ترکیب و تحلیل: پس از آنکه تمام نظرات معظم له به صورت یادداشتهای مستقل در ذیل هر موضوع گردآوری شد، قدم بعد که تحلیل و تبیین هر موضوع است آغاز می‌شود و در حقیقت قسمت اصلی و حساس تحقیق از هم اینجا شروع می‌گردد. در این مرحله نیز نکاتی را باید مورد توجه قرار داد.

الف- قرائن متصله و منفصله - در برخورد با هر فیش باید توجه داشت که:

اولاً: این جمله یا جملات در یک گفتار و یا نوشتار کامل وجود داشته که مفهوم

آن نیز در آن مجموعه معنی می‌یابد.

ثانیاً: هر سخن در شرائط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی خاصی بیان شده که

غالباً بی ارتباط با آن شرائط نمی‌باشد.

بنابر این کسی که عهده دار تحلیل یک موضوع است بایستی هر فیش را در

مقایسه با جملات قبل و بعد از آن ملاحظه نموده و آن کلام را با توجه به شرائط ویژه

زمانی و مکانی آن مورد بررسی قرار دهد. خلاصه آنکه باید در مورد هر عبارت تمام قرائن

متصله و منفصله را جمع‌آوری نموده و از مجموع آن به معنای سخن پی برد.

ب - مجموعه نگری: اگر هدف، بررسی و تحلیل دقیق و عمیق نظرات حضرت امام باشد بی شک باید تمام رهنمودها و حتی سیره عملی و حرکت اجتماعی ایشان را در پیرامون هر موضوع ملاحظه کرد. تنها در این صورت است که می توان قضاوت نهائی را در این زمینه ابراز نمود.

به عنوان مثال اگر سخنان امام در مورد فقه سنتی را بدون ملاحظه رهنمودهای ایشان در مورد نقش زمان و مکان و یا حتی بدون توجه به فتاوی و نقطه نظرات معظم له در حکومت، سیاست و اقتصاد مورد ارزیابی قرار گیرد، طبیعی است که این برداشت نمی تواند بیانگر ایده واقعی ایشان باشد. چنانچه بالعکس اگر کسی فقط بر دو عنصر زمان و مکان و پویائی تأکید کند و دفاع بی قید و شرط ایشان از فقه جواهری و شیوه سلف صالح را نادیده گیرد، بدیهی است به نتایجی خواهد رسید که با دیدگاه معظم له فاصله طولانی دارد.

اینجا است که توجه به عام و خاص، مطلق و مقید و حتی ناسخ و منسوخ کلمات امام و هرگوینده دیگری، دخالت تام در نتیجه نهائی و میزان واقع نمائی تحلیل مزبور دارد.

همچنین گاهی میزان تأکید و پافشاری و نوع برخورد حضرت امام (قدس سره) با جنبه های گوناگون یک موضوع می تواند راهگشای فهم دقیق نظریات ایشان باشد.

۳ - مستند نویسی: پس از تبیین کامل اصل نظریه، در مرحله بعد باید به تحقیق در مبانی علمی، فقهی، سیاسی و اجتماعی آن نظریه اقدام نمود، این کار اگرچه به ظاهر جنبه «استحباب» دارد ولی بی گمان بر استحکام، اعتبار و غنای پژوهش خواهد افزود.

چنانچه اشاره شد بحث در مبانی و ریشه های نظرات معظم له فقط اختصاص به مباحث فقهی و علمی ندارد بلکه حتی در مسائل سیاسی و اجتماعی نیز می توان با تحلیل اوضاع و شرایط حاکم بر ایران و جهان به ارزیابی نقطه نظرات معظم له پرداخت. مثلاً آنجا که بحث از اجتهاد و اقتصاد و سیاست اسلامی است باید مبانی فقهی و اعتقادی آن بزرگوار را بازشناخت و آنجا که سخن از مبارزه با بت پرستی مدرن و تشکیل هسته های مقاومت حزب الله در سراسر جهان است باید مبانی عینی و اجتماعی آن را ترسیم نمود.

۴ - تنظیم و تدوین: آنچه در این مرحله مهم است نحوه تنظیم نتایج تحقیقات می باشد. بهتر و مناسب تر آن است که در تک تک موضوعات، هر سه مرحله فوق به

صورت مجزا و پی در پی آورده شود، بدین معنی که به عنوان مثال در بحث «اجتهاد و نقش زمان و مکان» ابتداءً اصل و متن نظریات امام (اعلی الله مقامه) به ترتیب تاریخ ذکر گردیده (البته می‌توان تنها به ذکر فیش‌های مهم اکتفاء نموده و بقیه را با ذکر نشانی به مرجع اصلی آن احاله کرد) و سپس در دنباله آن، بخش تحلیل و توضیحات اضافه شود و در انتها نیز بحث از مستندات و مبانی به صورتی مستقلی ذکر گردد.

اهمیت این نحوه تنظیم بدان جهت است که علاوه بر کارآئی بیشتر و بهره افزون‌تر آن، از درهم آمیختن اصل نظرات معظم له با تحلیل‌ها جلوگیری کرده و اگر احیاناً اشتباهی در توضیحات رخ داده باشد اصل عبارات را خدشه دار نمی‌سازد. مضافاً بر اینکه قسمت اول این مجموعه که همان متن رهنمودهاست، همیشه به عنوان اصلی محکم و معیاری برای ارزیابی برداشت‌ها و تحلیل‌های ارائه شده باقی خواهد ماند.

تهیه این دائرة المعارف عظیم اگرچه گسترده و پرزحمت است ولی می‌تواند برای همیشه امام عزیز (رضوان الله تعالی) را به عنوان الگوئی زنده و ارزنده حفظ نموده و راه و روش او را به عنوان استراتژی انقلاب اسلامی در سطح جهانی ترمیم نماید.

امید آنکه قدم‌ها و قلم‌های خالصانه مؤمنان، زمینه ساز دولت حقّه و حکومت پاینده حضرت حجّت (ارواحنا فداه) باشد. اللهم عجل لولیک الفرج و انصر ناصریه و اخذل خاذلیه.



بقیه از صفحه ۱۴۲

- ۲۲ - معیارهای شناخت امام از احمد کنعانی
- ۲۳ - زی طلبگی از نهضت زنان مسلمان
- ۲۴ - گنجینه دانشوران / ۱۷.
- ۲۵ - تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر ج ۲ / ۲۷۰.
- ۲۶ - زعیم الاسلام خمینی از امیری اراکی
- ۲۷ - دیدگاهها و انقلاب اسلامی ایران ج ۱ / ۹۲ - ۹۹
- ۲۸ - تفصیل الشریعة - الاجتهاد و التقليد - از آیت الله محمد فاضل (مقدمه).
- ۲۹ - رمز پیروزی مردان بزرگ از جعفر سبحانی
- ۳۰ - الخمینی اقواله و افعاله از احمد مغنیه

کسی مدعی آن نیست که مردم و پابره‌نه‌ها مشکلی ندارند و همه امکانات در اختیار مردم است مسلم آثار ده سال محاصره و جنگ و انقلاب در همه جا ظاهر می‌شود و کمبودها و نیازها رخ می‌نماید. ولی من با یقین شهادت می‌دهم که اگر افرادی غیر از روحانیت جلودار حرکت انقلاب و تصمیمات بودند امروز جز ننگ و ذلت و محاسن بسیار امریکا و جهان‌خواران و جز عدول از همه معتقدات اسلامی انقلاب پییزی برایمان نمانده بود لازم به یادآوریست که ذکر شمه‌ای از وضع انقلاب و روحانیت به معنای آن نیست که طلاب و روحانیون عزیز در فردای این نوشته حرکت تند و انقلابی بنمایند بلکه هدف علم و آگاهی به نکته‌هاست که در انتخاب مسیر با بصیرت حرکت کنند و خطرها و گذرها و کمینگاهها را بهتر بشناسند اما در مورد دروس تحصیل و تحقیق حوزه‌ها اینجانب معتقد به فقه سنتی و اجتهاد جواهری هستم و تخلف از آن را جایز نمی‌دانم اجتهاد بهمان سبک صحیح است..... در بین جامعه مدرسین و طلاب انقلابی اختلافی نیست اگر باشد بر سر چیست بجز سر اصول یا بر سر سلیقه‌ها آیا مدرسین محترم که ستون محکم انقلاب در حوزه‌های علمیه بوده‌اند نعوذ بالله به اسلام و انقلاب و مردم پشت کرده‌اند مگر همانها نبودند که در کوران مبارزه حکم به غیرقانونی بودن سلطنت دادند مگر همانها نبودند که وقتی یک روحانی بظاهر در منصب مرجعیت از اسلام و انقلاب فاصله گرفت او را به مردم معرفی کردند. آیا مدرسین عزیز از جبهه و رزمندگان پشتیبانی ننمودند اگر خدای ناکرده اینها شکسته شوند چه نیروئی جای آنان را خواهد گرفت

قال النبي (ص):

انّ مثل العلماء في الأرض
كمثل النجوم في السماء



حضرت آيت الله العظمى امام خميني

(رضوان الله تعالى عليه)